

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فصلنامه مدیریت و پژوهش های دفاعی

نشریه علمی - ترویجی

دانشگاه جامع امام حسین (ع)

دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)

### معاونت پژوهش

سال سیزدهم، شماره ۷۶، پاییز ۱۳۹۳

درجه علمی فصلنامه مدیریت و پژوهش های دفاعی،  
براساس مجوز شماره ۳/۲۳۳۳۹۲ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۵ کمیسیون  
بررسی نشریات علمی کشور، به عنوان نشریه علمی - ترویجی،  
مورد تأیید قرار گرفته است.

## فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی

نشریه معاونت پژوهش دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)

صاحب امتیاز: دانشگاه جامع امام حسین<sup>(ع)</sup> دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)

مدیر مسئول: دکتر عباس نیلفروشان

سر دبیر: دکتر محمد باقر بابائی طلائی

دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: محمد رضا بشارتی

### اعضای هیأت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

دکتر محمدباقر بابائی دانشیار دانشگاه جامع امام حسین<sup>(ع)</sup>  
دکتر محمد بیگلری استادیار دانشگاه جامع امام حسین<sup>(ع)</sup>  
دکتر محمد رضا خراشادی زاده استادیار دانشگاه دفاع ملی  
دکتر محمد جواد سبحانی فر دانشیار دانشگاه جامع امام حسین<sup>(ع)</sup>  
دکتر عباسعلی سلمانی استادیار دانشگاه جامع امام حسین<sup>(ع)</sup>  
دکتر محمد رضا شمس دولت آبادی استادیار دانشگاه دفاع ملی  
دکتر اسماعیل کاووسی استادیار دانشگاه آزاد اسلامی  
دکتر قدیر نظامی استادیار دانشگاه دفاع ملی

### همکاران این شماره به ترتیب:

محمد ازگلی، مهدی بزرگزاده، علی برزونی، احمد باصری، محمد جواد پیر مرادی، محمد جواد سبحانی فر، عباسعلی سلمانی، هادی مراد پیری، سعید مهاجرانی، محسن رئیسی، یعقوب زهدی، ابوالقاسم مردمی، مهدی نطاقپور.

ویراستار: غلامرضا گودرزی

صفحه آرا: حسین ملکوتی خواه

طراح جلد: علی کریمی

ناظر چاپ: مهدی محمودی

چاپ: چاپخانه بلاغ

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

صندوق پستی: ۶۷۳ - ۱۶۵۳۵

دورنگار: ۷۷۱۰۵۷۳۲

دفتر فصلنامه: تلفن ۷۷۱۰۵۷۵۸

نشانی: تهران، بزرگراه شهیدبابایی، بعد از پل لشکرک، دانشگاه جامع امام حسین<sup>(ع)</sup> - ساختمان شهید همت -

دانشکده و پژوهشکده دفاعی - معاونت پژوهش

<http://www.rdef.ihu.ac.ir>

E-Mail: [babae@ihu.ac.ir](mailto:babae@ihu.ac.ir)

\*\*\*

کلیه حقوق مادی و معنوی برای معاونت پژوهش دانشکده و پژوهشکده دفاعی محفوظ است.

مطالب مندرج در فصلنامه به منظور اطلاع‌رسانی به دانش‌جویان و دانش‌پژوهان گرامی تهیه می‌شود و لزوماً منعکس‌کننده دیدگاه‌های دانشکده و

پژوهشکده دفاعی نیست.

## شرایط تدوین و ارسال مقاله‌های علمی و پژوهشی برای چاپ در فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی

۱- مقاله باید دستاورد پژوهش علمی نگارنده و برخوردار از مختصات روش‌شناختی و سامان‌یافته، در  
ارایه موضوع مورد تحقیق بوده و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.

۲- پذیرش مقاله برای چاپ به عهده هیأت تحریریه فصلنامه است که بعد از داوری و تأیید همکاران  
علمی نشریه، صلاحیت چاپ آن اعلام خواهد شد. بدیهی است که فصلنامه هیچ‌گونه تعهدی در قبال  
پذیرش یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت و تمامی مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی یا دیدگاه‌های  
نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان آن خواهد بود. در عین حال، فصلنامه  
مدیریت و پژوهش‌های دفاعی در ویرایش مندرجات مقاله آزاد است.

۳- مقاله حداکثر در **۲۵ صفحه چاپی** و بر یک روی **کاغذ A4**، با لوح فشرده در **نرم‌افزار Word**  
**نسخه ۲۰۰۷ به بعد**، همراه اصل مقاله ارسال گردد.

۴- مقاله ارسالی باید دارای ساختار مقالات علمی - ترویجی و با رعایت شرایط زیر باشد:

۴-۱- مقاله ارسالی باید دارای عنوان، چکیده (حداکثر ده سطر)، کلیدواژه‌ها (سه الی پنج کلید  
واژه)، مقدمه، متن، نتیجه‌گیری، خلاصه انگلیسی و فهرست منابع طبق راهنمای نحوه ارایه مقاله‌های  
علمی در انتهای توضیحات زیر، باشد.

۴-۲- مقاله باید برخوردار از عنوان دقیق علمی متناسب با محتوا، رسا و مختصر باشد.

۴-۳- مقدمه مقاله محل طرح و بیان نظری موضوع مقاله، اهمیت و ابعاد موضوع مسأله مورد  
پژوهش و بیان منظور پژوهشگر از طرح و انتشار آن است.

۴-۴- نتیجه‌گیری: در پایان مقاله، می‌بایست نتایج حاصل از تحقیق و آزمون فرضیه، که روش‌نگر  
بحث و نتیجه‌گیری باشد، ارائه گردد.

۴-۵- منابع مورد استفاده: تمام منابع مورد استفاده در متن، بایستی در فهرست منابع پایان مقاله به  
ترتیب حروف الفبا آورده شود. در نگارش ارجاعات مربوط به منابع در داخل متن، نام مؤلف، سال  
انتشار منبع و صفحه‌ی مورد استفاده بدین شکل (اسمیت، ۲۰۰۱، ۲۲) یا (Smith, 2001, p. 22) نگاشته  
می‌شود.

در مواردی که تعداد نویسنده بیش‌تر از یک نفر باشد، ذکر منبع بدین صورت خواهد بود (اسمیت  
و همکاران، ۲۰۰۱، ۲۲) و یا (Smith, et.al, 2001, p. 22). برای ارجاع به منابع اینترنتی بدین شکل

(www.smith,2001) نگاشته می‌شود. در نگارش متن، معادل لاتین اسامی افراد یا اصطلاحات و واژه‌های ضروری با شماره ارجاع در پاورقی هر صفحه آورده می‌شود.

۶-۴ - ترتیب شناسه‌های کتاب‌شناختی در صفحه فهرست در مورد مقاله، کتاب، گزارش و سایر مراجع به شرح زیر است:

- مقاله‌ها: نام نویسنده (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام مجله، دوره، شماره و صفحات مقاله.
- کتاب‌ها: نام نویسنده (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح. محل انتشار: نام ناشر.
- منابع اینترنتی: نام نویسنده (تاریخ انتشار)، عنوان متن، نام سایت یا صفحه اینترنتی > نشانی دسترسی، (تاریخ مشاهده).

۷-۴ - خلاصه انگلیسی (۲۰-۱۵ سطر) باید همراه مقاله با مشخصات کامل نویسنده

عنوان	نوع قلم	عنوان	نوع قلم
عنوان مقاله با (تیترا ۱)	B Titr 16 Bold	متن چکیده و کلید واژه‌ها	B Lotus 11 Italic
عنوان چکیده، کلید واژگان، مقدمه و نتیجه‌گیری با (تیترا ۲)	B Zar 12 Bold	متن پانویس فارسی	B Lotus 10
عناوین فرعی زیرمجموعه‌ی تیترا ۲ با (تیترا ۳)	B Zar 11 Bold	متن پانویس انگلیسی	Roman 9
عناوین فرعی زیرمجموعه‌ی تیترا ۳ با (تیترا ۴)	B Lotus 11 Bold	متن مقاله	B Lotus 13
تیترا جدول‌ها، نمودارها و عکس‌ها (تیترا جدول و نمودارها باید بالای آنها در وسط ذکر شود).	B Lotus 11 Bold	ارجاعات منابع داخل متن به فارسی	B Lotus 10
		ارجاعات منابع داخل متن به انگلیسی	Roman 9

جدول (۱): مشخصات قلم‌های مورد استفاده در نگارش مقاله

## سخن سردبیر

این فصل مصادف با اربعین حسینی و راه پیمایی میلیونی مردم، ظهور جریان تکفیری داعش، هفته وحدت و بی حرمتی به ساحت مقدس پیامبرگرامی اسلام(ص) و حوادث تلخ و شیرین دیگری بود که جا دارد هر دل سوخته انقلاب و مدعیان پیروان رهبری بدان توجه داشته باشد و به تکلیف خود عمل نماید. در خجسته عید میلاد پر برکت نبی مکرم اسلام و ولادت صادق آل محمد(سلام الله علیهم)، رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار قشرهای مختلف مردم، مسئولان لشکری و کشوری، علما و اندیشمندان شرکت کننده در کنفرانس وحدت اسلامی و سفیران کشورهای اسلامی، «وحدت» را درس بزرگ پیامبر خاتم و نیاز مبرم امت اسلام خواندند و تأکید کردند تجلیل از رسول ختمی مرتبت نباید به حرف و سخن محدود شود، بلکه تلاش برای تحقق پیام‌های وحدت بخش آن حضرت(ص) باید مهم‌ترین اولویت کشورهای اسلامی و ملت‌های مسلمان باشد.

مقام معظم رهبری، میلاد پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را میلاد «علم، عقل، اخلاق، رحمت و وحدت» خواندند و خاطر نشان کردند: در تحقق این مفاهیم عمیق و سعادت بخش، وظیفه مسئولان، سیاست‌مداران، علما و نخبگان کشورهای اسلامی بسیار سنگین‌تر است.

ایشان با ابراز تأسف عمیق از موفقیت طرح‌های تفرقه‌انگیز دشمنان اسلام تأکید کردند: اگر ملت‌های مسلمان با این امکانات عظیم و ویژگی‌های منحصر بفرد نه در جزئیات، بلکه در جهت‌گیری‌های کلی همدل و هم‌زبان شوند ترقی و تعالی امت اسلامی تضمین می‌شود و انعکاس جهانی وحدت و هم‌زبانی دنیایی اسلام مایه شرف آبرو و عظمت پیامبر اسلام(ص) خواهد شد.

رهبر انقلاب، نماز پرشکوه ملت‌های مسلمان در عید فطر و اجتماع عظیم حج را دو نمونه از هم‌جهتی عزت بخش امت اسلام بر شمردند و افزودند: «در اربعین حسینی امسال نیز، میلیون‌ها مسلمان که اهل تسنن نیز در میان آنها بودند حادثه عظیم و عجیب آفریدند که انعکاس جهانی آن به عنوان بزرگترین گردهمایی مسلمانان جهان، زمینه‌ساز افتخار و عظمت دنیای اسلام شد».

رهبر معظم انقلاب در تبیین عوامل ایجاد اتحاد دنیای اسلامی، پرهیز از سوءظن و

اهانت فرّق مختلف شیعه و سنی نسبت به یکدیگر را بسیار مهم دانستند و با اشاره به تلاش گسترده مراکز «جاسوسی و اطلاعاتی غرب» برای تفرقه افکنی خاطر نشان کردند: «آن تشیعی که با Mi6 انگلیس مرتبت است و آن تسنی که مزدور CIA است هردو ضد اسلام و ضد پیامبرند» مقام معظم رهبری با یادآوری پرچمداری امام خمینی(ره) در بحث وحدت اسلامی، به تلاش های بی وقفه جمهوری اسلامی در این زمینه اشاره و خاطر نشان کردند: در ۳۵ سال اخیر کمک های ایران به برادران مسلمانان غالباً به برادران اهل سنت بوده است و نظام اسلامی و ملت ایران با حمایت مستمر از ملت فلسطین و مردم کشورهای منطقه، پایبند عملی خود را به شعار وحدت، ثابت کرده است.

ایشان خطاب به سیاست مداران علما و روشنفکران جهان اسلام این سؤال را مطرح کردند: «هنگامی که زورگویان جهانی برای ایجاد اسلام هراسی و تخریب چهره نورانی اسلام بشدت مشغول فعالیت اند. آیا سخنان تفرقه انگیز و تخریب متقابل چهره فرق اسلامی، خلاف حکمت و عقل سیاست نیست؟» وقتی مجله شارلی ابدو در راستای سناریوی اسلام هراسی اقدام به چاپ دوباره کاریکاتور توهین آمیز به پیامبر رحمت(ص) می کند و عده ای در داخل با بی شرمی دم از آزادی زده و «من شارلی هستم» را تیترو روزنامه می کنند.

اما باید گفت بر اساس آموزه های فرهنگ علوی، آنکه به اسم دین تکفیر می کند و آنکه به اسم آزادی کفر گوئی، هر دو، دو سر یک طیف اند و دست نشان در دست هم است. شارلی نویسان باتوهین و کفرگوئی، تکفیر و افراط می آفرینند و به سرزمین های مسلمانان روانه شان می کنند و دیگران با تمسک به اسم آزادی مرام آنها را ترویج و وجهه مدنیت سر می دهند و با روشن کردن شمع با قربانیان آن هم دردی می کنند. وقتی راهپیمائی پاریس را بعد از به ظاهر کشته شدن تعدادی مشاهده کردم که چگونه سران کفر و آنهایی که داعش را ایجاد کرده اند و هر روز با ارسال مهمات و تجهیزات از آنها حمایت می کنند، در صف واحد ایستاده و همگام با نتانیاهو حرکت می کنند در صورتی که در عراق و سوریه هر روز تعدادی را سر می برند و با سر آنها فوتبال بازی می کنند و بی شرمانه ترین وقایع تاریخ را به نام اسلام به ثبت می رسانند و در سرمای استخوان سوز، بچه ها در خرابه ها و چادر زندگی کرده و از شدت سرما یخ می زنند؛ اما گویی



سرما، حواس‌های ما را منجمد کرده احساسات انسانی ما را میرانده است تا جای که قلب‌های یخ زده بچه مسلمان‌های سوری و عراقی را حتی به اندازه شمعی که برای فرانسوی‌ها هم روشن کردیم، گرما نمی‌بخشیم که گویی آنان از دیار فراموش شدگان این کره خاکی اند.

عزیزی چه خوش نوشته بود که «تصاویر این روزهای فرانسه تکان دهنده است. وحدت فرانسویان و برخی از ملل دیگر به بهانه کشته شدن هفده نفر... و ما در اینجا در جهان اسلام سالهاست که داریم قربانی می‌دهیم و کک مان هم نمی‌گزد! چند ماه است که داعش در عراق و سوریه دارد سر می‌برد، تجاوز می‌کند و ویران می‌کند و ما در خوابیم!»!

برای یک بار هم شده این پز لعنتی روشنفکری را بریزیم دور! بلند داد بزنیم که ما شارلی نیستیم... ما محمدی هستیم... ما محمدی هستیم... که جوان عزیز خود را رو در روی جریان ترور و تکفیر قرار می‌دهیم و در همان روزها جنازه او را بر دستان خود تشییع می‌کنیم. ما محمدی هستیم که در مقابل ترور و تکفیر جان عزیزترین جوانان خود را فدا می‌کنیم. ما محمدی‌ها حالا حالاها صدایمان در مقابل جریان تکفیر داعشی و شارلی فرانسوی، بلند و بلند تر است. باشد که هر چه زودتر از خواب غفلت بیدار شویم و بیش از این خود را به خواب نزنیم و به ندای رهبری لبیک گوییم. «همه ما مسلمانان باید با تکیه بر متون قرآن از جمله آیه شریفه اشداء علی الکفار و رحماء بینهم» در مقابل استکبار و سرطان مهلک صهیونیسم جهانی و در رأس آنها آمریکا و دولت غاصب اسرائیل بایستیم و در میان خود مهربان و همراه و همدل باشیم<sup>۱</sup>، به امید آن روز.

**دکتر محمد باقر بابائی طلا تپه<sup>۲</sup>**

---

۱ - روزنامه حیات طیبه / جمعه ۲۶ دی ۱۳۹۳ / شماره ۱۸۴ ص ۱

۲ - mbbabae@inu.ac.ir

- |     |   |   |
|-----|---|---|
| ۱   | عباس تقدسی‌نژاد<br>دکتر الله‌مراد سیف           | * تأثیر تحریم خرید نفت ایران بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران                             |
| ۳۳  | مصطفی تاجیک اسماعیلی<br>دکتر محمدجواد سبحانی‌فر | * منابع تنش جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران |
| ۷۱  | منصور کمالی<br>دکتر حسین اردستانی               | * علل و عوامل نظامی مؤثر بر تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران                                 |
| ۹۹  | حمید رضایی قهرودی<br>دکتر محمدرضا مردانی        | * تعیین و اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت در اردوهای جهادی سازمان بسیج دانشجویی                |
| ۱۱۹ | علیرضا مظهری<br>محمدرضا بشارتی                  | * عضویت ترکیه در ناتو و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران                             |
| ۱۴۷ | محمد مهدی فدائیان<br>سید عطاء‌الله بدیع‌زادگان  | * بررسی حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در بحرین و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران   |
| 1-6 | دکتر محمد جواد پیرمرادی                         | * ترجمه چکیده مقالات به انگلیسی   |



فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)

سال سیزدهم، شماره ۷۶، پاییز ۱۳۹۳، صص ۳۲-۱

## تأثیر تحریم خرید نفت ایران بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

عباس تقدسی نژاد<sup>۱</sup>

دکتر الله‌میراد سیف<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۲۰

### چکیده

نفت خام به عنوان اصلی‌ترین عنصر صادراتی و مهم‌ترین منبع تأمین ارز کشور، خون رگ‌های زیست اقتصادی ایران می‌شود؛ بنابراین پژوهشگران این موضوع را به عنوان یک موضوع راهبردی، آینده‌پژوهانه و متناظر با مشکلات کشور انتخاب نمودند. فضای امنیتی هر کشور مرهون عوامل مختلف از جمله مسأله اقتصاد است که در ذیل مبحثی همچون امنیت اقتصادی به عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی مدنظر تحلیل‌گران راهبردی بوده و «امنیت درآمد و اشتغال خانوار» و «امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه» شاخص‌های مطرح امنیت اقتصادی هستند که در این مقاله بررسی می‌شوند. روش تحقیق، پرسشنامه‌ای و به صورت تمام‌شمار با مراجعه حضوری به نخبگان آشنا با یک یا هر دو متغیر اصلی تحقیق (تحریم خرید نفت (متغیر مستقل)، امنیت اقتصادی (متغیر وابسته)؟، بوده است. سؤالات اصلی و فرعی تحقیق، آثار تحریم خرید نفت ایران بر امنیت اقتصادی و شاخص‌های آن را مدنظر داشته و مؤثر بودن شاخص‌های امنیت درآمد و اشتغال خانوار و سرمایه‌گذاری بنگاه در امنیت اقتصادی فرضیات تحقیق هستند. در این تحقیق تلاش شد با کمک آزمون‌های مختلف ضمن تأیید فرضیات مطرح‌شده، در نهایت ترتیب و توالی مؤلفه‌های ۱۶گانه ناشی از تحریم خرید نفت بر امنیت اقتصادی و متغیرهای آن مشخص شود؛ بررسی‌ها نشان داد، کاهش اعتبار ارزی دستگاه‌های دولتی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک؛

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع).

ضمن بی‌ثباتی بازار ارز، بیش از سایر مؤلفه‌ها، امنیت اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** تحریم اقتصادی، تحریم خرید نفت، امنیت اقتصادی، منابع ارزی دولت.

### مقدمه

ماهیت سلطه‌ستیز و ظلم‌ناپذیری انقلاب اسلامی ایران در عصر استیلاجویی نظام سلطه و دوران سیطره هژمونیک<sup>۱</sup> و سلطه‌جویانه رفتار سیاسی اقتصادی ایالات متحده آمریکا که مدعی قدرت بلامنازع جهانی بوده و سودای رهبری جهان را در سر می‌پروراند آن را به مبارزه مستمر با قدرتمندان موجود عالم سوق داده است. موقعیت مهم جمهوری اسلامی ایران در معادلات منطقه‌ای و وزن روزافزون ژئوپولیتیکی<sup>۲</sup> آن در کنار تضاد<sup>۳</sup> ماهوی این نظام با نظام سلطه، آمریکا و متحدانش را به تداوم ستیزش<sup>۴</sup> با این پدیده نوظهور فرا می‌خواند. در این میان به دلیل سیالیت و درهم‌تنیدگی نظام دولت‌ها از سویی و شتاب روزافزون تحولات بین‌المللی از سوی دیگر، هرروزه شاهد ظهور و بروز صحنه‌های جدیدی از تخاصم و چالش در عرصه منازعات<sup>۵</sup> فزاینده جمهوری اسلامی با سرکردگان سلطه جهانی هستیم. ماهیت به‌روزشوندگی تغییرات و تهدیدات پیرامونی، ضرورت مطالعات مستمر و مداوم را برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی در مواجهه با چالش‌ها و منازعات فراروی آن دوچندان می‌سازد تا از این رهگذر ضمن شناسایی تأثیرات محتمل تهدیدها<sup>۶</sup> بر امنیت<sup>۷</sup> جمهوری اسلامی ایران، بستری برای مقابله بهینه با تبعات و آسیب‌های آن‌ها را فراهم نماید. نفت<sup>۸</sup> به‌عنوان یک منبع خدادادی در طی سالیان متمادی باعث کسب درآمد و در عین حال عاملی برای طمع بیگانگان در کشورمان برای چپاول این ثروت طبیعی بوده است، این ذخیره

1- Hegemonic

2- Geopolitik

3- polarity

4- Struggle

5 -Disputation

6 - Threat

7- Security

8 - Petroleum

زیرزمینی در کنار فرصت<sup>۱</sup>های ممکن، مایه تهدید<sup>۲</sup>هایی نیز برای ایران بوده است. پس از انقلاب اسلامی با رویکرد ضد امپریالیستی ایران، عملاً دست استعمار، به خصوص آمریکایی‌ها از منابع کشور کوتاه شد. این مهم باعث شد تا دشمنی‌های آمریکا در قالب‌های مختلف از جمله فشار اقتصادی برای روی‌گردان نمودن نظام و ملت ایران از آرمان‌هایش جلوه‌گر شود. یکی از این اقدامات تحریم<sup>۳</sup> نفت کشورمان طی دوره‌های مختلف بوده است. از آنجاکه امنیت اقتصادی<sup>۴</sup> یکی از شاخصه‌های مهم امنیت ملی<sup>۵</sup> هر کشور محسوب می‌شود، این مقاله بر آن است تا با بررسی تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در حوزه خرید نفت خام، تأثیر آن تحریم‌ها را بر امنیت اقتصادی کشورمان بررسی کند.

### بیان مسأله

طی سال‌های اخیر، آمریکا به دنبال اهداف سلطه‌جویانه خود از تحریم به‌عنوان یک وسیله مهم علیه ایران، استفاده نموده است. در این تحریم‌ها آنچه بیشتر از همه مدنظر بوده تغییر رفتار و تضعیف توانایی کشورمان در دستیابی به اهداف خود و در نهایت سقوط نظام جمهوری اسلامی بوده است.

تحریم بانک‌ها، مؤسسات دولتی و خصوصی، اشخاص حقیقی و حقوقی و ممانعت از فروش نفت ایران از جمله انواع تحریم‌ها بوده است. نفت به‌عنوان مهم‌ترین تنظیم‌کننده تراز تجاری ایران، همواره نقشی بی‌بدیلی در تحولات تاریخ معاصر کشورمان ایفا نموده و می‌توان گفت که از منظر مقامات آمریکایی، تحریم‌های نفتی یکی از مهم‌ترین گزینه‌های مؤثر تحریمی بوده و در قالب‌هایی مثل: «تحریم خرید نفت ایران، تحریم فروش تجهیزات مرتبط با صنعت نفت به ایران، تحریم شرکت‌های فنی و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، تحریم و توقیف کشتی‌های نفتی و مسائل مربوط به بیمه این کشتی‌ها و موارد مشابه»، به اجرا گذارده شده است.

- 
- 1- Opportunity
  - 2- Threat
  - 3- Boycott
  - 4- Economic Security
  - 5- National Security

تأثیر جبران‌ناپذیر کاهش صادرات نفتی بر تولید ناخالص ملی کشور و کاهش سرمایه‌گذاری داخلی، ایجاد تراز منفی تجارت، کاهش سهم سرانه مصرف، عدم جذب و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه نفت، در کنار وابستگی فاحش اقتصاد ایران به فروش نفت خام به عنوان اصلی‌ترین عنصر صادراتی و مهم‌ترین منبع تأمین ارز به عنوان «خون رگ‌های زیست اقتصادی کشور» باعث شده است تا یکی از حربه‌های دشمنان انقلاب، در مقطع کنونی، مسأله تحریم‌های نفتی در ابعاد مختلف باشد. تحریم‌های نفتی علاوه بر تأثیرات مهم در تأمین نیازهای اساسی ایران، موجبات تهدید امنیت کشورمان را نیز فراهم می‌آورد؛ چراکه به باور اندیشمندان مطالعات امنیت، فضای امنیتی هر کشور مرهون عوامل مختلف از جمله مسأله اقتصاد است که در ذیل مبحثی با عنوان امنیت اقتصادی - به عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی - مدنظر تحلیلگران راهبردی است. بر اساس تعاریف متعددی که از امنیت اقتصادی وجود دارد، این مقوله در سه سطح امنیت فردی، امنیت اجتماعی و امنیت ملی تقسیم‌بندی شده است و هریک از این بخش‌ها دارای شاخص‌های متنوعی هستند<sup>۱</sup> (سیف، ۱۳۸۹، ۳۱). در این مقاله، از میان شاخص‌های مختلف امنیت اقتصادی به دو شاخص عمده و مهم، شامل «امنیت سرمایه‌گذاری» و «امنیت اشتغال و درآمد» پرداخته خواهد شد. تحریم‌های نفتی نیز شامل تحریم در حوزه‌های مختلفی از جمله؛ خرید نفت، سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، فروش تجهیزات فنی نفتی، بارگیری، حمل و نقل و نیز بیمه حمل و نقل نفت است که در این مقاله، تنها تحریم خرید نفت مدنظر قرار گرفته است. لازم به ذکر است، تحریم خرید نفت در مجموع دو اثر عمده بر اقتصاد دارد: اول از طریق کاهش درآمد کشور (اثر مستقیم و کوتاه‌مدت) و دوم از طریق جلوگیری از افزایش ظرفیت تولید نفت خام ایران (اثر غیرمستقیم و بلندمدت). از آنجا که در نظام اقتصادی ایران، دولت نقش تعیین‌کننده‌ای دارد که از طریق برنامه‌های توسعه و تمهید زیرساخت‌ها زمینه

۱- تقسیم‌بندی‌های متنوع دیگری نیز برای امنیت اقتصادی وجود دارد که با توجه به اتفاق نظر عمده پژوهشگران مسائل امنیتی بر این تقسیم‌بندی، در این تحقیق نیز چنین روشی در نظر گرفته شده است.

فعالیت را برای بخش خصوصی فراهم می‌سازد و کاهش درآمد ارزی دولت می‌تواند در این روند ایجاد اختلال نماید مسأله اساسی این تحقیق آن است که چگونه و از چه طریق، تحریم خرید نفت می‌تواند امنیت اقتصادی را در ایران دچار مخاطره کند. در این تحقیق، تأثیر تحریم خرید نفت ایران، بر هر یک از شاخص‌های مطرح‌شده از امنیت اقتصادی، شامل «امنیت سرمایه‌گذاری» و «امنیت اشتغال و درآمد»، بررسی شده است تا از این رهگذر نتایج احتمالی ادامه روند تحریم خرید نفت بر امنیت اقتصادی کشور را بسنجیم.

### سؤال اصلی تحقیق

آثار تحریم خرید نفت ایران بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

### سؤالات فرعی تحقیق

- ۱- تأثیر تحریم خرید نفت ایران بر امنیت درآمد خانوار، در ج.ا.ایران چیست؟
- ۲- تأثیر تحریم خرید نفت ایران بر امنیت اشتغال خانوار، در ج.ا.ایران چیست؟
- ۳- تأثیر تحریم خرید نفت ایران بر امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه در ج.ا.ایران چیست؟

### اهداف تحقیق

- ۱- برشماری و احصاء اهمیت تأثیر و جایگاه تحریم نفت بر امنیت اقتصادی ایران
- ۲- برشماری و احصاء تأثیر تحریم خرید نفت ایران بر امنیت سرمایه‌گذاری ایران
- ۳- برشماری و احصاء تأثیر تحریم خرید نفت ایران بر امنیت اشتغال و درآمد خانوار ایران

### نوع و روش تحقیق

تحقیق حاضر با توجه به ماهیت متغیرها، از نوع تحقیقات کاربردی - توسعه‌ای است و روش آن، با توجه به نوع تحقیق و به منظور استفاده بهینه از نظرات اندیشمندان و صاحب‌نظران، روش تحقیق موردی و زمینه‌ای خواهد بود.



### ابزار و روش گردآوری اطلاعات

این پژوهش از روش کتابخانه‌ای به فیش‌برداری و جمع‌آوری اسناد و اطلاعات لازم در مباحث ادبیات تحقیق و به منظور گویه‌سازی متغیرها اقدام نموده و گویه‌های حاصله را از طریق میدانی و با ابزار پرسشنامه و مصاحبه با اساتید دانشگاه اعتبارسنجی کرده است. سپس با روش تمام‌شمار، پرسشنامه مربوطه بین نخبگانی که تحصیلات و یا مسئولیت‌هایی درخوری در حوزه دو متغیر تحقیق (یعنی اقتصاد یا امنیت) داشتند، توزیع شد.

### جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق، جامعه نخبگی شامل اساتید دانشگاه، مدیران و کارشناسان حوزه‌های اقتصادی و امنیتی کشور که حداقل با یکی از متغیرهای تحقیق آشنا باشند بوده و روش نمونه‌گیری به صورت تمام‌شمار با مراجعه حضوری به ایشان بوده است. نمونه‌های این مطالعه شامل ۴۲ نفر از نخبگان حوزه‌های مختلف مرتبط با پایان‌نامه در مراکزی مثل دانشگاه‌های اقتصاد، کمیسیون‌های اقتصادی و امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مشاوران اقتصادی مراکز و نهادهای امنیتی، مراکز تحقیقات راهبردی و مدیران مراکز اقتصادی مرتبط با نفت است.

### ادبیات و مبانی نظری تحقیق

#### ۱- تحریم

تحریم در لغت به معنای «حرام کردن» و «ناروا داشتن» است (دهخدا، ج ۲: ۲۰۵)؛ و در سیاست و حقوق بین‌الملل، اصطلاحی نسبتاً جدید است که به نظر می‌رسد از متون فقه اسلامی به ادبیات سیاسی و حقوقی راه یافته و بر مصادیقی فراتر از مسائل شرعی اطلاق شده است. مطالعه اجمالی تاریخ معاصر ایران در آستانه انقلاب مشروطیت، به ویژه رخدادهای مرتبط با جنبش تحریم کالاهای خارجی، تحول و گسترش معنایی اصطلاح تحریم را به روشنی نشان می‌دهد. امروزه محققان و مترجمان علوم اجتماعی، به‌ویژه جامعه‌شناسی و علوم سیاسی و حقوق و روابط

بین الملل، برای توصیف صورتی از تعاملات و مناسبات بین گروه‌های اجتماعی یا ملت‌ها و دولت‌ها اصطلاح تحریم را به کار می‌برند. از دیدگاه جامعه‌شناختی، تحریم واکنشی است که اعضای یک گروه اجتماعی در تأیید یا ردّ گونه‌ای رفتار بروز می‌دهند. این واکنش، در معیارهای رفتاری گروه به دو صورت، تحریم منفی (تنبیه) و تحریم مثبت (تشویق)، نمود می‌یابد و رفتارها را مطابق با هنجارهای اجتماعی تنظیم می‌کند. کارکرد اصلی تحریم در این مفهوم، فراهم آوردن الگویی برای نظارت اجتماعی و به دست دادن عاملی برای انسجام جامعه است. تحریم یا تنبیه اقتصادی، نوعی فشار و اجبار است که با کارشکنی در روابط اقتصادی و اساساً به منظور تأمین اهداف سیاسی شکل می‌گیرد (زهرانی، ۱۳۷۶: ۲۲-۲۳). تحریم‌های اقتصادی انگیزه و دلایل گوناگونی دارند اما اصل مشترک در تمام این دلایل، تنبیه است. در واقع از تحریم به منظور تنبیه کشور مورد نظر استفاده می‌شود که دلایل و انگیزه‌های تحریم بسیار مهم و نتایجی که تحریم‌کنندگان در پی آن هستند برای کشور مورد تحریم مهم‌تر است (همان: ۲۲-۲۳). تحریم عملی دسته‌جمعی و کیفری است که متضمن اقدامات لازم دیپلماتیک، اقتصادی یا نظامی در برابر کشوری است که برخلاف مصوبات منشور ملل متحد رفتار کرده است. به طور کلی تحریم‌ها به اقتصادی و غیراقتصادی تقسیم می‌شوند. تحریم‌های غیراقتصادی بیشتر در جهت محدود نمودن روابط سیاسی افراد و دولت‌ها که به نوعی متهم به نقض قوانین بین‌المللی و حقوق بشر هستند اعمال می‌شوند؛ و تحریم اقتصادی اعمال هرگونه محدودیت بر روند تجارت و سرمایه‌گذاری به منظور ترغیب نمودن کشور هدف به پذیرفتن شرایط خاص یا تغییرات در روابط و ساختار سیاسی و اقتصادی جامعه است. همچنین به لحاظ تعداد کشورهای تحریم‌کننده نیز می‌توان آن را به تحریم یک جانبه، چندجانبه و همه‌جانبه فراگیر، تقسیم‌بندی کرد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۲). تحریم، تدابیر قهرآمیزی است که توسط کشور یا گروهی از کشورها، علیه کشوری که به قوانین بین‌المللی تجاوز کرده یا از معیارهای اخلاقی مقبول تخطی کرده باشد، اعمال می‌شود (آقابخشی، ۱۳۶۳: ۲۱۳).

## ۲ - تحریم خرید نفت ایران

اولین اقدام عملی غرب به منظور تحریم نفتی ایران به سال ۱۹۵۰ میلادی و پس از ملی شدن صنعت نفت ایران بر می‌گردد که طی آن دولت بریتانیا ایران را مورد تحریم نفتی قرار داد و حتی با پیگیری‌های متعدد سعی کرد پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل نیز بفرستد. البته اکنون ساختار اقتصاد کشور به گونه‌ای است که نمی‌توان در مورد تحریم اقتصادی نگاهی تک‌بعدی به آن داشت و آسیب‌ها و فرصت‌های مسأله تحریم را بر بخش‌های مختلف به طور جداگانه بررسی و تحلیل نمود، بلکه حساسیت موضوع و نوع تحریم‌ها ایجاب می‌کند که با دیدی وسیع و کلان به جوانب متنوع موضوع نگریسته شوند. این بدان معنی نیست که در زیربخش‌های اقتصاد اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد؛ برعکس بدان معنی است که ساختار جامعه بر اثر تحریم‌ها چنان دستخوش تغییر و تحول می‌شود که تمام زیربخش‌ها و حتی نوع نگرش و ایدئولوژی ما را نیز به مسائلی همچون پول، مالیات، بهره و... دگرگون خواهد کرد. برای پیشگیری از بروز این تغییرات یا اصلاح آن، هم‌اکنون بحث اقتصاد مقاومتی به شکل یک ضرورت مطرح شده که البته در واقع یک روش برای شناخت نقاط آسیب‌پذیر و جلوگیری از اعمال فشار از این نقاط و به تعبیری تبدیل به فرصت نمودن این آسیب‌ها است. اثر تحریم اقتصادی از یک سو به ساختار و مکانیسم تحریم مورد نظر و از سوی دیگر به ساختار اقتصادی کشور تحت تحریم، دسترسی آن به اقتصاد جهانی و توانایی آن در یافتن جانشین‌های مناسب برای کالاها و خدمات تحریم‌شده بستگی دارد (زمانی، ۲۰۰۷: ۱۳۶). به این ترتیب، «عوامل خارجی از گذرگاه عوامل داخلی اثر می‌گذارند و آثار برجای‌مانده را فقط با درک اوضاع داخلی می‌توان سنجید و ارزیابی کرد»؛ بنابراین، تأثیرگذاری تحریم بر امنیت اقتصادی یک کشور، جدای از نوع و تعداد کشورهای تحریم‌کننده، تا اندازه زیادی به ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور هدف بستگی دارد؛ و البته مقاومت در برابر آن نیز همین‌طور! دلیل این‌که هم‌اکنون اعمال تحریم‌ها بر بخش نفت و بانک مرکزی تمرکز یافته، ضعف ساختاری اقتصاد ایران

در حوزه درآمدی و تخصیصی است که نتیجه اقتصاد نفتی شده ایران است (لهسایی زاده: ۱۳۸۸). از سال ۲۰۱۲ اقداماتی از سوی تعدادی از کشورهای جهان به رهبری ایالات متحده علیه برنامه هسته‌ای ایران با هدف محروم کردن [کشورمان] از درآمدهای نفتی و وادار کردن [ایران] به همکاری با جامعه جهانی برای برطرف کردن ابهامات درباره برنامه احتمالی هسته‌ای نظامی‌اش؟! شکل گرفت. این تحریم‌ها با ابزارهایی مستقیمی، همچون تحریم خرید و یا خریداران و ابزارهای غیرمستقیمی، همچون تحریم بیمه‌ای کشتی‌های نفت کش و یا تحریم بانکی، اعمال و با هدف انصراف خریداران نفت ایران و رو کردن آنها به دیگر عرضه کنندگان این کالا انجام گرفت<sup>۱</sup> (رویترز، ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲). پس در ۳۱ مارس ۲۰۱۲ و پس از آنکه کشورهای عمده تولیدکننده نفت به درخواست کشورهای غربی تولید خود را در سه ماه نخست این سال افزایش دادند و توافقی‌هایی میان ایالات متحده و دیگر کشورهای بزرگ مصرف‌کننده برای استفاده از ذخایر راهبردی نفت صورت گرفت، رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که نفت به اندازه کافی در بازار جهانی وجود دارد و می‌توان طرح تحریم خرید نفت از ایران را به اجرا گذاشت.<sup>۲</sup> بدین ترتیب تحریم خرید نفت ایران از این تاریخ به مرحله اجرا رسید. منظور ما از «تحریم خرید نفت ایران» در این تحقیق، همین مسأله تحریم خرید نفت و اقدامات بعدی آمریکا و متحدانش در این خصوص است (رویترز، برنامه‌های احتمالی هسته‌ای ایران: ۲۰۱۲).

### ۳- امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی متغیر وابسته این تحقیق است که تعاریف و ابعاد مختلف آن به شرح زیر بررسی خواهد شد.

#### ۳-۱- تعریف امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی به لحاظ لغوی، مرکب از دو واژه امنیت و اقتصاد است. واژه security در زبان انگلیسی، از ریشه کلمه لاتین securus که se به معنی بدون و curus

1-<http://www.reuters.com/article/2012/01/23/us-iran-nuclear-sanctions-idUSTRE80M19H20120123>

2-<http://www.reuters.com/article/2012/03/30/us-oil-obama-iran-idUSBRE82S1FD20120330>

به معنی پریشانی، گرفته شده (زیسلاو، ۱۳۸۷: ۷) و به معانی امنیت سالم و بی‌خطر، رهایی از اضطراب، آزاد بودن از شک و ابهام، آزاد بودن از ترس و خطر و اطمینان داشتن آمده است (میرمعزی، ۱۳۹۰: ۱۸۰). باری بوزان نیز از امنیت اقتصادی سخن می‌گوید و در سه سطح فردی، گروه‌ها و طبقات به این موضوع می‌پردازد که در اینجا، نظر به نیاز، سطح فردی تشریح می‌شود. از نظر وی، در سطح فردی، امنیت اقتصادی به میزان دسترسی انسان به ضروریات زیستی (غذا، آب، سرپناه و آموزش) مربوط است. در سطوح بالاتر، ایده امنیت اقتصادی با دامنه وسیعی از بحث‌های بسیار سیاسی درباره اشتغال، توزیع درآمد و رفاه مرتبط است. به نظر بوزان، امنیت اقتصادی فرد تنها به شرایط زیستی محدود نمی‌شود، بلکه تأمین این امنیت به معنای حفظ سطح مشخصی از استاندارد زندگی است؛ برای نمونه، اشتغال یا حق حداقل دستمزد را باید از شرایط ضروری امنیت اقتصادی بدانیم. به طور کلی «امنیت بحثی کلی درباره پیگیری رهایی از تهدید است» (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۶۶). بر این اساس، امنیت اقتصادی عبارت است از آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در اجرایی نشدن تعهدات و مطالبات و در عین حال حصول اطمینان از برخورداری از ثمره فعالیت‌هایی که در زمینه تولید ثروت و توزیع و مصرف آن صورت می‌گیرد (برومند، ۱۳۸۷: ۲۵). رابرت ماندل در کتاب خود بعنوان «چهره متغیر امنیت ملی» امنیت اقتصادی را این‌گونه تعریف می‌کند: «میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم در یک جامعه از طریق کالا و خدمات و هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی». به عبارت دیگر امنیت اقتصادی استقرار شرایط مورد لزومی است که بهبود نسبی و بلندمدت بهره‌وری سرمایه و نیروی کار و در نتیجه استاندارد بالای زندگی یعنی رسیدن به محیط مساعد تجاری پویا و مناسب برای نوآوری که سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی را تشویق می‌نماید. امنیت اقتصادی وضعیتی است که در آن واحدهای تولیدی بتوانند بدون نگرانی از خطرهای محیطی، برنامه‌ریزی بلندمدت کنند. در نگاهی دیگر امنیت اقتصادی این‌گونه تعریف می‌شود: «فراهم کردن یک فضای حقوقی، اجتماعی و سیاسی که در چارچوب آن طرح‌های

سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی بتوانند از آغاز تا اجرا و بهره‌برداری و در نهایت پایان کار، بدون اخلال و آشفتگی بیرونی عمل نمایند» (رنجبر، ۱۳۸۹: ۲۲۵). بیژن‌آبادی امنیت اقتصادی را این‌گونه تعریف می‌کند: «امنیت اقتصادی اصول ایجاد و تثبیت یک بستر مناسب برای انجام فعالیت‌های اقتصادی است. این بستر اصولاً حقوق فرد را در رابطه با کلیه فعالیت‌های اقتصادی وی تضمین می‌کند و عملکرد متقابل او با سایر افراد جامعه را عملاً تعریف می‌کند» (همان: ۲۲۶). همانطور که مشاهده می‌شود، بسیاری از محققان مطالعات امنیتی و امنیت اجتماعات بشری، نظیر رابرت ماندل، باری بوزان، مارتین لیبیک، ویور، پاتریک مورگان و... ضمن ورود به موضوع امنیت اقتصادی، به برشماری علل و عوامل ارتقای این نوع امنیت پرداخته‌اند. به هر حال محقق در این تحقیق از تعریف «رابرت ماندل» به عنوان «تعریف عملیاتی تحقیق» استفاده خواهد کرد. همانطور که پیش از این هم بیان شد، رابرت ماندل معتقد است: «امنیت اقتصادی عبارت است از: میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی». وی معتقد است، امنیت اقتصادی به عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی دو بُعد دارد:

۱- امنیت سرمایه‌گذاری؛

۲- امنیت اشتغال و درآمد.

البته در ادبیات اقتصادی، بُعد دیگری نیز برای امنیت اقتصادی در نظر گرفته شده که در دستور کار امنیت ملی هر کشور قرار دارد. در واقع، این بُعد را می‌توان «امنیت اقتصادی دولت» نامید که با دو شاخص «دسترسی سریع کشور به کالاهای ضروری و راهبردی» و «رشد نسبی اقتصادی کشور» ارزیابی می‌شود. از آنجا که در این تحقیق، «امنیت اقتصادی مردم» و نه «دولت» مورد نظر است، به تعریف «امنیت سرمایه‌گذاری» و «امنیت اشتغال و درآمد» می‌پردازیم. نکته قابل اشاره این که امنیت سرمایه‌گذاری در سطح بنگاه‌های اقتصادی حقیقی و حقوقی مطرح است، ولی امنیت اشتغال و درآمد برای آحاد ملت. در تعریف امنیت اقتصادی معیار اصلی و

مشترک برای همه ابعاد آن، این است که، نظام اقتصادی توانایی حفاظت از مردم در برابر انواع فشارهایی که خارج از کنترل آن‌ها است را بر عهده داشته باشد. (میرمحمدی، ۱۳۸۷: ۹۶)

### ۲-۳- ابعاد امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی به عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه نیافتگی دو بعد دارد:

#### ۱-۲-۳- امنیت سرمایه‌گذاری

امنیت سرمایه‌گذاری چارچوب نهادینه‌ای از شرایط اجتماعی، سیاسی و حقوقی است که اعتماد پس اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران را جلب کرده و امنیت جانی افراد و امنیت حقوقی معاملات را تضمین می‌کند. امنیت سرمایه‌گذاری ارتباط مستقیمی با شرایط اجتماعی، سیاسی و حقوقی در جامعه، رشد فرهنگ سرمایه‌گذاری، اقتصاد رقابتی و احترام به قانون و قراردادهای در جهت کاهش میزان ریسک اقتصاد ملی دارد و پدیده‌هایی مانند جنگ، ناآرامی‌ها، فساد مالی و اداری، قراردادهای یک‌طرفه، انحصاری و غیررقابتی، واگذاری‌ها و بازارهای مالی، کالا و کار، کاهش امنیت حقوقی و اعمال سیاست‌هایی با هدف ایجاد فضاهای خاص مبتنی بر منافع حزبی، گروهی و فردی در فعالیت‌های اقتصادی از جمله عواملی هستند که امنیت سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهند. در ارزیابی این موضوع به نظر می‌رسد، عموماً سرمایه‌گذاران فضای کلی حاکم بر جامعه را در مسیر حمایت از منافع اقتصادی خود ارزیابی می‌کنند و انتظار مطلوب آن‌ها این است که نهادها به جای مداخله در اقتصاد، در برابر مخاطرات احتمالی نقش حمایتی و حفاظتی داشته باشند (شوطی، ۱۳۹۰: ۱۲). در نگاهی دیگر، از زاویه تأمین سرمایه‌گذاری، امنیت اقتصادی عبارت است از: «اطمینان در حفظ اصل و سود سرمایه در سرمایه‌گذاری» (میرمحمدی، ۱۳۷۸: ۹۶). زمانی که فرد یا بنگاه (و یا دولت) تصمیم به سرمایه‌گذاری دارد، دو اصل اطمینان و تأمین را درباره اصل و سود سرمایه در نظر می‌گیرد. بر این اساس، هر عاملی که اطمینان سرمایه‌گذار را از بین ببرد یا خدشه‌ای به آن وارد کند، عامل ناامنی است، مشروط به آنکه:

- ۱- تأمین لازم را برای سرمایه‌گذار ایجاد نکند؛
  - ۲- مانع انجام سرمایه‌گذاری شود (سرمایه‌گذاری انجام نشود)؛
  - ۳- طرح‌های جاری سرمایه‌گذاری را متوقف و موجب خروج سرمایه شود.
- توجه به این شرایط در این رویکرد ضروری است و تحقق یا عدم تحقق هر دو شرط بالا، مبنای قضاوت در مورد بودن یا نبودن امنیت اقتصادی است؛ چراکه سرمایه‌گذاری در هر شرایطی، به معنای وجود امنیت اقتصادی است، هرچند که پایه‌های اطمینان و اعتماد سست باشد و اصل و فرع سرمایه‌سددردصد تأمین نشود. اینکه سرمایه‌گذار با مطالعه شرایط متقاعد شده است که سرمایه‌گذاری کند، نشان می‌دهد که از نظر او امنیت لازم قطعاً وجود داشته است. نکته دوم اینکه این برداشت کاملاً نسبی است و نسبت به هر فرد، بنگاه، دولت و... می‌تواند متفاوت باشد (میرمحمدی، ۱۳۸۴: ۲۳۲).

#### ۲-۲-۳- امنیت اشتغال و درآمد

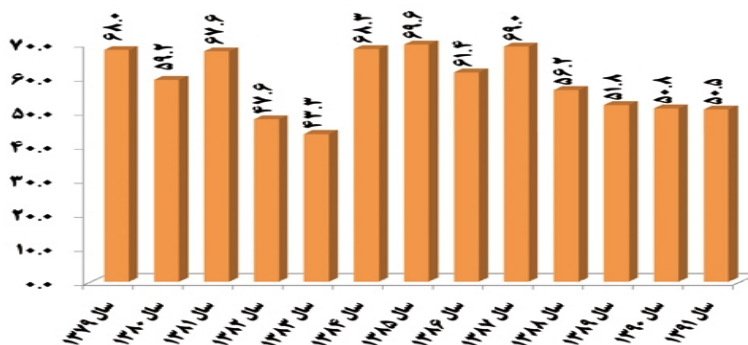
به معنای طرد هرگونه فشار خارج از کنترل افراد یک جامعه در مسیر اشتغال و کسب درآمد برای دستیابی به سطح متوسط رفاه اقتصادی آن جامعه است. طبیعی است امنیت اشتغال و درآمد در امتداد یا همراه با امنیت سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر خواهد بود؛ بنابراین شاخص‌های پنج‌گانه برای امنیت سرمایه‌گذاری باید ملاک در این سطح از امنیت باشد (جهانیان، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۵). در ادبیات اقتصادی بُعد دیگری نیز برای امنیت اقتصادی در نظر گرفته شده که در دستور کار امنیت ملی هر کشور قرار دارد. این بعد را می‌توان "امنیت اقتصادی دولت" نامید؛ که با دو شاخص "دسترسی سریع کشورها به کالاهای ضروری و راهبردی" و "رشد نسبی اقتصادی کشور" ارزیابی می‌شود (اینگاهارت، ۱۳۷۳: ۱۰) که مرتبط با موضوع مورد بحث ما نیست.

#### ۴- جایگاه نفت و نقش آن در اقتصاد ایران

جمهوری اسلامی ایران با در اختیار داشتن ۱۵۵ میلیارد بشکه ذخیره قابل استحصال نفت خام؛ ۳۳ تریلیون مترمکعب ذخیره گاز طبیعی؛ ظرفیت تولید روزانه



۴/۲ میلیون بشکه نفت خام و ۶۰۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی؛ ظرفیت پالایش روزانه یک میلیون و ۶۷۰ هزار بشکه نفت خام و تولید بیش از ۵۰ میلیون تن انواع محصولات پتروشیمی، جایگاه مهمی در تأمین امنیت انرژی جهان دارد (خامه‌ای، ۱۳۷۵: ۶۸). کل جریان انرژی نفت در داخل که شامل نفت استخراج‌شده و وارداتی است معادل ۱۶۸۶.۶ میلیون بشکه معادل نفت خام است. از این مقدار ۹۱۷.۴ میلیون بشکه معادل نفت خام صادر شده است و معادل ۷۶۹.۲ میلیون بشکه معادل نفت خام در داخل کشور مصرف شده است؛ که بیشترین مقدار آن مربوط به بخش حمل و نقل است.<sup>۱</sup> بخش نفت و گاز به عنوان یکی از ارکان اصلی تأمین انرژی مورد نیاز سایر بخش‌های تولیدی و هم به لحاظ جایگاه آن در تولید ناخالص داخلی، سهم درآمدهای نفتی در بودجه دولت و نیز نقش آن در تأمین منابع ارزی کشور حائز اهمیت بسیار است، به طوری که علی‌رغم رشد صادرات غیرنفتی در دهه اخیر نمی‌توان سهم ۲۸ درصدی صنعت نفت در تولید ناخالص داخلی کشور، سهم ۸۴ درصدی آن در تأمین درآمدهای ارزی و سهم بالغ بر ۹۵ درصدی آن در تأمین انرژی اولیه مورد نیاز کشور را نادیده گرفت (فرزانه، خرداد ۹۱: ۱۴۴).



۱- [www.moe.org.ir](http://www.moe.org.ir)

۲- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و نشریه تازه‌های اقتصادی وابسته به بانک مرکزی.

بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد، اقتصاد ایران در طول سالیان اخیر نفتی‌تر شده است. وابستگی مستقیم و غیرمستقیم تولید ملی به نفت و همچنین سهم بالای نفت در عرضه ارز مورد نیاز برای واردات کالاهای اساسی و مورد استفاده در تولید و از طرفی سهم ۸۲ درصدی صادرات نفتی از کل صادرات و موضوعاتی از این دست موجب شده تا وضع اقتصاد نگران‌کننده باشد (خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۲/۹/۱۷). همان‌طور که اشاره شد بررسی وضع موجود و پارامترهای اقتصادی نشان از این واقعیت دارد که اقتصاد ایران متأسفانه بیش از پیش به درآمدهای نفتی وابسته شده و به آن عادت کرده است و در صورت افت درآمدهای نفتی، خطر بزرگی اقتصاد ملی را تهدید می‌کند و این موضوع خلاف آن چیزی است که در طول بیش از ۲۰ سال گذشته از سوی مقام معظم رهبری بر آن تأکید شده است که باید وابستگی اقتصاد از نفت کاهش یابد. با بررسی‌های صورت گرفته می‌توان گفت سهم نفت در تولید ناخالص داخلی و تأمین منابع ارزی دولت، در طول سال‌های گذشته افزایش یافته است و کسانی که تصور کاهش وابستگی اقتصاد به نفت را دارند تنها با نگاهی سطحی به مقایسه میزان تولید ناخالص داخلی و میزان ارزش افزوده نفت یا مقایسه میزان تولید ناخالص داخلی و صادرات نفتی می‌پردازند و به این نکته توجه ندارند که در این حالت تنها به رابطه مستقیم تولید ملی و نفت توجه شده است و نقش غیرمستقیم درآمدهای نفتی در بخش‌های مختلف اقتصاد و میزان وابستگی شدید صنایع مختلف کشور به دلارهای نفتی مغفول مانده است؛ بنابراین میزان کاهش تولید داخلی در هنگام قطع تولید و صادرات نفت، می‌تواند نشانگر میزان وابستگی تولید داخلی به نفت باشد (اطلاعات، ۱۳۹۲/۶/۲۶). قیمت نفت، میزان فروش آن و مسائل مربوط به سهم نفت در بودجه کشور همواره در تصویب لوایح بودجه‌ای ایران مهم بوده و هست.

هنگامی که در رابطه با سهم نفت در بودجه صحبت می‌کنیم در واقع از یک مثلث صحبت کرده‌ایم. یک ضلع این مثلث را نرخ دلار در بودجه شامل می‌شود، ضلع دیگرش را قیمت هر بشکه نفت در بودجه و ضلع سوم این مثلث و شاید به

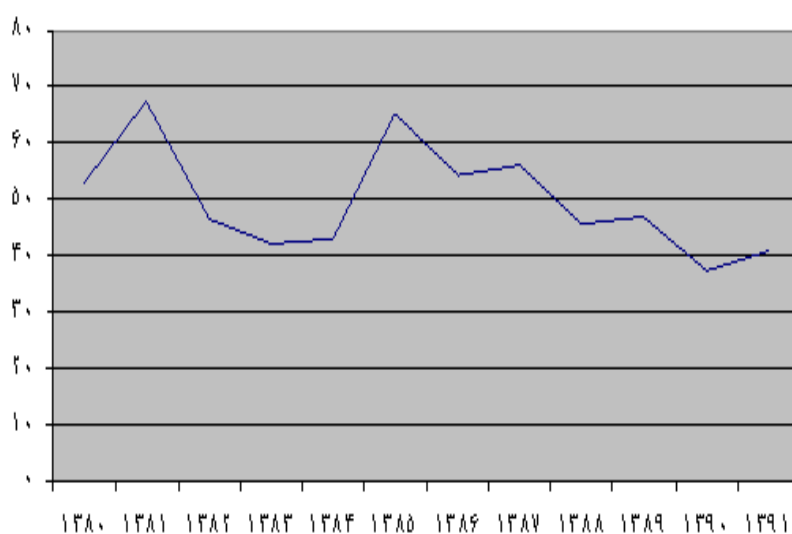
تعبیری، مهم‌ترین ضلع این مثلث را میزان در نظر گرفته شده برای تولید نفت در لایحه بودجه تشکیل می‌دهد. در بودجه سال ۱۳۹۳، نرخ هر دلار در برابر ریال، ۲۶۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است. قیمت هر بشکه نفت در لایحه بودجه سال ۱۳۹۳، ۱۰۰ دلار پیش‌بینی شده است و لایحه بودجه نشان می‌دهد که برای دستیابی به درآمدهای نفتی در بودجه باید روزانه یک میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت تولید شود. چنانچه این روندی که به آن اشاره شد، یعنی یک میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت در روز تولید شود و دولت بتواند این میزان نفت تولیدشده را به قیمت بشکه‌ای ۱۰۰ دلار به فروش برساند با توجه به نرخ دلار در برابر ریال که در بودجه ۲۶۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است، در سال ۱۳۹۳ باید درآمدی بالغ بر ۷۷۰ هزار میلیارد ریال نصیب کشور می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود با وجود سابقه دو ساله تحریم کشور در حوزه نفت خام و با وجودی که سیاست‌گذاران اقتصادی کشور با مشکلات زیادی طی دو سال گذشته توانسته‌اند نفت را به فروش برسانند؛ اما در ردیف بودجه‌ای سال ۹۳ علی‌رغم شعارهای متعددی که در خصوص فرار از اقتصاد نفتی داده می‌شود رقم قابل توجهی از منابع ارزی دولت به نفت متعلق است. حال اگر گذری به ردیف‌های بودجه‌ای کشورهای نفت‌خیز بیندازیم در حالی که با تحریم نفت هم مواجه نیستند، مشاهده می‌کنیم قیمت ۱۰۰ دلار برای هر بشکه نفت فقط در بودجه ایران در نظر گرفته شده و همه این کشورها رقم‌هایی کمتر از ۱۰۰ را در بودجه‌های سالیانه خود در نظر گرفته‌اند. این سخن نیز مؤید اهمیت نفت در تأمین ذخایر ارزی دولت است. از آنجاکه بالا بردن تعداد بشکه‌ها برای فروش با توجه به وضعیت صنعت نفت و تحریم این صنعت و کاهش خریداران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سخت است دولت ریسک در نظر گرفتن قیمت ۱۰۰ دلار در هر بشکه را برای تنظیم بودجه سال ۹۳ پذیرفته است که در صورت کاهش قیمت جهانی نفت قطعاً منابع ارزی دولت با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. به هر حال بنا نداریم در این مجال به موضوعات مربوط به بودجه پردازیم و تنها در ادبیات تحقیق بر آن هستیم تا در تدوین چارچوب مفهومی تحقیق، به چرایی پیش‌فرض تأثیر تحریم

خرید نفت بر کاهش منابع ارزی دولت که اولین بخش این چارچوب را تشکیل می‌دهد پردازیم.

در نمودار ۲ مشاهده می‌شود که منابع نفتی مورد استفاده در بودجه در طول سال‌های مورد بررسی روندی فزاینده داشته است، به طوری که این منابع از ۷۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۰ به بیش از ۶۸۴ هزار میلیارد ریال در قانون بودجه سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است. البته به صورت طبیعی منابع عمومی کشور نیز در این دوران افزایش یافته است به طوری که این منابع از ۱۴۲ هزار میلیارد ریال به ۱۴۴۲ هزار میلیارد ریال رسیده است. سهم نفت در تأمین منابع عمومی کشور در طول دوره مورد بررسی دارای نوسان بوده است. در دو سال اول دوره و با افزایش نسبی قیمت نفت، سهم آن از ۵۳ درصد به ۶۸ درصد افزایش یافته است، اما با فعال شدن حساب ذخیره ارزی در سال‌های بعد برداشت از منابع نفتی محدود و سهم آن در تأمین منابع عمومی تا سال ۱۳۸۴ روند نزولی به خود گرفته و تا ۴۳ درصد کاهش می‌یابد. از سال ۱۳۸۴ علاوه بر افزایش نسبی قیمت نفت، برداشت از حساب ذخیره ارزی نیز با روند فزاینده‌ای مواجه می‌شود، به طوری که این برداشت‌ها از ۴۹ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ به ۱۵۹ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۷ رسیده و براساس این موضوع، سهم نفت در تأمین منابع عمومی تا ۶۵ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۵۶ درصد در سال ۱۳۸۷ افزایش یافته است. با این حال با تصویب ایجاد صندوق توسعه ملی در سیاست‌های کلی برنامه پنجم و اجرای آن از سال ۱۳۸۹ و همچنین با کاهش شدید منابع حساب ذخیره ارزی ملاحظه می‌شود که روند استفاده از منابع نفتی در تأمین منابع عمومی کشور طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ تا حدودی کنترل شده است، به طوری که سهم نفت در منابع عمومی ۳۸ و ۴۷ درصد بوده است. البته خارج کردن بخش غیرنقدی (جمع‌ی - خرجی) واگذاری سهام شرکت‌های دولتی از سرجمع منابع و مصارف بودجه عمومی در سال ۱۳۹۱ باعث شده است تا رقم کل اعتبارات عمومی کاهش یافته و سهم نفت در تأمین منابع عمومی افزایش یابد. افزایش نرخ برابری دلار در سال ۱۳۹۱ نیز عامل دیگری در افزایش سهم نفت در

سال یادشده در مقایسه با سال ۱۳۹۰ است. با این روند، درآمد دلاری نفت در سال ۱۳۹۱ مشابه سال ۱۳۹۰ لحاظ شده است<sup>۱</sup> (امیریان، ۱۳۹۱، ۴۵).

نمودار (۲) سهم منابع نفتی در تأمین بودجه عمومی کشور طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱<sup>۲</sup>



سهم درآمدهای نفتی از منابع عمومی دولت در سال ۱۳۹۲ نیز بیش از ۴۰ درصد بوده است.

#### ۵- چارچوب مفهومی تحقیق

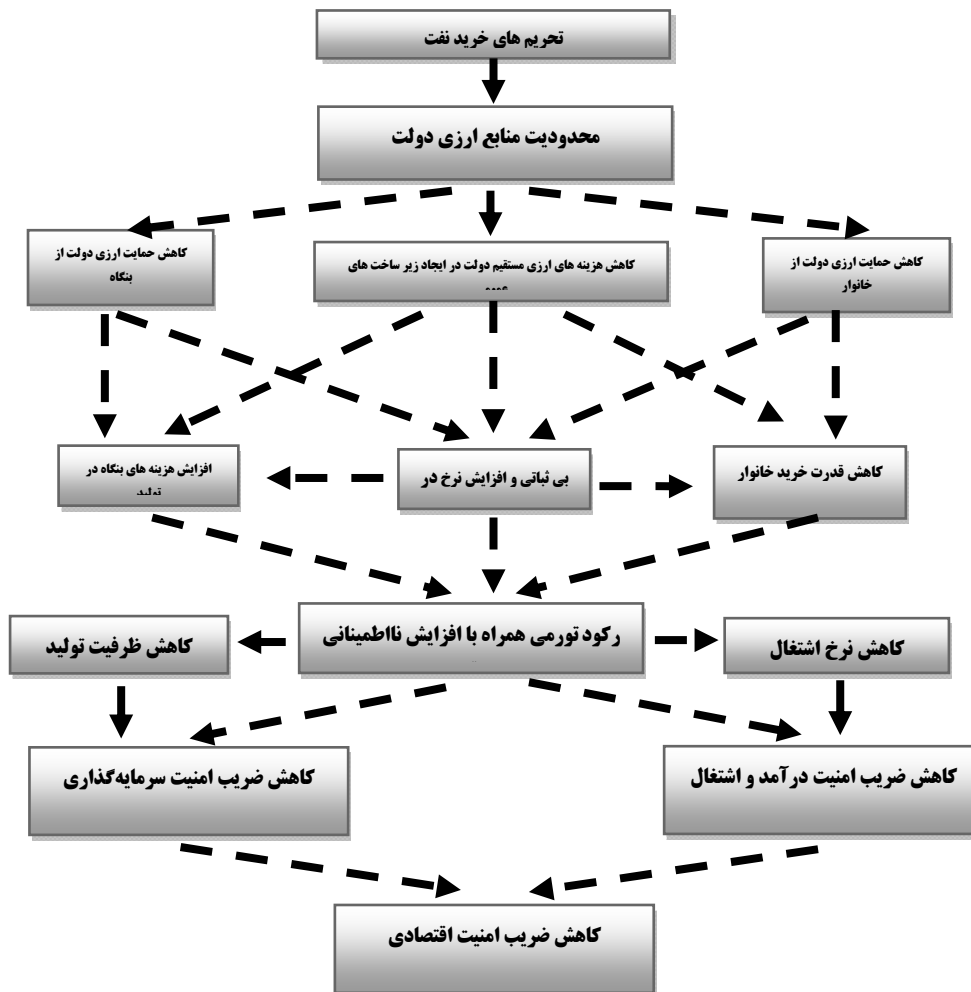
با توجه به مطالب ارائه شده و برای ارائه یک نگاه روشن بینانه و جامع به روابط خطی و غیر خطی، مستقیم و غیر مستقیم ناشی از تأثیر شاخصه‌های تحریم خرید نفت بر شاخص‌های امنیت اقتصادی، لازم بود تا چارچوب یا مدل مفهومی

۱- منابع نفتی از حاصل جمع منابع درج شده در واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای ناشی از فروش نفت، استفاده از حساب ذخیره ارزی، مالیات بخش نفت و سود سهام دولت در شرکت نفت به دست آمده است.

۲- مأخذ از قوانین بودجه سنواتی

تأثیر تحریم خرید نفت ایران بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

مشخصی طراحی شده و به مخاطبان و پرسش‌شوندگان ارائه شود. چارچوب مفهومی مربوطه به شرح زیر است.  
(نمودار ۳) چارچوب مفهومی



## ۶- تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به ماهیت تحقیق که بررسی اثر تحریم خرید نفت بر امنیت اقتصادی است و متغیرهای مورد نظر در این تحقیق، درآمد نفت، سرمایه‌گذاری و اشتغال در نظر گرفته شده‌اند محقق برای بررسی اثر متغیرهای مذکور برای دستیابی به اهداف پژوهش و فرضیه‌ها از آمار توصیفی شامل محاسبه شاخص‌های آماری و تنظیم جدول توزیع فراوانی و برای بررسی میزان تأثیر هر یک از متغیرهای اصلی بر امنیت اقتصادی از آمار استنباطی شامل، رگرسیون خطی ساده (دومتغیره) و برای بررسی تأثیر همه این عوامل بر آن از رگرسیون خطی چندمتغیره و آزمون کولموگروف استفاده کرده است. برای بررسی چگونگی تأثیر مؤلفه‌های تحریم خرید نفت بر امنیت اقتصادی نیز از آزمون‌های  $t$  و فریدمن استفاده شد.

### ۶-۱- آزمون فرضیه‌ها

۱- فرضیه اول: به نظر می‌رسد امنیت درآمد خانوار بر امنیت اقتصادی مؤثر است.

جدول (۱) جدول مربوط به رگرسیون خطی (امنیت درآمد خانوار)

متغیر	B	$\beta$	R	$R^2$	F(۱ و ۳۹)	A
امنیت درآمد خانوار	۰.۸۴۸	۰.۷۷۳	۰.۷۷۳	۰.۵۹۷	۵۷.۸۶۹	۲.۱۹۹

با توجه به جدول بالا می‌توان نتیجه گرفت که امنیت درآمد خانوار همبستگی بالا و معناداری با امنیت اقتصادی داشته و در نتیجه مجذور ضریب همبستگی آن نیز معنادار است.  $f(1/39)=57/869$  و  $R\text{-square}=0/597$  و نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد از تغییرات نمره امنیت اقتصادی به وسیله امنیت درآمد خانوار تبیین می‌شود. در ضمن، نتایج، گویای آن است که معادله‌های پیش‌بینی برای نمرات خام به صورت زیر است:

$$(امنیت درآمد خانوار) = 2.199 + 0.848 \times \text{نمره امنیت اقتصادی}$$

همچنین معادله نمرات استاندارد به صورت زیر است:

تأثیر تحریم خرید نفت ایران بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

(امنیت درآمد خانوار)  $0.773$  = نمره امنیت اقتصادی

۲- فرضیه دوم: به نظر می‌رسد امنیت اشتغال خانوار بر امنیت اقتصادی مؤثر است.

جدول (۲) جدول مربوط به رگرسیون خطی (امنیت اشتغال خانوار)

متغیر	B	$\beta$	R	R <sup>2</sup>	F(۱ و ۳۹)	A
امنیت اشتغال خانوار	۱.۰۱۷	۰.۷۳۷	۰.۷۳۷	۰.۵۴۴	۴۶.۴۹۳	۱.۸۳۳

با توجه به جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت که امنیت اشتغال خانوار همبستگی بالا و معناداری با امنیت اقتصادی داشته و در نتیجه مجذور ضریب همبستگی آن نیز معنادار است.  $F(1/39) = 46/493$  و  $(R\text{-square} = 0/544)$  و نشان می‌دهد که حدود ۵۴ درصد از تغییرات نمره امنیت اقتصادی به وسیله امنیت اشتغال خانوار تبیین می‌شود. در ضمن، نتایج، گویای آن است که معادله‌های پیش‌بینی برای نمرات خام به صورت زیر است:

(امنیت اشتغال خانوار)  $1.017 + 1.833 =$  نمره امنیت اقتصادی

همچنین معادله نمرات استاندارد به صورت زیر است:

(امنیت اشتغال خانوار)  $0.737 =$  نمره امنیت اقتصادی

۳- فرضیه سوم: به نظر می‌رسد امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه بر امنیت اقتصادی مؤثر است.

جدول (۳) جدول مربوط به رگرسیون خطی (امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه)  $0/414$

متغیر	B	$\beta$	R	R <sup>2</sup>	F(۱ و ۳۹)	A
امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه	۰.۸۸۷	۰.۶۴۳	۰.۶۴۳	۰.۴۱۴	۲۷.۵۳۳	۲.۰۸۳

با توجه به جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت که امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه همبستگی خوب و معناداری با امنیت اقتصادی داشته و در نتیجه مجذور ضریب همبستگی آن نیز معنادار است.  $F(1/39) = 27/533$  و  $(R\text{-square} = 0/414)$  و نشان می‌دهد که حدود ۴۱ درصد از تغییرات نمره امنیت اقتصادی عملکرد به وسیله امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه تبیین می‌شود. در ضمن، نتایج، گویای آن است که معادله‌های پیش‌بینی برای نمرات خام به صورت زیر است:



(امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه)  $0.887 + 2.013 =$  نمره امنیت اقتصادی

همچنین معادله نمرات استاندارد به صورت زیر است:

(امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه)  $0.643 =$  نمره امنیت اقتصادی

## ۲-۶- آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره (روش همزمان)

جدول (۴) جدول مربوط به رگرسیون خطی چندمتغیره

متغیر	B	$\beta$	R	R <sup>2</sup>	F (۳/۳۷)	A
امنیت درآمد خانوار	۰.۴۹۵	۰.۴۵۱	۰.۸۱	۰.۶۵۶	۲۳.۴۹۲	۱.۷۲۸
امنیت اشتغال خانوار	۰.۴۷۵	۰.۳۴۵				
امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه	۰.۱۱۴	۰.۰۸۳				

با توجه به نتایج جدول فوق دیده می‌شود که همه متغیرهای اصلی با امنیت اقتصادی همبستگی چندگانه معنادار بالایی داشته و در نتیجه مجذور ضریب همبستگی آن‌ها نیز معنادار است.  $F(3/37) = 23/492$  و  $R\text{-square} = 0/656$  نشان می‌دهد که حدود ۶۶ درصد از تغییرات امنیت اقتصادی به وسیله ترکیبات بهینه خطی عوامل مؤثر بر آن تبیین می‌شود. در ضمن، نتایج، گویای آن است که معادله‌های پیش‌بینی برای نمرات خام به صورت زیر است:

$+ (امنیت اشتغال خانوار) 0.475 + (امنیت درآمد خانوار) 0.495 + 1/728 =$  امنیت اقتصادی  
(امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه)  $0.114$

همچنین معادله نمرات استاندارد به صورت زیر است:

امنیت درآمد خانوار  $0.451 + (امنیت اشتغال خانوار) 0.345 + (=)$  امنیت اقتصادی  
(امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه)  $0.083$

آنالیز رگرسیون خطی چندمتغیره نشان می‌دهد که به ترتیب:

۱- امنیت درآمد خانوار

۲- امنیت اشتغال خانوار

۳- امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه

بیشترین ارتباط را با امنیت اقتصادی دارند (با توجه به مقادیر  $\beta$  ها).

۳-۶- آزمون تست نرمالیت

آزمون اسمیرنف یک نمونه‌ای و برای ارزیابی هم‌قوارگی متغیرهای رتبه‌ای در دو نمونه (مستقل و یا غیرمستقل) و یا هم‌قوارگی توزیع یک نمونه با توزیعی که برای جامعه فرض شده است، به کار می‌رود. این آزمون در مواردی به کار می‌رود که متغیرها رتبه‌ای باشند و توزیع متغیر رتبه‌ای را در جامعه بتوان مشخص نمود. این آزمون از طریق مقایسه توزیع فراوانی‌های نسبی مشاهده‌شده در نمونه با توزیع فراوانی‌های نسبی جامعه انجام می‌گیرد؛ بنابراین به منظور سنجش معنی‌داری و تشخیص توزیع نرمالیت به منظور استفاده از آزمون‌های پارامتریک در این تحقیق همه بخش‌های اثرپذیر تحقیق مورد سنجش قرار گرفتند که نتیجه به شرح زیر است.

جدول (۵) آزمون کولموگروف اسمیرنف (تست نرمالیت)

بی‌ثباتی درآمد خانوار	کاهش قدرت خرید خانوار	کاهش درآمد خانوار	امنیت سرمایه گذاری بنگاه	امنیت اشتغال خانواده	امنیت درآمد خانواده	بنگاه	دولت	خانوار	
۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	تعداد
۳,۴۸۵۳	۳,۵۶۸۳	۳,۳۱۸۷	۴,۴۵۲۴	۴,۵۳۵۷	۴,۰۸۷۳	۴,۳۴۷۶	۴,۵۳۱۷	۴,۳۳۸۱	میانگین
.۶۲۴۳۵	.۶۰۳۵۶	.۹۳۴۶۶	.۵۵۹۸۲	.۵۲۲۵۷	.۵۱۰۳۸	.۳۶۱۷۳	.۳۱۹۲۹	.۴۱۵۵۲	انحراف معیار
.۷۷۶	.۹۴۲	.۸۷۴	۲,۰۴۶	۱,۵۶۵	۱,۲۵۷	۱,۲۸۸	۱,۴۴۱	۱,۰۰۸	آماره Z
.۵۸۳	.۳۳۷	.۴۳۰	.۰	.۱۵	.۸۵	.۷۲	.۳۱	.۲۶۲	معنی‌داری دوسویه

معنی‌داری مشاهده‌شده در جدول فوق، در همه موارد به غیر از امنیت اشتغال خانواده و امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه از معنی‌داری در سطح آلفای ۰.۰۵ بزرگ‌تر است

و این بدان معنی است که مقیاس‌ها دارای توزیع نرمال هستند؛ بنابراین در این موارد ما مجاز به استفاده از آزمون‌های پارامتریک هستیم.

### ۳-۶- آزمون فرض t

پس از آنکه معنی‌داری مقیاس‌ها با آزمون کولموگروف سنجیده شد و مجوز لازم برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک به دست آمد اکنون با استفاده از آزمون فرض t که یکی از آزمون‌های پارامتریک برای تعیین میانگین آماری است استفاده می‌شود که نتیجه به شرح زیر است.

جدول (۶) آزمون فرض t یک متغیره و معنی‌داری شاخص‌های امنیت اقتصادی

معنی‌داری	درجه آزادی	T	میانگین	تعداد	
۰.	۴۱	۱۳,۸۰۶	۴,۰۸۷۳	۴۲	امنیت درآمد خانواده
۰.	۴۱	۱۹,۰۴۵	۴,۰۳۵۷	۴۲	امنیت اشتغال خانواده
۰.	۴۱	۱۶,۸۱۴	۴,۰۴۵۲۴	۴۲	امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه
۳۳.	۴۱	۲,۰۲۱	۳,۳۱۸۷	۴۲	کاهش درآمد خانوار
۰.	۴۱	۶,۰۱۰۲	۳,۰۵۶۸۳	۴۲	کاهش قدرت خرید خانوار
۰.	۴۱	۵,۰۳۸	۳,۰۴۸۵۳	۴۲	بی‌ثباتی درآمد خانوار
۰.	۴۱	۱۰,۸۶۳	۳,۰۷۹۸۹	۴۲	کاهش اشتغال
۰.	۴۱	۸,۰۱۸	۳,۰۶۹۲۶	۴۲	بی‌ثباتی اشتغال
۰.	۴۰	۷,۹۴۱	۳,۰۴۵۹۳	۴۱	کاهش سرمایه‌گذاری
۰.	۴۱	۶,۰۵۳۹	۳,۰۴۶۷۵	۴۲	بی‌ثباتی سرمایه‌گذاری
۰.	۴۱	۶,۰۶۴۳	۳,۰۴۲۱۴	۴۲	افزایش ریسک سرمایه‌گذاری
۲۰.	۴۱	۲,۰۴۲	۳,۰۲۵۸۹	۴۲	درآمد خانوار
۱۹.	۴۱	۲,۰۴۴۶	۳,۰۱۷۵۶	۴۲	اشتغال خانوار
۲۵.	۴۰	۲,۰۳۳۲	۳,۰۱۵۴۵	۴۱	سرمایه‌گذاری بنگاه

#### ۴-۶- آزمون فریدمن

به منظور بررسی چگونگی تأثیر مؤلفه‌های ۱۶ گانه تحریم خرید نفت ایران (که از محدود شدن منابع ارزی دولت ناشی می‌شوند) بر متغیرهای ۳ گانه امنیت اقتصادی شامل امنیت درآمد خانوار، امنیت اشتغال خانوار و امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه نیاز است تا چگونگی تأثیر این مؤلفه‌ها بر شاخص‌های متغیرهای مذکور بررسی شود. برای این منظور از آزمون فریدمن که یکی از آزمون‌های آماری برای مقایسه چند گروه است و می‌تواند میانگین رتبه‌های گروه‌ها را معلوم کند استفاده شد. از شروط استفاده از این آزمون این است که تعداد افراد در نمونه‌ها باید یکسان باشد و نمونه‌ها باید همگی جور شده باشند که در تحقیق ما این شرایط وجود دارد. پاسخ به چگونگی تأثیر بر هر یک از متغیرهای امنیت اقتصادی در واقع پاسخ به سؤالات فرعی محسوب می‌شود که در نهایت با تجمیع پاسخ به سؤالات فرعی، پاسخ تحقیق به سؤال اصلی که چگونگی تأثیر و احصاء مؤثرترین و بی‌اثرترین مؤلفه‌های تحریم بر امنیت اقتصادی است، به دست خواهد آمد.

##### ۱- چگونگی تأثیر مؤلفه‌های تحریم خرید نفت بر امنیت درآمد خانوار با کمک رتبه‌بندی

میانگین کلی عوامل (پاسخ به سؤال فرعی اول تحقیق)

ملاحظه رتبه‌ها که توسط آزمون فریدمن صورت گرفت نشان داد؛ میزان تأثیرگذاری گویه‌های مربوط به شاخص‌های امنیت درآمد خانوار متفاوت است؛ بنابراین میانگین تأثیرگذاری این ابعاد را به صورت رتبه‌ای معین، که در نهایت گویه کاهش اعتبار ارزی تثبیت بازار ارز بیشترین تأثیر و گویه افزایش هزینه هدایای به خارج دارای کمترین تأثیر هستند، می‌توان به دست آورد.

##### ۲- چگونگی تأثیر مؤلفه‌های تحریم خرید نفت بر امنیت اشتغال خانوار با کمک رتبه‌بندی

میانگین کلی عوامل (پاسخ به سؤال فرعی دوم تحقیق)

ملاحظه رتبه‌ها که توسط آزمون فریدمن صورت گرفت نشان داد؛ میزان تأثیرگذاری گویه‌های مربوط به شاخص‌های امنیت اشتغال خانوار متفاوت است؛ بنابراین میانگین تأثیرگذاری این ابعاد را به صورت رتبه‌ای معین و به ترتیب از

بیشترین به کمترین نشان داده‌ایم، که گویه کاهش اعتبار ارزی دستگاه‌های دولتی بیشترین تأثیر و گویه افزایش هزینه هدایا به خارج دارای کمترین تأثیر هستند...

۳- چگونگی تأثیر مؤلفه‌های تحریم خرید نفت بر امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه با کمک رتبه‌بندی میانگین کلی عوامل (پاسخ به سؤال فرعی سوم تحقیق)

ملاحظه رتبه‌ها که توسط آزمون فریدمن صورت رفت نشان داد؛ میزان تأثیرگذاری گویه‌های مربوط به شاخص‌های امنیت سرمایه‌گذاری متفاوت است؛ بنابراین میانگین تأثیرگذاری این ابعاد را به صورت رتبه‌ای معین و به ترتیب از بیشترین به کمترین نشان داده‌ایم، که گویه کاهش اعتبارات ارزی حمایتی دولت بیشترین تأثیر و گویه افزایش هزینه هدایای به خارج از کمترین تأثیر برخوردار می‌باشند.

۴- چگونگی تأثیر مؤلفه‌های تحریم خرید نفت بر امنیت اقتصادی با کمک رتبه‌بندی میانگین کلی عوامل (پاسخ به سؤال اصلی تحقیق)

ملاحظه رتبه‌ها که توسط آزمون فریدمن صورت گرفت نشان داد؛ میزان تأثیرگذاری گویه‌های مربوط به شاخص‌های هر یک از مؤلفه‌های اصلی امنیت اقتصادی متفاوت است؛ بنابراین میانگین تأثیرگذاری این ابعاد را به صورت رتبه‌ای معین و به ترتیب از بیشترین به کمترین نشان داده‌ایم، که گویه کاهش اعتبار ارزی دستگاه‌های دولتی بیشترین تأثیر و گویه افزایش هزینه هدایای به خارج از کمترین تأثیر برخوردار می‌باشند. به‌طور کلی این دو شاخص بیشترین و کمترین تأثیر را بر امنیت اقتصادی داشته‌اند.

۷- نتیجه گیری

جدول (۷) جدول نهایی نتیجه گیری تحقیق

متغیر وابسته		رديف	متغیر مستقل
مؤثرترین گویه تحریم	(امنیت اقتصادی)		
کاهش اعتبار ارزی تثبیت بازار ارز	کاهش قدرت خرید خانوار	۱	تحریم خرید نفت ایران
افزایش هزینه داروهای وارداتی	بی ثباتی درآمد خانوار	۲	
کاهش اعتبار ارزی دستگاه‌های دولتی	کاهش درآمد خانوار	۳	
کاهش اعتبار ارزی دستگاه‌های دولتی	بی ثباتی اشتغال	۴	
کاهش اعتبار ارزی دستگاه‌های دولتی	کاهش اشتغال	۵	
افزایش هزینه‌های ماشین‌آلات وارداتی	کاهش سرمایه‌گذاری	۶	
کاهش اعتبارات ارزی حمایتی دولت	بی ثباتی سرمایه‌گذاری	۷	
کاهش اعتبارات ارزی حمایتی دولت	افزایش ریسک سرمایه‌گذاری	۸	
کاهش اعتبار ارزی دستگاه‌های دولتی	مؤثرترین گویه تحریم در امنیت اقتصادی		

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان نتیجه نهایی را بدین صورت بیان نمود که تحریم خرید نفت ایران با کاهش اعتبار ارزی دولت به صورت کلی بیشترین تأثیر را بر اقتصاد ایران و امنیت اقتصادی کشور دارد، به طوری که در کوتاه‌مدت تأثیر مستقیم این کاهش اعتبار ارزی موجب بی‌ثباتی بازار ارز کشور شده و قیمت اولیه و بعضاً حبابی اجناس مورد نیاز مردم را بالا می‌برد که موجبات نارضایتی عمومی را نیز فراهم می‌کند. ناتوانی دولت با کاهش اعتبارات ارزی در حمایت از قشر آسیب‌پذیر جامعه بر اساس نظر پرسش‌شوندگان در حوزه دارو و موارد مشابه خودنمایی می‌کند که باعث کاهش پس‌انداز و سرجمع درآمدهای مردمی است.

در حوزه اشتغال که یک سر آن دوباره به مردم بر می‌گردد، از آنجاکه در کشور ما بازار مستقیم عرضه و تقاضا و سیاست‌های مرتبط با اقتصاد آزاد در حد شعار باقی مانده است و همچنان حمایت دولت برای اشتغال‌زایی و تثبیت بازار اشتغال مهم است، کاهش اعتبار ارزی دولت به کاهش اعتبارات ارزی دستگاه‌های دولتی و در نتیجه تأثیر آن بر بازار اشتغال و ثبات اشتغال منجر می‌شود. ضمن آنکه این مهم باعث کاهش درآمد خانوار، ناشی از نداشتن شغل یا بی‌ثبات شدن آن نیز می‌گردد. از آنجاکه در شرایط تحریم، بنگاه‌های خارجی از سرمایه‌گذاری در ایران منع شده‌اند مجدداً حمایت ارزی دولت برای کمک به سرمایه‌گذاران با اعطای وام و اعتبارات ارزی برای واردات تجهیزات و... کاهش یافته ضمن کاهش سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری‌های گذشته نیز به دلیل کاهش صادرات و همچنین کاهش قدرت خرید خانوارها بی‌ثبات شده و ریسک سرمایه‌گذاری بالا خواهد رفت. از نتایج به دست آمده در بخش‌های قبلی می‌توان استنتاج کرد از میان مؤلفه‌های ۱۶ گانه ناشی از تحریم خرید نفت ایران، مؤلفه‌هایی که بخش دولتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بیشتر از سایر مؤلفه‌ها در شاخص‌های امنیت اقتصادی مؤثر هستند. حتی در شاخص‌های امنیت درآمد خانوار و امنیت سرمایه‌گذاری بنگاه، این موضوع مؤید این مطلب است که اقتصاد ایران در بسیاری زمینه‌ها وابسته به دولت است و فرار از اقتصاد دولتی با خصوصی‌سازی واقعی اجتناب‌ناپذیر است.

در نتیجه به‌عنوان اولین پیشنهاد بهتر است دولت برای کاستن از اثر تحریم‌های خرید نفت در آینده وابستگی خود و مردم جامعه را به درآمد نفت کاهش دهد. نکته دیگر اینکه تحریم خرید نفت بیشتر در حوزه نفت خام معنی پیدا می‌کند؛ بنابراین یکی از راهکارهای کاهش اثر تحریم خرید نفت این است که زنجیره ارزش افزوده بخش نفت فعال شود و دولت از خام‌فروشی نفت دست بردارد؛ در این حالت، علاوه بر ایجاد اشتغال و انباشت سرمایه، اثر مستقیم فروش نفت بر بودجه دولت به شدت کاهش پیدا می‌کند.

بنگاه‌های سرمایه‌گذاری نیز در ایران وابسته به دولت هستند و در شرایط تحریمی نیز نقش بنگاه‌های خارجی کم‌رنگ شده است؛ بنابراین استفاده از شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران واسطه‌ای که در شرایط تحریم بتوانند کمبود ناشی از ممانعت سرمایه‌گذاری بنگاه‌های خارجی را توسط برخی بنگاه‌ها و سرمایه‌داران خارجی دیگر و با کمک افراد یا بنگاه‌های واسطه‌ای جبران نمایند، راهکار مناسبی به نظر می‌رسد.

نتایج حاصله از تحقیق نشان می‌دهد در بخش خانوار نیز به شدت وابسته به دولت هستیم که اصلاح این روند زمان زیادی می‌طلبد اما به نظر می‌رسد دولت‌ها باید به جای برخورد منفعلانه، با روش‌های مختلف از جمله استفاده از رسانه‌های داخلی در جهت آموزش رفتار صحیح اقتصادی عموم مردم جامعه، برای مشارکت در فرآیند تغییرات ساختاری و نهادی به منظور رسیدن به یک اقتصاد پیشرفته و دوری از مصرف‌گرایی، تجملات و وابستگی به کالاهای خارجی با تکیه بر تولید داخل همت گمارند و در جهت پیشگیری از رشد مصرف‌گرایی، نوع تبلیغات در رسانه‌های کشور با کیفیت بیشتر و در جهت حمایت از تولید داخلی مورد بازنگری قرار گیرد.



**کتابنامه:**

- ۱- آقابخشی، ع و (۱۳۶۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز مطالعات و مدارک علمی ایران.
- ۲- اطلاعات، ر (۲۶/۶/۱۳۹۲)، نفت و اقتصاد، تهران: روزنامه اطلاعات.
- ۳- امیریان، س (۱۳۹۱)، نقش نفت در تأمین منابع بودجه عمومی کشور، برنامه ۴۶۹.
- ۴- اینگهارت، ر (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. تهران: کویر.
- ۵- برومند، ش و (۱۳۸۷)، امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی)، چاپ اول، تهران: مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۶- بوزان، ب (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۷- جهانیان، ن (۱۳۸۱)، امنیت اقتصادی (چاپ اول)، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ۸- خامه‌ای، ا (۱۳۷۵)، اقتصاد بدون نفت، ابتکار بزرگ دکتر مصدق. تهران: ناهید.
- ۹- خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۲/۹/۱۷.
- ۱۰- دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه، جلد دوم.
- ۱۱- رنجبر، م (۱۳۸۹)، اهمیت توجه به امنیت اقتصادی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۷۳ و ۲۷۴، ۲۲۴-۲۳۵.
- ۱۲- رویترز (۲۳ ژانویه ۲۰۱۲)، بازیابی از [www.reuters.com](http://www.reuters.com)
- ۱۳- رویترز (۲۰۱۲، ژانویه ۲۳). برنامه‌های احتمالی هسته‌ای ایران. بازیابی از رویترز: [Reuters.com](http://Reuters.com)
- ۱۴- زمانی، هادی (۲۰۰۷)، توسعه اقتصادی و امنیت ملی، نقدی بر استراتژی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.
- ۱۵- زهرانی، م (۱۳۷۶)، نظریه‌های تحریم اقتصادی، تهران: مؤسسه چاپ انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۶- زیسلاو مزاشو (۱۳۸۷)، مجموعه مقالات امنیت اقتصادی، جلد اول. تهران: تدبیر اقتصادی.
- ۱۷- سیف، ا. م (۱۳۸۹)، مفهوم‌شناسی امنیت اقتصادی. آفاق امنیت، ۹، ۱۶۸.
- ۱۸- شوطی، ت (۱۳۹۰). بررسی شاخص‌های تأمین امنیت اقتصادی. فصلنامه اقتصاد، ۳۸۰، بهار.

### تأثیر تحریم خرید نفت ایران بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

---

- ۱۹- فرزانه، د (خرداد ۹۱). نگاهی به مفاد قوانین برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه اقتصادی در بخش نفت. مجله اقتصادی، ۱۴۳ تا ۱۶۹.
- ۲۰- قاسمی، ع (۱۳۸۹)، تحریم‌های آمریکا علیه ایران. تهران: حوزه نمایندگی سپاه.
- ۲۱- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی توسعه. تهران: چاپ هفتم، دانشگاه پیام نور.
- ۲۲- میرمحمدی، س (۱۳۷۸)، مبانی امنیت اقتصادی. تهران: مرکز بررسی‌های نهاد ریاست جمهوری.
- ۲۳- میرمحمدی، س (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر امنیت اقتصادی. فرهنگ اندیشه، ۱۴ و ۱۵، ۳۰۰.
- ۲۴- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۰)، نظام اقتصادی اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.



فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)

سال سیزدهم، شماره ۷۶، پاییز ۱۳۹۳، صص ۷۰-۳۳

## منابع تنش جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

مصطفی تاجیک اسماعیلی<sup>۱</sup>

دکتر محمدجواد سبحانی فر<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۲۰

### چکیده

کشور مهم و تأثیرگذار عربستان سعودی در منطقه آسیای غربی (خاورمیانه) و در جوار کشورمان، در کنار خصوصیات جغرافیایی و ژئوپلیتیکی آن کشور و بواسطه قرار گرفتن در یکی از مناطق راهبردی جهان از دیرباز، توجه قدرت‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی را به خود جلب نموده است که حضور این قدرت‌ها، خود از چالش‌های اساسی در بحث همگرایی منطقه‌ای است. ناهمگونی سطح کنونی روابط دو کشور ایران و عربستان با پتانسیل‌ها و اشتراکات وسیع فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی و از آنجا که این دو کشور می‌توانند روابط گسترده فرهنگی، سیاسی، تجاری و امنیتی داشته باشند، نخبگان علمی و دلسوزان دو کشور را بر آن داشت که به بررسی دلایل نامطلوب بودن این روابط بپردازند. این تحقیق با عنوان «منابع تنش جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران» و با هدف شناخت منابع عمده تنش بین دو کشور، به دنبال آن است تا میزان تأثیر هر تنش را بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران بسنجد.

این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحقیق «توصیفی-تحلیلی-پیمایشی» و پس از گویه‌سازی از متغیرهای تحقیق، با توزیع پرسشنامه در میان جامعه آماری نخبگان اساتید دانشگاه (با رشته‌های روابط بین‌الملل، مطالعات منطقه‌ای و دیپلماسی)، مدیران و کارشناسان ارشد وزارت امور خارجه متخصص

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک؛

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع).

در امور آسیای غربی و همچنین مسئولان امنیتی کشور شامل وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات و نیروی قدس سپاه، با حجم نمونه ۳۰ نفری نتیجه می‌گیرد که اگرچه تأثیر منابع تنش ژئواکونومیک ایران و عربستان بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران در حد متوسط است، اما تأثیر منابع تنش ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری این دو کشور بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس یافته‌های تحقیق به ترتیب خیلی زیاد و زیاد است که هوشمندی دولت مردان ایرانی را می‌طلبد.

**کلیدواژه‌ها:** تنش، جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، ژئواکونومیک، ژئوپلیتیک، ژئوکالچر.

### مقدمه

واژگان و مفاهیم تنش<sup>۱</sup>، چالش<sup>۲</sup>، مناقشه<sup>۳</sup>، بحران<sup>۴</sup> و منازعه<sup>۵</sup> یا جنگ<sup>۶</sup> در ادبیات جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک<sup>۷</sup> و روابط بین‌الملل کاربرد فراوانی دارند و اغلب برای بیان نوع روابط خصمانه دو کشور و یا دو قدرت رقیب به کار می‌روند. تنش و منازعه میان واحدهای سیاسی در ابعاد مختلف داخلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، سابقه‌ای به درازای عمر بشر دارد و همواره در طول تاریخ سیاسی و اجتماعی انسان مشاهده شده است. نظام‌های سیاسی نیز به عنوان بارزترین واحدهای سیاسی دارای حاکمیت و اقتدار در فضای سرزمینی تحت کنترل خود، به خاطر تلاش برای بقای ملی و گسترش حوزه نفوذ و نیز دستیابی به منافع ملی خود، روابطی مبتنی بر تنش و منازعه را با همسایگان و کشورهای دیگر تجربه کرده‌اند.

بدون تردید یکی از متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری خط‌مشی سیاست خارجی، مباحث راهبردی<sup>۸</sup> و سیاست دفاعی هر کشور، محیط منطقه‌ای و ابعاد مختلف آن است. اگرچه امروزه منافع ملی<sup>۹</sup> کشورها مهم‌ترین معیار برای تصمیم‌گیری سیاسی است، اما نباید

- 1- Tension
- 2-Challenge
- 3 -Dispute
- 4-Crisis
- 5-Conflict
- 6-War
- 7-Geo Politic
- 8-Strategic
- 9-National Interest

فراموش کرد که منافع ملی واقع‌بینانه در ارتباط با «قدرت<sup>۱</sup> یا ظرفیت اقدام<sup>۲</sup> دولت‌ها» تعریف می‌شود و اغراق نیست اگر گفته شود کشورها سعی می‌کنند از طریق تحلیل ظرفیت قدرت و بهره‌مندی از عوامل و منابع ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک<sup>۳</sup> و ژئوکالچر<sup>۴</sup> خود زمینه دستیابی به قدرت بیشتر، به‌منظور پشتیبانی لازم از منافع و امنیت ملی<sup>۵</sup> خود را فراهم نمایند. از طرفی دیگر به دلیل محدودیت دولت‌ها در کسب و ارتقای قدرت ملی خود و تلاش رقابت‌آمیز دولت‌های مختلف برای کسب و اعمال منابع قدرت<sup>۶</sup>، موجبات تبدیل این منابع، به منابع چالش و تنش‌های درازمدت را فراهم می‌آورند، به گونه‌ای که توان عمده دستگاه دیپلماسی کشورها معطوف به شناسایی و رفع این تنش‌ها برای وصول به منافع حداکثری ملی خویش می‌گردد. این مهم کاملاً بر رفتار سیاسی، استراتژی‌ها، منافع و اهداف ملی<sup>۷</sup>، کشورها تأثیرگذار است. به‌نحوی که غفلت از آن تنش‌ها ممکن است امنیت ملی، تمامیت ارضی، بقا<sup>۸</sup> و موجودیت یک کشور را به خطر اندازد؛ بنابراین اگر تأمین منافع و اهداف ملی و در نهایت حفظ تمامیت ارضی یک کشور، محور اصلی و اساسی سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی حکومت‌ها است پس باید مبتنی بر شناخت دقیق منابع تنش ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچری خود با طرف‌های متعامل به ویژه با همسایگان عمل کند تا در عرصه بین‌المللی و نظام جهانی به خواسته مطلوب خود برسد.

جغرافیا و ژئوپلیتیک هر منطقه نقش عمده‌ای در برقراری روابط مسالمت‌آمیز و حسنه و یا بر عکس وجود تنش و منازعه میان کشورهای آن منطقه بر عهده دارد. به عبارت دیگر، ریشه بسیاری از تنش‌ها و منازعات در روابط میان کشورها در ویژگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی آنها نهفته است. از سوی دیگر، پایدار بودن ارزشها و عوامل

1-Power  
2-Action Capacity  
3-Geo Economic  
4-Geo Culture  
5-National Security  
6-Power source  
7-National Goals  
8-Survival

جغرافیایی سبب ماندگاری و طولانی تر شدن تنش‌ها و منازعات ناشی از آنها شده است و همین امر حکومت‌ها را در حل و فصل این اختلافات و تنش‌ها ناتوان می‌کند. از این رو این تحقیق به دنبال آن است تا ضمن شناخت منابع تنش و چالش موجود میان دو کشور ایران و عربستان، تأثیر این تنش‌ها بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران را مطالعه و بررسی کند.

### بیان مسأله

علاقه ژئوپلیتیکی<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در جهت‌گیری و خط و مشی استراتژی<sup>۲</sup>، دیپلماسی<sup>۳</sup> و منافع ملی است. با مطالعه علاقه ژئوپلیتیکی کشورها، تهدیدات<sup>۴</sup>، فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی<sup>۵</sup> آنها، مشخص می‌گردد. یکی از مناطقی که اهمیت ژئوپلیتیکی زیادی در تعیین استراتژی‌های قدرت‌های جهانی<sup>۶</sup> دارد منطقه خلیج فارس و آسیای غربی است.

خلیج فارس در طول تاریخ به واسطه موقعیت بی‌بدیل خود از دیر باز به عنوان یکی از مناطق راهبردی جهان محسوب شده است و به علت برخورداری از منابع انرژی فراوان همواره محل تداخل و منافع بازیگران خارجی از یک طرف و کشورهای منطقه از طرف دیگر بوده است. این تداخل راهبردی با ساختار قدرت در درون کشورهای منطقه ارتباط تنگاتنگ دارد و باعث شده است که قدرت‌های فرامنطقه‌ای از این موقعیت ممتاز به عنوان اهرم فشار برای اعمال سیاست‌های خود بهره جویند. مرور تحولات عمده پس از پایان جنگ سرد واقعیت این امر را روشن می‌سازد که بدلیل فقدان یا عدم شکل‌گیری یک نظام امنیتی پایدار در سایه همگرایی کشورهای منطقه به ویژه دو کشور مهم و تأثیرگذار ایران و عربستان، قدرت‌های خارجی به ویژه ایالت متحده آمریکا به کوچک‌ترین اختلاف و تنش

---

1-Geo Politic interest  
2-Strategy  
3-Diplomacy  
4-Threatens  
5-Geo Politic Challenge  
6-Global Powers

سیاسی منطقه صبغه امنیتی بخشیده و به بهانه مقابله با تهدید و بحران و مبارزه با تروریسم، با حضور نظامی خود بر جنبه سخت‌افزارانه آن افزوده‌اند؛ بنابراین طراحان سیاست‌های استعماری برای ضعیف نگه داشتن ایران، بخصوص بعد از انقلاب اسلامی، با ناامن جلوه دادن منطقه از رهگذر امنیتی کردن مسائل سیاسی، اختلاف فیما بین دو کشور و یا وانمود کردن تلاش ایران به منظور استفاده از انرژی هسته‌ای به عنوان تهدید علیه این کشورها و جهان، ضمن توجیه حضور خود و حفظ سلطه بر منطقه خلیج فارس، موجبات تضعیف ایران و ایجاد تنش و چالش با کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه عربستان را فراهم نموده‌اند.

منازعه با تنش تفاوت دارد؛ تنش معمولاً به خصومت پنهان، ترس، سوءظن، تصویر تضاد منافع و شاید هم میل سلطه‌طلبی یا انتقام‌جویی اشاره دارد. با این حال، تنش لزوماً از سطح گرایش‌ها و ادراک‌ها فراتر نرفته و تعارض عملی آشکار و کوشش‌های بازدارنده متقابل را در بر نمی‌گیرد. هر چند تنش اغلب مقدم بر بروز منازعه و همواره ملازم با آن است، ولی با منازعه مترادف نبوده و همیشه نیز با همکاری سازگار نیست. با وجود این، ریشه‌های تنش احتمالاً با ریشه‌های منازعه ارتباط نزدیکی دارد. علاوه بر این، اگر تنش‌ها به اندازه کافی شدت یابند، بسته به میزان تأثیرگذاری آنها بر روند تصمیم‌گیری، ممکن است مستقلاً به علل مساعد یا مقدماتی برای بروز منازعه مبدل شوند (Dougherty and pfaltzgraff, ۱۹۸۱: ۲۹۸).

بدون شناخت محیط پیرامونی و نظم و معادلات حاکم بر کشور، دستیابی به اهداف، امنیت و منافع ملی غیرممکن و در صورت امکان مستلزم سعی و خطای بسیار، اتلاف منابع و هزینه‌های سنگین و احتمالاً جبران‌ناپذیر خواهد بود. امروزه قدرت‌های بزرگ با سطح بازی فرامنطقه‌ای نیز علاوه بر شناسایی توانایی‌ها و آسیب‌پذیری‌های سایر کشورها در سطح بین‌الملل، از توجه ویژه به همسایگان خویش غافل نیستند.

کشور عربستان در منطقه‌ای واقع شده که به دلیل خصوصیات جغرافیایی و همسایگی با ایران همواره مورد توجه قدرت‌های جهانی بوده است و بنابراین،



بررسی ژئوپولیتیک این کشور می‌تواند در اتخاذ تصمیمات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور ما سودمند و برای کاستن از تصادمات احتمالی در آینده، مفید واقع شود. و از سوی دیگر، دولت عربستان که به دلیل جهت‌گیری غرب‌گرایانه، یافتن راه‌حل برای تبدیل به قدرت منطقه‌ای شدن و ارتقای سطح امنیت و کاهش مشکلات داخلی خود را در خارج از منطقه جستجو می‌کند؛ بستر لازم برای نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای را فراهم و این کشور را به یکی از بزرگ‌ترین خریداران تسلیحات در منطقه و جهان تبدیل نموده است. مجموع این عوامل، منابع بالقوه و بالفعلی را برای پیدایش و تقویت تنش‌پدیدار ساخته است.

از سوی دیگر تشابه شرایط هیأت حاکمه عربستان با کشورهای منطقه که در گرداب تحولات پرشتاب «بیداری اسلامی» دچار تنش‌های اساسی بوده و موجبات تحول عمیق ژئوپولیتیکی را در منطقه فراهم آورده‌اند - ما را به بازخوانی محیط پیرامونی مان فرا می‌خواند؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران به‌علت همسایگی، اشتراکات دینی و فرهنگی، مقتضیات سیاسی و اقتصادی نمی‌تواند به مسائل امنیتی این کشور بی‌توجه بوده برای تأمین منافع ملی و تمامیت ارضی خود ضرورت دارد نسبت به منابع تنش مؤثر بر روابط فیما بین دو کشور شناخت کافی و دقیقی کسب نماید و در اتخاذ تصمیم‌های راهبردی و سیاست خارجی خود با عربستان سعودی توجه قابل ملاحظه‌ای به آن‌ها داشته باشد.

بدیهی است که پرداختن به تک‌تک این تنش‌ها خود تحقیقی جداگانه و مفصل را می‌طلبد. این تحقیق به دنبال آن است که این منابع تنش را احصاء نموده و ضمن بررسی تأثیر آنها بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، آن را از منظر صاحب نظران و علاقمندان مسائل حوزه خلیج فارس و خاورمیانه اولویت‌بندی کند.

### سؤالات تحقیق

#### سؤال اصلی تحقیق:

منابع عمده تنش جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی کدامند و چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

#### سؤالات فرعی تحقیق:

۱. منابع ژئوپلیتیکی تنش جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی کدامند و چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟
۲. منابع ژئواکونومیک تنش جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی کدامند و چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟
۳. منابع ژئوکالچری تنش جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی کدامند و چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

### نوع و روش تحقیق

باتوجه به ماهیت متغیرها، این تحقیق از نوع «کاربردی» خواهد بود. تحقیق کاربردی با استفاده از نتایج به منظور بهبود و به کمال رساندن رفتارها، روشها، ابزارها، ساختارها و الگوها، مورد استفاده کاربران سیاست خارجی قرار می‌گیرد. با توجه به نوع تحقیق و به منظور استفاده بهینه از نظرات اندیشمندان و صاحبان نظران، روش تحقیق «توصیفی - تحلیلی و پیمایشی» خواهد بود.

### چهار چوب نظری تحقیق

#### تعاریف ژئوپلیتیک

تعریف ژئوپلیتیک در فرهنگ لغت آکسفورد<sup>۱</sup> عبارت است از «مطالعه چگونگی تأثیر پذیری سیاستها از عوامل جغرافیایی» این تعریف کاملاً سنتی است. تعریف ژئوپلیتیک در فرهنگ لغت وبستر<sup>۲</sup> عبارت است از «مطالعه تأثیر عوامل فیزیکی به عنوان جغرافیا، اقتصادی و جمعیتی بر روی سیاستها، به ویژه سیاست خارجی یک کشور»

---

1- Oxford

2 - Webster

تعریف دیگری که در این لغت نامه آمده است عبارت است از: «ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی که یک کشور یا منطقه ویژه را مشخص می‌نماید» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۵). رابرت استراوش هوپ در ۱۹۴۲ ژئوپلیتیک را چنین تعریف می‌کند: «ژئوپلیتیک یک طرح کلان و راهنماست که به ما می‌گوید چه چیزی را تصرف کنیم و چرا؟ راهنمایی است برای راهبردان‌دیش (استراتژیست) نظامی که ساده‌ترین روش پیروزی را نشان می‌دهد» (Colin, ۱۹۸۶: ۱۷).

گرهام فولر در کتاب قبله عالم، ژئوپلیتیک را چنین تعریف می‌کند: «بخشی از یک فن قدیمی که در حقیقت کلاسیک خود بر جغرافیا به عنوان عامل تعیین‌کننده رفتار دولت تأکید می‌کند. از دیدگاه سنتی محل استقرار یک کشور، همسایگان آن، محورهای ارتباطی و منابع فیزیکی عوامل تغییرناپذیر و مصالحی بنیادی تلقی می‌شوند که اعمال یک دولت را محدود می‌نمایند. اگر در بسیاری از ویژگی‌های کلیدی راه و رسم سیاسی یک کشور، جغرافیا عامل تعیین‌کننده است و انتخاب‌های آن کشور را محدود می‌کند، گذشته و تاریخ یک کشور نیز عاملی مشابه است. تاریخ ایران خود تا اندازه‌ای محصول عوامل ژئوپلیتیک کلاسیک است». فولر عوامل متغیر ژئوپلیتیک را نیز محصول عوامل ثابت (سرزمینی) می‌داند (فولر، ۱۳۷۳: ۲).

در تعریف دیگری ژئوپلیتیک عبارت است از شناخت صحیح عوامل ثابت و متغیر ناشی از جبر جغرافیایی و تأثیر متقابل آنها و ضرورت‌هایی که سیاست‌های برخورد با آنها را تبیین می‌کند (اخوان کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۲۹).

ژئوپلیتیک در حقیقت نتایج و تأثیرات عوامل جغرافیایی بر یک سیاست است. به عبارت دیگر نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست ملل بررسی می‌شود (عزتی، ۱۳۸۸: ۱).

ژئوپلیتیک مطالعه کاربردی روابط جغرافیایی فضا با سیاست است. ژئوپلیتیک تأثیر دو جانبه الگوهای فضایی، اشکال و ساختارها را با عقاید سیاسی و سازمان‌ها مطالعه می‌کند. همچنین کنش متقابل فضایی و فرآیندهای سیاسی در تمام سطوح (محلی، ملی،

قاره‌ای و جهانی) سیستم ژئوپلیتیکی بین‌المللی را قالب ریزی نموده و ایجاد کرده است (Cohen، ۱۹۶۰: ۱۷).

ژئوپلیتیک به عنوان شاخه‌ای علمی در جغرافیای سیاسی عبارت است از مطالعه رفتار سیاسی دولت‌ها، گروه‌ها و سازمان‌ها مبتنی بر جنبه‌های فضایی، محیطی و انسانی (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۳۵).

**دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی:** سه دیدگاه عمده در مورد ژئوپلیتیک در چارچوب

نظریه‌های ژئوپلیتیکی یافت می‌شود؛ فضای سرزمینی، اقتصادی و فرهنگی

**دیدگاه فضای سرزمینی:** این دیدگاه به دیدگاه کلاسیک معروف است و از اواخر

قرن ۱۹ تا اوایل دهه ۱۹۷۰ از اینگونه نظریه‌های مربوط به دیدگاه فضایی سرزمینی دیده می‌شود. اولین نظریه کلاسیک متعلق به راتزل و آخرین آن مربوط به سورسکی می‌باشد. این دیدگاه منشأ قدرت را در روابط بین دولت‌ها و کشورها، تصرف و تسلط بر سرزمین‌ها و فضاها جغرافیایی می‌داند و هر چه اقتدار و نفوذ در یک فضا بیشتر باشد قدرت دولت بیشتر خواهد بود.

**نظریه فضای حیاتی راتزل (۱۸۹۵):** راتزل متأثر از نظریه تکاملی داروین و نیز دیدگاه

داروینیسم اجتماعی هربرت اسپنسر، نظریه کشور به عنوان موجود زنده را ارائه نمود که از تولد، رشد و بلوغ و مرگ برخوردار است. او برای رشد یک کشور تأکید بر تأمین انرژی داشت. انرژی رشد از دید او فضا و منابع بود. راتزل برای رشد کشورها قوانین و ضوابطی را مطرح کرد که به قوانین هفتگانه معروفند.

**نظریه قدرت دریایی ماهان (۱۸۹۰):** ماهان نیروی دریایی یا فضای دریایی و اقیانوسی

را منشأ قدرت جهانی می‌دانست و کنترل آن را از سوی قدرت جهانی ضروری می‌دانست که می‌تواند باعث کنترل و محاصره قدرت بری شود. او قدرت خشکی را محاصره‌شده تصور می‌کرد که توسط یک قدرت دریایی با خشکی اندک می‌توانست به محاصره در آید (همان، ۱۰۱).

## نظریات و تئوری‌های تنش و منازعه میان کشورها

در این قسمت برخی از نظریات و تئوری‌های صاحب‌نظران و کارشناسان مربوط در رشته‌های علوم سیاسی و جغرافیای سیاسی که در رابطه با سرچشمه‌های تنش و منازعه در روابط میان کشورها به ارائه نظر پرداخته‌اند، ذکر می‌شود.

**لوئیز ریچاردسن (۱۹۶۰):** دیدگاه لوئیز ریچاردسن<sup>۱</sup> در ارتباط با تنش و منازعه بین کشورها حاکی از آن است که ظرفیت بالقوه مشاجره و تنش بین کشورها، تابع تعداد همسایگانی است که یک کشور دارد. ریچاردسن در مقاله‌ای با عنوان «آمار منازعات کشنده»<sup>۲</sup> که در سال ۱۹۶۰ میلادی در مجله علوم<sup>۳</sup> منتشر شد، جنگ را حیاتی می‌دانست. او در این مقاله، قبل از دوره موشک‌های قاره‌پیما ثابت می‌کند که استعداد روابط بین ناحیه‌ای از جمله تنش و مشاجره، تابع تعداد همسایگان است. (Richardson, 1960:384) به هر حال، در فرآیند تهدید خارجی، کشور یا کشورهای

همسایه، بالقوه و به شکل‌های زیر ممکن است تحت تأثیر قرار گیرند:

**صدور بحران:** هر کشوری می‌تواند انعکاس اثرهای فوری ناامنی‌های همسایگان را در فضای سرزمینی خود انتظار داشته باشد. دولت‌ها با صدور بحران، در واقع جنگی اعلان نشده، غیر مستقیم و اغلب ناخواسته را علیه دیگران به ویژه همسایگان آغاز می‌کنند.

**تراکم تهدید مستقیم:** اغلب جنگ‌هایی که بین سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۴۵ میلادی رخ داده است، کشورهایی را درگیر نموده که حداقل دارای چهار همسایه بوده‌اند. چین، هند، مصر، اسرائیل، ویتنام، ایران، عراق، ارمنستان و آذربایجان نمونه‌های مناسبی برای این نتیجه‌گیری هستند. برعکس، یکی از عوامل عمده مصونیت و امنیت نسبی کشورهای چون استرالیا، کانادا و آمریکا، تعداد کم همسایگان آن‌هاست.

**تراکم اختلاف:** تعداد همسایگان، در عین حال زمینه مناسبی برای افزایش اختلافات کشورهای همسایه مهیا می‌کند. اختلافات ارضی و مرزی، اختلاف بر سر منابع مشترک

1-Lewis Richardson

2-The Statistic of Deadly Quarrels

3-Science Magazine

نقشی، حق آب رودخانه‌های مرزی، مسائل عملکردی مرز و برخوردهای ایدئولوژیک، اغلب بین کشورهای هم‌جوار معنا و مفهوم قابل لمس می‌یابد. در واقع، بین تعداد همسایگان و افزایش تقاضاها ارتباط مستقیمی وجود دارد. (Haye, 2002:12-14)

**پیتر می‌یر (۱۹۹۴):** به اعتقاد پیتر می‌یر<sup>۱</sup>، وجود جوامع متباین همراه با نظام‌های فرهنگی خاص و وجود حداقلی از نابرابری‌های اجتماعی و طبقاتی جزو شرایط وقوع منازعه و در نهایت جنگ محسوب می‌شوند. اگر میان دو یا چند جامعه رقابت بر سر تصاحب مواد و مایحتاج کمیاب وجود داشته باشد، ممکن است به کشمکش و منازعه و حتی جنگ میان آنها منجر شود (می‌یر، ۱۳۷۶: ص ۳۱-۳۰). به نظر می‌رسد که مهم‌ترین علل و انگیزه‌های جنگ در خصیصه گروه‌گرایی، قوم‌گرایی و ملیت‌گرایی فرهنگ‌ها و روابط مبتنی بر ترس متقابل از یکدیگر نهفته است که این ترس نیز به نوبه خود معلول پیامد و نتیجه منطقی اصالت‌های نژادی، قومی و گروهی می‌باشد (همان: ۶۷). به طور کلی، از دیدگاه می‌یر، تغییرات در بخش‌های زیر را می‌توان به عنوان عوامل بروز منازعه و جنگ بین کشورها قلمداد نمود:

۱- تغییر و تحول در بخش اقتصادی که می‌تواند به تحول در ساخت و اهداف اجتماعی نوین منجر شده و باعث جنگ‌هایی شود که هدفشان غارت و استثمار ممالک دیگر است.

۲- تغییر و تحول در بخش ایدئولوژیک که می‌تواند در کنار مناسبات حاکم موجود به جنگ‌های عادلانه نیز مشروعیت بخشد.

۳- تغییر و تحول در بخش فناوری که می‌تواند به تحول در شیوه تولیدی جدید و نیز دگرگونی در روابط میان گروهی و همچنین درون‌گروهی منجر شود.

۴- تغییر و تحول در بخش اجتماعی که می‌تواند به دگرگونی در نحوه قشربندی عناصر اجتماعی و تحول در جابه‌جایی طبقه ممتاز جامعه منجر شود.

۵- تغییر و تحول در بخش سیاسی که می‌تواند به نابودی نهادها و الگوهای قانونی موجود و خلق الگوهای نظام تازه بینجامد. (همان: ۹۴)

1-Peter Meyer

**پیتر هاگت (۱۹۷۲):** مدل «های پوتیتکا»<sup>۱</sup> از پیتر هاگت<sup>۲</sup> تلاشی است در راستای مطالعه عوامل جغرافیایی تنش‌زا در روابط و مناسبات میان کشورها. این مدل تضمین‌کننده کشوری فرضی است به نام «های پوتیتکا» دارای مجموعه‌ای از وضعیت‌های اختصاصی که موجب پیدایش مشاجرات با همسایگانش می‌شوند. این کشور فرضی، محصور در خشکی<sup>۳</sup> بوده و دارای دوازده نقطه بالقوه تنش‌زا در روابط با همسایگانش می‌باشد. (Haggett, 1983: 477)(Haggett, 2001: 521)

هاگت این مدل را برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ میلادی در چاپ اول کتاب «جغرافیا: ترکیبی نو»<sup>۴</sup> ارائه داد. این مدل بدون تغییر در چاپ‌های بعدی کتاب در سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۸۳ و ۱۹۹۵ میلادی نیز ذکر شده است. همچنین در کتاب جدید پیترهاگت به نام «جغرافیا: ترکیبی جهانی»<sup>۵</sup> که در سال ۲۰۰۱ میلادی به چاپ رسیده است، مورد اشاره قرار گرفته است (Haggett, 1972, 1975, 1983, 1995, 2001).

هاگت در این مدل به دوازده عامل جغرافیایی تنش‌زا در روابط و مناسبات میان کشورها به شرح زیر اشاره کرده است:

- ۱- حقوق دالانی برای کشور محصور در خشکی برای دسترسی به دریا از طریق خاک کشور همسایه؛
- ۲- اختلاف در نحوه تفسیر خط مستقیم آب (آب پخشان) در مرزهای کوهستانی؛
- ۳- مرز بین‌المللی رودخانه‌ای متغیر؛
- ۴- اختلاف در تعیین مرز در دریاچه مشترک و چگونگی بهره‌برداری از منابع آن؛
- ۵- بودن آب قسمت علیای رود توسط کشور فرادست رودخانه؛
- ۶- امتداد و گسترش سرزمینی و فضایی یک گروه قومی - زبانی به خاک کشور همسایه؛
- ۷- استقرار یک گروه اقلیت نژادی و قومی در امتداد دو مرز بین‌المللی؛

---

1- Hypothetica  
2-peter Haggett  
3- Landlocked  
4- Geography: A Modern Syntheses  
5- Geography: A Global Synthesis

- ۸- جابجایی فصلی کوچ‌نشینان در دو سوی مرز بین‌المللی؛
  - ۹- جنبش جدایی‌طلبان قومی در فضای داخلی یک کشور؛
  - ۱۰- استقرار یک منبع مهم بین‌المللی در نزدیکی مرز که مورد ادعای همسایگان باشد. این منبع مهم ممکن است یک منبع راهبردی نظیر اورانیوم و یا یک منبع فرهنگی نظیر مکان‌های مقدس باشد؛
  - ۱۱- ادعای یک کشور به خاک کشور همسایه برای حفظ موقعیت برتر و حیاتی مناطق و منابع مرزی خود؛
  - ۱۲- منازعات قانونی بر سر باروری مصنوعی ابرها به منظور تأمین باران در فضای داخلی یک کشور و ایجاد بارش در قلمرو کشور همسایه در اثر حرکت و جابه‌جایی ابرها (Haggett, 1972, 1975, 1983, 1995, 2001).
- توماس‌هامر - دیکسون (۱۹۹۴، ۱۹۹۱):** بر اساس دیدگاه «توماس‌هامر - دیکسون»<sup>۱</sup>، تأثیر عوامل زیست محیطی بر امنیت ملی به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم ارزیابی می‌شود. در تأثیرگذاری مستقیم رابطه بدین‌گونه است که متعاقب بروز تحولاتی در عرصه محیط زیست، دولت‌ها برای دستیابی و یا استمرار سلطه‌شان بر منابع طبیعی با یکدیگر وارد رقابت و چالش می‌شوند، اما در روش غیر مستقیم، تغییرات پدید آمده در حوزه محیط‌زیست، آثار سیاسی - اجتماعی پدید می‌آورد که آنها به نوبه خود زمینه بروز نزاع را فراهم می‌سازند. «هامر - دیکسون» بر این اساس چهار نوع ارتباط را فرضیه‌بندی نموده است (Homer - Dixon, 1994).
- ۱- منازعات بین دولت‌ها که ریشه در کمبود منابع طبیعی غیرقابل تجدید دارند و از حیث تاریخی کاملاً برای ما شناخته شده می‌باشند.
  - ۲- منازعات بین دولت‌ها که ریشه در کمبود منابع طبیعی تجدیدپذیر دارند.
  - ۳- در رابطه با منابع طبیعی تجدیدپذیر که باعث بروز تنش در روابط بین کشورها می‌شوند، مسائل مربوط به ماهی‌گیری در حوزه‌های مورد مناقشه و منابع آب شیرین حائز اهمیت‌اند.

---

1 -Thomas Homer-Dixon



۴- منازعات غیرمستقیمی که متأثر از تغییرات زیست محیطی به وقوع پیوسته است. این دسته از منازعات که «هامر-دیکسون» آنها را بسیار خطرناک‌تر از موارد پیشین ذکر می‌کند، به دو صورت به وقوع می‌پیوندند:

**الف) مشکل گروه‌های هویتی:** فشارهای ناشی از مشکلات محیط زیست، جنبش‌های جمعیتی بزرگی را پدید می‌آورد که این جنبش به نوبه خود به شکل‌گیری گروه‌های هویتی منجر می‌شوند؛ گروه‌هایی که عمدتاً نزاع برانگیزند و نمونه بارز آن نیز برخورد‌های قومی است که پیوسته در گوشه و کنار جهان رخ می‌دهند. مقوله شرایط مناسب زیست محیطی برای ادامه زندگی، بحث مهمی در آمایش جمعیتی و سیاست‌های مربوط به آن می‌باشد که پیوسته به صورت مهاجرت یا کوچانیدن، درگیری و مشکلاتی را برای جوامع مختلف به دنبال داشته است. حوزه تأثیرگذاری این تحولات ضرورتاً در قلمرو داخلی نبوده، بلکه به سیاست بین‌الملل و روابط کشورها نیز تسری می‌یابد (Suhrke, 1993: 14-15).

**ب) مشکل محرومیت:** مشکلات زیست محیطی از طریق دامن زدن به کمبودهای اقتصادی، زمینه را برای شکل‌گیری احساس محرومیت نزد شهروندان مساعد ساخته و به این ترتیب، به بروز منازعه و کشمکش کمک می‌کند. وجود تفاوت‌های زیست محیطی از حیث بهره‌مندی طبیعی، به جذب سهم بیشتری از دولت در بهبود شرایط مادی زندگی منجر می‌شود و این امر گسستی را بین مناطق مختلف ایجاد می‌کند که در نهایت به خاطر تعمیق آن، به تضعیف مشروعیت نظام سیاسی منجر می‌شود. درگیری‌های پیوسته در فیلیپین و ایالت‌های مختلف چین از جمله مصادیق مؤید این مدعا هستند (Homer-Dixon, 1993: 65-67).

با این حال، یادآوری این نکته ضروری است که این رویکرد، و به ویژه دعاوی «هامر-دیکسون»، از سوی سایر اندیشمندان به نقدگذارده شده که از این میان، می‌توان به نقدهایی اشاره داشت که قوت ارتباط بین دو حوزه امنیت و محیط زیست را به بحث گذارده و آن را ضعیف ارزیابی می‌کنند. به زعم این دسته از منتقدان، ارتباط بیان‌شده نه تنها از حیث نظری بلکه در بستر تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی نیز به گونه‌ای

قوی ظاهر نشده است. این انتقاد در ارتباط با «رابطه غیر مستقیم» بیشتر مطرح شده است؛ چراکه دخالت عوامل میانی که به صورت غیر مستقیم بر این تحولات تأثیرگذار بوده‌اند، آن قدر زیاد است که گزینش عوامل زیست محیطی از این میان بدون توجیه به نظر می‌رسد (Levy, 1995: 56).

**جان رابرت پرسکات**<sup>۱</sup> (۱۹۷۸): وی مناقشه‌های مرزی را که به نوبه خود باعث بروز تنش و منازعه فراوانی در روابط کشورها با هم شده، به چهار گروه تقسیم کرده است: **الف) اختلافات و مناقشه‌های سرزمینی**<sup>۲</sup>: حالتی است که در آن یک کشور ادعای حق مالکیت و حاکمیت بر بخش‌هایی از سرزمین کشور دیگری را دارد. ممکن است که کشورها ادعاهای مرزی علیه همسایگان خود را به منظور افزایش قدرت خود از طریق تملک سرزمین بیشتر مطرح کنند و یا امکان دارد که اختلافات مرزی را به عنوان ابزاری در سیاست‌های خارجه‌شان استفاده نمایند (Prescott, 1972: 114).

**ب) مناقشه‌های موقعیتی**<sup>۳</sup> (مناقشه بر سر موقعیت): این مناقشات شامل اختلافاتی می‌شود که برداشت متضاد را از اسناد مربوط به موقعیت و جایگاه مرزها در برمی‌گیرد. مناقشات موقعیتی در مناطقی بیشتر دیده می‌شوند که مرزهای بین‌المللی بین کشورها از نوع مرزهای قبل از سکونت و یا مرزهای تحمیلی باشند و یا در جاهایی که توافق بر سر خطوط مرزی بین کشورها، قبل از تطبیق آن با نقشه و اسناد معتبر و صحیح صورت گرفته باشد (Beckinsale, 1969: 974-975).

**ج) مناقشه‌های کارکردی**<sup>۴</sup>: این دسته از مناقشات، اختلافات دو کشور در مرزهای بین‌المللی‌شان را بر سر کارکرد مرز دولت نظیر مسائل مربوط به حقوق گمرکی و کنترل مهاجرت در بر می‌گیرد. علاوه بر این، حقوق رهنه‌گردانان و کوچ‌نشینان مناطق مرزی بین چند کشور برای دسترسی به مراتع و چراگاه‌های سنتی در آن طرف مرزهای بین‌المللی که به شدت از جانب دولت‌ها محافظت می‌شود و مشکلات

1-John Robert Prescott

2-Territorial Disputes

3-Positional Disputes

1-Functional Disputes

عدیده‌ای را در روابط کشورها ایجاد کرده است، در این گروه قرار می‌گیرند (Prescott, 1972: 118).

**مناقشه به خاطر توسعه منابع<sup>۱</sup>:** از آنجا که حکومت‌ها به عنوان فرمانروای مطلق در چارچوب قلمرو سرزمینی‌شان محسوب می‌شوند، در نحوه و میزان استفاده از منابع موجودشان تا جایی که مناسب بدانند، آزاد هستند. هر چند احتمال دارد هنگامی که نحوه و میزان بهره‌برداری و توسعه منابع از جانب یک کشور بر کشورهای دیگر تأثیر بگذارد، مشکلات قانونی و سیاسی در این رابطه پیش آید. بخش عمده کشمکش‌ها و اختلافات بر سر توسعه منابع آبی می‌باشند، هر چند که آلودگی جوی یا بهره‌برداری یک‌جانبه از حوضچه‌های نفتی مشترک نیز می‌تواند سبب ایجاد منازعه و تنش بین همسایگان شود. هنگامی که یک رودخانه مرز بین کشورهای همسایه را شکل می‌دهد، ممکن است مشکلات عدیده‌ای در زمینه‌های مربوط به کشتیرانی، سدسازی، نصب پل، آبیاری و همچنین تغییر مسیر رودخانه پیش آید (Muir, 1975: 181-182). بهره‌برداری از سرشاخه‌های اصلی رودخانه‌های مرزی در کشورهای بالادست رودخانه نیز می‌تواند زمینه‌ساز بروز تنش و منازعه گردد (Simsarian, 1968: 492). آلوده کردن رودخانه‌هایی که از یک کشور وارد کشور دیگری می‌شوند، و یا آب‌های مرزی به وسیله کشورهای بالادست آنها را در اختیار دارند، مشکلات و مسائل زیادی را بین کشورها ایجاد می‌کند (Beckinsale, 1969: 974-975).

**جان کالینز<sup>۲</sup> (۱۹۹۸):** وی در کتاب جغرافیای نظامی، منازعات ژئوپلیتیک میان کشورها را به چهار دسته (منازعات راهبردی<sup>۳</sup>، منازعات اقتصادی<sup>۴</sup>، منازعات فرهنگی<sup>۵</sup> و منازعات زیست‌محیطی<sup>۱</sup>) تقسیم کرده است (Collins, 1998: 284-288).

---

2-Disputes over Reurce Development

1-John Collins

2 -Strategic Friction

3 -Economic Friction

4-Culturall Friction

5 -Environmental Friction

**منازعه راهبردی:** مناقشات مرزی میان کشورها در ابعاد مختلف، ادعاهای سرزمینی به قلمرو کشورهای دیگر، رقابت بر سر کنترل نقاط حساس و راهبردی نظیر تنگه‌ها و آبراه‌ها در زمره منازعات راهبردی قرار می‌گیرند. مشاجره ایران و امارات متحده عربی بر سر کنترل جزیره ابوموسی<sup>۱</sup> که در تنگه هرمز<sup>۲</sup> واقع شده و مشاجرات میان انگلیس و اسپانیا بر سر تنگه جبل الطارق<sup>۳</sup> که اقیانوس اطلس را به دریای مدیترانه متصل می‌کند، نمونه‌هایی از نقاط حساسی هستند که اهمیت راهبردی آنها برای عبورکنندگان از مسیرهای دریایی از طرفین منازعه بیشتر است (Collins, 1998: 287-290).

**منازعه اقتصادی:** امروز در اختیار داشتن امکانات اقتصادی وسیع در سرزمین‌های غنی به لحاظ منابع اقتصادی یک مزیت عمده برای هر کشور محسوب می‌شود. به همین دلیل، بیشتر اختلافات ارضی و مرزی بین کشورها علاوه بر بعد راهبردی از بعد اقتصادی نیز برخوردار است. کشمکش و اختلاف کشورهای چین، تایوان، ویتنام، فیلیپین، برونئی و مالزی بر سر مالکیت جزایر اسپراتلی<sup>۴</sup> در دریای چین جنوبی به خاطر غنی بودن این جزایر به لحاظ ذخایر نفت و گاز زیرزمینی و مواد معدنی یک منازعه اقتصادی به شمار می‌آید.

**منازعه فرهنگی:** خطوط جداکننده نژادهای انسانی، از آنجا که محل برخورد علایق فرهنگی<sup>۵</sup> و سبک‌های زندگی متفاوت با هم هستند، خصومت و دشمنی پایداری را میان گروه‌های قومی و مذهبی به وجود می‌آورند (Coogan, 1996: 64). در هنگام بروز اختلاف و تضاد میان منافع فرهنگی و آداب و رسوم کشورها با یکدیگر، افتخار کردن به دودمان و نژاد موجب خصومت‌های طولانی می‌شود؛ زیرا علایق نژادی در حقیقت از دیگر علایق محکم‌تر است (oballance, 1995: 75-76).

**منازعه زیست‌محیطی:** انسان به زیستگاهی با هوای پاکیزه، آب آشامیدنی سالم، منابع غذایی و امکانات کافی برای زندگی احتیاج دارد، اما مسائلی چون آلودگی، غارت

6-Abu Musa Island

7-Strait of Hormuz

8-Gibraltar Strait

4 -Spratly Islands

5 -Cultural Interests

منابع و مواردی از این دست که کره زمین را در بر گرفته، تأمین نیازهای جمعیت جهان را با دشواری روبه‌رو ساخته است (Conrad, 1995: 6). آلودگی هوا، تخریب جنگل‌ها، سوء مدیریت در بخش کشاورزی، صید بی‌رویه ماهی، نشت مواد نفتی از نفت‌کش‌ها، زیاده‌روی در مصرف منابع آب و دفع بی‌ملاحظه زباله‌های خطرناک از جمله فعالیت‌های مخرب زیست‌محیطی به شمار می‌روند که موجب نابودی زیستگاه‌های محلی، منطقه‌ای و حتی جهانی شده و تأثیرات کوتاه‌مدت و درازمدت بر اکوسیستم و شرایط زندگی بشر بر جا می‌گذارند (Collins, 1998: 297-298).

### منابع تنش و تحلیل ژئوپلیتیکی

دولت‌های پیرامونی ایران، نه تنها فاقد یک دیدگاه ژئوپلیتیک مجردند، بلکه دیدگاه‌های آن‌ها تحت تأثیر تاریخ، ایدئولوژی سیاسی، موقعیت جغرافیایی، تنگناهای ارتباطی و آرمان‌های ملی جداگانه و اغلب انحصاری متعدد، متفاوت است. (درایسدل، آلاسدر و بلیک، جerald اچ، ۱۳۶۹، ص. ۴۱) تعدد دیدگاه‌های ژئوپلیتیک از یک‌سو باعث کم‌رنگ شدن تفاهم‌ها و همکاری‌های نهادینه شده منطقه‌ای است و از سوی دیگر تداخل و روی‌هم‌افتادگی مکانی و جغرافیایی این دیدگاه‌ها باعث افزایش تنش در سرتاسر این منطقه شده است. در واقع بیشترین تراکم و فشردگی تنش‌ها را می‌توان در حوزه‌های ژئوپلیتیک خلیج فارس، خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی یافت (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۳۰). برای دستیابی به مبانی نظری مناسب در خصوص «منابع تنش» که به عنوان متغیر مستقل این تحقیق، مورد مطالعه قرار می‌گیرد لازم است تا ابتدا مفاهیمی همچون «تحلیل ژئوپلیتیکی»، «ژئوپلیتیک و منابع تنش ژئوپلیتیکی»، «ژئواکونومیک و منابع تنش ژئواکونومیک» و همچنین «ژئوکالچر و منابع تنش ژئوکالچری» مطالعه شود.

### تحلیل ژئوپلیتیکی

دکتر افشردی ضمن اشاره به «مناطق بحران‌خیز» از روش‌های گوناگون انجام یک «تحلیل ژئوپلیتیکی» صحبت به‌میان آورده می‌نویسد دکتر ایولاکست در روش «تحلیل ژئوپلیتیکی» معتقد است، محقق باید از هر نوع پیش‌داوری نسبت به منطقه مورد مطالعه پرهیز کند، بلکه از طریق آشنایی نزدیک با منطقه نسبت به شناخت ریشه بحران‌ها اقدام

نماید. البته او بر ادعای تاریخی و همچنین ضرورت شناخت اندیشه‌های ژئوپلیتیکی افراد و نهادهای تأثیرگذار بر مردم تأکید داشته و معتقد است، نحوه القائات تفکرات ژئوپلیتیکی بر مردم توسط این نهادها یک اثر اساسی بر مناطق بحران‌خیز دارد (افشردی، ۱۳۸۱: ۲۹).

از سوی دیگر دکتر عزت الله عزتی در فصل دوم کتاب «ژئوپلیتیک» عوامل مؤثر در ژئوپلیتیک را به دو بخش «ثابت» و «متغیر» تقسیم کرده و معتقد است: عوامل ثابت در حقیقت همان پدیده‌های طبیعی و جغرافیایی است که موقعیت جغرافیایی در میان آن‌ها نقش کلیدی دارد. عوامل متغیر که ممکن است برخی از آن‌ها منشأ طبیعی داشته باشند، به دلیل نقش کمیتی که دارند متغیر محسوب می‌گردند و عامل انسانی در بین آن‌ها نقش کلیدی دارد (عزتی، ۱۳۸۸: ۷۶-۱۰۳).

دکتر کریمی‌پور ضمن اذعان به این حقیقت که برخی از منابع تنش می‌توانند ویژگی‌های مشترک ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی داشته باشند گروه‌بندی قطعی منابع جغرافیایی تنش و مشاجره و قرارداد آن‌ها در یک گروه را «به سختی امکان پذیر» دانسته می‌نویسد منابع جغرافیایی تنش بین دولت‌های همجوار از نقطه نظر منشأ، ریشه و نوع تنش در سه گروه کلی جای می‌گیرد:

۱- ژئواکونومیک ۲- ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک ۳- ژئوکالچر (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۹).

کسانی هستند که صرفاً توجه به خطوط تولید دارند و در صورت گسترش بازارهای ملی‌شان تنها به حفظ تولید اقلام و مواد اولیه توجه می‌کنند (عزتی، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

در همین رابطه دکتر مجتهدزاده معتقدند که دیدگاه ویژه ژئواکونومیک عبارت از مطالعه اثرگذاری عوامل یا زیربنای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای یا جهانی است. در ساختار شکل گیرنده ژئوپلیتیک پیترهاگت نیز در کتاب «جغرافیا ترکیبی نو»، ضمن اذعان به این حقیقت که علاوه بر تنش‌های با منشأ جغرافیایی میان کشورهای همسایه، برخی عوامل غیرفضایی و غیرمحیطی نیز می‌تواند منبعی برای مشاجره دو کشور همسایه پدید آورد؛ دوازده محور جغرافیایی بالقوه تنش‌زا را که می‌توانند

- موجب منازعه و تنش دول همسایه شوند در ضمن ارائه مدلی از کشورهای محصور در خشکی (های پوتیکا) به شرح زیر تشریح می‌نماید:
- ۱- تمایل دولت محصور در خشکی برای دسترسی به آب‌های آزاد از طریق فضای سرزمینی کشور یا کشورهای همسایه؛
  - ۲- اختلاف تفسیر درباره خط تقسیم آب (آب‌پخش‌شان)؛
  - ۳- تغییر مرز بین‌المللی به دلیل تغییر مسیر رودخانه؛
  - ۴- اختلاف در تعیین مرز و چگونگی بهره‌برداری از دریاچه مشترک؛
  - ۵- ربودن آب علیای رودخانه؛
  - ۶- گسترش سرزمین یک گروه واحد قومی در دو سوی مرز بین‌المللی؛
  - ۷- حمایت از گروه اقلیت وابسته به گروه اکثریت در آن سوی مرز؛
  - ۸- کوچ فصلی چادرنشینان دامدار در دو سوی مرز؛
  - ۹- ادعای ارضی مبنی بر تهدید شهرهای مرزی؛
  - ۱۰- جنبش جدایی‌طلبانه داخلی مورد حمایت همسایه یا همسایگان؛
  - ۱۱- منبع نفتی امتداد یافته در دو سوی مرز؛
  - ۱۲- منابع معدنی مهم با موقعیت سرحدی (هاگت، ۱۳۷۶: ۳۷۲).
- دکتر کریمی‌پور بر این باور است که به فهرست موصوف می‌توان موارد دیگری را نیز اضافه نمود؛ یعنی مواردی نظیر:
- ۱۳- اختلاف نظر درباره چگونگی تحدید حدود رودخانه‌های قابل کشتیرانی مرزی؛
  - ۱۴- اختلافات دیرینه بر سر مالکیت جزیره یا جزیره‌ها؛
  - ۱۵- چگونگی تحدید مرزهای دریایی و خشکی؛
  - ۱۶- تداخل منابع دول همجوار در دریاها؛
- نیز جزو منابع تنش با منشأ جغرافیایی می‌توانند قرار گیرند (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ایشان همچنین بر این باورند که به فهرست هاگت می‌توان موارد زیر را به عنوان موارد تنش‌زای بین‌المللی اضافه کرد:
- ۱- تعقیب مخالفان مسلح تا آن سوی مرزهای بین‌المللی؛

- ۲- ایجاد نوار امنیتی در حاشیه مرز؛
- ۳- ورود آوارگان ناشی از جنگ‌های داخلی به خاک دولت یا دولت‌های همسایه؛
- ۴- گسترش دامنه نبرد به حاشیه و درون فضای سرزمین دول همسایه؛
- ۵- تلاش همه‌جانبه برای گسترش نظام ارزشی در کشورهای همجوار؛
- ۶- مداخله منظم و غیرمنظم نظامی از جمله حملات هوایی به کشورهای همجوار به بهانه از بین بردن ریشه‌های بحران؛
- ۷- مداخله نظامی برای حمایت از اتباع و هم‌کیشان؛
- ۸- مداخله نظامی به بهانه حفظ منافع برون مرزی؛
- ۹- اختلاف نظر یا تفسیر در محدوده صیدگاه‌ها؛
- ۱۰- در اختیار قرار دادن ایستگاه‌های رادیو تلویزیونی به مخالفان دولت‌های همسایه؛
- ۱۱- تاسیس پایگاه‌های نظامی از جمله تأسیسات موشکی در حاشیه مرز (همان: ۱۹).

#### منابع ژئوپلیتیک تنش

دکتر کریمی‌پور در پایان‌نامه دکترای خود در دانشگاه تربیت مدرس تهران ضمن اشاره به تحت تأثیر بودن سیاست خارجی ملت‌ها توسط محیط و فضای جغرافیایی به ویژه موقعیت‌های نسبی می‌نویسند:

زمانی که استقلال و تمامیت ارضی، وحدت و امنیت ملی و ارزش‌های اساسی دولت-ملت به فضاها و جغرافیایی و سیاست ملل دیگر پیوند خورد، منابع ژئوپلیتیک مشاخره شکل خواهد گرفت. در واقع آنجا که سیاست خارجی ملت‌ها و یا راهبردهای نظامی آن‌ها تحت تأثیر محیط و فضای جغرافیایی، به ویژه موقعیت نسبی است، مسائل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک شکل می‌گیرند، چنانکه بر این اساس، ژئوپلیتیک را سیاست برگرفته از جغرافیا یا زمین تعریف کرده‌اند (کریمی‌پور، ۱۳۷۱: ۳۵).

اختلافات دیرینه دامنه دار و گوناگون در مورد مرزهای دریایی، زمینی و حتی هوایی، گسترش سرزمینی یک گروه واحد قومی در دوسوی مرز بین‌المللی و امتداد سرزمینی و جمعیتی بخشی از یک ملت در کشور همجوار، در شمار مسائل ژئوپلیتیک و تنش‌زا به شمار می‌روند (کریمی‌پور، ۱۳۷۱: ۲۱). آقای رحیم نوعی اقدام به عنوان مدیرکل وقت امور



مرزی وزارت کشور در مصاحبه اختصاصی با یکی از کارشناسان ارشد مطالعات دفاعی راهبردی براین اعتقاد بودند که «از منابع مهم تنش ژئوپلیتیکی میان دو کشور، حمایت یکی از آن دو، از دشمن کشور دیگر است. این تنش، در مواقعی که یکی از آن دو همسایه با دشمن کشور همسایه خود، روابط نظامی و امنیتی علنی و رسمی داشته باشد به اوج خود رسیده حالتی نزدیک به بحران به خود می‌گیرد».

از پیامدهای واژه ژئوپلیتیک، رواج دو مفهوم ژئواکونومی و ژئوکالچر است. در همین راستا دکتر پیروز مجتهدزاده معتقدند:

ژئوپلیتیک از سوی دیگر، مبحثی گسترده و مادر است که در روند مطالعه و برحسب دیدگاه‌های گوناگون مطالعه، نیم‌پیکر واژه‌ای آن به صورت پیشوند «ژئو» در برابر دیدگاه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی در آمده و مباحث جدیدی را راهبری می‌کند. در حال حاضر متداول‌ترین این دیدگاه‌ها عبارتند از: ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک، هیدروپولیتیک و ژئوکالچر (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

بنابراین به منظور وصول به مبنای نظری مناسب تحقیق، در ذیل به توضیح دو مفهوم ژئواکونومی و ژئوکالچر می‌پردازیم:

### **منابع ژئواکونومیک تنش**

زمانی که یک بخش یا تمام قابلیت‌های اقتصادی دولت-ملت‌ها درگرو مسائل جغرافیایی باشد اقتصاد جغرافیایی یا ژئواکونومیک شکل می‌گیرد. در واقع طراحی‌های درازمدت اقتصادی دولت‌ها در مرزها بر منابعی استوار است که می‌توان آن‌ها را در شمار منابع مشترک به حساب آورد.

سپس نویسنده کتاب «مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان» ضمن تقسیم منابع تنش به سه حوزه ژئواکونومیک، ژئوپولیتیک و ژئوکالچر، موارد زیر را در شمار تنش‌های ژئواکونومیک می‌داند:

- ۱- اختلاف نظر در مکان تقسیم آب؛
- ۲- برداشت گسترده از بخش علیای رودخانه‌هایی که وارد چند کشور می‌شوند؛
- ۳- اختلاف برسر مالکیت جزیره‌ها و میدان‌های نفتی آنها؛

- ۴- اختلاف بر سر مسائل کشتیرانی؛
- ۵- محدوده‌های فلات قاره، صیدگاه، مناطق انحصاری اقتصادی؛
- ۶- حق دسترسی دولت محصور در خشکی به آب‌های آزاد از طریق عبور از خاک کشور همسایه (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۲۰).

### منابع ژئوکالچر تنش

بخشی از اختلافات همسایگان، ناشی از رقابت یا تداخل دیرینه منابع و علایق فرهنگی است. این منابع مشاجره، در شمار منابع «ژئوکالچر» محسوب می‌شود. رقابت‌های دیرینه قومی، ملی‌گرایانه و تلاش برای صدور ارزش‌های فرهنگی و گستراندن نظام ارزشی و حمایت از هم‌کیشان در کشور همسایه بخشی از این عملکرد است. گسترش دامنه‌ی نیروهای ایدئولوژیک در تعقیب مخالفان تا آن سوی مرز و کنترل ایدئولوژیک منطقه، بخشی از نتایج رقابت‌های سیاسی-فرهنگی کشورهای همسایه به شمار می‌رود

(کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۲۲).

یکی دیگر از صاحب‌نظران مسائل آسیای غربی و عربستان بر این اعتقاد است که، «اختلاف در زاویه نگاه به تاریخ ملی» را نیز در شمار منابع تنش ژئوکالچری می‌توان قلمداد نمود. در توضیح این مطلب به تفاوت نقل تاریخ در چگونگی شکل‌گیری شیعه و سنی در کرسی‌های رسمی تاریخ و مراکز آکادمیک دو کشور عربستان و ایران می‌توان اشاره نمود. بر اساس ادبیات تحقیق که به منظور دستیابی به مبانی نظری متقن از متغیر مستقل تحقیق گذشت و با تعیین مصداق بر موارد احصایی، تنش‌های محتمل و ممکنه در روابط بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را از نظر صاحب نظران و خبرگان می‌توان به صورت زیر دسته بندی نمود:

**منابع تنش ژئوکالچری :**

- ✓ تلاش همه جانبه عربستان برای گسترش وهابیت و سلفی‌گری در جهان اسلام؛
- ✓ تلاش ایران برای گسترش اسلام ناب محمدی در جهان اسلام؛
- ✓ اختلافات مذهبی و تاریخی بین دو کشور و دامن زدن به آنها؛
- ✓ حمایت های هدفمند سیاسی عربستان از اهل سنت ایران و ترویج وهابیت در بین آنها؛
- ✓ حمایت ایران از شیعیان عربستان؛
- ✓ اعطای تابعیت عربستان به حاکمان مخلوع و دیکتاتور فراری کشورهای عربی؛
- ✓ ترویج تفکر ضد شیعی از سوی عربستان ( شیعی هراسی و ایران هراسی) ؛
- ✓ تخریب اماکن مذهبی - شیعی در منطقه توسط عربستان؛
- ✓ برگزاری مراسم برائت از مشرکین در ایام حج با محوریت ایران و داشتن خط و مشی ضد استکباری؛
- ✓ فعالیت شبکه های ماهواره ای العالم و الکوثر ایران جهت تاثیر گذاری بر افکار عمومی کشورهای منطقه؛
- ✓ فعالیت شبکه ماهواره‌ای العربیه جهت تاثیر گذاری بر افکار عمومی کشورهای منطقه.

**منابع تنش ژئوپلیتیکی :**

- ✓ تداخل و تضاد منافع و علایق ایران و عربستان در خلیج فارس و خاورمیانه؛
- ✓ عدم حضور ایران در شورای همکاری خلیج فارس؛
- ✓ تهدید به بستن تنگه هرمز توسط ایران جهت فشار بر سیاست‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس؛
- ✓ حمایت ایران از حزب الله ، سوریه ، عراق در جهت تقویت خط مقاومت در منطقه؛
- ✓ حمایت عربستان از القاعده و عملیات های تروریستی آنها در منطقه؛
- ✓ حمایت عربستان از معارضان سوریه و مخالفان دولت قانونی بشار اسد؛
- ✓ اختلاف ایران بر سر مالکیت جزایر سه گانه با کشور امارات و حمایت عربستان از امارات؛
- ✓ تلاش عربستان برای عضویت در پیمان‌های نظامی فرامنطقه‌ای؛
- ✓ ایجاد پایگاه نظامی از سوی آمریکا در خاک عربستان؛
- ✓ تبدیل شدن ایران به قدرت برتر منطقه ی و افزایش حوزه نفوذش؛
- ✓ حمایت ایران از بیداری اسلامی و انقلاب‌های منطقه؛
- ✓ همکاری و همسویی عربستان با رژیم اشغالگر قدس در جهت تقویت خط سازش در منطقه؛
- ✓ ساختار دموکراتیک مردم سالاری دینی ج.ا.ا و ایجاد الگو برای ملت‌های منطقه.

منابع تنش ژئواکونومیکی :

- ✓ رقابت جهت تأثیرگذاری بر سیاست های سازمان اوپک؛
- ✓ جبران کسری تولید نفت ایران توسط عربستان (ناشی از تحریم نفتی ایران)؛
- ✓ اختلاف بر سر مسائل کشتیرانی در خلیج فارس.

### تعاریف امنیت

ریشه لغوی واژه امنیت عربی است و تعاریف گوناگونی که تقریباً معنای یکسانی را می‌رساند از آن به عمل آمده است. در فرهنگ فارسی عمید، امنیت به معنای، در امان بودن، ایمنی، بی‌ترسی، آرامش و آسودگی معنی شده است. فرهنگ انگلیسی آکسفورد، امنیت را به معنای، در حفظ بودن، فراغت از خطر یا اضطراب و تشویش آورده است. در دانشنامه سیاسی آمده است: «امنیت در لغت، حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند». در فرهنگ لغات فارسی معین، امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی معنی شده است. آلستا بوکان عقیده دارد، امنیت واژه‌ای است که معنای بسیار دارد. بیشتر نویسندگان به این اکتفا کرده‌اند که امنیت را با نبود تهدید نظامی یا حفاظت ملت در برابر براندازی یا حمله خارجی برابر قرار دهند. در فرهنگ عربی-فارسی لاروس واژه امنیت این طور معنی شده است: «امنیت از کلمه أمن-أمناً آورده و به معنای آرامش یافتن و نرسیدن و بی‌بیم بودن است. در معنای مصدری از الامن آرامش و اطمینان پس از ترس می‌باشد».

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که امنیت ملی به معنی امنیت هر یک از این واحدهای سیاسی است. والتر لیمپن نویسنده و خبرنگار مشهور آمریکایی، امنیت ملی را چنین تعریف کرده است: «یک ملت هنگامی امنیت دارد که برای اجتناب از جنگ، منافع مشروعش را قربانی نکند و در صورت وقوع درگیری برای حفظ آن منافع، حاضر به جنگیدن باشد».

در فرهنگ روابط بین‌الملل تعریف امنیت ملی چنین آمده است: «امنیت ملی حالتی است که ملتی فارغ از هرگونه تهدید به از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی و یا خاک خود به سر برد». در کتاب اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی امنیت ملی این طور تعریف شده است: «در ادبیات روابط بین‌المللی، غالباً به معنی احساس آزادی کشور در تعقیب اهداف ملی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع اساسی و حیاتی کشور می‌باشد». در هر حال برای امنیت ملی تعاریف گوناگون آورده‌اند. برخی نویسندگان، امنیت را به معنی نبود تهدید نظامی گرفته‌اند. برخی بر محافظت از کشور در برابر حمله نظامی یا اقدامات واژگون‌سازی از خارج تأکید می‌کنند. یکی از تعاریف موجود برای این مفهوم، تعریف کلاسیک آن است. بنا به این تعریف، امنیت عبارت است از: «توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود». در این تعاریف بر جنبه نظامی امنیت تأکید شده است. کوشش دولت‌ها برای افزایش قدرت نظامی و تسلیحاتی معطوف به همین معناست. بالا بردن توان نظامی موجب می‌شود که تهدیدهای خارجی نتواند کشور را از پی‌گرفتن منظور خود که همانا حفظ حیات و پیش‌برد منافع ملی است، باز دارد.

### امنیت سیاسی

امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژیکی‌هایی است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد. امنیت سیاسی یعنی امکان اظهار نظر افراد، پیرامون چگونگی اداره امور جامعه و شرکت در این‌گونه امور بدون احساس بیم و هراس و خطر تهدید. (مجتهد زاده، ۱۳۸۹: ۴۴۲)

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دام ظلّه‌العالی) می‌فرمایند: «امنیت سیاسی معنایش این است که تفکرات و معارف سیاسی در جامعه، واضح و دور از نفاق و دوگونه‌گویی و دوگونه اندیشی باشد. معنایش این است که کسانی که متصدی بیان مسایل سیاسی برای مردم هستند، نسبت به مردم امانت به خرج دهند. معنایش این است کسانی که متصدی نوشتن و پخش کردن و منتشر کردن معارف

فکری جامعه هستند، دروغ نگویند، فریب ندهند، تقلب نکنند و در طعمی که در ظاهر شیرین هم هست، زهر مخلوط نکنند، این امنیت سیاسی است.» امنیت سیاسی یعنی آزادی نسبی از تهدیدهای آسیب رسانده است. در دانشنامه سیاسی آمده است امنیت سیاسی در لغت حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند؛ بنابراین امروز صحبت از امنیت فرهنگی و اجتماعی، بدون توجه به امنیت سیاسی، اقتصادی و... قابل توجه نبوده و متقابلاً امنیت سیاسی بدون برخورداری از امنیت فرهنگی و نظامی قابل توجه نیست. پس باید به تعامل و کنش متقابل ابعاد فوق در ارتباط ارگانیک توجه نمود. (کریمی، ۱۳۷۱: ۳۷)

همچنین همه ابعاد یادشده می‌توانند در ارتباط با یکدیگر قرار گیرند؛ یعنی به عنوان مثال امنیت سیاسی می‌تواند از سویی به امنیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمک کند و از سوی دیگر می‌تواند جریان توسعه اقتصادی و اجتماعی را نیز سرعت ببخشد.

### تجزیه و تحلیل

جدول زیر نشان می‌دهد که ۴۰ درصد از پاسخ دهندگان دارای تحصیلات لیسانس، ۲۷ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس و ۳۳ درصد از پاسخ‌گویان دارای مدرک دکترا هستند؛ بنابراین پاسخ‌دهندگان از نظر تحصیلات ۶۰ درصد دارای تحصیلات تکمیلی می‌باشند و برای پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق مناسب هستند.

تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
لیسانس	۱۲	٪۴۰	٪۴۰	٪۴۰
فوق لیسانس	۸	٪۲۷	٪۲۷	٪۶۷
دکترا	۱۰	٪۳۳	٪۳۳	٪۱۰۰
جمع	۳۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	

توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب متغیر حوزه مسئولیتی

فراوانی پرسش‌نامه جمع‌آوری شده	فراوانی پرسش‌نامه جمع‌آوری شده به تفکیک	پرسش‌شوندگان (نخبگان علمی / اجرایی / امنیتی مشرف به متغیرهای تحقیق)	
۱۰	۸	دانشگاه‌های دولتی	نخبگان دانشگاهی (علمی)
	۱	دانشگاه‌های آزاد	
	۱	سایر دانشگاه‌ها	
۱۰	۷	وزارت امور خارجه	نخبگان اجرایی
	۳	شورای امنیت ملی	
	۱	کمیسیون امنیت ملی مجلس	
۱۰	۵	وزارت اطلاعات	نخبگان امنیتی
	۳	نیروی قدس سپاه	
	۲	سازمان اطلاعات سپاه	
۳۰		جمع	

جمع‌بندی تأثیر شاخص‌های منابع تنش ژئوپلیتیکی میان ایران و عربستان بر امنیت

سیاسی جمهوری اسلامی ایران

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۴/۷۱	حداکثر	۰/۳۳۷۳۳	انحراف معیار	۴/۱۲۸	میانگین
۳۰	تعداد	۱/۲۹	دامنه تغییر	۴/۱۴۲	میانه
		۳/۴۳	حداقل	۴	نما

میانگین مربوط به شاخص‌های منابع تنش ژئوپلیتیکی میان ایران و عربستان ۴/۱۲۸۶ است، که با توجه به دامنه تغییر ۱/۲۹ و حداقل ۳/۴۳ و حداکثر ۴/۷۱ این میانگین از

منابع تنش جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

میانگین متوسط بالاتر است؛ یعنی پاسخ‌دهندگان تأثیر منابع تنش ژئوپلیتیکی میان ایران و عربستان را بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. جمع‌بندی تأثیر شاخص‌های منابع تنش ژئواکونومیک میان ایران و عربستان بر امنیت

سیاسی جمهوری اسلامی ایران

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۴/۶	حداکثر	۰/۸۰۸	انحراف معیار	۳/۰۴	میانگین
۳۰	تعداد	۲/۶	دامنه تغییر	۳/۳۳۳	میانه
		۲/۰۰	حداقل	۳/۳۳	نما

میانگین مربوط به شاخص‌های منابع تنش ژئواکونومیک میان ایران و عربستان ۳/۰۴ است، که با توجه به دامنه تغییر ۲/۶ و حداقل ۲ و حداکثر ۴/۶ این میانگین از میانگین متوسط بالاتر است؛ یعنی پاسخ‌دهندگان تأثیر منابع تنش ژئواکونومیک میان ایران و عربستان بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران را زیاد نزدیک به متوسط ارزیابی کرده‌اند. ولی تأثیرش نسبت به دو منابع تنش ژئوکالچری و ژئوپلیتیکی کمتر ارزیابی می‌شود.

جمع‌بندی تأثیر شاخص‌های منابع تنش ژئوکالچری میان ایران و عربستان بر امنیت

سیاسی جمهوری اسلامی ایران

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۴/۸۳	حداکثر	۰/۵۴۹	انحراف معیار	۳/۹۳۶	میانگین
۳۰	تعداد	۲/۳۳	دامنه تغییر	۴	میانه
		۲/۵۰	حداقل	۴	نما

میانگین مربوط به شاخص‌های منابع تنش ژئوکالچر میان ایران و عربستان ۳/۹۳ است، که با توجه به دامنه تغییر ۲/۳۳ و حداقل ۲/۵۰ و حداکثر ۴/۸۳ این میانگین از میانگین متوسط بالاتر است؛ یعنی پاسخ‌دهندگان تأثیر منابع تنش ژئوکالچر میان ایران و عربستان بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران را زیاد ارزیابی کرده‌اند.



معنی داری مشاهده شده در جدول زیر (تست نرمالیت) در همه موارد از معنی داری در سطح آلفای ۰/۰۵ بزرگ‌تر بوده و این بدان معناست که مقیاس‌های ما دارای توزیع نرمال است؛ بنابراین ما مجاز به استفاده از آزمون‌های پارامتریک می‌باشیم. در ادامه از آزمون T برای به دست آوردن معنی داری ارتباط متغیرها استفاده می‌نماییم.

#### آزمون کولموگراف اسمیرنف (تست نرمالیت)

مؤلفه‌های منابع تنش	منابع تنش ژئوپلیتیک	منابع تنش ژئواکونومیک	منابع تنش ژئوکاچر
تعداد شاخص‌ها	۱۴	۳	۱۲
میانگین	۴/۱۳	۳/۴۴	۳/۹۳۶
انحراف معیار	۴/۱۳	۰/۸۰۸	۰/۵۴۹
آمار Z	۰/۴۶۵	۰/۶۶۴	۰/۶۱۹
معنی داری دو سویه	۰/۹۸۲	۰/۷۶۹	۰/۸۳۸

#### جمع بندی و نتیجه گیری

##### تأثیر تنش‌های ژئوپلیتیکی بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

در میان کل ۲۹ تنش مورد مطالعه در این تحقیق، ۱۴ تنش مختص تنش‌های ژئوپلیتیک احصاء گردید و بر اساس یافته‌های تحقیق، تنش «حمایت عربستان از القاعده و عملیات‌های تروریستی آنها در منطقه» بیشترین و تنش «تلاش عربستان برای عضویت در پیمان‌های نظامی فرا منطقه‌ای» کمترین تأثیر را بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران از نظر پاسخ‌دهندگان داشته است؛ بنابراین در پاسخ به سؤال فرعی اول تحقیق می‌توان پاسخ داد:

همه شاخص‌های مربوط به منابع تنش ژئوپلیتیکی میان ایران و عربستان بیش از حد متوسط بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران مؤثر است. مقایسه میانگین‌های شاخص‌ها نشان می‌دهد که در حوزه منابع تنش ژئوپلیتیکی به ترتیب اولویت،

بیشترین تأثیر بر امنیت سیاسی کشورمان مربوط به شاخص‌های زیر است: «۱- حمایت عربستان از القاعده و عملیات‌های تروریستی آنها در منطقه ۲- حمایت عربستان از معارضان سوریه و مخالفان دولت قانونی بشار اسد ۳- ساختار دموکراتیک مردم‌سالاری دینی ج.ا.ا و ایجاد الگو برای ملت‌های منطقه ۴- همکاری و همسویی عربستان با رژیم اشغالگر قدس در جهت تقویت خط سازش در منطقه ۵- تبدیل شدن ایران به قدرت برتر منطقه‌ای و افزایش حوزه نفوذش ۶- تداخل و تضاد منافع و علائق ایران و عربستان در خلیج فارس و خاورمیانه ۷- حمایت ایران از حزب الله، سوریه و عراق در برای تقویت خط مقاومت در منطقه ۸- حمایت ایران از بیداری اسلامی و انقلاب‌های منطقه ۹- سرسپردگی عربستان نسبت به آمریکا (تأثیر عربستان از اراده هژمونیک آمریکا) ۱۰- اختلاف ایران بر سر مالکیت جزایر سه‌گانه با کشور امارات و حمایت عربستان از امارات ۱۱- تهدید به بستن تنگه هرمز توسط ایران به منظور فشار بر سیاست‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس ۱۲- عدم حضور ایران در شورای همکاری خلیج فارس ۱۳- ایجاد پایگاه نظامی از سوی آمریکا در خاک عربستان ۱۴- تلاش عربستان برای عضویت در پیمانهای نظامی فرامنطقه‌ای».

#### تأثیر تنش‌های ژئواکونومیکی بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

در میان کل ۲۹ تنش مورد مطالعه در این تحقیق، سه تنش مختص تنش‌های ژئواکونومیکی احصاء گردید و بر اساس یافته‌های تحقیق، تنش «جبران کسری تولید نفت ایران توسط عربستان (ناشی از تحریم نفتی ایران)» بیشترین و تنش «اختلاف بر سر مسائل کشتیرانی در خلیج فارس» کمترین تأثیر را بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران از نظر پاسخ دهندگان داشته است؛ بنابراین در پاسخ به سؤال فرعی دوم تحقیق می‌توان پاسخ داد:

به غیر از شاخص اختلاف بر سر مسائل کشتیرانی در خلیج فارس، دو شاخص دیگر منابع تنش ژئواکونومیکی میان ایران و عربستان، بیش از حد متوسط بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران مؤثر است. مقایسه میانگین‌های شاخص‌ها نشان می‌دهد که در حوزه منابع تنش ژئواکونومیکی به ترتیب اولویت، بیشترین تأثیر بر امنیت سیاسی

کشورمان مربوط به شاخص‌های زیر است: «۱- جبران کسری تولید نفت ایران توسط عربستان (ناشی از تحریم نفتی ایران) ۲- رقابت برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های سازمان اوپک ۳- اختلاف بر سر مسائل کشتیرانی در خلیج فارس».

### تأثیر تنش‌های ژئوکالچری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

در میان کل ۲۹ تنش مورد مطالعه در این تحقیق، ۱۲ تنش مختص تنش‌های ژئوکالچری احصاء گردید و بر اساس یافته‌های تحقیق، تنش «تلاش همه‌جانبه عربستان برای گسترش وهابیت و سلفی‌گری در جهان اسلام» بیشترین، و تنش «ایجاد کاهش سهمیه حج عمره و تمتع ایران توسط عربستان» کمترین تأثیر را بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران از نظر پاسخ‌دهندگان داشته است؛ بنابراین در پاسخ به سؤال فرعی سوم تحقیق می‌توان پاسخ داد:

همه شاخص‌های مربوط به منابع تنش ژئوکالچری میان ایران و عربستان بیش از حد متوسط بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران مؤثر است. مقایسه میانگین‌های شاخص‌ها نشان می‌دهد که در حوزه منابع تنش ژئوکالچری به ترتیب اولویت، بیشترین تأثیر بر امنیت سیاسی کشورمان مربوط به شاخص‌های زیر است: «۱- تلاش همه‌جانبه عربستان برای گسترش وهابیت و سلفی‌گری در جهان اسلام، ۲- تلاش ایران برای گسترش اسلام ناب محمدی در جهان اسلام، ۳- ترویج تفکر ضد شیعی از سوی عربستان (شیعی‌هراسی و ایران‌هراسی) ۴- حمایت‌های هدفمند سیاسی عربستان از اهل سنت ایران و ترویج وهابیت در بین آنها ۵- اختلاف مذهبی و تاریخی بین دو کشور و دامن زدن به آنها ۶- تخریب اماکن مذهبی- شیعی در منطقه توسط عربستان ۷- حمایت ایران از شیعیان عربستان ۸- فعالیت شبکه ماهواره‌ای العریبه برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورهای منطقه ۹- اعطای تابعیت عربستان به حاکمان مخلوع و دیکتاتور فراری کشورهای عربی ۱۰- فعالیت شبکه‌های ماهواره‌ای العالم و الکوثر ایران جهت تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورهای منطقه ۱۱- برگزاری مراسم برائت از مشرکین در ایام حج با محوریت ایران و داشتن خط‌مشی ضد استکباری ۱۲- ایجاد کاهش سهمیه حج عمره و تمتع ایران توسط عربستان».

**بنابراین در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق می‌توان پاسخ داد:**

بر اساس یافته‌های این تحقیق ۲۹ تنش عمده میان ایران و عربستان شناسایی شد، که به غیر از تنش اختلاف بر سر مسائل کشتیرانی در خلیج فارس (تنش اکونومیکی)، همه تنش‌های احصاء شده، بیش از حد متوسط بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران مؤثر می‌باشند. بر اساس یافته‌های تحقیق ثابت شد که تأثیر منابع تنش ژئوپلیتیکی، ژئوکالچری و ژئواکونومیکی ایران و عربستان بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران به ترتیب، در حد خیلی زیاد و زیاد و متوسط است و براساس آنچه گفته شد می‌توان جدول زیر را ارائه نمود:

تأثیر تنش ایران و عربستان بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

نتیجه	میانگین تأثیر بر امنیت سیاسی ج.ا.ا	نمره از ۵ بر اساس طیف لیکرت	عنوان تنش	کمینه و بیشینه	تعداد شاخص‌ها	مؤلفه
۳/۶ زیاد	۴/۲ خیلی زیاد	۴/۷۱	حمایت عربستان از القاعده و عملیات‌های تروریستی آنها در منطقه	بیشترین	۱۴	ژئوپلیتیکی
		۴/۴۳	تلاش عربستان برای عضویت در پیمانهای نظامی فرا منطقه‌ای	کمترین		
	۳/۹ زیاد	۴/۸۳	تلاش همه جانبه عربستان برای گسترش وهابیت و سلفی‌گری در جهان اسلام	بیشترین	۱۲	ژئوکالچری
		۲/۳۳	ایجاد کاهش سهامیه حج عمره و تمتع ایران توسط عربستان	کمترین		
	۲/۹ متوسط	۴/۶	جبران کسری تولید نفت ایران توسط عربستان (ناشی از تحریم نفتی ایران)	بیشترین	۳	ژئواکونومیکی
			اختلاف بر سر مسائل کشتیرانی در خلیج فارس	کمترین		

## کتابنامه:

### منابع فارسی

- ۱- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۹)، واگرایی و همگرایی در روابط ایران و عربستان، تهران: فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۲.
- ۲- افشردی، محمدحسین (۱۳۸۱)، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دوره عالی جنگ سپاه.
- ۳- ایولاکست (۱۳۸۳)، عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک، (ع. فراستی، مترجم) تهران: نشر آمین.
- ۴- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: پاپلی
- ۵- درایسدل، آلاسدر و بلیک، جرالد اچ (۱۳۶۹)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا (د. میرحیدر (مهاجرانی)، مترجم) تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- ۶- روشن، علی‌اصغر و فرهادیان، نوراله (۱۳۸۵)، فرهنگ اصطلاحات جغرافیای سیاسی - نظامی. تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین.
- ۷- زین‌العابدین، یوسف (۱۳۹۰)، تحلیل علایق ژئوپلیتیکی ایران در قفقاز. ج. نائیان، & ح. گلی در، مجموعه مقالات (ص. ۲۳۷-۲۴۷) تهران: اندیشه سازان نور.
- ۸- عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، انتشارات سمت.
- ۹- عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۰- غرایاق زندی، داود (۱۳۸۷)، محیط امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیر انتفاعی.
- ۱۱- فولر، گراهام (۱۳۷۳)، قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- ۱۲- کریمی‌پور، یداله (۱۳۷۱)، تحلیل ژئوپلیتیک نواحی بحرانی سیستان و بلوچستان، پایان نامه دکتری. تهران: ایران، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- ۱۳- کریمی‌پور، یداله (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.
- ۱۴- کمپ، جفری و هارکاوای، رابرت (۱۳۸۳)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه (جلد اول)، ترجمه: سید مهدی حسینی متین، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- ۱۵- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۹)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. تهران: انتشارات سمت.
- ۱۶- مولایی، یوسف (۱۳۸۲)، نقدی بر خواندنی‌های ژئوپلیتیک، تهران: معاونت پژوهشی دانشکده امام باقر (ع).
- ۱۷- میرحیدر، دره (۱۳۸۵)، مقایسه جغرافیای سیاسی و روابط بین الملل. فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره اول، ۱- ۴۱.
- ۱۸- می‌یر، پیتر (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی جنگ و ارتش. ترجمه: محمدصادق مهدوی و علیرضا ازغندی، تهران: نشر قومس.
- ۱۹- والرشتاين، ایمانوئل (۱۳۷۹)، سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی (ژئوپلیتیک و ژئوکالچر). (پیروز. ایزدی، مترجم) تهران: نشر نی.
- ۲۰- هاگت، پیتر (۱۳۷۶)، جغرافیا ترکیبی نو (جلد دوم). (ش. گودرزی نژاد، مترجم) تهران: انتشارات سمت.

#### منابع خارجی:

- 1- Ashley, Richard (1980). The Political Economy of War and Peace. London: Francis Pinter
- 2- Beckinsale, R.P (1969). Rivers as political boundaries. Water, Earth and Man Magazine. London. No: 40.pp: 972 -981- Colin S. Gray(1986). Maritime strategy,... Rampo press, new York,P.7.
- 3- Cohen, Saul, B (1994). Geopolitics in the New World Era. The paper in book: Reordering the world. Edited by: George Demko. U.S.A.: west view press.
- 4- Collins, John (1998). Military Geography. Washington: Brassy
- 5- Conrad, Joseph (1995). Environmental Considerations in Army Operational Doctrine, a white paper. Fort Leonard Wood: U.S. Army Engineer School,
- 6- Coogan, Tim pat (1996). The Troubles: Ireland's Ordeal 1966 – 1996. Boulder, CO: Roberts Rinehart,

- 7- Dougherty, James E. and Robert L. Pfaltzgraff (1981). *Contending Theories of International Relations*. Publisher: Longman Higher Education.
- 8- Duverger, Maurice (1972). *The study of politics*. U.S.A, Ohio: Crowell Publisher
- 9- Flint, Colin (2008). *Introduction to Geopolitics: Tensions, Conflict and Resolutions*. Britain. Rutledge
- 10-Gallaher, Carolyn and others (2009). *Key Concepts in political Geography*. London and California: Sage Publication Ltd.
- 11-Haggett, Peter (1972). *Geography: A Modern Syntheses*. New York: Publisher: HarperCollins College Div.
- 12-Haggett, Peter (1983). *Geography: A Modern syntheses*. New York: Publisher: HarperCollins College Div.
- 13-Haggett, Peter (2001). *Geography: A Global Synthesis*. Publisher: Prentice Hall.
- 14-Haye, Brian (2002). *STATISTICS OF DEADLY QUARRELS*. Durham: American Scientist, Volume 9
- 15-- Holsti, K.J (1986). *Resolving International Conflicts: A Taxonomy of Behavior and some Figures on Procedures*. *Journal of conflict Resolution*.
- 16-Homer – Dixon, Thomas. Jeffry H. Bout well and George W. Rathjens (1993). *Environmental Change and violent Conflict*. *Scientific American*. 268(2).
- 17-Homer – Dixon, Thomas (1991). *Environmental change and Human Security*. Toronto: Canadian Institute of International Affairs
- 18-Homer – Dixon, Thomas (1994). *Environmental Scarcities and violent conflict: Evidence from Cases*. *International Security*, 19 (1). pp.: 5 – 40. Published by: The MIT Pres.
- 19-Huntington, Samuel (1993). *The Clash of Civilizations*. *Foreign Affairs*, Vol: 72. No: 3. Pp.:22 – 49





## علل و عوامل نظامی مؤثر بر تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران

منصور کمالی<sup>۱</sup>

دکتر حسین اردستانی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۲۰

### چکیده

زمینه‌ها و مجموعه عوامل نظامی (در دو بخش شرایط و وضعیت نظامی، دفاعی دو کشور ایران و عراق) را به عنوان یکی از جدی‌ترین مباحث مؤثر در وقوع جنگ می‌توان مورد بحث و بررسی قرار داد. اهمیت این بحث بدین دلیل است که می‌تواند به این سؤال پاسخ دهد، چه علل و عوامل نظامی مؤثری باعث وقوع جنگ تحمیلی شد. به بیان دیگر زمینه‌ها و بسترهای نظامی وقوع جنگ چگونه به وجود آمد. طبیعتاً اوضاع ارتش پس از سقوط شاه و التهاب و نگرانی‌های موجود، به تبع نتایج و تأثیرات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی و توان و شرایط نظامی عراق و درک حکومت میلیتاریستی بعث از اوضاع داخلی ایران و منطقه، برای این رژیم فرصت مناسبی به وجود آورد تا با تشدید خصومت دیرینه خود، زمینه لازم را برای اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران فراهم سازد و ضمن تأمین منافع غرب و آمریکا، معضل ژئوپلیتیکی خود را از طریق توسعه سواحل دریایی در شمال خلیج فارس حل کند. موفقیت عراق در این مرحله می‌توانست خلاً قدرت نظامی را در منطقه پر کند و با توجه به موقعیت برتر نظامی و تسلط بر ذخایر نفت منطقه، رهبری جهان عرب را به دست گیرد.

این نوشتار، اوضاع نظامی و دفاعی ایران، و شرایط و توان نظامی عراق را به عنوان عوامل نظامی مؤثر بر تعرضات مرزی و وقوع جنگ تحمیلی علیه ایران مد نظر و مورد بررسی قرار داده است. در مجموع، از یک سو وضعیت نظامی ایران در آن برهه که نشان‌دهنده کاهش توان دفاعی کشور و در

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک؛

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع).

نتیجه از میان رفتن "قدرت بازدارندگی ایران" در برابر عراق بود و از سوی دیگر تقویت و توسعه قدرت نظامی رژیم بعث، نقش بسیار اساسی در تصمیم‌گیری عراق برای تجاوز به جمهوری اسلامی ایران داشت

**کلیدواژه‌ها:** جنگ ایران و عراق، علل و عوامل نظامی، قدرت نظامی، تجاوز مرزی.

#### مقدمه

قرن بیستم عصر دگرگونی‌های بنیادی در همه عرصه‌های زندگی بشر و از جمله عرصه امنیت و تجاوز بود. در این سده جهان شاهد جنگ‌هایی بود که با هدف مشابه آغاز شده و خسارات سنگینی را به بار آوردند. از جمله جنگ مهمی که در اواخر قرن بیستم به وقوع پیوست، جنگ عراق علیه ایران بود که هدف اصلی آن شکست انقلاب اسلامی قبل از تحکیم و تثبیت، و مقابله با گسترش آن بود؛ البته دستیابی به بخش‌هایی از خاک ایران - در راستای ادعاهای عراق - نیز جزئی از این اهداف بود. در این جنگ، اهداف کشور آغازگر جنگ تأمین نشد، اما خسارات فراوانی به بار آورد که تا حد زیادی بر روند توسعه انقلاب اسلامی تأثیر گذاشت.

پس از روی کار آمدن "صدام" در عراق در سال ۱۹۷۸، جاه‌طلبی‌های وی برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای و ایفای نقش رهبری جهان عرب، که خود متأثر از انزوای مصر پس از امضای قرارداد کمپ دیوید بود، زمینه برهم خوردن تعادل قدرت نظامی در منطقه را فراهم آورد. تهاجم نظامی عراق به ایران در سال ۱۹۸۰ به وضوح نمایانگر زیاده‌طلبی‌های حکومت عراق در سال‌های پایانی جنگ سرد است که در آن مقطع هر دو ابرقدرت شرق و غرب این کشور را در توسعه‌طلبی‌های خود یاری دادند.

در بررسی عوامل مؤثر بر وقوع جنگ عراق علیه ایران، محققان و صاحب‌نظران بر این مسأله که سابقه تاریخی و عدم رضایت طرفین از نحوه حل اختلافات، عامل بنیادی و خاستگاه انگیزشی بوده است، اتفاق نظر دارند. در این میان، قرارداد سال ۱۳۵۴ ه. ش / ۱۹۷۵ م یک نقطه عطف محسوب می‌شود؛ زیرا بر مبنای برخی تحلیل‌ها، قرارداد الجزایز از یک سو نشان‌دهنده نزدیکی آمریکا و ایران بود و از سوی دیگر تحقیر رژیم

عراق را در پی داشت و آنها مترصد فرصت بودند تا در مواضع قدرت، بار دیگر به خواسته‌های مورد نظر خود دست یابند (بردستانی، ۱۳۸۸: ۷۴).

درک رژیم عراق از اوضاع داخلی و ضعف نظامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین اتکا عراق به توان و قدرت نظامی خود، زمینه و عامل محوری بود که رژیم عراق، آن را فرصتی مناسب می‌دانست تا ابتکار عمل را به دست گیرد و بر این مبنا که ارتش ایران در شرایط ضعف به سر می‌برد و یک دولت مقتدر در ایران وجود ندارد، درصدد برآمد تا با تعرضات مرزی و گسترش تجاوزات خود- به خصوص از اوایل سال ۱۳۵۹- و در نهایت جنگی همه‌جانبه را در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به منظور ترمیم حقارت تاریخی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، تجزیه خوزستان و بالاخره شکست انقلاب اسلامی، آغاز کند.

### بیان مسأله

با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ و حاکمیت یافتن نظام جمهوری اسلامی ایران، تحولات مهمی از جمله خروج ایران از بلوک غرب و دایره وابستگی آمریکا و اعلام استقلال کامل از نظام دوقطبی جهان، اتفاق افتاد. مستقل شدن ایران در منطقه مهم خلیج فارس، پیامدهای را از جمله: الگوی جدید برای مبارزه با استبداد، ارائه الگوی مردم‌سالاری در مهم‌ترین منطقه نفت‌خیز جهان که دولت‌های آن اکثراً فاقد مشروعیت مردمی بودند، و ارائه ایدئولوژی جدید برای مبارزه با رژیم صهیونیستی در وضعیتی که شیوه‌های گذشته ناتوانی خود را نشان داده بود، در پی داشت که قدرت‌های جهانی در نظام بین‌الملل نمی‌توانستند در مقابل آن ساکت بمانند؛ به ویژه از آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن در خاورمیانه خصومت بیشتری انتظار می‌رفت. غربی‌ها وقوع انقلاب اسلامی و آثار ناشی از آن را به عنوان چالش بزرگ علیه نظم جهانی قلمداد کردند، چنین باوری مقابله با انقلاب اسلامی را با استفاده زور و همه ابزارهای آن (قدرت نظامی)، نه تنها ضروری بلکه اجتناب‌ناپذیر می‌کرد تا نظام انقلابی ایران واژگون شود یا با تعدیل و مهار آن، نظم مورد نظر را برقرار کنند. آمریکا- به عنوان یک ابرقدرت- نظام انقلابی را یک چالش عمیق و فراگیر ارزیابی می‌کرد و به

دنبال مهار آن به هر شکل ممکن برآمد. اتحاد جماهیر شوروی - قطب دیگر نظام دوقطبی - هم به شدت از رشد اسلام‌گرایی در منطقه و نیز تهدید جمهوری‌های مسلمان‌نشین این کشور نگران به نظر می‌رسید، هر چند از نظر برخورد، متفاوت با آمریکا عمل کرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی بنای راهبردی آمریکا که بر دو ستون ایران و عربستان بنا شده بود فرو ریخت. نتایج ناشی از پیدایش این وضعیت به همان میزان که برای آمریکا و غرب زیان‌آور بود و کشورهای منطقه دچار وحشت شده بودند، برای عراق که از لحاظ قدرت نظامی در موقعیت برتری قرار داشت فرصت مناسبی بود تا زمینه‌های لازم را برای اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی فراهم سازد تا ضمن تأمین منافع غرب و آمریکا، مشکل ژئوپلیتیکی خود را از طریق توسعه سواحل دریایی در شمال خلیج فارس، حل کند. موفقیت عراق در این مرحله می‌توانست خلأ قدرت را در منطقه پر کرده و با توجه به تسلط بر ذخایر نفت منطقه و موقعیت برتر نظامی، رهبری جهان عرب را به دست گیرد.

در خصوص تصمیم‌گیری رژیم بعث عراق برای جنگ علیه ایران، علل و عوامل گوناگونی در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی وجود داشت. علل و عوامل مؤثر بر تجاوز عراق به جمهوری اسلامی را می‌توان در چند محور، روابط تاریخی بین دو کشور، وضعیت منطقه‌ای و بین‌المللی و اوضاع داخلی ایران و عراق به ویژه وضعیت نظامی دو کشور، بررسی کرد. اگرچه اختلافات تاریخی مرزی، مسائل ژئوپلیتیکی، شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی و... از عوامل مؤثر بر تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران بود، اما آنچه که به عنوان عامل محوری و اصلی در ترغیب و تصمیم رژیم بعث عراق برای حمله به خاک جمهوری اسلامی نقش به سزا و مؤثرتری داشت عامل نظامی بود که در این تحقیق وضعیت نیروهای مسلح ایران و قدرت نظامی عراق به عنوان عوامل مؤثر و محوری بر تجاوز عراق علیه ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

### سؤال اصلی تحقیق

علل و عوامل نظامی مؤثر بر تجاوز عراق به جمهوری اسلامی کدامند؟

### سؤالات فرعی

- ۱- اوضاع نظامی ایران، چگونه بر تجاوز عراق به جمهوری اسلامی تأثیر گذاشت؟
- ۲- توان نظامی عراق، بر اقدام نظامی رژیم بعث علیه جمهوری اسلامی ایران چگونه تأثیر داشت؟

### ادبیات نظری تحقیق

قدرت، نیروهای مسلح یک کشور همراه با عوامل دیگر قدرت ملی مانند قدرت سیاسی، اقتصادی و روانی را گویند. قدرت نظامی تا حدود زیادی متکی بر منابع طبیعی، مقدرات صنعتی و جمعیت کشور است؛ زیرا قدرت نظامی از قدرت سیاسی و اقتصادی و روانی سرچشمه می‌گیرد و تا حدود زیادی تحت تأثیر کیفیت و تعداد اتحادیه‌های سیاسی و اوضاع اقتصادی و روانی قرار دارد (رستمی، ۱۳۷۸: ۶۲۸).

توانایی یک ملت برای پاسداری از وطن، حفاظت منافع، کمک به متحدان و نیل به هدف‌هایش را قدرت نظامی می‌گویند. قدرت یا نیروی نظامی یکی از عناصر تشکیل‌دهنده قدرت ملی به شمار می‌رود؛ بنابراین بخشی از قدرت ملی است، ضمن آنکه آشکارترین و بارزترین بخش قدرت ملی را تشکیل می‌دهد. قدرت نظامی اصولاً از سلاح‌ها و تجهیزات نظامی، کم و کیف نیروها، رهبری و فرماندهی نظامی، فنون و فناوری ناشی می‌شود. در تعریف قدرت گفته شد که قدرت عبارت است از نیرو و توانی که از راه اعمال اراده و به صورت تسلط و کنترل بر رفتار دیگران متجلی می‌گردد. واژه نظامی نیز ریشه در «نظم» و «نظام» دارد که بیانگر وجود نظم مبتنی بر نیرو و کاربرد آن است. در مفهوم نظامی از وجود نظم و قانون یا دیسیپلین (discipline)، زور (Force) و نیروی مادی حفظ بقا و امنیت جامعه با هدف دفاع مورد نظر است. در غرب نیز واژه‌هایی چون Military به معنی جنگیدن، رزمی بودن یا militate به مفهوم نیروی منظم، زور یا نفوذ می‌باشد. این مفاهیم در اصطلاح رایج نظامی بیشتر به نیروی رزمی یا شخص رزمنده بر می‌گردد. در این میان واژه Milia نیز به معنی سرباز یا

رزمنده است؛ بنابراین، در تعریف قدرت نظامی می‌توان گفت: نیروی اعمال اراده که از طریق نیروها و ابزار نظامی-نیروهای منظم باوظیفه مشخص حفظ و بقای جامعه و ابزار مشخص - صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر هر جامعه‌ای برای حفظ و بقای خود مبادرت به ایجاد تجهیزات و نیروهایی می‌کند که پدیدآورنده قدرت نظامی هستند (جمشیدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی).

### موازنه قدرت نظامی

تئوری توازن قوا که جزء تئوری‌های کشمکش و منازعه است، هم برای تبیین دوران تاریخی مبتنی بر توازن قوا ارائه شده است و هم برای توصیه به سیاستمداران؛ توصیه برای سیاستی که اساس آن را موازنه ی قدرت شکل دهد. توازن قوا دارای معانی مختلفی است و تحلیل‌گران این تئوری نتوانسته‌اند بر معنای واحدی اتفاق نظر کنند. برخی آن را وضعیت یا شرایطی دانسته‌اند که رضایت خاطر نسبتاً گسترده‌ای از توزیع قدرت وجود دارد. به عبارت دیگر، قدرت‌های مهم و عمده از نحوه توزیع قدرت راضی هستند. عده‌ای اعتقادشان بر آن است که توازن قوا به نظام و سیستمی اشاره دارد که بازیگران اصلی، هویت، تمامیت و استقلال خود را از طریق فرایند ایجاد توازن، تأمین و حفظ می‌کنند. بنابر تعریف بعضی محققان دیگر، موازنه قدرت، قانون رفتار دولت‌هاست، بدین معنا که آنان در صورت رویارویی با قدرتی متجاوز و بر هم زننده تعادل، به تأسیس یک ائتلاف متوازن‌کننده مبادرت ورزیده و از ظهور قدرتی مسلط و برتر جلوگیری می‌کنند (دوئرتی و فالتز، ۱۳۷۲: ۶۷).

### نیروهای مسلح

به تمامی نیروهای نظامی یک کشور اطلاق می‌شود. نیروی نظامی که در بسیاری از کشورها به طور کلی به آن ارتش گفته می‌شود غالباً سازمانی است که توسط ملت انتخاب و به قدرت می‌رسد و معمولاً برای دفاع از کشور (یا حمله به دیگر کشورها) با تهدیدهای بالفعل یا بالقوه به وسیله سلاح می‌جنگد. نظام، اصطلاحی مشتق از واژه نظم در زبان عربی است. نیروهای نظامی غالباً به عنوان جوامعی درون جوامع دیگر

عمل می‌کنند. این نیروها دارای جوامع نظامی ویژه، سیستم مالی، آموزشی، پزشکی و دیگر جنبه‌های یک جامعه فعال مدنی هستند.

### تجاوز مرزی

به رغم کوشش وسیعی که از سوی شورای امنیت و سازمان ملل به عمل آمد تعریف دقیق و قابل قبولی ارائه نشده است. در میثاق تعریف تجاوز که سال ۱۹۳۳ میلادی میان تعدادی از کشورها از جمله ایران بسته شد موارد زیر تجاوز خوانده شد:

الف) اعلان جنگ به دولت دیگر؛ ب) هجوم مسلحانه بدون اعلان جنگ به قلمرو کشور دیگر؛ ج) کمک به گروه‌های مسلحی که در قلمرو دولت دیگر تشکیل شده باشد و به آن دولت حمله برند؛ د) مداخلات سیاسی و اقتصادی در کشور دیگر.

در قراردادهای گوناگون بین‌المللی و نیز میثاق جامعه ملل و منشور ملل متحد، مسأله توسل به زور و تجاوز، به عنوان وسیله‌ای برای حل و فصل اختلاف‌های بین‌المللی، محکوم شناخته شده است. در میثاق جامعه ملل و نیز منشور ملل متحد، اصل «تجاوز»، با خدشه‌دار کردن تمامیت ارضی و استقلال سیاسی، مرتبط شناخته شده است. مفهوم تجاوز بر پایه قطعنامه ۱۹۷۴ سازمان ملل متحد: در این قطع‌نامه با توجه به مرام ملل متحد، تعریف جامع و مانعی از مفهوم «تجاوز» به عمل آمده است.

ماده (۱) تجاوز عبارت است از کاربرد نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی، استقلال سیاسی دولت دیگر و یا به هر طریق دیگر که با منشور ملل متحد به نحوی که از تعریف آن استنباط می‌گردد، منافات داشته باشد.

ماده (۲) در نظر اول، نقض منشور [ملل متحد]، در اثر مبادرت به کاربرد نیروی مسلح وسیله هر دولتی برای تحقق عمل تجاوزکارانه کافی است.

ماده (۳) هر یک از اعمال مذکور در زیر اعم از این که اعلان جنگ شده باشد یا نه، در صورتی که منطبق با مقررات پیش‌بینی شده در ماده ۲ باشند، موجب تحقق یک عمل تجاوزکارانه می‌گردد: الف) تهاجم یا حمله به سرزمین دولتی به وسیله نیروهای مسلح دولت دیگر، یا هر نوع اشغال نظامی حتی موقت که ناشی از یک چنین تهاجم باشد؛ ب) بمباران سرزمین یک دولت به وسیله نیروهای مسلح دولت دیگر، کاربرد هر



نوع سلاح به وسیله یک دولت علیه سرزمین دولت دیگر؛ ج) محاصره بندرها یا کرانه‌های یک دولت به وسیله نیروهای مسلح دولت دیگر؛ د) حمله نیروهای مسلح یک دولت علیه نیروهای مسلح زمینی، دریایی، هوایی یا دریانوردی یا هواپیمایی کشوری دولت دیگر (رستمی، ۱۳۷۸: ۲۴۹).

### **بخش اول - اوضاع نظامی و دفاعی ایران، تجاوزات مرزی**

بررسی اوضاع ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هر چند به صورت اجمالی و گذرا، نشان‌دهنده این معناست که ایران نه تنها برای جنگ که حتی برای دفاع نیز آمادگی نداشت؛ زیرا علاوه بر منازعه‌ای که در داخل کشور بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی میان نیروهای انقلابی و لیبرال‌ها آغاز شد، بسیاری از گروه‌های ضدانقلاب در مناطق مختلف کشور برای تضعیف حکومت مرکزی تلاش می‌کردند. - منابع تسلیحاتی ایران به دلیل ماهیت ضدآمریکایی انقلاب، قطع شده بود و در مجموع ایران بسیار آسیب‌پذیر به نظر می‌رسید. در این میان وضعیت نیروهای ارتش که وظیفه دفاع از مرزهای ایران را در مقابله با تهدیدها و تهاجم دشمن بر عهده داشتند بسیار نامطلوب بود، گروه‌های سیاسی شعار انحلال ارتش را سر می‌دادند، در عین حال ارتش با مشکلات اساسی که بسیاری از آنها ریشه در "ساختار"، "هویت"، "آموزش" و "فرماندهی و کنترل" داشت، برای انتقال از ارتشی طاغوتی به ارتشی اسلامی دست و پنجه نرم می‌کرد. این روند همچنان ادامه یافت و حتی جریان ضدانقلابی در درون ارتش برای اعاده وضعیت پیشین، کودتای نوژه را سازماندهی کرد که در آستانه اجرا (۱۳۵۹/۴/۲۰) کشف و خنثی شد (درودیان، ۱۳۸۳: ۱۸).

سپاه پاسداران در این وضعیت با مأموریت دفاع از انقلاب، درگیر مأموریت‌های امنیتی در داخل کشور و در شهرها بود و بخشی از توانش در کردستان در مصاف با گروه‌های ضدانقلاب صرف می‌شد. بسیج نیز که پس از تصرف لانه جاسوسی آمریکا با فرمان امام خمینی (ره) در پنجم آذر ۱۳۵۸ تشکیل شد به دلیل موانع موجود، فاقد هویت نظامی بود. رژیم بعثی حاکم بر عراق دقیقاً به چنین وضعیتی آگاه بود. احمد زبیدی، سرهنگ سابق ارتش عراق در باره درک رهبری عراق از وضعیت داخلی ایران

پس از سقوط شاه می‌نویسد: رهبری عراق معتقد بود پس از سقوط شاه، ایران و خصوصاً ارتش ایران پس از انجام تصفیه و پاک‌سازی در آن، ضعیف شده است. در مجموع وضعیت نظامی ایران نشان‌دهنده کاهش توان دفاعی کشور و در نتیجه از میان رفتن "قدرت بازدارندگی ایران" در برابر عراق بود و این مسأله قطعاً نقش بسیار اساسی در تصمیم‌گیری عراق برای تجاوز به ایران داشته است (درودیان، ۱۳۸۳: ۱۹-۲۰).

از سوی دیگر با پیروزی انقلاب ایران و مشکلات طبیعی ناشی از آن، کردهای ایران و عراق مبارزات خود را علیه دو کشور از سر گرفتند. به علت باز شدن مرزها، کردها به راحتی می‌توانستند به ایران یا عراق رفت‌وآمد کنند. به همین جهت دولت ایران در فروردین ۱۳۵۸ در اجرای پروتکل مربوط به تأمین امنیت در مرزها، طرح «سیمرغ» را که به منظور جلوگیری از رخنه «اخلال‌گران» به خاک دو طرف تهیه شده بود، به مقام‌های عراقی ارائه کرد. این امر حاکی از پای بندی دولت ایران به عهدنامه ۱۹۷۵ و پروتکل‌ها و ضمایم آن بود از سال ۱۳۵۸ برخوردهای مرزی بین دو کشور که متعاقب انعقاد عهدنامه ۱۹۷۵ قطع شده بود، بار دیگر آغاز شد. در این سال نیروهای عراقی ۸۴ بار به خاک ایران تجاوز کردند. حتی دولت عراق از نیروی هوایی خود برای حمله به ایران استفاده کرد. به عنوان مثال، در خردادماه ۱۳۵۸ هواپیماهای عراقی به دو دهکده در سردشت حمله کردند. در تیرماه ۱۳۵۸ بار دیگر هواپیماهای عراقی به خاک ایران حمله کردند، این تجاوز در نواحی آذربایجان غربی و کردستان صورت گرفت. به هر حال در مرداد ۱۳۵۸ یک گروه چریکی در مرز ایران و عراق دستگیر شدند که این گروه در عراق آموزش دیده بودند. در آبان‌ماه همین سال برخوردهای شدیدی بین نیروهای ایران و عراق روی داد و نیروهای عراقی به پاسگاه‌های مرزی ایران در پیشکان، تلخاب، بازرگان و کانی شیخ حمله کردند. در سال ۱۳۵۹ روابط دو کشور بیش از پیش تیره شد و بر تعداد و شدت برخوردهای مرزی بین دو کشور افزوده شد، به طوری که در شش ماه اول سال مذکور یعنی تا پیش از تهاجم گسترده و سراسری عراق به جمهوری اسلامی، نیروهای آن کشور ۵۵۲ بار به خاک ایران تجاوز کردند که

این تجاوزات از طریق زمین، هوا و دریا انجام شد و تمام طول مرزهای کشور را در بر می‌گرفت (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۵۰۷-۵۰۴).

### وضعیت نظامی ایران

کمک‌های نظامی و تسلیحاتی آمریکا به ارتش ایران و حضور مستشاران نظامی این کشور در سطح تصمیم‌گیرندگان اصلی ارتش و نیز تفوق و برتری نظامی و سیاسی آمریکا در منطقه موجب شده بود تا ایران قبل از پیروزی انقلاب، در نظر کشورهای منطقه به لحاظ نظامی کشوری قدرتمند جلوه کند. ارتش ایران برای حراست از امنیت و منافع آمریکا در منطقه به طور روزافزون بزرگ‌تر پیچیده‌تر و به جدیدترین سلاح‌ها مجهز می‌شد. این روند از ۱۳۵۲ (۱۹۷۳ میلادی) آغاز شد و تا ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ میلادی) ادامه داشت. در همین سال‌ها، نیروی هوایی ایران بر اساس مدل آمریکایی طراحی گردید و یگان‌ها، هواپیماها و تجهیزات آن به سرعت پیشرفته شدند. هزینه‌های نظامی ایران در سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ از این قرار بود: سال ۱۳۵۳: ۱/۹ میلیارد دلار، یعنی حدود ۱۳/۲ درصد تولید ناخالص ملی؛ سال ۱۳۵۴: حدود ۴/۷۳ میلیارد دلار، یعنی ۴۳/۷ درصد تولید ناخالص ملی؛ سال ۱۳۶۵: ۶/۲۵ میلیارد دلار؛ سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸: ۹/۹۴ میلیارد دلار. به این ترتیب، از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۸ آمریکا سالانه به طور متوسط سه میلیارد دلار سلاح در اختیار ایران گذاشته است (درویشی، ۱۳۸۴: ۹۲-۹۰).

اما تسلیم شدن ارتش شاه در مقابل موج خروشان انقلاب اسلامی و عدم کارایی فرماندهان آن در رویارویی با مشکلات نظامی، این نظریه را اثبات کرد که ایران تنها به صورت انبار سلاح‌های آمریکا در آمده و ارتش ایران بدون اعمال سیاست‌های آمریکا کارایی لازم را ندارد. این ادعا هنگامی شکل عملی به خود گرفت که در جریان فروپاشی نظام شاهنشاهی، بدنه ارتش (سربازان، درجه‌داران و افسران جزء) که عمدتاً از قشرهای ضعیف و متوسط جامعه بودند سلاح بر زمین نهاده هماهنگ با جریان انقلاب اسلامی در صف انقلاب قرار گرفتند.

از سوی دیگر حرکت‌های انقلابی به ویژه در زمینه برخورد با سران وابسته به نظام شاهنشاهی موجب شد تا تعدادی از فرماندهان ارتش که در خونریزی‌های دوران

انقلاب، نقش اساسی به عهده داشتند از ایران فرار کنند. سیاست پاکسازی ارتش از عناصر وابسته و امیران بلافاصله پس از پیروزی انقلاب آغاز شد و تعداد زیادی از افسران ارشد و امیران از ارتش اخراج شدند. برخی تصمیمات مشکوک همچون انتقال کارکنان کادر به منطقه دلخواه خود و یکسال شدن دوران خدمت سربازی و... باعث ایجاد نابسامانی در ارتش گردید. در کنار ارتش، سپاه تنها نیروی محدود اما منسجمی بود که تا حدودی موفق به پر کردن خلأ ارتش در درگیری‌های داخلی و مرزی شده بود. در استان‌های مرزی نیروهای گریز از مرکز حاکمیت انقلاب را شدیداً تضعیف کرده بودند. حرکت‌های جدایی‌طلبانه در کردستان، خوزستان و سیستان و بلوچستان به همراه شورش‌های آذربایجان و ترکمن صحرا موجب شده بود تا توان اصلی سپاه در این مناطق صرف شود. سپاه به شدت در بحران‌های داخلی کشور درگیر بود و برنامه مشخصی برای گسترش سازمان نظامی آن وجود نداشت. در این شرایط، طبیعی به نظر می‌رسید که توان موجود دفاعی در کشور (ارتش و سپاه) می‌بایست به حل این مشکلات پردازند. در این فاصله کشف کودتای نوژه که به وسیله عناصری از ارتش سازمان یافته بود بر اعتبار و پرستیژ آن لطمه وارد ساخت و فرار تعدادی از عناصر ارتشی کودتا در تیرماه ۱۳۵۹ به خارج از کشور به ویژه به عراق اطلاعات ذی‌قیمتی از سازمان و توان دفاعی ایران را در اختیار مسئولان عراق قرار داد. پس از خنثی‌سازی کودتا تبلیغات گسترده‌ای برای انحلال ارتش از سوی گروه‌های مختلف صورت گرفت. (درودیان، ۱۳۸۳: ۲۲)

در چنین موقعیتی، محافل بین‌المللی و منطقه‌ای از توان نظامی و دفاعی ایران چهره نامناسب و وضعی ترسیم نمودند. تصمیم‌گیرندگان عراقی در تجزیه و تحلیل خود از اوضاع ایران ناتوانی نظامی این کشور را مورد توجه قرار داده، آن را به صراحت ابراز می‌کردند. طارق عزیز، وزیر خارجه عراق در تابستان ۱۹۸۰ طی تحلیلی از اوضاع ایران می‌نویسد: «امروز ارتش ایران از هم پاشیده است». صدام حسین، رئیس‌جمهور عراق نیز با اشاره به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر می‌گوید: «اکنون ما برای بازپس گرفتن حقوق خود از ایران نیروی کافی در اختیار داریم» (درویشی، ۱۳۸۴: ۶۴).

به طور کلی وضعیت ارتش ایران همزمان با تجاوز عراق به ایران چنین بوده است: تعداد افراد نیروی زمینی ارتش از ۲۸۰ هزار نفر به ۹۰ تا ۱۵۰ هزار نفر، نیروی هوایی از ۱۰۰ هزار نفر به ۶۰ هزار نفر و نیروی دریایی از ۳۰ هزار نفر به ۲۰ هزار نفر کاهش یافت. نیروی ژاندارمری نیز از حدود ۷۴ هزار نفر به یک سوم تنزل یافت و این ارتش اگرچه در طول دهه ۱۹۷۰ میلادی به جدیدترین تجهیزات جنگی مجهز شده بود، ولی مهارت نیروهای ارتش به همان اندازه رشد نکرده بود. در نتیجه، نیرو-های نظامی توانایی بهره‌گیری مناسب از تجهیزات جدید را نداشتند (همان: ۹۷).

بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۵۹ به هیچ وجه دارای آمادگی لازم برای درگیر شدن در یک جنگ کلاسیک، گسترده و همه‌جانبه نبود. در سطح کلان، در سیاستگذاری امنیت ملی و سیاست دفاعی کشور دگرگونی زیادی ایجاد شده و در میان نیروهای مسلح کشور (ارتش، ژاندارمری، سپاه و بسیج) آن‌چنان ناهماهنگی و عدم سازماندهی وجود داشت که ناظران خارجی از جمله متخصصان نظامی عراق معتقد بودند ایران فاقد نیروی دفاعی مؤثر است. از نظر روابط نظامی و تأمین منابع تسلیحاتی نیز، ایران تمام روابط نظامی خود را قطع و تمام قراردادهای تسلیحاتی را لغو کرده بود و در مجموع، نیروهای نظامی کشور آمادگی لازم را برای پاسخگویی به عراق نداشتند (همان: ۱۰۰).

### وضعیت ارتش ایران

کل نیروهای نظامی ایران تا بهمن سال ۱۳۵۷ حدود ۴۱۵ هزار تن بود و نیروهای ذخیره آن به ۳۰۰ هزار تن بالغ می‌شد نیروی زمینی: شامل سه لشکر زرهی، چهار لشکر پیاده، چهار تیپ مستقل متشکل از یک تیپ زرهی یک تیپ پیاده، یک تیپ هوابرد و یک تیپ نیروهای مخصوص بود. این نیرو دارای ۸۷۵ تانک چیفتن، ۴۰۰ دستگاه تانک ۴۸ و ۴۷-m-۶۰ دستگاه تانک ۶۰-m-۶۰، ۲۵۰ دستگاه تانک اسکورپین، حدود ۳۲۵ دستگاه زره‌پوش b.m.p و ۵۰۰ دستگاه زره‌پوش m-113 بود (همان: ۹۳).

توپخانه: ارتش دارای ۳۳۰ قبضه توپ ۱۰۵ و ۱۳۰ میلیمتری m-101، ۱۱۲ قبضه توپ ۱۰۵ میلیمتری m-114، ۱۴ قبضه توپ کششی ۲۰۳ میلیمتری m-115، ۴۴۰ قبضه

توپ ۱۵۵ میلیمتری m-109، ۳۸ قبضه توپ ۷۵ میلیمتری m-107، ۱۴ قبضه توپ ۲۰۳ میلیمتری m110، ۷۲ قبضه ۱۲۲ و ۱۰۶ میلیمتری bm 21، موشک‌های ss-11 و ss-12، دراکون، تاو، هاوک و سلاح‌های دیگر بود (همان: ۹۳).

**نیروی هوایی:** دارای ۱۰۰ هزار نفر نیروی انسانی و ۴۶۷ هواپیما از جمله: ۱۰ اسکادران شامل ۱۹۰ فروند f4، هشت اسکادران با ۱۶۶ فروند f5، چهار اسکادران با ۷۷ فروند f14، یک اسکادران با ۱۴ هواپیمای rf-4e، دو اسکادران تانکر با ۱۳ فروند بوئینگ ۷۰۷، نه فروند بوئینگ ۷۴۷، چهار اسکادران c-130، یک اسکادران با هیجده فروند هواپیمای f-21 و چهار هواپیمای فاکن بود. اسکادران‌های بالگردی نیروی هوایی نیز عبارت بودند از: ۱۰ فروند بالگرد dh-4، ۱۰ فروند ab-206، پنج فروند ab-212، ۳۹ فروند bell-214، ۲ فروند ch-47، ۱۶ فروند سوپر فریلون و ۲ فروند a4-s-61. نیروی هوایی - ایران در این زمان مجهز به موشک‌های فونیکس، سایدویندر، اسپارو، as-12، ماوریک و کندور بود. هواپیماهای آموزشی ایران نیز شامل ۴۵ فروند f-33ac و ۹ فروند t-33، می‌شد و ۵ اسکادران دارای ۲۵ فروند هواپیمای tigercat داشت (همان: ۹۳).

**نیروی دریایی:** با حدود ۱۳ هزار نفر نیروی انسانی، دارای یک فروند زیردریایی ex.ustang، ۳ فروند ناوشکن مجهز به بالگرد و موشک‌های سام 2ex- چهار ناوچه saam. مجهز به سام سی‌کت، چهار فروند Corretles pof-103، چهار فروند قایق بزرگ گشتی، شش فروند قایق f-acm، سه فروند مین جمع‌کن ساحلی، دو فروند مین جمع‌کن دریایی، دو فروند کشتی لجستیکی، یک فروند کشتی تدارکاتی و کشتی آماد و هشت فروند هاوکرافت بود. علاوه بر این، یک فروند ناو دریایی و دو فروند کشتی لجستیکی دیگر سفارش داد شده بود. این نیروها در پایگاه‌هایی در بندرعباس، بوشهر، جزیره خارک، خرمشهر، بندر امام خمینی و بندر انزلی استقرار داشتند (همان: ۹۴).

#### درگیری‌ها و شورش‌های داخلی و حمایت‌های بیگانه

عراق به منظور عملی ساختن نیات خود در ایجاد آشوب‌های داخلی ایران تحریک در ضد انقلاب کردستان و خوزستان به صورت گسترده فعالیت می‌کرد. فرستادن سلاح و مهمات برای گروه‌ها، آموزش و تدارکات و تحویل پول به علاوه تبلیغات گسترده در

این مناطق از جمله اقدامات عراق بود که به صورت آشکار و علنی انجام می گرفت. در تیرماه ۱۳۵۸ عراق به طور فعال در درگیری‌های خرمشهر دخالت داشت و گروه‌های ضد انقلاب را تجهیز می کرد. عراق با حمایت گروهک خلق عرب در خوزستان عملاً به دنبال زمینه سازی فعالیت‌های بعدی خود بود.

پس از تصرف سفارت آمریکا از سوی دانشجویان، اقدامات ضد امنیت ملی در ایران افزایش یافت و در شهرهای گنبد و تهران و استان‌های خوزستان و آذربایجان جنگ مسلحانه علیه نظام صورت گرفت. همچنین، در کردستان، جنگ داخلی، که از اسفندماه سال ۱۳۵۷ آغاز شده بود و هدف آن خودمختاری کردستان بود، گسترش یافت. پدیده انقلاب و مسأله سفارت آمریکا، انگیزه اصلی تحرکات آمریکا و کشورهای منطقه علیه نظام جدید ایران بود که اوج آن را می توان تحریم وسیع نظامی و اقتصادی از سوی واشنگتن و اروپا و سپس، حمله نظامی آمریکا به طبرستان و کودتای نوژه در تیرماه سال ۱۳۵۹ دانست. پس از شکست عملیات طبرستان، روزنامه نیویورک تایمز نوشت: «دولت آمریکا پس از این شکست، امکان اجرای سه طرح نظامی بسیار مهم را بررسی می کند: پیاده کردن نیروی نظامی در شهرهایی که محل نگهداری گروگان‌های آمریکاست؛ مین گذاری در میدان صدور نفت؛ و بمباران پالایشگاه‌های ایران»، اما بیش از هر اقدام دیگر، راه انداختن جنگ علیه ایران مدنظر آمریکا و دیگر دشمنان انقلاب بود؛ به ویژه پس از شکست کودتا، برژینسکی، مشاور امنیت ملی کارتر، گفت: «راهبرد آمریکا در مقابله با انقلاب ایران باید تقویت دولت‌هایی که توان اجرای عملیات نظامی علیه رژیم [امام] خمینی را دارند، باشد» (کاظمی، ۱۳۶۷: ۶۵).

### **بخش دوم: اوضاع نظامی و دفاعی عراق**

بی شک یکی از متغیرهای مهم دخیل در بروز جنگ عراق و ایران، توسعه و افزایش قدرت نظامی کشور عراق در آن برهه زمانی بود. عواملی همچون «توان نظامی، ساختار میلیتاریستی حکومت عراق و متغیر روحیه، اندیشه، افکار و خصوصیت جنگ طلبی شخص (صدام) به عنوان تصمیم گیر» نقشی تعیین کننده در وقوع جنگ داشت. ماهیت توسعه طلبانه حزب بعث و اندیشه‌های ناسیونالیسم عربی برای رهبری

جهان عرب، در تضاد آشکار با ماهیت شیعی انقلاب اسلامی این روند را تسریع می‌کرد. صدام پس از سقوط شاه، درصدد ارتقای موقعیت نظامی و سیاسی خود و کسب ژاندارمی منطقه بود. در صورت تحقق این امر، او می‌توانست به عنصری تعیین‌کننده در مناسبات قدرت نظامی منطقه تبدیل شود و هدایت جهان عرب را بر عهده گیرد.

درباره توانایی عمده عراق، کردزمن به چند موضوع اشاره می‌کند که نشان می‌دهد عراق در این زمینه‌ها بر ایران برتری داشت: ۱- ثبات سیاسی، نظامی بیشتر در خلال دوره پیش از جنگ. ۲- روابط دوستانه با کشورهای همسایه که از اواسط دهه ۱۹۷۰ آغاز شد. ۳- دسترسی مداوم به منابع متعدد جنگ افزارهای مدرن و پیشرفته‌ترین سیستم‌های ساخت فرانسه یا شوروی. ۴- ذخایر مالی و اعتبار بالا برای آغاز جنگ. ۵- تحولی نسبتاً بالنده همراه با رشد تدریجی استانداردهای زندگی و بهبود اقتصاد بر پایه همین ملاحظات، تمامی ناظران و کارشناسان از برتری عراق بر ایران سخن می‌گفتند و پیش‌بینی می‌کردند که اگر اصطکاک فرایند میان ایران و عراق به جنگ بینجامد عراقی‌ها نسبت به ایران از آمادگی بسیار بهتری بهره‌مند خواهد بود. صدام در مصاحبه‌ای با روزنامه السیاسه کویتی در (۱۹۸۰/۷/۲۲) ۳۱ تیر ۱۳۵۹ گفت: اکنون ما نیروی نظامی مناسبی را برای ایران باز پس‌گیری سه جزیره اشغال‌شده توسط ایران فراهم کرده‌ایم. ما پس از ۱۹۷۵، نه سکوت کرده‌ایم و نه دچار سستی شده‌ایم، بلکه از آن زمان تاکنون طی هفت سال توان و قدرت نظامی و اقتصادی خود را افزایش داده-ایم (درویشی، ۱۳۸۴: ۱۴۴).

### توان نظامی و هزینه دفاعی عراق

کشور جمهوری عراق در آغاز دهه ۱۹۸۰ با حدود ۱۴ میلیون نفر جمعیت تنها کشور عربی پرجمعیت در حاشیه خلیج فارس بود که توانایی بسیج بیش از یک میلیون نفر را برای اعزام جبهه‌های جنگ در اختیار داشت. ارتش عراق از زبده‌ترین و مجهزترین ارتش‌های منطقه بود. بر اساس پیمان دوستی بغداد مسکو که در سال ۱۹۷۲ منعقد



گردید، شوروی متعهد شد سالانه ۵/۱ میلیارد دلار تجهیزات نظامی به عراق تحویل دهد (بی‌نا، ۱۳۶۱: ۱۶۸).

از سال ۱۹۷۶ عراق قرارداد نظامی با فرانسه منعقد کرد که در پی آن سال‌های ۷۸-۱۹۷۷ پاریس به صورت یکی از بزرگ‌ترین منابع تسلیحاتی ارتش عراق در آمد. نیروی هوایی این کشور توسط متخصصان فرانسوی تجدید سازمان شد و از اوایل سال ۱۹۸۰ حدود ۶۰ فروند هواپیمای میراژ ۱۰۰ تحویل بغداد گردید و مذاکره برای خرید هواپیمای میراژ ۲۰۰۰، بالگرد، موشک و تجهیزات دریایی نیز صورت گرفت. همزمان با این اقدامات اخبار بسیاری در مورد دسترسی عراق به سلاح‌های شیمیایی از سوی محافل سیاسی- نظامی جهان انتشار یافت (ملکی، ۱۳۸۹: ۲۵).

به طور کلی، چند عامل در تقویت روحیه ارتش و نیروهای نظامی عراق نقش اساسی داشت و دولت عراق از این عوامل به ویژه در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ به خوبی استفاده کرد و زمینه را برای حمله به ایران فراهم آورد. این عوامل عبارت بودند از:

- ۱- ادعای صدام مبنی بر دفاع از ناسیونالیسم عرب که حمایت‌ها و دلگرمی‌های دولت‌های منطقه را در این زمینه به همراه داشت، باعث شد؛
- ۲- افزایش کمیت و کیفیت تسلیحات، هزینه‌های نظامی و نیروهای نظامی عراق در بالا بردن روحیه و توان نیروهای نظامی مؤثر افتاد؛
- ۳- تأمین امکانات رفاهی و پیشرفت اقتصادی که حاصل درآمد هنگفت نفت در عراق، به ویژه در دوران پنج ساله ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ میلادی بود.
- ۴- سرکوب شدید نیروهای معارض، به ویژه رهبران مذهبی که از نفوذ فوق‌العاده و بسیار بالایی برخوردار بودند. کردها و شیعیان تحت سرکوب شدیدی قرار گرفتند. در این سرکوب وحشیانه و گسترده، تمام مخالفان دولت عراق سرکوب شدند و بخش عمده‌ای از این سرکوب‌ها نیز در درون حزب بعث و ارتش صورت گرفت (همان: ۱۲۱).

در سال ۱۹۸۰ بودجه نظامی عراق ۶۳ درصد افزایش یافت و ۱۵ کشور جهان بیش از ۶ میلیارد دلار تجهیزات نظامی در اختیار آن کشور قرار دادند (دفتر سیاسی سپاه، ۱۳۶۱: ۱۸۷-۱۸۵).

در مجموع عراق در آغاز دهه ۱۹۸۰ به بزرگ‌ترین قدرت نظامی منطقه تبدیل شد. این قدرت نظامی به همراه قدرت اقتصادی پشتوانه ۲۴ میلیارد دلار درآمد نفتی در سال ۱۹۷۹ و با ارائه چهره باثبات از لحاظ سیاسی موقعیت ممتازی در معادلات منطقه‌ای به دست آورد (روزنامه اطلاعات، ۵۹/۷/۱۴).

### نیرو و تجهیزات زمینی، هوایی و دریایی عراق قبل و بعد از انقلاب

ارتش عراق قبل از جنگ، سازمان رزم خود را توسعه و گسترش داد و تغییرات زیر را ایجاد کرد: - تأسیس لشکر ۱۲ زرهی - تأسیس لشکر ۱۱ پیاده با برداشت ۳ تیپ از نیروی پلیس - افزایش ۱۲ تیپ مستقل به ۱۵ تیپ با احضار متولدین سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۷.

نیروی فوق در قالب ۳ سپاه (اول، دوم، سوم) شامل ۱۲ لشکر، متشکل از ۵ لشکر زرهی، ۲ لشکر مکانیزه و ۵ لشکر پیاده و همچنین ۳ تیپ نیروی مخصوص و نیروهای گارد ریاست جمهوری و حدود ۲۰ تیپ مرزی سازمان یافته بود. استعداد نیروی جیش‌الشعبی عراق نیز حدود نیم میلیون نفر برآورد می‌شد که تا سقف یک میلیون نفر قابل افزایش بود (درودیان، ۱۳۷۸: ۲۶-۲۵).

**نیروی هوایی:** با ۹ پایگاه هوایی و ۱۴ اسکادران هواپیمای شکاری - بمب‌افکن و ترابری، دارای ۳۶۶ هواپیمای نظامی، ۴۰۰ بالگرد و همچنین ۴۰۰ توپ ضدهوایی و چند تیپ موشکی زمین به هوا بود. این نیرو دارای ۸۷۲ نفر خلبان عملیاتی بود که از این تعداد حدود ۴۵۰ نفر آنها قادر به پرواز با هواپیماهای جنگنده بودند (درودیان، ۱۳۷۸: ۲۶).

**نیروی دریایی:** در دو پایگاه اصلی در بصره و ام‌القصر استقرار داشت. تیپ ۷۷ متشکل از چند مین‌روب و ۴ کشتی کوچک پیاده‌کننده نیرو در بندر بصره و تیپ

هفتم دریایی متشکل از قایق‌های موشک‌انداز که در بندر ام‌القصر مستقر بودند (همان: ۲۶).

شمار نیروهای نظامی عراق در سال ۱۹۷۷ میلادی، ۱۸۸ هزار تن و سپس در ۱۹۸۱ میلادی، حدود ۲۵۲ هزار و ۲۵۰ تن بودند. همچنین، تعداد نیروهای ذخیره ۲۵۰ هزار تن، نیروهای مردمی ۷۵ هزار تن و نیروهای امنیتی ۴۸۰۰ نفر بود.

تعداد نیروهای نظامی عراق در سال ۱۹۷۹ میلادی

نیروی زمینی	۱۹۰ تا ۱۹۵ هزارتن
نیروی دریایی	۴ هزار تن
نیروی هوایی	۱۸ هزار تن
دفاع (پدافند هوایی)	۱۰ هزار تن
کل نیروهای نظامی	۲۲۲ هزار تن

در سال (۱۹۷۹) شمار نیروهای نظامی عراق به ۵۵۵ هزار و ۴۰۰ تن رسید. همچنین ارتش (نیروی زمینی) عراق در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۹ میلادی دارای ۱۲ لشکر شامل پنج لشکر پیاده، پنج لشکر زرهی و دو لشکر مکانیزه، ۱۵ تیپ مستقل شامل ۱۰ تیپ پیاده، یک تیپ زرهی، یک تیپ مکانیزه و سه تیپ نیروی مخصوص بود که تمام این نیروها تحت فرمان سه سپاه قرار داشتند (درویشی، ۱۳۸۴: ۱۱۹).

### تجهیزات نظامی عراق

تجهیزات و تسلیحات ارتش عراق در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۹ میلادی عبارت بودند از: ۳۱۰۰ دستگاه تانک‌های متوسط و سنگین و ۲۳۰۰ دستگاه نفربر. تانک‌ها: تانک t-72 ساخت شوروی، حدود ۴۰۰ دستگاه، تانک t-62 ساخت شوروی، حدود ۱۱۰۰ دستگاه، تانک t-55 ساخت شوروی، حدود ۱۴۰۰ دستگاه. تانک t-54 ساخت شوروی، حدود ۱۰۰ دستگاه. تانک pt-76 حدود ۱۰۰ دستگاه.

نفربرها: ۲۳۰۰ نفر بر شامل: نفربر زرهی bmp-1 ساخت شوروی، ۵۰۰ دستگاه، نفربر زرهی ver-thp ساخت فرانسه، ۱۰۰ دستگاه، سایر نفربرهای زرهی حدود ۱۷۰۰ دستگاه.

توپخانه: توپخانه صحرایی با ۱۵۰۰ قبضه توپ، شامل توپ‌های ۱۵۲، ۱۳۰، ۱۲۲ و ۱۶۰ میلیمتری ساخت شوروی، توپ هویتزر m-56، ساخت ایتالیا، ۱۰۰ میلیمتری خودکشی و ۷۵ میلیمتری ساخت شوروی و خمپاره‌انداز ۱۲۰ میلیمتری و ضد تانک ۸۵ میلیمتری ساخت شوروی.

ضدهوایی: حدود ۴۰۰ قبضه توپ‌های ضدهوایی شامل توپ‌های ۵۷، ۳۷، ۲۵، ۸۵ و ۱۰۰ میلیمتری ساخت شوروی. موشک‌های ضدهوایی با برد نزدیک و بلند شامل حدود ۶۰ فروند موشک سام ۷ و سام ۹ و حدود ۷۰ فروند موشک با برد بلند شامل موشک‌های سام ۲، سام ۳، سام ۶ و دو لانه موشک ساخت شوروی.

هوایما: ۳۶۶ فروند هوایماهای جنگنده، شامل: میگ ۲۵، ۲۳، ۲۱ و ۲۴ روسی، میراژ فرانسوی f-1q5 (۴۵ فروند) و توپولف ۱۶ و ۲۲ و سوخو ۷ و ۹.

بالگردها: ۴۰۰ فروند انواع بالگرد (جنگی-حمل و نقل) شامل: mi-24 روسی و 3426a فرانسوی. تأمین‌کننده اصلی تسلحات عراق پیش از جنگ، اتحاد شوروی بود که حدود ۷۵ تا ۸۰ درصد تجهیزات نظامی این کشور را تأمین می‌کرد. پس از شوروی، فرانسه، چکسلواکی، سوئد، برزیل و... از دیگر صادرکنندگان اسلحه به عراق به شمار می‌رفتند. در سال ۱۳۵۸ عراق بیش از یک میلیارد و ۱۲۲ میلیون دلار آمریکایی برای خرید اسلحه پرداخت. به علاوه، تا سال ۱۹۸۰ حدود ۱۲۰۰ مستشار روسی و اروپایی شرقی، ۱۵۰ مستشار کوبایی در ارتش عراق خدمت می‌کردند و در حدود پنج هزار عراقی در اتحاد شوروی آموزش می‌دیدند. هزینه نظامی عراق که به صورت فزاینده‌ای در دهه هفتاد در حال رشد بود، در سال ۱۹۷۹ به بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار آمریکا رسید (درویشی، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

### نظام بین‌الملل و آمریکا، تجاوز عراق

نظام بین‌المللی در اواخر دهه ۱۹۷۰ با نوعی تناقض (پارادوکس) همراه بود. از یک سو قدرت‌های بزرگ، کنترل شدید گذشته خود را بر جهان از دست دادند و امکان آزادی عمل بیشتری برای دولت‌های کوچک‌تر فراهم شده بود، از سوی دیگر با شروع جنگ سرد دوم رقابت بین واشنگتن و مسکو برای گسترش نفوذ در منطقه

راهبردی خلیج فارس شدت گرفته و فشار بر کشورهای که از حیطة دو بلوک شرق و غرب خارج شده و یا در پی خارج شدن بودند، افزایش یافته بود. جنگ ایران و عراق در چنین شرایط بین‌المللی آغاز شد، در حالی که تنها حدود ۲۰ ماه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و خروج آن از دایرة نفوذ غرب می‌گذشت غرب به رهبری آمریکا تلاش گسترده‌ای را به منظور بازگرداندن ایران به دامن خود آغاز کرد و از انواع فشارها و ابزارها استفاده نمود تا از جهتی مانع نزدیکی تهران به مسکو شود و از جهت دیگر با تعدیل انقلاب و در صورت امکان مسخ و تحریف آن از صدور انقلاب به کشورهای مسلمان منطقه جلوگیری نماید. این سیاست (مقابله با انقلاب اسلامی) با اهداف آرمان‌های یکی از بازیگران تازه به دوران رسیده منطقه خلیج فارس یعنی عراق همراهی و هماهنگی داشت. این کشور با استفاده از تعارضات منطقه‌ای و بین‌المللی سعی داشت خود را به قدرت محور زیر سیستم خاورمیانه تبدیل کرده و نقش متوازن‌کننده را در خلیج فارس برعهده گیرد. برای نیل به این اهداف می‌بایست با اثبات قدرت برتر نظامی خود در منطقه، موقعیت خویش را در میان کشورهای حاشیه خلیج فارس تثبیت نموده و با تغییر مرزهای ساحلی، قدرت مانور خود را در آب‌های منطقه افزایش دهد. جنگ با ایران بعنوان یک دشمن دیرینه و گرفتار در آشوب‌های داخلی و منزوی در صحنه‌های بین‌المللی می‌توانست تمامی اهداف عراق را برآورده سازد (فصلنامه بررسی‌های نظامی، شماره ۱۰).

### **سیاست بهره‌گیری عراق از دو ابر قدرت و تقویت توان نظامی**

دولت بعث عراق در عرصه روابط خارجی از اواخر دهه ۱۹۷۰ با استفاده از سیاست بهره‌گیری از دو ابر قدرت به تدریج به بلوک غرب نزدیک شد و در عین حال هیچ‌گاه مناسبات خود را با شوروی کاهش نداد. از این رو این کشور توانست با برقراری توازن در روابط خارجی خود از رقابت شرق و غرب در جهت افزایش توان نظامی و اقتصادی خود سود ببرد و امکان اتخاذ مواضع مستقل‌تری را به دست آورد (یکتا، فصلنامه بررسی‌های نظامی، سال پنجم شماره ۱۰: ۴۵).

پیروزی انقلاب اسلامی در فوریه ۱۹۷۹، باعث از هم پاشیدن موازنه قدرت در منطقه خلیج فارس گردید. وضعیت نامساعد داخلی ایران به خصوص اوضاع نابسامان و از هم پاشیدگی ارتش و روابط تیره این کشور در سطح خارجی، از سویی دیگر عراق که طولانی‌ترین مرز مشترک با جمهوری اسلامی را داشت و با توجه به خصومت دیرینه، سیاست و نوع حکومت میلیتاریستی آن کشور، که به تقویت و توسعه نظامی خود پرداخته بود، این موقعیت فرصت مناسبی برای رهبران عراق به وجود آورد تا با لغو یکجانبه قرارداد الجزایر به حمله گسترده نظامی در شهریور ۱۳۵۹ علیه ایران دست بزنند و ضمن سرکوب حرکت شیعیان در داخل عراق، خلأ قدرت نظامی در منطقه را بپوشانند تا از این طریق بتوانند عراق را به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل کنند (درویشی، - ۱۳۸۴: ۶۳).

بنابراین فعالیت‌ها و جهت‌گیری‌های دیپلماتیک عراق که در این دوره، سرعت بیشتری به خود گرفته بود، روند متفاوتی نسبت به گذشته یافت. گسترش روابط با کشورهای مرتجع منطقه، جدایی از سوریه، گسترش روابط سیاسی-اقتصادی با اروپا، خرید تجهیزات مدرن نظامی از کشورهای غربی و تحریم جبهه پایداری، برخی از این سیاست‌ها بود. رویکرد سیاسی عراق به غرب و آمریکا در این دوران قابل توجه است. تمایل عراق به ایفای نقش ژاندارمی در منطقه که با سرنگون شدن شاه شدت بیشتری به خود گرفته بود، باعث شد تا برژنسکی، مشاور امنیت ملی رییس جمهور آمریکا در سوم فروردین ۱۳۵۸ اعلام کند، در آمریکا هیچ تضاد اصولی بین منافع واشنگتن و بغداد نمی‌بینند. پس از آن، دیدار "هارلود براون"، وزیر دفاع آمریکا و ریچارد مورفی از منطقه و ملاقات آنان با صدام، به تسریع چنین سیاست‌هایی از جانب عراق کمک کرد (همان: ۱۳۴).

یک روز پس از اعلام قطع رابطه آمریکا با ایران در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۲۰ هجری شمسی، صدام اعلام کرد: «عراق آماده و مجهز است تا برای دفاع از حاکمیت و افتخار خود به جنگ دست بزند» (اردستانی، ۱۳۸۸: ۸۷).

## عراق و فرصت مناسب

درگیری‌ها و تنش‌ها سال‌های گذشته ایران و عراق با انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ به حالت تعلیق در آمد. واقعیت‌های موجود نشان می‌داد، عراق با توجه به مشکل ژئوپلیتیکی خود در خط ساحلی خلیج فارس و موقعیت جدید- ضعف توان دفاعی ایران و افزایش توان نظامی عراق - که با وقوع انقلاب اسلامی به وجود آمده بود، چندان تمایلی به اجرای مفاد آن قرارداد نداشت و مدعی بود که این قرارداد را در شرایط ضعف پذیرفته است (درویشی، ۱۳۸۴: ۱۲۷).

از طرفی دیگر رژیم عراق برای دستیابی به نقش جدید در منطقه و در فضای برخورد خصومت‌آمیز آمریکا و غرب علیه نظام انقلابی ایران، بی‌ثباتی ناشی از انقلاب در داخل ایران را به مثابه یک فرصت استثنایی، برای "تسلط بر خلیج فارس" به سود خود ارزیابی می‌کرد. در واقع روند تحولات ظاهراً به نفع عراق تمام شده بود؛ زیرا به جای یک ایران قوی در مقابل یک عراق ضعیف و منزوی، یک عراق قوی در مقابل یک ایران ضعیف و متفرق قرار گرفته بود. در این مرحله گرایش سیاسی عراق که به طور سنتی به سوی شرق بود، به تدریج به سمت غرب به چرخش درآمد؛ زیرا برای عراق، مقابله با انقلاب اسلامی در چارچوب منافع و سیاست‌های غرب، در مقایسه با شرق عملی و امکان‌پذیرتر بود. عراق احتمال قطع ارسال تسلیحات روسی را پیش‌بینی کرده بود و با توجه به سلاح‌هایی که پیش از این خریده بود و انعقاد قرارداد تسلیحاتی چهار میلیارد دلاری با فرانسه، تصور می‌کرد در یک "جنگ سریع و کوتاه‌مدت" دچار مشکلات اساسی نخواهد شد؛ البته این مسأله نیز قابل پیش‌بینی بود که روس‌ها هم با تهاجم عراق به ایران موافق باشند؛ زیرا این مسأله علاوه بر اینکه تمرکز و انرژی ایران را به جنگ با عراق منتقل می‌کرد، می‌توانست، جمهوری اسلامی ایران را به گسترش روابط به ویژه در زمینه نظامی با مسکو، سوق دهد (درویدیان، ۱۳۸۳: ۲۰).

به طور کلی ماهیت ادعاهای عراق در این مقطع دارای دو جنبه اصلی است:

توانایی‌های نظامی عراق در کنار ضعف‌های سیاسی و ژئوپلیتیک آن و تلاقی هدف‌های این کشور با آمریکا در برخورد با انقلاب که در مجموع اوضاعی را به وجود آورد که وقوع جنگ علیه ایران را حتمی می‌ساخت. عراق با استفاده از این موقعیت در تلاش برای جبران ضعف‌های گذشته و عملی ساختن هدف‌های خود در منطقه برآمد. مروری گذرا بر نقاط ضعف و قوت عراق در این مقطع نشان می‌دهد که چگونه سیاستمداران عراق از فرصت به دست آمده استفاده کردند. در دهه ۱۹۷۰ که ایران با حمایت آمریکا ژاندارم منطقه بود، عراق مجبور شد طبق قرارداد الجزایر حاکمیت ایران بر بخشی از اروند را بپذیرد، اما بروز نابسامانی و ضعف نظامی در ایران به همراه انزوای سیاسی این کشور فرصت مناسبی را برای عراق ایجاد کرد تا به رؤیاهای دیرینه خود دست یابد و با اشغال خوزستان و اروندرود و با کسب وجهه سیاسی در منطقه و جهان از طریق رویارویی با انقلاب ایران به قدرت برتر در منطقه تبدیل شود و رهبری جهان عرب را به دست گیرد و چاپ نقشه‌هایی از عراق که خوزستان ایران نیز به آن منضم شده است، تنها یک گواه آشکار از اهداف عراق در آغاز حمله به ایران در سال ۱۹۸۰ است (دفتر حقوقی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۱: ۱۰۱-۸۱).

### حمایت از عراق و کسب قدرت نظامی منطقه

بنا به برخی تحلیل‌ها، همچنین جنگ برای صدام، نقطه اوج سیاست‌های وی برای جلب علاقه آمریکا به توانایی‌های عراق به منظور جانشینی ایران زمان شاه به صورت یک قدرت منطقه‌ای، محسوب می‌شد. این جهت‌گیری بدان خاطر بود که خط مشی دفاعی آمریکا در قبال منطقه، مرکز ثقل خود را بر تجهیزات لازم نظامی برای حامیان خود در منطقه - اساساً عربستان سعودی و ایران - به عنوان ابزاری برای تشکیل یک شبکه دفاعی در منطقه که بتواند تأمین‌کننده منافع متقابل باشد، استوار کرد، و عراق می‌توانست با شرایط خاص آن زمان، این نقش را ایفا کند و به آلترناتیو رژیم شاه تبدیل شود. مجله نیوزویک درباره چنین گرایشی در میان رهبری عراق بر این عقیده بود که اهداف عراق چیزی کمتر از تسلط بر خلیج فارس و شاید سراسر خاورمیانه با هزینه اجتناب‌ناپذیر دو ابرقدرت نیست. مصر به دلیل شرکتش در مذاکرات صلح



کمپ دیوید منزوی و مطرود شده بود، سوریه گرفتار مشکلات داخلی بود و ایران که روزی ژاندارم خلیج فارس بود در هرج و مرج به سر می‌برد. پس عراق کاندیدای امیدبخش برای این خلأ محسوب می‌شد؛ زیرا تجهیزات وسیعی از سلاح‌های مدرن را که بیشتر از شوروی و اروپای غربی تأمین شده بود در اختیار داشت. همچنین بر خلاف عربستان سعودی و حکومت‌های خلیج فارس، دارای جمعیتی بالغ بر ۱۳ میلیون نفر بود (اردستانی، ۱۳۸۸: ۸۲).

سیاست سد نفوذ آمریکا علیه انقلاب، حمایت از کشور عراق بود. به گمان بسیاری ایالات متحده نقش فعالی در تشویق و ترغیب عراق به جنگ داشته است، به طوری که برژینسکی با صدام ملاقاتی محرمانه داشت و بعد از این ملاقات در یک مصاحبه تلویزیونی ابراز کرد که «تضاد قابل ملاحظه‌ای بین آمریکا و عراق نمی‌بیند» (متقی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۳۱: ۷۹). برخی از رسانه‌های آمریکایی نیز به علت نگرانی از انقلاب ایران، جنگ را به عنوان راه‌حلی برای مهار انقلاب ایران توصیه کردند. به عنوان مثال، روزنامه «نیویورک تایمز» در آوریل ۱۹۸۰ در این مورد نوشت: واشنگتن امیدوار است که تحریم اقتصادی و سیاسی ایران، بتواند در سایه تیرگی روابط ایران و عراق، تأثیر داشته باشد و در ادامه می‌افزاید، عده‌ای معتقدند که چشم انداز جنگ با کشوری نیرومند، شاید ایران را وادار سازد که در سیاست خود در منطقه تجدید نظر کند (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۲۶).

### پاسخ سؤال اصلی تحقیق:

#### علل و عوامل نظامی مؤثر بر تجاوز عراق به جمهوری اسلامی کدامند؟

در بررسی علل و عوامل نظامی مؤثر بر وقوع جنگ تحمیلی، با توجه به یافته‌ها و تجزیه و تحلیل صورت‌گرفته، وضعیت، توان و شرایط نظامی ایران و عراق به عنوان قدرت بازدارندگی، در وقوع حمله نظامی به جمهوری اسلامی، نقش مهمی داشت؛ بنابراین برای هر دو کشور ایران و عراق با توجه به پیشینه تاریخی و فراز و نشیب در روابط آن‌ها، قدرت نظامی از اهمیت خاص و نقش محوری برخوردار بود. نتیجه اینکه در تجاوز عراق به جمهور اسلامی ایران ضعف قدرت نظامی ایران و بحران داخلی،

افزایش توان نظامی و شرایط مساعد نظامی عراق از عوامل مؤثر و برجسته و عامل مهم انگیزشی برای تصمیم عراق در حمله به ایران بود به عبارت دیگر جنگ تحمیلی با عزم و تصمیم رژیم عراق تحت تأثیر توانایی‌های نظامی آن کشور و ضعف قدرت نظامی ایران آغاز شد.

**تحلیل:** در جنگ عراق علیه ایران غیر از شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی عواملی چون وضعیت نابسامان نیروی مسلح ایران، تقویت و توسعه قدرت نظامی عراق و تغییر موازنه قدرت نظامی دو کشور در منطقه تأثیرگذاری بیشتری داشت؛ بنابراین برای اجرای چنین تصمیمی (حمله نظامی)، اگر تقویت قدرت نظامی خود و ضعف قدرت نظامی طرف مقابل نبود احتمال ضعیفی وجود داشت که دولتی دست به آغاز جنگ و خونریزی با آن همه خسارات قابل پیش‌بینی بزند؛ چراکه قدرت نظامی یکی از مولفه‌های اصلی بازدارنده حمله نظامی کشور مقابل است. پس وضعیت نظامی ایران که نشان از کاهش توان دفاعی کشور و در نتیجه از میان رفتن "قدرت بازدارندگی ایران" در برابر عراق بود، نقش بسیار اساسی در تصمیم‌گیری عراق برای تجاوز به ایران داشت.

#### پاسخ به سؤال‌های فرعی:

۱- **اوضاع نظامی ایران، چگونه بر تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشت؟**  
کمک‌های نظامی و تسلیحاتی آمریکا به ارتش ایران و حضور مستشاران نظامی این کشور در سطح تصمیم‌گیرندگان اصلی ارتش و نیز تفوق و برتری نظامی و سیاسی آمریکا در منطقه موجب شده بود تا ایران قبل از پیروزی انقلاب، در نظر کشورهای منطقه به لحاظ نظامی کشوری قدرتمند جلوه کند. تسلیم ارتش شاه در مقابل موج خروشان انقلاب اسلامی و عدم کارایی فرماندهان آن در رویارویی با مشکلات نظامی، این نظریه را اثبات کرد که ایران تنها به صورت انبار سلاح‌های آمریکا در آمده و ارتش ایران بدون اعمال سیاست‌های آمریکا کارایی لازم را ندارد. در جریان فروپاشی نظام شاهنشاهی، بدنه ارتش (سربازان، درجه‌داران و افسران جزء) که عمدتاً از قشرهای ضعیف و متوسط جامعه بودند سلاح بر زمین نهاد، هماهنگ با جریان

انقلاب اسلامی در صف انقلاب قرار گرفتند؛ بنابراین ارتش توانایی دفاع از کشور را نداشت و عملاً قدرت بازدارندگی از تجاوز به خاک کشور وجود نداشت.

**تحلیل:** اوضاع داخلی و نظامی ایران موجب شد تصمیم گیرندگان عراقی موارد زیر را برای اقدام نظامی، مورد توجه قرار دهند. و مقدمات لازم را برای یک حمله گسترده و سراسری فراهم سازند. الف- ضعف قدرت نظامی ایران. ب- بحران در جنوب و غرب کشور. پ- دو طیف فکری متضاد در مدیریت راهبردی کشور (طرفداران امام خمینی (ره)، روشنفکر و لیبرال) ت- اختلافات و بلا تکلیفی در مدیریت دفاعی کشور.

**۲- چگونه توان نظامی و شرایط عراق، بر اقدام نظامی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران تأثیر داشت؟**

تقویت و توسعه قدرت نظامی و شرایط عراق با توجه به موارد زیر، موجب ترغیب این کشور بر تجاوز به جمهوری اسلامی ایران شد:

الف) افزایش توان نظامی عراق که دارای مجهزترین ارتش منطقه بود.

ب) پیمان نظامی با شوروی در سال ۱۹۷۲، شوروی متعهد شد سالانه ۵/۱ میلیارد دلار تجهیزات نظامی به عراق تحویل دهد. قرارداد نظامی با فرانسه در سال ۱۳۷۶، به صورتی که پاریس به عنوان بزرگ‌ترین منابع تسلیحاتی ارتش عراق در آمد. ج) قدرت نظامی به همراه قدرت اقتصادی با پشتوانه ۲۴ میلیارد دلار درآمد نفتی در سال ۱۹۷۹ و با ارائه چهره باثبات از لحاظ سیاسی.

د) عراق در عرصه روابط خارجی از اواخر دهه ۱۹۷۰، استفاده از سیاست بهره‌گیری از دو ابرقدرت به تدریج به بلوک غرب نزدیک شد و توانست با برقراری توازن در روابط خارجی خود، از رقابت شرق و غرب در جهت افزایش توان نظامی خود سود ببرد؛ بنابراین عراق، پس از پیروزی انقلاب، با تشکیل کمیته‌ای، مطالعات لازم را انجام داد و ضمن جمع‌آوری اطلاعات و برگزاری مانور، آمادگی خود را ارزیابی کرد. بازدید فرماندهان و مسئولان عراقی از یگان‌های نظامی افزایش یافت و با تقویت و توسعه نیروها و تجهیزات نظامی، مقدمات حمله به جمهوری اسلامی ایران را آماده کردند.

### نتیجه

با تشریح عوامل نظامی مؤثر بر تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران (شرایط و وضعیت نظامی دو کشور) مشخص گردید که شروع جنگ ایران و عراق علاوه بر محرک‌هایی همچون آمریکا، اختلافات تاریخی، مشکلات ژئوپلیتیکی عراق، آثار و نتایج انقلاب؛ دارای شرایط ویژه داخلی نیز بوده است که در میان این عوامل آنچه بیش از همه نمایان است وضعیت نظامی دو کشور است که با وقوع انقلاب اسلامی با تغییر و تحول در سطح ملی و منطقه روبه‌رو شد. در واقع باید چنین عنوان کرد که درک رژیم عراق از اوضاع و شرایط ایران و محیط داخلی عراق برای وارد ساختن ضربه‌ای اساسی به انقلاب اسلامی در کنار موقعیت مساعد نظامی خود و ضعف نیروهای مسلح ایران، زمینه‌های وقوع جنگ را فراهم ساخت. در عین حال باید توجه داشت که ویژگی‌های شخصی و ماهیت دارای تضاد صدام با انقلاب اسلامی به عنوان تنها فرد تصمیم‌گیرنده در نظام عراق و نقش وی در شروع جنگ نباید نادیده گرفته شود. به هر حال با شروع جنگ تحمیلی جمهوری اسلامی ایران وارد مقطعی از تاریخ خود شد که شاید در طول تاریخ این کشور کم‌سابقه باشد.

### کتابنامه:

- ۱) اردستانی، حسین (۱۳۸۸)، رویارویی استراتژی‌ها، جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- ۲) بی‌نا، (۱۳۶۱)، گذری بر دو سال جنگ، تهران: دفتر سیاسی سپاه.
- ۳) جعفر ولدانی، اصغر (۱۳۷۶)، بررسی اختلافات مرزی ایران و عراق، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۴) جمشیدی، محمدحسین، بی‌تا، بررسی و تحلیل عناصر قدرت نظامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۵) جیمز دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۷۲)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، جلد ۱، تهران: نشر قومس.
- ۶) درویشی، فرهاد و دیگران (۱۳۸۴)، ریشه‌های تهاجم، چاپ سوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۷) درودیان، محمد (۱۳۷۸)، جنگ بازیابی ثبات، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۸) درودیان، محمد (۱۳۸۳)، از آغاز تا پایان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۹) دفتر حقوقی وزارت امور خارجه (۱۳۷۳)، تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی، تهران: وزارت امور خارجه (دفتر حقوقی).
- ۱۰) روزنامه اطلاعات ۵۹/۷/۱۴ به نقل از نشریه السفير چاپ بیروت.
- ۱۱) کاظمی، علی اصغر (۱۳۶۷)، مدیریت بحران‌های بین‌المللی؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۲) محمدی، منوچهر (۱۳۸۰)، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، تهران: نشر معارف.
- ۱۳) ملکی، عباس (۱۳۸۹)، شورای امنیت و جنگ ایران و عراق مجله مسائل بین‌المللی شماره ۴.
- ۱۴) نشریه ارگان چریک‌های فدایی خلق ۵۹/۴/۲۰ و ۵۹/۴/۱۷.
- ۱۵) یکتا، حسین، نظام بین‌الملل و جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد معاونت پژوهش فصلنامه بررسی‌های نظامی، سال پنجم، شماره ۱۰.

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)

سال سیزدهم، شماره ۷۶ پاییز ۱۳۹۳ صص ۱۱۸-۹۹

## تعیین و اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت در اردوهای جهادی سازمان بسیج دانشجویی

حمید رضایی قهرودی<sup>۱</sup>

دکتر محمدرضا مردانی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۲۰

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف «تعیین و اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت اردوهای جهادی سازمان بسیج دانشجویی» تدوین شده است. روش تحقیق به لحاظ روش «توصیفی تحلیلی» و به لحاظ هدف کاربردی است. در این پژوهش ابتدا عوامل عمومی موفقیت اردوها با روش مطالعات کتابخانه‌ای به دست آمد. سپس به وسیله مصاحبه هدفمند با خبرگان، ۱۸ عامل اصلی موفقیت شناسایی شد و در نهایت با توزیع پرسشنامه محقق‌ساخته، در بین جامعه آماری تحقیق، ۹ عامل کلیدی موفقیت اردوهای جهادی بسیج دانشجویی در سه مرحله قبل، حین و بعد از اردو مشخص گردید. بر نتایج حاصل از این پژوهش اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت به شرح زیر است: عوامل کلیدی موفقیت قبل از اردو دارای بیشترین تأثیر بر عملکرد اردوهای جهادی سازمان بسیج دانشجویی است و عوامل کلیدی موفقیت بعد از اردو و حین اردو به ترتیب در اولویت‌های بعدی هستند.

**کلیدواژه‌ها:** عوامل کلیدی موفقیت، اردوهای جهادی، بسیج، بسیج دانشجویی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک؛

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع).

## مقدمه

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و با توجه به تأکیدات معظم له مبنی بر خدمت‌رسانی به محرومان و نیازمندان و جبران عقب‌ماندگی‌های بسیار زیاد مناطق محروم میهن عزیزمان، جوانانی پرشور و انقلابی با هدف متعالی خدمت به مستضعفان و محرومان به اقصی نقاط مختلف این سرزمین هجرت نموده و منشأ خیرات و اقدامات شگرفی شدند و در آن زمان از سوی امام (ره) فرمانی مبنی بر تشکیل جهاد سازندگی صادر گردید و این حرکت الهی نضج و سامان پیدا کرد و دارای تشکیلات و ساختار اداری شد، تا در سایه آن بتوان اقدامات مؤثر و هماهنگی را برای رفع محرومیت برنامه‌ریزی و اجرا کرد. در دولت هشتم لایحه انحلال و ادغام این نهاد انقلابی با وزارت کشاورزی به مجلس شورای اسلامی ارسال شد، فارغ از آنکه نه محرومیت به طور کامل ریشه‌کن شده بود و نه ادغام آن سبب ادامه آن حرکت می‌گشت.

پس از انحلال جهاد سازندگی و با توجه به خللی که در این عرصه احساس می‌شد، مقام معظم رهبری، در ۱۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۹ در حضور فرماندهان و مسئولان سپاه، خواستار بسیج قشر جوان در عمران و آبادانی مناطق روستایی با همکاری نیروی مقاومت بسیج و وزارت جهاد کشاورزی شدند و دستور تشکیل سازمان بسیج سازندگی را صادر فرمودند.

معظم‌له در نامه رسمی خود خطاب به رئیس جمهور وقت می‌نویسند: «طرح (بسیج سازندگی) به منظور استفاده از نیرو و نشاط جوانان برای سازندگی کشور در اوقات فراغت به درخواست اینجانب فراهم شده است... جهاد سازندگی و نیروی مقاومت همکاری خوبی در تهیه آن داشته‌اند... اجرای طرح متوقف بر تأمین بودجه لازم از سوی جنابعالی است» (شکری، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

## بیان مسأله

پس از دستور مقام معظم رهبری و با توجه به اقدامات تبلیغی ترویجی مناسب، سال به سال اقبال دانشجویان به این حرکت الهی انقلابی گسترده‌تر شد و با تشکیل

گروه‌های جهادی خودجوش اقدام به برگزاری اردوهای جهادی در زمان فراغت از تحصیل (یعنی نوروز و تابستان)، روند پرشتابی به خود گرفت. یک روش مفید برای اثربخشی، تأکید بر عوامل کلیدی موفقیت است؛ زیرا این عوامل نکاتی را مشخص می‌کند که مدیریت باید به آنها توجه دائمی داشته باشد (مشبکی، ۱۳۸۹: ۱۴۶). یکی از موارد مهم و اساسی در هر اردوی جهادی، انجام اقدامات مناسب در راستای اثربخشی و کارایی آن است. از سوی دیگر با توجه به عدم تجربه لازم در بعضی از گروه‌ها و همچنین نبود حلقه واصل بین گام اول اردوهای جهادی یعنی جهاد سازندگی در بدو انقلاب و گام دوم یعنی اردوهای جهادی بعضاً دانشجویی لزوم تعیین عوامل کلیدی موفقیت اردوهای جهادی را که به مثابه چراغ راه جهادگران است صد چندان می‌نماید.

بدیهی است که هرچه عوامل مؤثر در برگزاری و اجرای اردوهای جهادی به طور کامل و دقیق شناسایی شود، بستر مناسب این فعالیت‌ها برای جهادگران آماده خواهد شد تا از اتلاف سرمایه‌های انسانی و منابع مادی و زمان که عامل تلاشی و بی بازگشت است، جلوگیری شود.

بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال آن است تا با مراجعه به زمینه‌های مطالعاتی و نظرات متخصصان و خبرگان به بررسی دقیق اردوهای جهادی که شامل اقدامات قبل از اردو، حین اردو و بعد از اردو است، پرداخته تا با تعیین شاخص‌ها و استانداردهای کاری مشخص و علمی، مجموعه عوامل کلیدی موفقیت را برای اردوهای جهادی شناسایی کند. رویکرد اصلی این تحقیق ارائه راهکار به سازمان بسیج دانشجویی و دانشجویان جهادگر بسیجی برای موفقیت در محرومیت‌زدایی و خدمت‌رسانی به مردم مناطق محروم می‌باشد، تا روزه‌روز بر کارایی و اثربخشی این اردوها افزوده شود.

### سؤال اصلی تحقیق

تعیین و اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت در اردوهای جهادی بسیج دانشجویی چگونه است؟



### سؤالات فرعی تحقیق

- ۱- عوامل کلیدی موفقیت قبل از برگزاری اردوهای جهادی بسیج دانشجویی کدامند؟
- ۲- عوامل کلیدی موفقیت حین برگزاری اردوهای جهادی بسیج دانشجویی کدامند؟
- ۳- عوامل کلیدی موفقیت بعد از برگزاری اردوهای جهادی بسیج دانشجویی کدامند؟
- ۴- اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت در اردوهای جهادی بسیج دانشجویی چگونه است؟

### اهداف تحقیق

- ۱- شناسایی عوامل کلیدی موفقیت در اردوهای جهادی سازمان بسیج دانشجویی
- ۲- اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت در اردوهای جهادی سازمان بسیج دانشجویی

### ابزار و روش گردآوری اطلاعات

در این پژوهش از طریق مصاحبه هدفمند با خبرگان عرصه جهادی و روش کتابخانه‌ای به فیش‌برداری و جمع‌آوری اسناد و اطلاعات لازم به منظور گویه‌سازی متغیرها اقدام کرده و برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز و پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق با توجه به لزوم دسترسی به داده‌های واقعی در مورد تعیین و اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت (C.S.F) در اردوهای جهادی سازمان بسیج دانشجویی، در جامعه آماری مورد مطالعه، گویه‌های حاصله از طریق میدانی و با ابزار پرسشنامه به اخذ نظر خبرگان و صاحب‌نظران پرداخته است.

### جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

با توجه به اینکه اعلام نظر در خصوص متغیرهای این تحقیق، تخصصی بوده و قابلیت بهره‌برداری از عموم میسر نبود، لذا جامعه آماری تحقیق شامل افرادی است که نسبت به هر دو متغیر این تحقیق یعنی عوامل کلیدی موفقیت و اردوهای جهادی سازمان بسیج دانشجویی، شناخت کامل داشته باشند. این جامعه آماری شامل ۱۰ نفر از صاحب‌نظران و خبرگان در امور جهادی سازمان بسیج دانشجویی، ۶ نفر از کارشناسان

امور جهادی در سازمان بسیج دانشجویی، ۳۲ نفر از مسئولان نواحی بسیج دانشجویی سراسر کشور، ۳۲ نفر از مسئولین معاونت سازندگی نواحی بسیج دانشجویی سراسر کشور و ۶۴ نفر از مسئولان حوزه‌های شاخص بسیج دانشجویی سراسر کشور که در مجموع ۱۴۴ نفر هستند، می‌باشد. حجم نمونه طبق جدول مورگان، ۱۴۴ نفر تعیین شد که ۱۳۰ پرسشنامه از مجموع ۱۴۴ پرسشنامه توزیع شده، تکمیل و جمع‌آوری گردید. برای نمونه‌گیری از روش «تمام‌شماری» استفاده شده است. برای این منظور ۱۳۰ پرسشنامه در بین ۱۴۴ نفر حجم نمونه توزیع شد.

### ابزار اندازه‌گیری و شیوه‌های گردآوری اطلاعات

در این پژوهش از طریق مصاحبه با خبرگان عرصه جهادی و روش کتابخانه‌ای به فیش‌برداری و جمع‌آوری اسناد و اطلاعات لازم به منظور گویه‌سازی متغیرها اقدام شده و برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز و پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق با توجه به لزوم دسترسی به داده‌های واقعی در مورد تعیین و اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت در اردوهای جهادی سازمان بسیج دانشجویی، در جامعه آماری مورد مطالعه، گویه‌های حاصله از طریق میدانی و با ابزار پرسشنامه بسته با مقیاس چند درجه‌ای لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد (۱ تا ۵) استفاده شد.

### تعریف مفاهیم

#### الف- عوامل کلیدی موفقیت

روکارت<sup>۱</sup> می‌گوید: برای هر تجارتی یک تعداد عوامل کلیدی محدود وجود دارد که اگر در آن عوامل موفقیت و رضایت حاصل شود، موفقیت سازمان در عرصه رقابت تأمین می‌شود. به طور کلی تعداد محدودی (کمتر از ۱۰ تا) عوامل کلیدی، برای هر سازمان وجود دارد که باید در آن عوامل تمام کارها درست عمل شوند تا موفقیت و پیشرفت حاصل شود (سرمدی، ۱۳۸۶: ۲۴۵).

عوامل کلیدی موفقیت اصلی‌ترین گلوگاه‌های سازمان در مسیر نیل به مأموریت و چشم‌انداز محسوب می‌شوند. این عوامل همیشه به صورت آشکار یا پنهان وجود

1 - Rocart

داشته و بیشترین اهمیت را در اجرای راهبرد دارند. عوامل کلیدی موفقیت، فعالیت‌های بادوامی را تعریف می‌کنند که سازمان باید در طول زمان به خوبی انجام دهد تا در راه رسیدن به مأموریت موفق شود. (سیروس و مقدم، ۱۳۸۶: ۱۷)

در این تحقیق منظور از عوامل کلیدی موفقیت آن دسته از عواملی (کمتر از ۱۰ مورد) هستند که در راستای اثربخشی و کارایی اردوهای جهادی سازمان بسیج دانشجویی نقش دارند.

### ب- اردوهای جهادی

اردوی جهادی، حرکتی است پاک، مخلصانه و بی‌چشمداشت که توسط نهادهای داوطلب مردمی برای دو هدف عمده درونی و بیرونی صورت می‌گیرد. هدف درونی همان افزایش روحیه جمعی و جهادی در افراد برای رسیدن به کمال مطلوب انسانی و هدف بیرونی، ارتقای وضعیت منطقه مورد عمل از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب‌تر است (رفعیان، ۱۳۹۰: ۲۵).

اردوی جهادی، اردوهایی است که حین آن تعدادی از دانشجویان، دانش‌آموزان یا طلاب حوزه علمیه، در مناطق محروم کشور به صورت داوطلبانه به انجام فعالیت‌های فرهنگی \_ آموزشی و خدماتی \_ عمرانی می‌پردازند (شکری، ۱۳۸۷: ۵۰).

در این تحقیق منظور از اردوهای جهادی آن دسته از اردوهای هستند که حین آن تعدادی از دانشجویان در مناطق محروم کشور به صورت داوطلبانه به انجام فعالیت‌های فرهنگی \_ آموزشی و خدماتی \_ عمرانی می‌پردازند.

### ج- بسیج

بسیج از لحاظ لغوی، به معنای سامان و اسباب، ساز و سامان جنگ، عزم و اراده، آماده سفر شدن، آماده ساختن نیروهای نظامی یک کشور برای جنگ است (دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۰: ۲۱۰۹). بسیج به‌عنوان مجمعی متشکل از توده‌های علاقه‌مند به سرنوشت ملی خویش، گرایش‌های ویژه و ایدئولوژی واحد می‌تواند یکی از شایسته‌ترین پردازشگران الگوهای خاص از نظر جهت‌گیری‌ها به کنش سیاسی باشد و در مقام

رسیدن به یکی از مراکز مهم اجتماعی می‌تواند رسالت حفظ و انتقال ارزشها، هنجارها، و آداب و رسوم را از نسلی به نسلی دیگر ایفا نماید (مطهری‌نیا، ۱۳۷۸: ۲۷).

#### ۵- بسیج دانشجویی

در تاریخ دوم آذرماه ۱۳۶۷ بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) طی پیامی عارفانه، روشنگرانه و توأم با آینده‌نگری دقیق که منبعث از بینش عمیق ایشان بود، فرمان تشکیل بسیج دانشجویی و طلبه را به عنوان یکی از ضروری‌ترین تشکلهای صادر نمودند و ضمن درخواست دفاع از انقلاب و اسلام در مراکز دانشگاهی و حوزوی، خواستار پاسداری از اصول تغییرناپذیر "نه شرقی و نه غربی" شدند و با دعوت به اتحاد و یگانگی حوزه و دانشگاه، چشم‌انداز ایجاد حکومت بزرگ اسلامی و فتح جهان توسط اسلام را فراوری مشتاقان و رهروان اسلام ناب محمدی(ص) قرار دادند(صحیفه امام، جلد ۲۱: ۱۹۴). در این تحقیق منظور از بسیج دانشجویی، تشکلی است که دانشجویان بسیجی به صورت داوطلبانه در آنجا مشغول به فعالیت هستند.

پیام تاریخی حضرت امام(ره) به مناسبت تشکیل بسیج دانشجویی و طلبه ۱۳۶۷/۹/۲ بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه‌های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می‌دهد. بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گل‌دسته‌های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده‌اند. بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت‌یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی‌نشانی گرفته‌اند. بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکیل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا نموده‌اند. من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می‌خورم و از خدا می‌خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند؛ چراکه در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی‌ام. من مجدداً به همه ملت بزرگواری ایران و مسئولین عرض می‌کنم چه در جنگ و چه در صلح بزرگ‌ترین ساده‌اندیشی این است که تصور کنیم جهان‌خواران خصوصاً آمریکا و شوروی از ما و اسلام عزیز دست برداشته‌اند؛ لحظه‌ای نباید از کید دشمنان غافل بمانیم. ملتی که در خط اسلام ناب

محمدی - صلی الله علیه و آله - و مخالفت با استکبار و پول‌پرستی و تحجرگرایی و مقدس‌نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند؛ چراکه در هنگامه خطر، ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشد. امروز یکی از ضروری‌ترین تشکله‌ها، بسیج دانشجویی و طلبه است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه‌ها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند و فرزندان بسیجی‌ام در این دو مرکز، پاسدار اصول تغییرناپذیر «نه شرقی و نه غربی» باشند. امروز دانشگاه و حوزه از هر محلی بیشتر به اتحاد و یگانگی احتیاج دارند. فرزندان انقلاب به هیچ‌وجه نگذارند ایادی آمریکا و شوروی در آن دو محل حساس نفوذ کنند. تنها با بسیج است که این مهم انجام می‌پذیرد. مسائل اعتقادی بسیجیان به‌عهد این دو پایگاه علمی است. حوزه علمیه و دانشگاه باید چهار چوب‌های اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند (سازمان بسیج دانشجویی، ۱۳۸۶: ۱۳۲).

وجود دارد که اشاره به آنها خالی از لطف نیست. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### **آسیب‌شناسی اردوهای جهادی**

این پژوهش توسط آقای محمدعلی اخوان (۱۳۹۰) انجام شده است. در تحقیق مذکور عنوان شده: اردوهای جهادی بهترین فرصت برای خودشناسی و شکوفایی معنوی نوجوانان و جوانان است. طی این تحقیق، آقای محمدعلی اخوان به آسیب‌شناسی اردوهای جهادی در ابعاد مختلف پرداخته است. اینکه چگونه این امر اجرا خواهد شد و چه مشکلاتی بر سر راه این فرصت پیش آمده و یا وجود دارد، ابعادی مانند ضرورت عرصه‌ها و شاخصه‌های آسیب‌شناسی اردوهای جهادی، مبانی نظری پیام‌رسانی فرهنگی، ابزارها و مهارت‌های پیام‌رسانی فرهنگی و بررسی برخی آسیب‌های اردوهای جهادی مورد توجه قرار گرفته است. در این تحقیق ۲۰ آسیب اساسی شناسایی و بدان پرداخته شده است (اخوان، ۱۳۹۰: ۲۷).

### بررسی عملکرد بسیج در عرصه سازندگی و خدمات‌رسانی در استان مرکزی

این پژوهش توسط آقای پیمان عین‌القضاتی (۱۳۹۲) انجام شده است. هدف کلی از اجرای این تحقیق بررسی میزان رضایت‌مندی از عملکرد بسیج دانشجویی در عرصه سازندگی و خدمات‌رسانی فرهنگی در مناطق محروم استان مرکزی می‌باشد. این اردوها تقریباً در اغلب مناطق با استقبال زنان و نوجوانان و کودکان روستایی مواجه شده است، اما این میزان استقبال را نباید رضایت بخش دانست؛ چراکه دلیل مهم آن کمبود یا نبود برنامه‌های فرهنگی در روستاهاست. همچنین این اردوها در شرایطی برگزار می‌شوند که رقیب جدی برای آنها وجود ندارد. به نظر می‌رسد اصرار برنامه‌ریزان در مجموعه سازمان بسیج سازندگی در جهت رسیدن به حجم‌های بالای اردوها، باعث شده تا رویکرد کمی‌گرایی در این طرح به نقطه آسیب جدی تبدیل شود و مجریان طرح در سطح نواحی و اقشار بسیج نتوانند آموزش و برنامه‌ریزی لازم را برای جهادگران برگزار نمایند و در نتیجه طرح دارای سطح بالایی نباشد (عین‌القضاتی، ۱۳۹۲: ۲۰).

### ارزیابی میزان اثربخشی فعالیت‌های لجستیکی در اردوهای جهادی دانشجویان

این مقاله توسط آقای حسین محمدی (۱۳۹۲) انجام شده است. هدف کلی این تحقیق ارائه راهکار برای اثربخشی فعالیت‌های لجستیکی اردوهای جهادی دانشجویان است. این تحقیق با روش «توصیفی تحلیلی» و با مراجعه به منابع اسنادی و مصاحبه با صاحب‌نظران و فعالان لجستیک اردوهای جهادی صورت گرفته است. در نتیجه نیاز به فعالیت‌های لجستیکی سریع و با انعطاف‌پذیری بالا است تا بتواند نیروی انسانی مورد نیاز، اقلام و کالاهای جهادگران را در زمان و مکان مناسب در اختیار آنها قرار دهد. اقداماتی که باعث اثربخشی لجستیک اردوهای جهادی می‌شوند عبارتند از: به کارگیری نیروی جوان (لجستیک انسانی) با بار مالی کم (لجستیک اثربخش)، در اوقات فراغت (لجستیک زمانی) با پشتیبانی دولت (بسیج امکانات لجستیکی) و نشاط جوانان (برانگیزاننده بودن هدف) (محمدی، ۱۳۹۲: ۵۸).

### فرآیند انجام تحقیق

در این تحقیق برای تعیین و اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت اردوهای جهادی سازمان بسیج دانشجویی اقدامات زیر صورت گرفته است:

**گام اول:** با مطالعات کتابخانه‌ای نسبت به شناسایی عوامل عمومی موفقیت<sup>۱</sup> (G.S.F) اردوهای جهادی در سه مرحله قبل، حین و بعد از اردو اقدام گردید. برای انجام این پژوهش، ضمن بررسی پیشینه تحقیق، درباره هر یک از متغیرهای این تحقیق، برای تهیه «مبانی نظری» مناسب، ابتدا به منابع موجود مراجعه و فیش‌برداری آغاز شد.

**گام دوم:** با مصاحبه با خبرگان عرصه فعالیت‌های جهادی از میان عوامل عمومی موفقیت، آن دسته از عوامل که اثرگذار و راهبردی نبودند حذف، و عوامل اصلی موفقیت<sup>۲</sup> (K.S.F) تعیین شدند. لازم به ذکر است که عوامل اصلی موفقیت اردوهای جهادی با مراجعه به نظرات متخصصان و خبرگان در قالب مصاحبه صورت گرفت و این مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی و تحلیل محتوا، محقق را در شاخص‌یابی از متغیرها یاری نمود. در نهایت پس از احصای ۱۸ عامل اصلی موفقیت (K.S.F) در اردوهای جهادی سازمان بسیج دانشجویی، این عوامل در سه دسته عوامل کلیدی موفقیت قبل، حین و بعد از اردو تعیین شدند.

**گام سوم:** برای تعیین عوامل کلیدی موفقیت، پرسشنامه‌ای تهیه گردید و بین جامعه آماری که هم با مفهوم عوامل کلیدی موفقیت آشنا بودند و هم نسبت به اردوهای جهادی کاملاً شناخت داشتند، توزیع و پس از تکمیل و جمع‌آوری، به وسیله نرم‌افزار SPSS مشخص شد.

**گام چهارم:** برای اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت از شیوه AHP استفاده گردید. بدین منظور پرسشنامه‌ای در بین نخبگان توزیع و پس از تکمیل و جمع‌آوری این عوامل اولویت‌بندی شد.

---

1-General Succes Factors

2 -Key Succes Factors

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به ماهیت تحقیق و متغیرهای مورد نظر در این تحقیق، محقق برای بررسی اثر متغیرهای مذکور برای دستیابی به اهداف پژوهش از آمار توصیفی شامل جداول توزیع فراوانی پاسخگویان و تعیین میزان درصد هرکدام و نمودار توزیع فراوانی آنها بر حسب متغیرهای مختلفی مثل سن، تحصیلات و...، تعیین سطوح و میزان استفاده از گویه‌ها با هیستوگرام مربوط به هریک آنها، و برای مشخص نمودن شاخص‌های میانگین، میانه، نما، انحراف معیار، دامنه تغییر، حداقل و حداکثر مربوط به هر یک از سطوح استفاده کرد.

برای اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت از روش تحلیل سلسله‌مراتبی<sup>۱</sup> (AHP) استفاده شده است. روش AHP یکی از «مدل‌های تصمیم‌گیری به معیارهای چندگانه»<sup>۲</sup> (MCDA) است که از «منطق فازی» بهره می‌برد. روش فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی بر سه اصل تجزیه، قضاوت مقایسه‌ای و ترکیب اولویت‌ها مبتنی است. بنابر اصل تجزیه، تجزیه مسائل تصمیم‌گیری به عناصر مختلف به صورت سلسله‌مراتبی صورت می‌گیرد (هاشم‌نیا، ۱۳۹۲: ۵۰).

از آنجا که رتبه‌بندی عوامل کلیدی موفقیت اردوهای جهادی بسیج دانشجویی با استفاده از روش‌های متداول پیمایشی نتیجه مطلوبی را ارائه نمی‌دهد؛ بنابراین روش AHP برای اولویت‌بندی این عوامل انتخاب گردید. در این روش، یک پرسشنامه با ۳۶ سؤال تهیه شد و در اختیار نخبگان قرار گرفت تا با تکمیل آن و با مقایسه زوجی عوامل کلیدی موفقیت، اولویت‌بندی این عوامل مشخص شوند و در نهایت با آزمون کولموگروف اسمیرنوف (تست نرمالیته) و آزمون T و نتایج تحقیق تأیید گردید.

در ادامه به بررسی و توصیف داده‌های مربوط به مشخصات پاسخ‌دهندگان می‌پردازیم.

### ۱- وضعیت افراد پاسخ‌دهنده بر اساس سن

1 -Analytic Hierarchy Process  
2 -Multi-Criteria Decision Analysis



از نظر سن تعداد ۲۷ نفر (۲۰/۷ درصد) بین ۲۰ تا ۲۵ سال، تعداد ۴۱ نفر (۳۱/۵ درصد) بین ۲۶ تا ۳۰ سال، تعداد ۳۰ نفر (۲۳/۲ درصد) بین ۳۱ تا ۳۵ و تعداد ۳۲ نفر (۲۴/۶ درصد) دارای سن ۳۶ و بالاتر هستند.

#### ۲- وضعیت افراد پاسخ‌دهنده بر اساس سابقه فعالیت در بسیج دانشجویی

از نظر سابقه فعالیت در بسیج دانشجویی تعداد ۱۱ نفر (۸/۵ درصد) بین ۱ تا ۲ سال، تعداد ۳۷ نفر (۲۸/۵ درصد) بین ۳ تا ۴ سال، تعداد ۳۴ نفر (۲۶/۲ درصد) بین ۵ تا ۶ سال و تعداد ۴۸ نفر (۳۶/۹ درصد) بیش از ۷ سال سابقه فعالیت در بسیج دانشجویی دارند.

#### ۳- وضعیت افراد پاسخ‌دهنده بر اساس حوزه مسئولیتی

از نظر حوزه مسئولیتی تعداد ۲۹ نفر (۲۲/۳ درصد) مسئول ناحیه بسیج دانشجویی، تعداد ۳۰ نفر (۲۳/۱ درصد) معاون سازندگی ناحیه بسیج دانشجویی، تعداد ۵۵ نفر (۴۲/۳ درصد) مسئول حوزه بسیج دانشجویی، تعداد ۷ نفر (۵/۴ درصد) کارشناس اردوهای جهادی و تعداد ۹ نفر (۶/۹ درصد) صاحب‌نظر در اردوهای جهادی بسیج دانشجویی هستند.

#### ۴- وضعیت افراد پاسخ‌دهنده بر اساس میزان تحصیلات

از نظر تحصیلات تعداد ۶ نفر (۴/۶ درصد) کاردانی، تعداد ۵۸ نفر (۴۴/۶ درصد) کارشناسی، تعداد ۴۵ نفر (۳۴/۶ درصد) کارشناسی ارشد و تعداد ۲۱ نفر (۱۶/۲ درصد) دکترا می‌باشند.

#### ۵- وضعیت افراد پاسخ‌دهنده بر اساس نوع دانشگاه

از نظر نوع دانشگاه تعداد ۸۴ نفر در دانشگاه‌های دولتی (۶۴/۶ درصد) و تعداد ۴۶ نفر (۳۵/۴ درصد) در دانشگاه‌های آزاد اسلامی تحصیل نموده‌اند.

#### ب- بررسی داده‌های مربوط به گویه‌ها

سؤال: عوامل کلیدی موفقیت قبل از برگزاری اردوهای جهادی کدامند؟

تعیین و اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت در اردوهای جهادی سازمان بسیج دانشجویی

جدول ۱: گویه‌های مربوط به متغیر عوامل کلیدی موفقیت (قبل از اردو)

گویه‌های عوامل کلیدی موفقیت (قبل از اردو)	عدم پاسخ		تأثیر خیلی کم		تأثیر کم		تأثیر متوسط		تأثیر زیاد		تأثیر خیلی زیاد	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
برنامه ریزی منسجم	-	-	-	-	-	-	۴	۱/۳	۲۳	۷/۱۷	۱۰۳	۲/۷۹
برگزاری دوره های آموزشی و نشست های توجیهی	۶	۶/۴	-	-	۳	۳/۲	۱۳	۱۰	۳۱	۸/۲۳	۷۷	۲/۵۹
شناسایی منطقه محروم و پروژه های اولویت دار	۵	۸/۳	-	-	-	-	۶	۶/۴	۳۷	۶/۲۴	۸۷	۹/۶۶
ثبات نام و گزینش جهت تشکیل گروه جهادی	۳۳	۸/۳۳	۱	۸/۰	۴	۱/۳	۱۵	۵/۱۱	۴۰	۸/۳۰	۷۶	۲۰
همه‌کنی لازم یا نهادها و سازمانهای دخیل و تاثیرگذار	۱۰	۷/۷	۱	۸/۰	۱	۸/۰	۱۸	۸/۱۳	۵۳	۸/۴۰	۴۷	۲/۳۶
تامین امکانات و پشتیبانی لازم برای اجرای اردوها	۲۰	۴/۱۵	-	-	۴	۱/۳	۱۳	۱۰	۵۲	۴۰	۴۱	۵/۳۱
انتخاب یک مسئول گروه توانمند و یا انگیزه	۲	۵/۱	-	-	-	-	۵	۸/۳	۲۴	۵/۱۸	۹۹	۲/۷۶
انتخاب یک روحانی و مبلغ توانمند و یا انگیزه	۲۷	۸/۲۰	۱	۸/۰	۱	۸/۰	۶	۶/۴	۳۰	۱/۲۳	۶۵	۵۰

جدول ۲: شاخص‌های مربوط به متغیر عوامل کلیدی موفقیت (قبل از اردو)

شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار
میانگین	۴/۴۹۸۰	انحراف معیار	۰/۳۷۳۰۱	حداکثر	۵
میانه	۴/۶۲۵۰	دامنه تغییر	۱/۵۰	تعداد	۱۳۰
نما	۴/۶۳	حداقل	۳/۵۰		

میانگین مربوط به متغیر عوامل کلیدی موفقیت (قبل از اردو) ۴/۴۹۸۰ است، که با توجه به دامنه تغییر ۱/۵۰ و حداقل ۳/۵۰ و حداکثر ۵ این میانگین از میانگین متوسط (۳) بالاتر است؛ یعنی پاسخ‌دهندگان تأثیر متغیر عوامل کلیدی موفقیت (قبل از اردو) را از حد متوسط، بالاتر ارزیابی کرده‌اند.

سؤال: عوامل کلیدی موفقیت حین برگزاری اردوهای جهادی کدامند؟

جدول ۳: گویه‌های مربوط به متغیر عوامل کلیدی موفقیت (حین اردو)

گویه‌های عوامل کلیدی موفقیت (حین اردو)	عدم پاسخ		تأثیر خیلی کم		تأثیر متوسط		تأثیر زیاد		تأثیر خیلی زیاد			
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
تخصیصی کردن اردوها و استفاده از نیروهای بومی	۲۰	۲/۱۵	-	-	۲	۵/۱	۱۷	۱/۱۳	۳۱	۸/۲۳	۶۰	۲/۳۶
روحیه خوب دانشجویان جهادی	۱۸	۸/۱۳	-	-	۱	۸/۰	۱۵	۵/۱۱	۴۱	۵/۳۱	۵۵	۳/۴۲
لرزه پشتیبانی مناسب به اعضای گروه جهادی	۲۷	۸/۲۰	۱	۸/۰	۲	۵/۱	۱۹	۶/۱۴	۴۷	۲/۳۶	۳۴	۲/۲۶
انجام اقدامات فرهنگی (تمایز جمعیت، دیدار با خانواده شهدا و...)	۱۷	۱/۱۳	-	-	۴	۱/۳	۷	۴/۵	۴۰	۸/۳۰	۶۲	۷/۴۷
ایجاد خلاقیت و یک‌گویی ایده‌های نو	۱۳	۱۰	-	-	-	-	۱۶	۳/۱۲	۳۶	۷/۲۷	۶۵	۵۰
مستندسازی از اردوها و ارسال آن به صدا و سیما	۳۰	۱/۲۳	-	-	۴	۱/۳	۳۳	۴/۲۵	۱۹	۶/۱۴	۴۴	۸/۳۳

جدول ۴: شاخص‌های مربوط به متغیر عوامل کلیدی موفقیت (حین اردو)

شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار
میانگین	۴/۲۸۸۰	انحراف معیار	۰/۵۱۹۲۶	حداکثر	۵
میانه	۴/۳۳۳۳	دامنه تغییر	۲/۰۰	تعداد	۱۳۰
نما	۴/۶۷	حداقل	۳/۰۰		

تعیین و اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت در اردوهای جهادی سازمان بسیج دانشجویی

میانگین مربوط به متغیر عوامل کلیدی موفقیت (حین اردو) ۴/۲۸۸۰ است که با توجه به دامنه تغییر ۲/۰۰ و حداقل ۳/۰۰ و حداکثر ۵ این میانگین از میانگین متوسط (۳) بالاتر است؛ یعنی پاسخ‌گویان تأثیر عوامل کلیدی موفقیت (حین اردو) را از حد متوسط، بالاتر ارزیابی کرده‌اند.

سؤال: عوامل کلیدی موفقیت بعد از برگزاری اردوهای جهادی کدامند؟

جدول ۵: گویه‌های مربوط به متغیر عوامل کلیدی موفقیت (بعد از اردو)

تأثیر خطی زیاد	تأثیر زیاد	تأثیر متوسط	تأثیر کم	تأثیر خطی کم	عم پاسخ		گویه‌های عوامل کلیدی موفقیت (بعد از اردو) برگزاری اردوهای تک‌نوم (سرکشی مجدد به منطقه)
					درصد	تعداد	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
۶۰	۷۸	۲/۲۹	۲۸	۹/۶	۹	۲/۲	۳
۹/۶۶	۸۷	۹/۲۶	۲۵	۵/۱	۲	۶/۶	۶
۲/۱۹	۲۵	۵/۲۸	۲۷	۲/۱۹	۲۵	۸/۳	۵
۲/۲۶	۲۲	۲/۱۹	۲۸	۱/۱۲	۱۷	۱/۳	۴

جدول ۶: شاخص‌های مربوط به متغیر عوامل کلیدی موفقیت (بعد از اردو)

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۵	حداکثر	۰/۵۳۶۹۶	انحراف معیار	۴/۳۱۱۷	میانگین
۱۳۰	تعداد	۲/۰۰	دامنه تغییر	۴/۲۵۰۰	میانه
		۳/۰۰	حداقل	۴/۲۵	نما

میانگین مربوط به متغیر عوامل کلیدی موفقیت (بعد از اردو) ۴/۳۱۱۷ است، که با توجه به دامنه تغییر ۲ و حداقل ۳ و حداکثر ۵ این میانگین از میانگین متوسط (۳) بالاتر است؛ یعنی پاسخ‌دهندگان تأثیر عوامل کلیدی موفقیت (بعد از اردو) را از حد متوسط، بالاتر ارزیابی کرده‌اند.

اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت در اردوهای جهادی بسیج دانشجویی چگونه است؟

برای اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) استفاده شده است. در این روش، یک پرسشنامه با ۳۶ سؤال تهیه شد و در اختیار نخبگان قرار گرفت تا با تکمیل آن و با مقایسه زوجی عوامل کلیدی موفقیت، اولویت‌بندی این عوامل مشخص شوند.

با توجه به مجموع امتیاز نهایی که برای عوامل کلیدی موفقیت اردوهای جهادی بسیج دانشجویی به دست آمد، این عوامل طبق جدول زیر رتبه‌بندی شدند:

تعیین و اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت در اردوهای جهادی سازمان بسیج دانشجویی

جدول رتبه‌بندی عوامل کلیدی موفقیت اردوهای جهادی بسیج دانشجویی

رتبه	عامل کلیدی موفقیت	امتیاز
۱	انتخاب یک مسئول گروه توانمند و با انگیزه	۰/۲۳۵
۲	برنامه‌ریزی منسجم	۰/۱۹۶
۳	شناسایی منطقه محروم و پروژه‌های اولویت دار	۰/۱۳۹
۴	بررسی میزان اثر بخشی و آسیب‌شناسی	۰/۱۲۶
۵	برگزاری دوره‌های آموزشی و نشست‌های توجیهی	۰/۰۹۵
۶	ایجاد خلاقیت و به کارگیری ایده‌های نو	۰/۰۵۹
۷	برگزاری اردوهای تداوم (سرکشی مجدد به منطقه)	۰/۰۵۸
۸	انجام اقدامات فرهنگی	۰/۰۵۳
۹	انتخاب یک روحانی و مبلغه توانمند و با انگیزه	۰/۰۳۸

امتیازات نهایی که به روش AHP به هر عامل اختصاص داده شده، طبق جدول فوق نشان می‌دهد، انتخاب یک مسئول گروه توانمند و با انگیزه با فاصله قابل توجهی برتر از سایر عوامل قرار گرفته است و انتخاب یک روحانی و مبلغه توانمند و با انگیزه در شرایط نامناسبی نسبت به سایر عوامل کلیدی موفقیت قرار دارد.

### نتیجه‌گیری

این پژوهش با عنوان «تعیین و اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت در اردوهای جهادی سازمان بسیج دانشجویی» انجام پذیرفت. براساس یافته‌های تحقیق عوامل کلیدی موفقیت اردوهای جهادی به شرح زیر تعیین شدند:  
الف) قبل از اردو:

- ۱- برنامه‌ریزی منسجم؛
- ۲- برگزاری دوره‌های آموزشی و نشست‌های توجیهی اردوهای جهادی؛
- ۳- شناسایی منطقه محروم و پروژه‌های اولویت‌دار؛
- ۴- انتخاب یک مسئول گروه توانمند و با انگیزه جهت مدیریت گروه؛
- ۵- انتخاب یک روحانی و مبلغه توانمند و با انگیزه.

ب) حین اردو:

- ۱- انجام اقدامات فرهنگی (نماز جماعت، دیدار با خانواده شهدا و...)
- ۲- ایجاد خلاقیت و به کارگیری ایده‌های نو.

ج) بعد از اردو:

- ۱- برگزاری اردوهای تداوم (سرکشی مجدد به منطقه)
- ۲- بررسی میزان اثربخشی و آسیب‌شناسی اردوها (بررسی نقاط قوت و ضعف).

کتابنامه:

الف: منابع فارسی

- ۱- امام خمینی (ره) (۱۳۸۲)، صحیفه نور، مرکز تنظیم و نشر آثار امام (ره).
- ۲- اخوان، محمدعلی (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی اردوهای جهادی از نمای پیام‌رسانی فرهنگی، چاپ دوم، قم: انتشارات خادم الرضا (ع).
- ۳- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۰)، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- رضویان، منصور (۱۳۹۰). "بررسی عوامل کلیدی موفقیت پروژه‌ها در شرکت تام ایران خودرو" پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- ۵- رفیعیان، محسن (۱۳۹۰)، برنامه‌ریزی محرومیت‌زدایی، نشر ساکو.
- ۶- سازمان بسیج دانشجویی (۱۳۸۶)، آشنایی با بسیج دانشجویی، چاپ دوم.
- ۷- سرمدی، سهیل (۱۳۸۶)، مدیریت و برنامه‌ریزی استراتژیک در عمل، تهران: انتشارات هیأت.
- ۸- شکرایی، محمد (۱۳۸۷)، مبانی مدیریت و اصول برنامه‌ریزی اردوهای جهادی، چاپ اول، نشر سازمان بسیج دانشجویی.
- ۹- شکری، ابوذر (۱۳۹۲)، از جهاد تا جهاد، سازمان بسیج سازندگی.
- ۱۰- عین‌القضاتی، پیمان (۱۳۹۲)، "پروژه بررسی عملکرد بسیج در عرصه سازندگی و خدمات رسانی در استان مرکزی"، ناحیه بسیج دانشجویی استان مرکزی.
- ۱۱- کاوه، سیروس و رحیمی مقدم، محمد (۱۳۸۶)، فاکتورهای بحرانی موفقیت و شایستگی‌های سازمان، ماهنامه مدیریت، سال هجدهم شماره ۱۱۹.
- ۱۲- مشبکی، اصغر (۱۳۸۹)، مدیریت استراتژیک، نشر ترمه.
- ۱۳- محمدی، حسین (۱۳۹۲)، "ارزیابی میزان اثربخشی فعالیت‌های لجستیکی در اردوهای جهادی دانشجویان"، ششمین همایش فرامنطقه‌ای پیشرفت‌های نوین در علوم مهندسی، مازندران، تنکابن، اردیبهشت ۱۳۹۲.
- ۱۴- مطهری‌نیا، مهدی (۱۳۷۸)، فصلنامه علمی پژوهشی بسیج، تهران: جلد دوم.
- ۱۵- هاشم‌نیا، مصطفی (۱۳۹۲)، "طراحی الگویی برای بهبود پایداری واحدهای دامداری تلفیقی روستایی شهرستان آبدانان" پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.



**ب: منابع خارجی**

- 1-Hsing-Hung Wu, Yung-Tai Tang, A case of applying importance performance.
- 2- analysis in identifying key success factors to develop marketing strategies"
- 3-Research note , Published online: 17 july 2009. Springer Science Business Media B.V.2009
- 4-Vetrivel Sezhan, MURALIDHARAN C. "DEVELOPING A PERFORMANCE
- 5-IMPORTANCE MATRIX FOR A PUBLHC SECTOR BUS TRANSPORT
- 6-COMPANY ". the Researches in Urban Manangement, volume 6, Issue 3, August 2011

## عضویت ترکیه در ناتو و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

علیرضا مظهری<sup>۱</sup>

محمد رضا بشارتی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۲۰

### چکیده

نفوذ و گسترش ناتو در غرب آسیا (خاورمیانه) و حرکت این نفوذ و حضور آن به مرزهای شرقی و غربی ایران و از سوی دیگر عضویت ترکیه در ناتو به نگرانی بسیاری از کشورهای منطقه به ویژه جمهوری اسلامی ایران منجر شده است. ایجاد فضای جدید ژئوپلیتیک و گسترش حریم امنیتی برای کشورهای عضو پیمان ناتو در منطقه، به منزله تنگ کردن عرصه نفوذ و تهدید منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود که نیازمند آینده‌پژوهی و اتخاذ راهبرد واقع‌بینانه است، بر این اساس درک چگونگی عضویت ترکیه در ناتو و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بسیار حائز اهمیت است. در این راستا پژوهش حاضر با هدف نشان دادن اهداف ناتو در ترکیه و نیز تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران انتخاب شده است. در این پژوهش به بررسی عملکرد ناتو و حضور و عضویت ترکیه در ناتو و تأثیر آن بر امنیت ملی در ابعاد مختلف اعم از اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و نظامی پرداخته است. همچنین با استفاده از نظر نخبگان سیاسی و نظامی و با روش توصیفی - تحلیلی، پیمایشی و به صورت نمونه تمام‌شمار هدفمند به بررسی عضویت ترکیه در ناتو و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است، به طوری که در اثر این بررسی نتایج به دست آمده نشانگر تأثیرپذیری امنیت نظامی و فرهنگی از عضویت ترکیه در ناتو بیشتر از دو مؤلفه امنیت سیاسی و اقتصادی است.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک؛

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع).

**کلیدواژه‌ها:** ناتو، ترکیه، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران.

### مقدمه

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در سال ۱۹۴۹ میلادی با حمایت و رهبری آمریکا در مقابل پیمان ورشو ایجاد شد.

در واقع ناتو محصول دوران پس از جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد بود. این پیمان در طول بیش از ۴۰ سال، فلسفه وجودی خود را بر پایه مبارزه با تهدید کمونیسم و دفاع در برابر تهاجمات احتمالی بلوک شرق به ویژه شوروی سابق بنا گذاشته بود. به دنبال فروپاشی شوروی سابق و از بین رفتن پیمان ورشو در اوایل دهه ۹۰ میلادی فلسفه وجودی خود را از دست داد و با بحرانی به نام بحران هویت مواجه شد. اما امروزه شاهد آن هستیم که نه تنها این پیمان از بین نرفته، بلکه با ارایه کار ویژه جدید برای خود، دامنه نفوذ خود را به حوزه‌های فرا آتلانتیکی گشانده است. این روند شامل توسعه سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در دو بُعد جغرافیایی و کارکردی است در غالب راهبرد گسترش ناتو به شرق شاهد حضور این پیمان در زیر محیط‌های امنیتی منطقه‌ای در مجاور ایران از جمله در آسیای مرکزی و قفقاز هستیم (جاویدنیا، ۱۳۸۲، ۱۶۴-۱۶۳).

عضویت ترکیه در ناتو و حضور ناتو در کشوری که مرزهای طولانی با جمهوری اسلامی ایران دارد و دارای اشتراکات فرهنگی، دینی، زبانی و ... با ایران است و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بسیار حایز اهمیت است؛ چراکه با توجه به ناسازگاری‌های سیاسی - ایدئولوژیک این پیمان با ایدئولوژی نظام جمهوری اسلامی ایران و نیز اقدامات کشورهای بنیانگذار ناتو در ارتباط با ایران، حمایت‌های بیشتر ناتو از نیروهای مخالف ایران، استفاده ابزاری آنان از موضوع حقوق بشر، اتهامات آنان مبنی بر تولید سلاح‌های کشتار جمعی در ایران و حمایت ایران از جنبش‌های ضد صهیونیسم و غیره همگی مؤید آن است که عضویت ترکیه در ناتو امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با تهدیدات و مخاطراتی جدی مواجه خواهد کرد. این

وضعیت انجام مطالعات و بررسی‌های لازم در این زمینه و هوشیاری نسبت به تحرکات و فعالیت‌های ناتو در کشور ترکیه را مورد تأکید قرار می‌دهد

### بیان مسأله

از دید طراحان راهبردی ناتو به ویژه آمریکا به عنوان فرماندهی ناتو، نیروی اسلام و کشورهای مسلمان در منطقه بزرگ‌ترین خطر برای این پیمان محسوب می‌شود. در واقع طراحان اندیشه گسترش ناتو اعلام می‌دارند که هدف آینده ناتو از حضور در منطقه باید کشورهای اسلامی باشد. ضمن آن که عملکرد ناتو به خوبی نشان می‌دهد که در چند سال گذشته تمام بحران‌هایی که ناتو در آن دخالت کرده به کشورهای اسلامی تعلق داشته است. در این راستا محدود کردن ایران و کنترل میزان نفوذ آن در آسیای مرکزی و خاورمیانه نیز بخشی از اهداف اصلی ناتو با استفاده از کشور ترکیه و افغانستان در نزدیک مرزهای ایران است.

وجود دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب ایران به عنوان محلی برای تأمین و عبور انرژی دارای اهمیت فوق‌العاده است. به همین منظور تمرکز ناتو بر خاورمیانه و اطراف ایران برای کنترل و مدیریت این مؤلفه‌های قدرت، جدی است؛ بنابراین عضویت ترکیه در ناتو و گسترش ناتو پیرامون مرزهای جمهوری اسلامی ایران، فضای تنفس و راهبردی ما را محدود و محصور می‌کند.

ترکیه با داشتن قدرت بالای نظامی و عضویت در پیمان نظامی ناتو و به عنوان هم‌پیمان آمریکا در منطقه خاورمیانه و به خصوص خلیج فارس، هر چند دارای اختلافات مرزی و یا مسایل مناقشه‌برانگیز حاد با ایران نیست؛ اما می‌تواند تا زمانی که خصومت غرب با جمهوری اسلامی ایران تداوم دارد همواره به عنوان تهدیدی بالقوه علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح باشد که در مواقع خاص می‌تواند این تهدید بالفعل شود؛ مهم‌ترین عامل تهدید ترکیه علیه ایران را می‌توان هم‌پیمانی ترکیه با غرب دانست. این کشور می‌تواند همواره به عنوان پشتوانه تدارکاتی و خط مقدم عملیات غرب در هرگونه درگیری در خلیج فارس وارد عمل گردد و کشورهای غربی در بحران‌های آینده با استفاده از امکانات موجود در این کشور به صورت جدی وارد

شوند. این امر با توجه به جهت‌گیری‌های «ناتو» بعد از فروپاشی شوروی از اهمیت بیشتری برخوردار است. در حال حاضر توجه جدی ناتو به تحولات خاورمیانه نقش ترکیه را به عنوان پل ارتباطی بین ناتو و خاورمیانه افزایش داده است. مقامات ناتو نیز این نقش جدید ترکیه را مورد تأکید قرار داده‌اند.

جایگاه ترکیه در ناتو اهمیت خود را در بحران خلیج فارس و تهاجم عراق به کویت در ۱۹۹۰م نشان داد. در نتیجه باید گفت احتمال تکرار حوادث مشابه در منطقه وجود دارد و تا وقتی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نیروی معارض با غرب عمل می‌کند، باید همواره نسبت به خطرآفرینی ترکیه به عنوان یک هم‌پیمان مهم غرب در منطقه هوشیار باشد (عامری، ۱۳۷۸: ۲۱).

با توجه به عوامل ذکر شده کاملاً روشن است که وجود ناتو در همسایگی غربی ایران (ترکیه) و شرق ایران (افغانستان) تصادفی نبوده و حتماً بر اساس برنامه‌ها و هدف‌های قبلی اتفاق افتاده است؛ بنابراین ما بر آنیم در این مقاله آثار و نگرانی‌های حاصل از عضویت ترکیه در ناتو و حضور آن در مرزهای شمال غربی را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بررسی کنیم.

### سؤالات تحقیق

**سؤال اصلی:** عضویت ترکیه در ناتو چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

### سؤالات فرعی:

- ۱- عضویت ترکیه در ناتو چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟
- ۲- عضویت ترکیه در ناتو چه تأثیری بر امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دارد؟
- ۳- عضویت ترکیه در ناتو چه تأثیری بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دارد؟
- ۴- عضویت ترکیه در ناتو چه تأثیری بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

## نوع و روش تحقیق

نوع تحقیق حاضر، کاربردی است. به عبارتی هدف اصلی تحقیق آن است که تأثیر عضویت ترکیه در ناتو را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بسنجد. عضویت ترکیه در ناتو به عنوان متغیر اصلی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به عنوان متغیر فرعی تحقیق است. محدوده مکانی تحقیق، کشور ترکیه و محدوده زمانی تحقیق از سال ۲۰۰۵ تا کنون است. از نظر روش‌شناسی این تحقیق در زمره مطالعات توصیفی، تحلیلی و پیمایشی و جمع‌آوری اطلاعات در راستای پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق از طریق اساتید مربوطه، مطالعات کتابخانه‌ای، جلسات کارشناسی و با مراجعه به نظرات نخبگان صورت گرفته است.

## ادبیات و مفاهیم نظری

### ترکیه: موقعیت و وضعیت جغرافیایی

جمهوری ترکیه دو قاره آسیا و اروپا را به هم پیوند می‌دهد. ترکیه در جنوب شرقی اروپا و جنوب غربی آسیا واقع شده و بین  $36/5$  و  $42$  درجه عرض شمالی و  $26$  و  $45$  درجه طول شرقی در نیمکره شمالی قرار گرفته است. کشور ترکیه مستطیلی است که طول آن از شرق تا غرب حدود  $1660$  کیلومتر و عرض آن به طور متوسط  $550$  کیلومتر است. ترکیه از سه طرف از طرق دریا احاطه شده است. ترکیه با مساحتی کمتر از نصف مساحت ایران سی‌وپنجمین کشور جهان از لحاظ وسعت محسوب می‌شود و دارای  $2/753$  کیلومتر مرز خشکی با کشورهای همجوار و بیش از  $7000$  کیلومتر مرز آبی با دریاهای مدیترانه و سیاه و مرمه است (فلاحی، ۱۳۷۸: ۴۹).

ترکیه با مساحت  $779/452$  کیلومتر مربع ( $300/948$  مایل مربع) شامل دو شبه جزیره است؛ شبه جزیره آناتولی که  $97$  درصد خاک ترکیه را تشکیل می‌دهد در قاره آسیا واقع شده است و  $755/688$  کیلومتر مربع مساحت دارد و شبه جزیره دوم به نام تراس<sup>۱</sup> شرقی فقط با  $23/764$  کیلومتر مربع  $3$  درصد خاک ترکیه را در قسمت اروپایی این کشور تشکیل می‌دهد. این دو شبه جزیره به وسیله دریای مرمه از یکدیگر جدا

1. Thrace

شده‌اند. این دریا از سمت شمال به وسیله تنگه بسفر به دریای سیاه و از سمت جنوب از طریق تنگه داردانل به دریای اژه متصل می‌شود. تنگه بسفر و داردانل حائز اهمیت راهبردی هستند.

ترکیه چهار همسایه اروپایی (بلغارستان، یونان، روسیه و قبرس) و پنج همسایه آسیایی (ایران، سوریه، عراق، گرجستان و ارمنستان) دارد. در شمال با کشورهای مشترک‌المنافع ارمنستان و گرجستان ۶۱۰ کیلومتر در شرق با ایران ۴۵۴ کیلومتر، با عراق ۳۳۱ کیلومتر، در جنوب با سوریه ۸۷۷ کیلومتر در قسمت غربی ۲۱۲ کیلومتر و با بلغارستان ۲۶۹ کیلومتر مرز مشترک دارد (مومنی، ۱۳۸۱: ۳۲).

### **نگاهی گذرا به تاریخچه و پیدایش ناتو**

#### **دلایل شکل‌گیری ناتو**

در واقع، ایالات متحده آمریکا و متحدان غربی سازمان ناتو را به وجود آوردند تا در مقابل اتحاد شوروی و گسترش کمونیسم به اروپای غربی مانعی ایجاد نمایند. از پایان جنگ جهانی دوم تا تشکیل ناتو - حدود ۴ سال - اتفاقاتی رخ داد که کشورهای غربی را به سمت تشکیل اتحادی از جنس اتحاد ناتو سوق داد.

در ۶ ژوئیه ۱۹۴۸ مذاکراتی بین وزیر خارجه ایالات متحده و سفرای کانادا و کشورهای عضو پیمان بروکسل در واشنگتن برگزار شد که به امضای پیمان آتلانتیک شمالی در آوریل ۱۹۴۹، بین وزرای خارجه این کشورها به علاوه کشورهای ایتالیا، دانمارک، ایسلند، نروژ و پرتغال منجر شد (مومنی، ۱۳۸۱: ۳۲).

هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، در رابطه با طرح مارشال و اتحاد ناتو اینگونه اظهار نظر می‌کند: «طرح مارشال و ناتو دو روی یک سکه‌اند». بسیاری این دو برنامه ایالات متحده آمریکا در قبال کشورهای اروپایی را ابزار سلطه این ابرقدرت بر اروپا دانسته‌اند؛ سلطه بر اقتصاد این کشورها از طریق طرح اقتصادی مارشال و سلطه نظامی و امنیتی بر آنها از طریق سازمان ناتو (عامری، ۱۳۷۸: ۲۱).

## اهداف ناتو

کشورهای عضو ناتو، با امضای پیمان آتلانتیک شمالی، اهدافی را برای این سازمان تعیین نموده‌اند که به منظور تحقق این اهداف باید همکاری نمایند. اهداف ناتو، آن‌طور که در پیمان تصریح شده است عبارت است از:

- ۱- حفظ آزادی ملت‌های عضو؛
  - ۲- حفظ میراث مشترک و تمدن آنها که بر اصول دموکراسی استوار است؛
  - ۳- حفظ آزادی‌های فردی و احترام به مقررات حقوقی؛
  - ۴- توجه به رفاه و ثبات در منطقه آتلانتیک شمالی.
- همچنین در کنار تلاش برای تحقق اهداف بالا، اعضای ناتو باید در ایجاد تعادل اقتصادی و اجتماعی، گسترش مشورت‌های سیاسی و تشویق دولت‌های عضو در حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها و همکاری در زمینه‌های علمی و فنی کوشش نمایند (رحمانی، ۱۳۷۸: ۸۹).

## تعهدات کشورهای عضو نسبت به یکدیگر

طبق مفاد پیمان آتلانتیک شمالی، کشورهای عضو ناتو به منظور تحقق بخشیدن به اهداف بالا تعهداتی را نسبت به یکدیگر پذیرفته‌اند. این تعهدات هم شامل زمان جنگ و هم زمان صلح می‌شود. مهم‌ترین تعهدی که کشورها نسبت به یکدیگر دارند مربوط به زمان جنگ است. در زمان جنگ، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، به استناد ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد [ماده ۵۱ منشور ملل متحد پیش‌بینی می‌کند: در صورت وقوع حمله نظامی بر ضد یک عضو ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدام‌های لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع مشروع از خود، خواه به طور فردی و خواه جمعی، لطمه‌ای وارد نخواهد کرد، حق مشروع خود می‌داند در صورتی که مورد حمله قرار گیرد به صورت جمعی دست به اقدام بزنند. تعهد دیگر کشورهای عضو ناتو مربوط به زمانی می‌شود که تهدید صورت گرفته است. اعضای ناتو معتقدند در مواقعی که تمامیت ارضی،



استقلال سیاسی و یا امنیت آنها مورد تهدید قرار گرفته با یکدیگر مشورت نمایند (عامری، ۱۳۷۶: ۶۴).

تعهد دیگر اعضای ناتو مربوط به زمان صلح است. در زمان صلح، کشورهای عضو این تعهد را پذیرفته‌اند که از طریق اقدام‌های فردی و جمعی، به طور مستمر و منظم، تجهیزات و وسایل نظامی خود را بهبود بخشند و متقابلاً به منظور تقویت توانایی‌های نظامی هم‌پیمانان خود به آنها کمک نمایند. در همین راستا ناتو موظف است به طور منظم همه ساله تجهیزات نظامی و میزان آمادگی نیروهای نظامی کشورهای عضو را بررسی کند و در صورت وجود هرگونه نقص، کمبود و یا نقطه ضعف در بخش‌های نظامی در برطرف کردن آن با کمک دولت‌های عضو تلاش نماید (رحمانی، ۱۳۷۸: ۹۰).

### ساختار

ناتو، با توجه به گسترش فعالیت خود از زمان تشکیل به بعد به تدریج گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده و تشکیلات نسبتاً ساده آن در سال ۱۹۵۲ در کنفرانس لیسبون (پرتغال) مورد تجدیدنظر قرار گرفت و به مرور زمان تحول و تکامل یافته است. به طوری که امروزه این سازمان شامل نهادها و تشکیلات متعددی در زمینه‌های نه تنها نظامی بلکه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، جاسوسی و ضدجاسوسی به عنوان ابزار اصلی در دست کشورهای غرب و به منظور حفظ منافع آنها عمل می‌کند.

تشکیلات سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به طور عمده شامل سه نهاد اصلی است:

۱- شورای آتلانتیک شمالی؛

۲- دبیرخانه؛

۳- کمیته نظامی.

درواقع شورا، دبیرخانه و ارگان‌های تابعه بخش غیرنظامی، و کمیته نظامی و نهادهای زیرمجموعه آن بخش نظامی ناتو را تشکیل می‌دهند (رحمانی، ۱۳۷۸: ۹۳).

### نهادهای اصلی تصمیم‌ساز در ناتو

تصمیم‌گیری در تمامی سطوح ناتو به «اتفاق آرا» انجام می‌شود. نهادهای اصلی شرکت‌کننده در تصمیم‌گیری‌ها و مشخص‌کننده خطی‌مشی اتحاد ناتو؛ شورای آتلا-نتیک شمالی، کمیته برنامه‌ریزی دفاعی و گروه برنامه‌ریزی هسته‌ای هستند. بنابراین تمامی اعضا در تمامی کمیته‌ها و در تمامی سطوح نمایندگانی دارند که عبارتند از:

#### ۱- فرماندهی عالی اروپا

قلمرو این فرماندهی عالی از دماغه شمال تا دریای مدیترانه و از اقیانوس اطلس (آتلانتیک) تا شرق ترکیه، به جز انگلیس و پرتغال است. این فرماندهی خود دارای فرماندهی‌های زیر می‌باشد:

- فرماندهی اروپای شمالی (مرکز آن در نروژ)
- فرماندهی اروپای مرکزی (مرکز آن در هلند)
- فرماندهی اروپای جنوبی (مرکز آن در ایتالیا)
- منطقه انگلیس (مرکز آن در انگلیس)

#### ۲- فرماندهی عالی آتلانتیک

قلمرو این فرماندهی عالی از قطب شمال تا مدار رأس‌السرطان و از آب‌های ساحلی آمریکای شمالی تا آب‌های ساحلی اروپا و آفریقا و نیز پرتغال ادامه دارد. این فرماندهی عالی خود دارای فرماندهی‌های دیگری است:

- فرماندهی آتلانتیک غربی (مرکز آن در آمریکا)
- فرماندهی آتلانتیک شرقی (مرکز آن در انگلیس)
- فرماندهی آتلانتیک ایبریا (مرکز آن در پرتغال)
- فرماندهی زیردریایی‌ها (مرکز آن در آمریکا)
- فرماندهی ناوگان ضربت آتلانتیک

۳- فرماندهی عالی مانش

قلمرو این فرماندهی عالی، دریای مانش و جنوب آب‌های دریای شمال است.

۴- گروه برنامه‌ریزی منطقه‌ای (یا گروه برنامه‌ریزی راهبردی)

این گروه شامل ایالات متحده آمریکا و کانادا است و مسئولیت طرح‌های دفاعی برای منطقه آفریقای شمالی را بر عهده دارد. جلسات این گروه به طور متناوب در واشنگتن و اتاوا برگزار می‌شود (رحمانی، ۱۳۷۸: ۹۴).

### گسترش ناتو

#### طرح اقدام برای عضویت

پس از منحل شدن پیمان نظامی ورشو، بسیاری بر این باور بودند که در نبود تهدید نظامی، تشکیلات ناتو از هم می‌پاشد، اما به دلایلی این وضعیت تغییر کرد و شورای همکاری آتلانتیک شمالی با حضور اعضای دو پیمان نظامی دوره جنگ سرد به منظور ارتباط منظم و مستمر میان اعضا تشکیل شد و در سال ۱۹۹۲، تمام کشورهای جدا شده از اتحاد شوروی نیز به عضویت آن درآمدند. وزرای خارجه کشورهای عضو ناتو در دسامبر ۱۹۹۳، از پیشنهاد پیوستن اعضای جدید استقبال کردند و یک سال بعد «برنامه مشارکت برای صلح» برای تقویت همکاری سیاسی و نظامی ناتو و کشورهای تازه استقلال یافته ایجاد شد. مسکو نخست به این دلیل که برنامه مذکور با امنیت ملی روسیه مغایرت دارد با آن مخالفت کرد، اما سرانجام به امید تبدیل آن به نهادی جایگزین برای عضویت کشورهای پیشین، به عضویت مشارکت برای صلح در آمد. (کریمی، ۱۳۸۳: ۳۱).

#### حساسیت قدرت‌های منطقه در مورد گسترش ناتو به شرق

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که حساسیت‌های روسیه نسبت به ناتو کاهش یافته و راه را برای گسترش آن هموار کرده است. امکان موج بعدی این گسترش به مجموعه‌ای از عوامل نظیر روابط روسیه - آمریکا و روسیه - اروپا و اقدامات بعدی ناتو بستگی دارد. مخالفتی که کشورهای اروپایی (فرانسه و آلمان) با آمریکا بر سر

حمله به عراق نمودند و کشیده شدن این مسأله به ناتو - که مانع مداخله ناتو در عراق شد - روس‌ها را امیدوار کرده بود که ناتو به تدریج از یک پیمان تحت سیطره آمریکا به پیمان با دیدگاه‌های مختلف که حتی در مواردی با آمریکا مخالفت می‌کند تغییر یافته و وزنه اروپایی آن بیشتر شود (فلاحی، ۱۳۸۷: ۳۹۱)

دلایل مخالفت روسیه با گسترش ناتو به سمت شرق  
الف) مسأله کالینین‌گراد

بر اساس ماده ۶۵ قانون اساسی فدراسیون روسیه، کالینین‌گراد، یکی از ۸۹ بخش این کشور به شمار می‌آید. این منطقه، نزدیک به ۹۰۰ هزار نفر را در خود جای داده است و ۱۲۹ کیلومتر مربع وسعت دارد. برخلاف همه مناطق روسیه، کالینین‌گراد به صورت منطقه‌ای خارج از مرزهای روسیه و در همسایگی کشورهای لیتوانی و لهستان و در کنار دریای بالتیک قرار دارد.

تنها راه رسیدن به این منطقه، از راه کشورهای لیتوانی و یا لهستان است. وجود پایگاه دریایی روسیه در منطقه کالینین‌گراد و حضور بیش از ۱۰۰ هزار نیروی نظامی روسیه در این منطقه (از زمان استقلال جمهوری‌های بالتیک تا سال ۱۹۹۴ میلادی ۱۳۰ هزار نیروی روسی از این کشورها به روسیه برگشتند) (مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۵: ۱۷۴). این جزیره را برای روسیه دارای اهمیتی دوچندان نموده است. پوتین در اوت سال ۲۰۰۰، میلادی، در بازدیدی که از پایگاه دریایی کالینین‌گراد به مناسبت روز دریایی روسیه انجام داد، در نطقی گفت: «مقام و موفقیت روسیه همیشه وابسته به نیروی دریایی کشور بوده است. زمانی که نیروی دریایی ضعیف شود، بدترین وضع برای کشور خواهد بود و زمانی که روی پای خود بایستد، روسیه نیز قد علم می‌کند و قادر است که خود را قدرت بزرگ بنامد» (تقفی عامری، ۱۳۷۹: ۱۱).

بر این اساس یکی از علل مخالفت روسیه با عضویت لهستان در ناتو، همسایگی این کشور با کالینین‌گراد است؛ چراکه در صورت عضویت این کشور در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو، هم‌مرز روسیه می‌شد و مسکو آن را خطری جدی برای قلمرو خود تلقی می‌کرد. با عضویت لهستان در ناتو در سال ۱۹۹۹ میلادی، تنها چاره

روس‌ها برای رسیدن به کالینین‌گرا، از خاک لیتوانی، نسبت به عدم الحاق کشور اخیر به ناتو اشاره کرد که برخی، این اخطار را به معنای کاربرد نیروی نظامی در راستای جلوگیری از عضویت لیتوانی در ناتو تفسیر کردند (فلاحی، ۱۳۷۸: ۳۷۵-۳۷۳).

### **ناتو و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**

همانطور که برخی از مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران نیز خاطر نشان کرده‌اند که امکان گسترش ناتو تا جمهوری آذربایجان و گرجستان وجود دارد، بنابراین طبیعی است که ایران در معرض تهدیدهای ناشی از گسترش ناتو به منطقه قرار گیرد. این تهدیدها در دو بُعد تهدید نسبت به تمامیت ارضی، تهدید نسبت به نظام سیاسی ایران، قابل بررسی است:

#### **۱- تهدید نسبت به تمامیت ارضی**

چنانچه روند گسترش ناتو تا مجاورت مرزهای ایران تحقق یابد، بدیهی‌ترین تأثیری که خواهد داشت این است که توازن نظامی را در منطقه به ضرر ایران بر هم خواهد زد؛ زیرا با عضویت کامل کشورهای منطقه در ناتو توان نظامی آنها در مقایسه با ایران افزایش چشمگیری خواهد یافت، به ویژه آنکه اگر مشمول ماده پنج ناتو که حمله به یک عضو را مستلزم پاسخ جمعی می‌دانند قرار گیرند. آسیب‌پذیری جمهوری اسلامی ایران در زمینه تضمین تمامیت ارضی خویش در دو عرصه بیشتر به چشم می‌آید. نخست آنکه کشوری مانند جمهوری آذربایجان که به عضویت ناتو پذیرفته می‌شود، تحت هر عنوانی (مثلاً اتحاد یک قوم از هم جدا شده یا عبارت دیگر وحدت آذری‌ها) توان عملیاتی بسیار چشمگیرتری نسبت به گذشته در دنبال نمودن جاه‌طلبی‌های خود خواهد داشت. صرف نظر از آنکه این ایده تا چه حد واقعی یا رؤیایی باشد، حتی تنها بیان این ایده نیز تهدیدی جدی علیه جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. دوم آنکه چنانچه ایران با کشور یا کشورهای منطقه بر سر مسأله‌ای اختلاف داشته باشد و این کشورها از حمایت ناتو برخوردار باشند یا در نهایت به عضویت ناتو در آیند، به قدرت بیشتری در پیش‌برد نظریات خود در مسأله مورد اختلاف دست خواهند یافت

و بارزترین نمونه آن اختلاف بر سر مسأله تعیین رژیم حقوقی دریای خزر است که مستقیم در حیطه مسائل مربوط به تمایت ارضی ایران قرار دارد (رنجبر، ۱۳۷۸: ۳۰).

## ۲- تهدید نسبت به نظام سیاسی ایران

یکی از پیش‌شرط‌های عضویت در ناتو استقرار نظام‌های دموکراتیک غیرمذهبی در کشورهای داوطلب عضویت در آن است؛ بنابراین چنانچه روند گسترش ناتو به قفقاز و آسیای مرکزی تحقق یابد، به مثابه آن است که نظام‌های دموکراتیک غیرمذهبی در این کشور تثبیت شده باشد، این در حالی است که در ایران جمهوری اسلامی که حکومتی مذهبی براساس دین اسلام می‌باشد، نوعی تجربه جدید بوده که چنانچه بعد دینی آن لحاظ شود در تعارض با حکومت‌های غیرمذهبی که از اعضای ناتو نیز هستند، قرار دارد؛ بنابراین هریک از دو طرف نسبت به دیگری احساس تهدید می‌کند که اگر تداوم یابد به نوعی بی‌ثباتی منجر می‌گردد. در نتیجه هریک از دو طرف تلاش خواهد کرد با استفاده از اهرم‌های نفوذی که در اختیار دارد، طرف دیگر را به تطبیق با شرایطی که منافع خویش را در آن می‌بیند، ترغیب نماید. در این میان طبیعی است طرفی که از ابزار کمتری برای اعمال نفوذ برخوردار است احساس آسیب‌پذیری بیشتری کند. چنین به نظر می‌رسد که با کشیده شدن پای ناتو به منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، فشارهای مختلف علیه جمهوری اسلامی ایران برای تغییر رفتار سیاسی ایران که به نوعی تعدیل در نظام سیاسی را به دنبال داشته باشد، مضاعف شود؛ بنابراین منطقی است که نظام جمهوری اسلامی ایران از ناحیه گسترش ناتو احساس تهدید نماید (رنجبر، ۱۳۷۸: ۱۳۰-۱۲۹). این تهدیدها در سه بخش تهدید نسبت به ماهیت نظام، تهدید نسبت به حاکمیت داخلی نظام و تهدید نسبت به حاکمیت خارجی نظام قابل بررسی است.

### ۲-۱- تهدید نسبت به ماهیت نظام

هنگامی گسترش ناتو به آسیای مرکزی و قفقاز تهدیدی نسبت به ماهیت نظام تلقی می‌شود که از یک طرف تعارض‌های غیرقابل حل بین کشورهای عضو ناتو و ایران وجود داشته باشد و از طرف دیگر منافع اعضای ناتو در تغییر نظام سیاسی در ایران

نمود یابد؛ بنابراین آسیب‌پذیری‌هایی که ایران در اثر گسترش ناتو با آن روبرو می‌باشد است. در تهدیدهایی عینیت می‌یابد که بیشتر متوجه تهدید حاکمیت داخلی و خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد تا از آن طریق در چارچوب اعمال فشارهای مختلف، ایران ناگزیر شود به تعدیل رفتار سیاسی خود اقدام نماید یا بابت تداوم رفتار سیاسی خود هزینه‌های هنگفتی را بپردازد (رنجبر، ۱۳۷۸: ۱۲۲).

#### ۲-۲- تهدید نسبت به حاکمیت داخلی نظام

ناتو در چارچوب بهره‌برداری از مفاهیم و ابزارهای نوین نظیر مدیریت بحران و حفظ صلح مبادرت به اجرای عملیات‌هایی به دلیل نقض حقوق بشر و منازعات داخلی در برخی کشورها نموده است. به طوری که چنین عملیات‌هایی از یک طرف تا اندازه‌ای روند گسترش ناتو را توجیه‌پذیر کرده و از طرف دیگر کشورهایی همانند گرجستان و جمهوری آذربایجان در قفقاز علاوه بر آنکه متقاضی عضویت در ناتو هستند، خواستار انجام چنین عملیات‌هایی در کشورهای خویش به واسطه تداوم منازعات داخلی توسط ناتو می‌باشند.

با این توضیحات و با توجه به امکان گسترش ناتو در کنار مرزهای ایران و در نظر گرفتن تعارضات موجود بین ناتو و ایران در شرایط کنونی، احتمال هرگونه بهره‌برداری سیاسی از عامل ناتو به ویژه توسط آمریکا برای افزایش فشار بر ایران به بهانه‌های مختلف همچون نقض حقوق بشر یا نقض حقوق اقلیت‌های قومی در جهت تعقیب منافع غرب وجود دارد؛ بنابراین در صورت تحقق روند گسترش ناتو به منطقه، ایران در زمینه اعمال حاکمیت مشروع خویش در درون مرزهای خود با ملاحظات و چالش‌هایی روبه‌رو خواهد گشت که اگر به درستی با آن برخورد نشود، به شکل تهدیدهای امنیت ملی در خواهند آمد (رنجبر، ۱۳۷۸: ۱۳۳).

#### ۲-۳- تهدید نسبت به حاکمیت خارجی

آسیب‌پذیری ایران در این زمینه در اثر گسترش ناتو از این جهت است که ایران به-عنوان کشوری مستقل قادر نباشد در راستای نیل به اهداف نظام از تمام ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل خویش سود جوید. یا به عبارتی دیگر اگرچه ایران در این زمینه با

مشکلاتی روبه‌رو می‌باشد، اما با تحقق گسترش ناتو دامنه این مشکلات بیشتر شود؛ به ویژه آنکه مؤثرترین عضو ناتو در تمام عرصه‌ها آمریکا می‌باشد. اصولاً دولت‌ها براساس اصل حاکمیت ملی صلاحیت می‌یابند تا نتوانند فعالیت‌های فراملی بادولت‌ها و سازمان‌های مختلف انجام دهند، ولی دولت جمهوری اسلامی ایران به دلیل اعمال تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی از طرف آمریکا به طرق مختلف از اعمال کامل حق حاکمیت خویش در بعد خارجی به بهانه‌های واهی گوناگون همچون حمایت از تروریسم، اختلال در روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی، تولید تسلیحات کشتار جمعی و تلاش در جهت دستیابی به فناوری هسته‌ای بازمانده است. نمونه مشهود آن مخالف آمریکا با عبور خطوط انتقال انرژی دریای خزر و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از ایران است. علی‌رغم آنکه مسیر ایران بهترین و اقتصادی‌ترین مسیر نسبت به سایر مسیرها می‌باشد؛ طبیعی است که اقدامات آمریکا و متحدان آن در منطقه برای تحت فشار گذاشتن ایران است؛ بنابراین تا زمانی که ایران در زمینه چگونگی برقراری تعاملات بین‌المللی در جهت بهره‌برداری از مزیت‌های طبیعی خویش با موانعی از جانب آمریکا روبه‌رو باشد، فرایند گسترش ناتو این وضعیت را تشدید نموده، به دلیل وارد آوردن زیان‌های ناشی از آن، تهدیدی نسبت به امنیت جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود (مومنی، ۱۳۷۸: ۱۲۲).

#### یافته‌های تحقیق

در این قسمت نتایج بررسی داده‌ها و متغیرهای مختلف که شامل جداول و نمودارهای توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب متغیرهای تحصیلات، سابقه کاری و حوزه‌های مسئولیتی و گویه‌های مربوط به مؤلفه‌های امنیت ملی شامل، امنیت: سیاسی، اقتصادی، نظامی و سیاسی هستند به تفصیل آورده می‌شود.



توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب تحصیلات

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
لیسانس	۳	۶	۶/۳	۶/۳
فوق لیسانس	۲۳	۴۶	۴۷/۹	۵۴/۲
دکتر	۲۲	۴۴	۴۵/۸	٪۱۰۰
عدم پاسخ	۲	۴		
جمع	۵۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	

جدول بالا نشان می‌دهد که ۶ درصد از پاسخ‌گویان دارای تحصیلات لیسانس، ۴۶ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس و ۴۴ درصد از پاسخ‌گویان دارای مدرک دکتر می‌باشند؛ بنابراین پاسخ‌گویان از نظر تحصیلات ۹۰ درصد دارای تحصیلات تکمیلی می‌باشند و برای پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق مناسب هستند.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب متغیر سابقه‌مدیریتی

سابقه کاری	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
۰-۵	۳	۶	۶/۱	۶/۱
۶-۱۰	۵	۱۰	۱۰/۲	۱۶/۳
۱۱-۱۵	۶	۱۲	۱۲/۲	۲۸/۶
۱۶-۲۰	۱۱	۲۲	۲۲/۴	۵۱
۲۰ به بالا	۲۴	۴۸	۴۹	٪۱۰۰
عدم پاسخ	۱	۲		
جمع کل	۵۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	

جدول بالا نشان می‌دهد که ۱۶ درصد پاسخ‌گویان بین ۰ تا ۱۰ سال سابقه، ۱۲ درصد بین ۱۱ تا ۱۵ سال سابقه و ۲۲ درصد دارای ۱۶ سال تا ۲۰ سال سابقه و ۴۸ درصد

عضویت ترکیه در ناتو و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

بالای ۲۰ سال سابقه کاری دارند؛ بنابراین بیشتر از ۸۲ درصد پاسخ‌گویان از نظر سابقه مدیریتی و تجربه کاری بیش از ۱۰ سال سابقه داشته و برای پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق مناسب هستند.

سابقه کاری در این تحقیق از این منظر بیشتر مورد توجه بود که تمامی پاسخ‌گویان از کسانی بودند که درباره موضوع مورد مطالعه آشنایی کافی داشته‌اند و در حوزه کاری خود کم‌وبیش درگیر این موارد بودند و به طور طبیعی به هر مقداری که افراد مورد نظر دارای سابقه بیشتری در این حوزه باشند نسبت به موضوع مسلط‌تر بوده و در نتیجه در دستیابی به نتایج تحقیق هم مؤثرتر واقع شوند.

سؤال: عضویت ترکیه در ناتو چه تأثیری بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

جدول ۳: شاخص‌های مربوط به متغیر امنیت اقتصادی

شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار
میانگین	۳/۱۹۰۵	انحراف معیار	۰/۶۱۹۹۲	حداکثر	۴/۲۰
میانه	۳/۰۰۰۰	دامنه تغییر	۲/۴۰	تعداد	۴۲
نما	۳/۰۰	حداقل	۱/۸۰		

میانگین مربوط به متغیر امنیت اقتصادی ۳/۱۹۰۵ است، که با توجه به دامنه تغییر ۲/۴۰ و حداقل ۱/۸۰ و حداکثر ۴/۲۰ این میانگین از میانگین متوسط بالاتر است؛ یعنی پاسخ‌گویان تأثیرپذیری مؤلفه امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از عضویت ترکیه در ناتو را از حد متوسط بالاتر ارزیابی کرده‌اند.

سؤال: عضویت ترکیه در ناتو چه تأثیری بر امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

جدول ۴: شاخص‌های مربوط به متغیر امنیت فرهنگی

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۵	حداکثر	۰/۸۸۳۰۸	انحراف معیار	۳/۷۱۴۸	میانگین
۴۵	تعداد	۳/۱۷	دامنه تغییر	۳/۸۳۳۳	میانه
		۱/۸۳	حداقل	۴/۳۳	نما

میانگین مربوط به متغیر امنیت فرهنگی ۳/۷۱۴۸ است، که با توجه به دامنه تغییر ۳/۱۷ و حداقل ۱/۸۳ و حداکثر ۵ این میانگین از میانگین متوسط بالاتر است؛ یعنی پاسخ گویان تأثیرپذیری مؤلفه امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از عضویت ترکیه در ناتو را از حد متوسط بالاتر ارزیابی کرده‌اند.

سوال: عضویت ترکیه در ناتو چه تأثیری بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

جدول ۵: شاخص‌های مربوط به متغیر امنیت نظامی

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۴/۶۳	حداکثر	۰/۵۳۱۳۳	انحراف معیار	۳/۶۷۷۸	میانگین
۴۵	تعداد	۱/۸۸	دامنه تغییر	۳/۶۲۵۰	میانه
		۲/۷۵	حداقل	۴/۱۳	نما

میانگین مربوط به متغیر امنیت نظامی ۳/۶۷۷۸ است، که با توجه به دامنه تغییر ۱/۸۸ و حداقل ۲/۷۵ و حداکثر ۴/۶۳ این میانگین از میانگین متوسط بالاتر است؛ یعنی پاسخ‌گویان تأثیرپذیری مؤلفه امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران از عضویت ترکیه در ناتو را از حد متوسط بالاتر ارزیابی کرده‌اند.

عضویت ترکیه در ناتو و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

سوال: عضویت ترکیه در ناتو چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

جدول ۶: شاخص‌های مربوط به متغیر امنیت سیاسی

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۳/۲۵	حداکثر	۰/۴۲۱۶۴	انحراف معیار	۲/۵۱۸۳	میانگین
۴۱	تعداد	۱/۷۵	دامنه تغییر	۲/۶۲۵۰	میانه
		۱/۵۰	حداقل	۲/۷۵	نما

میانگین مربوط به متغیر امنیت سیاسی ۲/۵۱۸۳ است، که با توجه به دامنه تغییر ۱/۷۵ و حداقل ۱/۵۰ و حداکثر ۳/۲۵ این میانگین از میانگین متوسط پایین‌تر است؛ یعنی پاسخ‌گویان تأثیرپذیری مؤلفه امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران از عضویت ترکیه در ناتو را از حد متوسط پایین‌تر ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۷: آزمون کولموگروف اسمیرنوف (تست نرمالیت)

امنیت اقتصادی	امنیت فرهنگی	امنیت نظامی	امنیت سیاسی	تعداد
۴۲	۴۵	۴۵	۴۱	
۳/۱۹۰۵	۳/۷۱۴۸	۳/۶۷۷۸	۲/۵۱۸۳	میانگین
۰/۶۱۹۹۲	۰/۸۸۳۰۸	۰/۵۳۱۳۳	۰/۴۲۱۶۴	انحراف معیار
۱/۱۲۹	۱/۰۲۹	۰/۸۹۵	۰/۸۹۹	آمار Z
۰/۱۵۷	۰/۲۴۰	۰/۴۰۰	۰/۳۹۵	معنی‌داری دوسویه

معنی‌داری مشاهده شده در جدول بالا در همه موارد از معنی‌داری در سطح آلفای ۰.۰۵ بزرگ‌تر بوده و این بدان معناست که مقیاس‌های ما دارای توزیع نرمال است؛ بنابراین ما مجاز به استفاده از آزمون‌های پارامتریک هستیم.

سؤال ۱: عضویت ترکیه در ناتو چه تأثیری بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

جدول ۸: آزمون فرض T یک متغیره و معنی‌داری شاخص امنیت اقتصادی

معنی داری دوسویه	درجه آزادی	آزمون t	میانگین	تعداد	گویه‌های امنیت اقتصادی
۰/۰۰۴	۴۷	۳/۰۱۰	۳/۳۱	۴۸	جلوگیری از انتقال انرژی دریای خزر از ایران
۰/۱۸۴	۴۴	۱/۳۴۸	۳/۲۲	۴۵	تأثیرگذاری بر بازارهای مرزی بین دو کشور
۰/۰۹۴	۴۸	۱/۷۱۰	۳/۲۲	۴۹	تأثیر بر مبادلات تجاری ایران و ترکیه بر اساس حمایت ناتو از تحریم‌های آمریکا علیه ایران
۰/۰۱۸	۴۷	۲/۴۴۱	۳/۱۹	۴۸	تأثیر بر مبادلات تجاری ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز بر اساس حمایت ناتو از تحریم‌های آمریکا علیه ایران
۰/۰۳۴	۴۶	۲/۱۸۳	۲/۶۸	۴۷	جلوگیری از خرید گاز توسط ترکیه و کشورهای اروپایی از ایران

از جدول ۸ ملاحظه می‌شود که شاخص تأثیر عضویت ترکیه در ناتو بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که از بین پنج شاخص مورد مطالعه سه شاخص به طور معنی‌داری بیش از حد متوسط بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذارند. ترتیب اولویت این شاخص‌ها عبارتند از:

- ۱- جلوگیری از انتقال انرژی دریای خزر از ایران با میانگین ۳/۳۱؛
- ۲- تأثیر بر مبادلات تجاری ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز بر اساس حمایت ناتو از تحریم‌های آمریکا علیه ایران با میانگین ۳/۱۹؛
- ۳- جلوگیری از خرید گاز توسط ترکیه و کشورهای اروپایی از ایران با میانگین ۲/۶۸ می‌باشد و دو شاخص دیگر در حد متوسط تأثیرگذار بوده‌اند. این تفاوت‌ها از طریق آزمون T یک متغیره ارزیابی شده است و نتایج را می‌توان با اطمینان حداقل ۹۵ درصد به جامعه آماری تعمیم داد.

عضویت ترکیه در ناتو و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

سؤال ۲: عضویت ترکیه در ناتو چه تأثیری بر امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

جدول ۹: آزمون فرض T یک متغیره و معنی داری شاخص امنیت فرهنگی

معنی داری دوسویه	درجه آزادی	آزمون t	میانگین	تعداد	گویه‌های امنیت فرهنگی
.۰	۴۸	۹,۰۵۸۸	۴,۰۰۶	۴۹	ترویج آزادی غربی در میان توریست‌ها و القای ناکارآمدی نظام اسلامی با توجه به اینکه ایران در صنعت توریسم ترکیه مقام سوم را دارد.
.۰	۴۹	۶,۴۶۱	۳,۰۹۲	۵۰	نشان دادن ترکیه به عنوان یک الگوی موفق در میان کشورهای منطقه در جهت جذب و اشاعه فرهنگ مورد نظر خود
.۰	۴۹	۴,۱۲۷	۳,۰۷	۵۰	ترویج اسلام سکولار و اخوانی در جهت تضعیف اسلام ناب
.۰	۴۶	۴,۰۳	۳,۰۶۸	۴۷	سیاست حمایت از حماس و جذب رهبران حماس در روند ایجاد جبهه اخوانی در منطقه و جدایی آنها از ایران
.۰	۴۸	۴,۰۲۸	۳,۰۶۳	۴۹	پخش ماهوارها و سریال‌های ترکیه و انتقال فرهنگ غربی به صورت خزنده در میان جوانان و مردمان استان‌های آذری زبان
.۰	۴۹	۴,۰۲۰۴	۳,۰۵۴	۵۰	تأثیرگذاری فرهنگی بر استان‌های مرزی ایران با استفاده از مسائل قومی و زبانی

از جدول بالا چنین ملاحظه می‌شود معنی‌داری گویه‌های مربوط به شاخص امنیت فرهنگی از معنی‌داری در سطح آلفای ۰.۰۵ کوچک‌تر است. بدین معنی تفاوت بین معنی‌داری محاسبه‌شده و گزینه متوسط معنادار است. همچنین نتایج جدول بالا نشان

می‌دهد که آزمون مقایسه میانگین‌های یک گروهی در خصوص ارزیابی میانگین نمرات مشاهده‌شده با حد متوسط مقیاس (نمره ۳) در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای همه گزینه‌ها معنادار است؛ پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که همه گویه‌های مربوطه به شاخص مؤلفه امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از عضویت ترکیه در ناتو بیش از حد متوسط مؤثر است. مقایسه میانگین‌های هر گویه نشان می‌دهد که در حوزه امنیت فرهنگی به ترتیب الویت، بیشترین تأثیر مربوط به سه گویه زیر است:

- ۱- ترویج آزادی غربی در میان توریست‌ها و القای ناکارآمدی نظام اسلامی با توجه به اینکه ایران در صنعت توریسم ترکیه مقام سوم را دارد؛
  - ۲- نشان دادن ترکیه به عنوان یک الگوی موفق در میان کشورهای منطقه در جهت جذب و اشاعه فرهنگ مورد نظر خود؛
  - ۳- ترویج اسلام سکولار و اخوانی در جهت تضعیف اسلام ناب.
- سؤال ۳: عضویت ترکیه در ناتو چه تأثیری بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

عضویت ترکیه در ناتو و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

جدول ۱۰: آزمون فرض T یک متغیره و معنی‌داری شاخص امنیت نظامی  
از جدول بالا ملاحظه می‌شود معنی‌داری گویه‌های مربوط به شاخص امنیت نظامی از

معنی داری دوسویه	در جه آزادی	آزمون t	میانگین	تعداد	گویه‌های امنیت نظامی
.۰	۴۹	۱۰,۵۲۵	۴,۰۰۴	۵۰	تهدید مرزهای ایران با توجه به استقرار سپر موشکی آمریکا در ترکیه در حمایت و پشتیبانی از رژیم صهیونیستی
.۰	۴۹	۱۱,۶۶۷	۴	۵۰	تهدید کشورهای هلال مقاومت با توجه به ایجاد ناامنی توسط حامیان تکفیری‌ها با توجه به حمایت کشورهای عضو ناتو از آنها
.۰	۴۶	۹,۱۴۱	۳,۹۱	۴۷	مسأله حضور گروهک پژاک در مرزهای ایران در جهت ناامنی استان‌های مرزی با توجه به حمایت‌های دشمن فرامنطقه‌ای
.۰	۴۹	۵,۶۴۲	۳,۶۴	۵۰	حمایت و کمک به جریان مخالف جمهوری اسلامی ایران در سوریه و ایجاد ناامنی در منطقه با حمایت‌های کشورهای اروپایی و آمریکا (عضو ناتو)
.۰	۴۷	۴,۳۴۵	۳,۵۶	۴۸	تهدید ایران از مرزهای آذربایجان با توجه به روابط بسیار تنگاتنگ ترکیه و رژیم صهیونیستی و ناتو با این کشور
۱.	۴۹	۳,۵۵۸	۳,۵۴	۵۰	تهدید ایران با توجه به برگزاری مانورهای مشترک با ناتو و رژیم صهیونیستی
.۰	۴۸	۳,۹۶۱	۳,۵۳	۴۹	فشار و تهدید ایران توسط ناتو با توجه مسأله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران
.۱	۴۸	۳,۵۷۷	۳,۳۹	۴۹	کمک ناآگاهانه به آمریکا در جهت پیاده‌سازی خاورمیانه جدید



معنی‌داری در سطح آلفای ۰.۰۵ کوچک‌تر است بدین معنی تفاوت بین معنی‌داری محاسبه شده و گزینه متوسط معنادار است. و همچنین نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که آزمون مقایسه میانگین‌های یک گروهی در خصوص ارزیابی میانگین نمرات مشاهده شده با حد متوسط مقیاس (نمره ۳) در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای همه گزینه‌ها معنادار است؛ بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که همه گویه‌های مربوطه به شاخص امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران بیش از حد متوسط از عضویت ترکیه در ناتو مؤثر است. مقایسه میانگین‌های هر گویه نشان می‌دهد که در حوزه امنیت نظامی به ترتیب اولویت، بیشترین تأثیر مربوط به گویه‌های زیر است:

- ۱- تهدید مرزهای ایران با توجه به استقرار سپر موشکی آمریکا در ترکیه در حمایت و پشتیبانی از رژیم صهیونیستی؛
  - ۲- تهدید کشورهای هلال مقاومت با توجه به ایجاد ناامنی توسط حامیان تکفیری‌ها با توجه به حمایت کشورهای عضو ناتو از آنها؛
  - ۳- مسأله حضور گروهک پژاک در مرزهای ایران در جهت ناامنی استانهای مرزی با توجه به حمایت‌های دشمن فرامنطقه‌ای؛
  - ۴- حمایت و کمک به جریان مخالف جمهوری اسلامی ایران در سوریه و ایجاد ناامنی در منطقه با حمایت‌های کشورهای اروپایی و آمریکا (عضو ناتو)
  - ۵- تهدید ایران از مرزهای آذربایجان با توجه به روابط بسیار تنگاتنگ ترکیه و رژیم صهیونیستی و ناتو با این کشور.
- سؤال ۴: عضویت ترکیه در ناتو چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

عضویت ترکیه در ناتو و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

جدول ۱۱: آزمون فرض T یک متغیره و معنی داری شاخص امنیت سیاسی

معنی داری دوسویه	درجه آزادی	آزمون t	میانگین	تعداد	گویه‌های امنیت سیاسی
۰.	۴۸	۵,۴۷۷	۳,۶۳	۴۹	تأثیرگذاری بر مسأله فلسطین و کلیدی‌ترین مسأله برای جمهوری اسلامی ایران یعنی همان مسأله مقاومت و هلال شیعی
۰.	۴۸	۸,۷۰۶	۳,۶۱	۴۹	تأثیر بر حوزه‌های نفوذ ایران در آسیای مرکزی و قفقاز باتوجه به حضور ناتو در نزدیکی ایران و تأثیرگذاری بر آنها
۰.	۴۹	۴,۲۱۴	۳,۰۵	۵۰	جذب کشورهای غیر غربی و افزایش متحدان در لوای برنامه مشارکت برای صلح به ویژه از کشورهای هم‌مرز با ایران
۰.۲۴	۴۳	۲,۳۴۸	۳,۰۳۴	۴۴	تأثر بر مناسبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران با روسیه با توجه به حضور ناتو به عنوان اهرم نظامی آمریکا در منطقه
۰.۶۲	۴۶	۱,۹۱۱	۳,۰۲۳	۴۷	تهدید تمامیت ارضی کشورمان باتوجه به حضور ناتو به عنوان اهرم نظامی آمریکا در شرق (افغانستان) و غرب (ترکیه) کشورمان
۰.۲۴۱	۴۳	۱,۰۱۸۹	۳,۰۱۶	۴۴	تهدید نسبت به ماهیت و حاکمیت داخلی نظام جمهوری اسلامی ایران

جدول بالا (شاخص تأثیر عضویت ترکیه در ناتو بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران) نشان می‌دهد که از بین شش شاخص مورد مطالعه چهار شاخص به طور معنی‌داری بیش از حد متوسط بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذارند. ترتیب اولویت این شاخص‌ها عبارتند از: ۱- تأثیرگذاری بر مسأله فلسطین و

کلیدی‌ترین مسأله برای جمهوری اسلامی ایران یعنی همان مسأله مقاومت و هلال شیعی؛ ۲- تأثیر بر حوزه‌های نفوذ ایران در آسیای مرکزی و قفقاز با توجه به حضور ناتو در نزدیکی ایران و تأثیرگذاری بر آنها؛ ۳- جذب کشورهای غیر غربی و افزایش متحدان در لوای برنامه مشارکت برای صلح به ویژه از کشورهای هم‌مرز با ایران؛ ۴- تأثیر بر مناسبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران با روسیه با توجه به حضور ناتو به عنوان اهرم نظامی آمریکا در منطقه.

و دو شاخص دیگر در حد متوسط تأثیرگذار بوده‌اند. این تفاوت‌ها از طریق آزمون T یک متغیره مورد ارزیابی قرار گرفته است و نتایج را می‌توان با اطمینان حداقل ۹۵ درصد به جامعه آماری تعمیم داد.

آزمون فریدمن: بین میزان تأثیرپذیری امنیت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و نظامی جمهوری اسلامی ایران از عضویت ترکیه در ناتو تفاوت معنادار وجود دارد.

تعداد	۳۶
آماره کای اسکوئر	۷۵/۳۱۹
درجه آزادی	۳
معنی‌داری	۰/۰۰۰

رتبه میانگینی	گویه‌های پرسشنامه
۳/۳۹	امنیت نظامی
۳/۳۶	امنیت فرهنگی
۲/۰۷	امنیت اقتصادی
۱/۱۸	امنیت سیاسی

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد معنی‌داری محاسبه‌شده برای عوامل بالا از معنی‌داری در سطح آلفای ۰.۰۵ کوچک‌تر است. پس بین میزان تأثیرپذیری امنیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی جمهوری اسلامی ایران از عضویت ترکیه در ناتو تفاوت معنادار

وجود دارد. همچنین جدول بالا نشان‌دهنده رتبه‌بندی تأثیرپذیری امنیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی جمهوری اسلامی ایران از عضویت ترکیه در ناتو است؛ بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که اولویت گویه‌ها به ترتیب زیر است:

- ۱- تأثیرپذیری امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران از عضویت ترکیه در ناتو؛
- ۲- تأثیرپذیری امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از عضویت ترکیه در ناتو؛
- ۳- تأثیرپذیری امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از عضویت ترکیه در ناتو؛
- ۴- تأثیرپذیری امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران از عضویت ترکیه در ناتو.

### نتیجه‌گیری

عضویت ترکیه در ناتو و حضور ناتو در کشوری که مرزهای طولانی با جمهوری اسلامی ایران دارد و دارای اشتراکات فرهنگی، دینی، زبانی و ... با ایران است و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بسیار حایز اهمیت است، چرا که با توجه به ناسازگاری‌های سیاسی - ایدئولوژیک این پیمان با ایدئولوژی نظام جمهوری اسلامی ایران و نیز اقدامات کشورهای بنیانگذار ناتو در ارتباط با ایران، حمایت‌های بیشتر ناتو از نیروهای مخالف ایران، استفاده ابزاری آنان از موضوع حقوق بشر، اتهامات واهی آنان مبنی بر تولید سلاح‌های کشتار جمعی در ایران و حمایت ایران از جنبش‌های ضد صهیونیسم و غیره همگی مؤید آن است که عضویت ترکیه در ناتو امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با تهدیدات و مخاطراتی جدی مواجه خواهد کرد.

نتایج به دست‌آمده در حوزه‌های چهارگانه امنیت ملی حاکی از این است که تمام گویه‌ها در حوزه‌های نظامی و فرهنگی از معناداری قابل قبول برخوردارند که پرسش‌شوندگان عضویت ترکیه در ناتو را بیشتر از همه حوزه‌ها بر امنیت نظامی و بعد فرهنگی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار می‌دانند و دو حوزه سیاسی و اقتصادی دارای معناداری کمتری بوده است.

**کتابنامه:**

- ۱- ثقفی عامری، هوشنگ (۱۳۸۷)، اصول روابط بین الملل، تهران: انتشارات آگاه.
- ۲- جانسون، لنا (۱۳۷۸)، «روسیه و آسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم شماره ۲۷، پاییز.
- ۳- رحمانی، منصور (۱۳۷۸)، «سازمان پیمان آتلانتیک شمالی» مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، ویژه اروپا.
- ۴- رنجبر، مقصود (۱۳۷۸)، ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده خارجی، سال سیزدهم، زمستان.
- ۵- فلاحی، علی (۱۳۷۸)، «روسیه، مسأله کالینین گراد و گسترش ناتو»، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم ویژه اروپا، پاییز.
- ۶- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۳)، «سیاست امنیتی روسیه و مسأله ناتو»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوم شماره سوم، بهار.
- ۷- گروموف، فلیکس (۱۳۷۶)، «آینده روسیه بدون دریا و نیروی دریایی تصورناپذیر است»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، دوره سوم شماره ۱۷، بهار.
- ۸- مؤمنی، احسان (۱۳۸۱)، «راهبردهای جدید ناتو در حوزه امنیتی ایران» ماهنامه نگاه، شماره ۳۲، اسفند.

**وب‌گاه‌ها:**

1- <http://www.irdiplomacy.ir>

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)

سال سیزدهم، شماره ۷۶، پاییز ۱۳۹۳، صص ۱۷۶-۱۴۷

## بررسی حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در بحرین و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محمد مهدی فدائیان<sup>۱</sup>

سید عطاءالله بدیع‌زادگان<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۲۲

### چکیده

منطقه خلیج فارس به علت وجود ذخایر گسترده انرژی و تحولات سیاسی، اقتصادی و امنیتی در کانون توجه قدرت‌های جهانی است. مهم‌ترین عامل راهبردی خلیج فارس، وجود منابع عظیم نفت و گاز است، به گونه‌ای که این منطقه را «مخزن انرژی جهان» نام نهاده‌اند؛ بنابراین حیات اقتصادی و حتی حیات نظامی- سیاسی بسیاری از کشورها، به خصوص ایالات متحده آمریکا، به ادامه بی‌وقفه جریان انرژی در حوزه خلیج فارس وابسته است.

برخلاف تصور رایج که حضور نظامی آمریکا در کشورهای حوزه خلیج فارس در وهله اول به خاطر استخراج منابع انرژی از آن کشورهاست، ولی هستند کشورهایی که توجیه اصلی حضور نظامی آمریکا در آنها، به سبب استخراج نفت و گاز نیست، بلکه دلیل دیگری غیر از این وجود دارد. بحرین از جمله کشورهای عربی منطقه خلیج فارس است که نه به دلیل منابع عظیم انرژی، بلکه به دلیل داشتن جایگاه راهبردی ویژه (پایگاه پنجم نیروی دریایی) برای سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا که در نهایت به حفظ و تأمین منابع انرژی منتهی می‌شود، دارای اهمیت است.

این پژوهش به بررسی کیفیت و چگونگی تأثیر حضور نظامی آمریکا در بحرین و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی می‌پردازد.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک؛

۲- کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل.

**کلیدواژه‌ها:** حضور نظامی آمریکا، منطقه خلیج فارس، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، بحرین.

#### مقدمه

خلیج فارس یکی از مهم‌ترین مناطق ژئوپولیتیکی جهان است که به دلیل وجود منابع نفتی و گاز در این منطقه همواره درگیری‌ها و مناقشه‌هایی وجود دارد که قدرت‌های خارجی را به این بهانه به این منطقه می‌کشاند. جمهوری اسلامی هم به دلیل داشتن منافع و همجواری در منطقه (بیشترین مرز آبی را با خلیج فارس داراست و تمام کرانه شمالی این پهنه آبی را در اختیار دارد) با حضور نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این منطقه، دارای تقابل منافع است. به همین دلیل این منطقه تاکنون نتوانسته شاهد آرامش و یک سیستم امنیتی منطقه‌ای پایدار باشد.

تحركات و اقدامات آمریکا در خلیج فارس همواره مبتنی بر یک رشته علایق و اهداف ویژه منطقه‌ای بوده است که از جمله مهم‌ترین آنها، می‌توان به نفت، حفظ ثبات منطقه‌ای، جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و مبارزه با تروریسم اشاره کرد. کشورهای عربی منطقه به دلیل دارا بودن منابع عظیم نفتی، جایگاه ویژه‌ای در سیاست ایالات متحده آمریکا دارند. نمودهای این اهمیت و جایگاه را می‌توان در موافقتنامه‌های همکاری‌های دوجانبه دفاعی، پایگاه‌های نظامی و قراردادهای امنیتی آمریکا با این کشورها مشاهده کرد. تداوم حضور آمریکا در خلیج فارس بعد از جنگ دوم خلیج فارس، تأثیرات مهمی بر کشورهای عربی منطقه داشته است.

ایالات متحده با حضور نظامی در کشور بحرین به عنوان مرکز منطقه خلیج فارس به دنبال تثبیت، حفظ و تأمین منافع و ایجاد سلطه بر منطقه است. این سیاست هژمونی طلب ایالات متحده در تعارض با سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. در این پژوهش در پی آن هستیم تا تأثیر حضور نظامی آمریکا بر کشور بحرین بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را واکاوی، تبیین و تشریح نماییم.

#### الف) بیان مسأله

منطقه خلیج فارس را می‌توان در مرحله کنونی از منظر رقابت بین قدرت‌های بزرگ از مهم‌ترین مناطق جهان تلقی کرد. یکی از علل مداخله ممتد قدرت‌های فرامنطقه‌ای در

مسائل و حوادث خلیج فارس را باید عدم همگونی بین واحدهای منطقه و تداوم تعارضات منطقه‌ای بین واحدهای این نظام فرعی دانست. در این حوزه، تعارضات در سطح فرامنطقه‌ای، بین کشوری و فرا ملی بیش از مناطق و حوزه‌های دیگر است و در نتیجه واحدهای فرامنطقه‌ای با توجه به اهداف و منافع خود در منطقه، بیش از حوزه‌های دیگر مداخله کرده‌اند. ایالات متحده نیز در تداوم همین روند با حذف رقیب اصلی خود در صحنه رقابت، به دنبال تثبیت هژمونی خود در کل جهان است و بالطبع، منطقه خلیج فارس به دلیل ویژگی‌هایی که دارد، در اولویت است. به عبارت دیگر، تثبیت هژمونی آمریکا در خلیج فارس، پیش‌زمینه هژمونی جهان است.

پایگاه الجفیر بحرین به طور رسمی از یکم می سال ۱۹۹۳ برابر با ۱۳۷۲ ه.ش به مقر یگان پنجم نیروی دریایی آمریکا تبدیل شد. بحرین در میان کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس دارای نزدیک‌ترین روابط با آمریکا و غرب در کشورهای حوزه خلیج فارس است و در استمرار حضور نظامی آمریکا براساس موافقتنامه همکاری‌های دفاعی، منافع گسترده‌ای دارد.

موضوع تحقیق یادشده «بررسی تأثیر حضور آمریکا در کشور بحرین و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» است. این تحقیق از آن رو نگاشته شده تا پاسخی برای دغدغه‌های ذهنی نگارندگان آن باشد. برخی از مهم‌ترین دغدغه‌های که موجب نگاشتن این پژوهش شده‌اند، عبارتند از:

۱- کشور بحرین غیر از جمهوری اسلامی ایران، تنها کشور حوزه خلیج فارس است که اکثریت مردم آن را شیعه تشکیل می‌دهند.

۲- این کشور تا زمانی نه چندان دور (قبل از انقلاب اسلامی) جزء خاک ایران محسوب می‌شده است.

نگارندگان این تحقیق بر آنند تا تأثیرات نظامی حضور نظامی آمریکا در بحرین را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران واکاوی کنند تا در نهایت روشن شود که حضور نظامی آمریکا در بحرین تا چه اندازه تأثیراتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد گذاشت.



## ب: سؤال تحقیق

### - سؤال اصلی

حضور نظامی آمریکا در کشور بحرین تا چه اندازه‌ای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داده است؟

### - سؤالات فرعی

۱. دلیل و توجیه اصلی حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در بحرین چیست؟
۲. چرا حضور نظامی آمریکا در کشور بحرین بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد؟

## ج) روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است تا با توصیف وضع موجود به تجزیه و تحلیل آن پرداخته شود و نیز توصیف پدیده‌های این تحقیق بر اساس طبقه‌بندی اطلاعات مهم انجام شده است.

## د) ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها

پژوهشگران با استفاده از فیش‌برداری و مطالعه و ثبت اطلاعات لازم از کتاب، مقالات، اسناد، منابع لازم را تهیه کرده و با طبقه‌بندی اطلاعات مهم و مهم داده‌ها، نتایجی را برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق به دست آورده‌اند. علاوه بر این موارد، پژوهشگران با تجزیه و تحلیل داده‌ها و با استفاده از استدلال‌های منطقی و استنتاجات عقلی به شناسایی داده‌های ضروری از غیر ضروری پرداخته و آنها را نیز در تحقیق گنجانده‌اند.

## مفاهیم نظری تحقیق

### ۱- آمریکا و منطقه خلیج فارس

منطقه خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئواستراتژیکی خاص خود، همواره در طول تاریخ شاهد حضور قدرت‌های خارجی در دامان خود بوده و کشف منابع عظیم نفتی در منطقه نیز اهمیت آن را دوچندان ساخت. در این میان و در چند دهه اخیر، از نظر گستره حضور، آمریکا سهمی بیشتر از دیگر قدرت‌ها در منطقه داشته است. جنگ دوم

خلیج فارس و بحران متعاقب آن در سال ۱۹۹۰، باعث تقویت موقعیت نظامی منطقه‌ای آمریکا شد. تحرکات و اقدامات آمریکا در خلیج فارس همواره مبتنی بر یک رشته علایق و اهداف ویژه منطقه‌ای بوده است که از جمله مهم‌ترین آنها، می‌توان به نفت، حفظ ثبات منطقه‌ای، جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و مبارزه با تروریسم اشاره کرد.

کشورهای عربی منطقه به دلیل دارا بودن منابع عظیم نفتی، جایگاه ویژه‌ای در سیاست ایالات متحده آمریکا دارند. نمودهای این اهمیت و جایگاه را می‌توان در موافقتنامه‌های همکاری‌های دوجانبه دفاعی، پایگاه‌های نظامی و قراردادهای امنیتی آمریکا با این کشورها مشاهده کرد. تداوم حضور آمریکا در خلیج فارس بعد از جنگ دوم خلیج فارس، تأثیرات مهمی بر کشورهای عربی منطقه داشته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد رشد هژمونیک‌گرایی آمریکا بعد از بحران خلیج فارس، وابستگی کشورهای عربی به ایالات متحده آمریکا و کاهش مقبولیت ملی آنها را به دنبال خواهد داشت (اشرفی ریزی و کاظم‌پور، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

منطقه خلیج فارس یکی از محدود مناطق جهان است که همواره در طول تاریخ شاهد حضور قدرت‌های خارجی در دامان خود بوده است. در این میان انگلیس و آمریکا از نظر دوره زمانی و گستره حضور، سهمی بیشتر از دیگر قدرت‌ها در این منطقه داشته‌اند. در شرایط کنونی بیش از پنج دهه از تلاش آمریکا به اشکال مختلف برای حفظ، بسط و توسعه حضور بر منطقه خلیج فارس می‌گذرد، به گونه‌ای که این منطقه همواره در دکترین‌های روسای جمهور آمریکا در حوزه منافع حیاتی این کشور قرار داشته است.

حضور آمریکا در خلیج فارس تأثیرات زیادی بر کشورهای عربی منطقه دارد و گاه این کشورها را با چالش‌هایی مواجه کرده است. در پرداختن به این مسأله تلاش می‌شود به اهمیت منطقه خلیج فارس، روند حضور آمریکا در منطقه و تبدیل شدن آن به حوزه منافع حیاتی این کشور، اهداف و منافع آمریکا در منطقه، جایگاه کشورهای عربی در سیاست آمریکا و در نهایت تأثیرات حضور نظامی آمریکا بر این کشورها

پرداخته شود. البته باید خاطر نشان کرد که حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس به سال‌ها پیش از وقوع جنگ خلیج فارس که ایالات متحده در آنجا منافع سیاسی، اقتصادی و ژئوپلتیک داشت بر می‌گردد (اطاعت، ۱۳۷۶: ۱۴).

#### ۱-۱- بررسی حضور و منافع آمریکا در خلیج فارس

ایالات متحده آمریکا از زمان استقلال، در خلیج فارس برای خود منفعی قائل شده و از آن هنگام با این منطقه ارتباط دارد (حجار، ۱۳۸۱: ۱۵). تحرکات و اقدامات آمریکا در خلیج فارس همواره مبتنی بر یک رشته علایق و اهداف ویژه منطقه‌ای بوده است. در بحث سیاست خارجی و روابط بین‌الملل اصلی وجود دارد مبنی بر اینکه رفتار متقابل کشورها همواره متوجه هدف یا اهدافی است. بنا به تعبیری این اهداف بخشی از منافع ملی کشورها را در روابط با سایر کشورها و تحرکات منطقه‌ای و بین‌المللی تشکیل می‌دهند. به عبارت روشن‌تر در اینکه کشورها در روابط با یکدیگر اهدافی را دنبال می‌کنند تردیدی وجود ندارد.

ضمناً در صحنه روابط بین‌الملل نیز همه کشورها به دنبال کسب حفظ، یا توسعه هدف‌ها و آرمان‌هایی هستند که منافع ملی خوانده می‌شود. آمریکا به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون به عنوان یک ابرقدرت، و از دیدگاه سیاست خارجی‌اش و منافع ملی تعریف‌شده‌اش در رابطه با کشورها و مناطق و قاره‌های گوناگون جهان دارای علایقی بوده است؛ به ویژه منطقه خلیج فارس با توجه به موقعیت ممتاز و حساس آن از جهات گوناگون اهمیت و موقعیت راهبردی و ژئوپلتیک، اقتصادی و مالی و سیاسی همواره یکی از مناطق مورد توجه شدید رهبران آمریکا بوده است (اسدیان، ۱۳۸۱: ۲۱۶).

#### ۱-۲- بررسی تاریخی حضور و منافع آمریکا در منطقه خلیج فارس

تا قبل از جنگ جهانی دوم علایق و اهداف راهبردی آمریکا در خلیج فارس مشخص و آشکار نبوده و یا حتی اهمیت منطقه نیز به اندازه امروز برای دولتمردان آمریکا مسجل نشده بود، اما از همان زمان، کم و بیش به طور مستقیم یا غیرمستقیم، هرگاه صحبت از علایق و سیاست راهبردی آمریکا به میان آمده است اصطلاحاتی چون

امنیت ملی آمریکا، منافع ملی آمریکا و منافع سیاست راهبردی و حیاتی آن مطرح شده است (سپهری راد، ۱۳۷۹: ۲).

ایالات متحده آمریکا از زمان استقلال با منطقه خلیج فارس ارتباط دارد و از آن زمان اهداف و منافع را در منطقه دنبال می‌کرده است، اما پیامدها و ملزومات جنگ دوم خلیج فارس (۱۹۹۱، جنگ کویت) و دوره زمانی پس از آن، به دگرگونی بزرگی در نوع حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و به ویژه منطقه خلیج فارس منجر شد. این امر از دو جهت صورت گرفت؛

اول: موجب گسترش دایره امکانات نظامی در اختیار نیروهای آمریکایی واقع در پایگاه‌ها، بنادر، فرودگاه‌ها، اردوگاه‌های نظامی و مراکز اکثر کشورهای منطقه هم‌پیمان ایالات متحده شد.

دوم: این امر موجب افزایش تعداد پایگاه‌های نظامی عمده به طرز بی‌سابقه‌ای در کشورهای خلیج فارس شد. آنها مراکز عملیاتی نظامی نسبتاً کاملی را تشکیل می‌دهند که از آزادی نسبی و قدرتی کامل برای پشتیبانی فعالیت‌های جنگی هوایی، زمینی و دریایی برخوردارند (مؤمنی، ۱۳۸۴: ۲۲).

بحران خلیج فارس و جنگ متعاقب آن در سال ۱۹۹۱ (حمله عراق به کویت) نه تنها موقعیت بسیار مناسبی را برای کاهش مسائل و مشکلات ناشی از حضور نظامی آمریکا در منطقه و برخی کشورهای آن ایجاد کرد، بلکه باعث ترمیم تقویت و تثبیت موقعیت سیاسی-نظامی منطقه‌ای آن کشور شد (اسدی، ۱۳۸۱: ۵۵۹). در مجموع اهمیت خلیج فارس برای آمریکا از آن جهت است که:

- ۱- منطقه خلیج فارس دارای بزرگ‌ترین ذخایر نفت است.
- ۲- خلیج فارس به لحاظ راهبردی، دنباله اقیانوس هند است.
- ۳- خلیج فارس با درگیری‌های اعراب و اسرائیل پیوند خورده است.
- ۴- از ناحیه اسلام سیاسی کشورهای منطقه و روند روزافزون آن احساس خطر می‌کند.
- ۵- چرخ صنعت غرب به امنیت ترانزیت نفتی در این منطقه وابسته است.

با پایان یافتن جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۸ میلادی و پس از یک آرامش نسبی در منطقه، اشغال کویت به دست عراق، بار دیگر امنیت خلیج فارس را بر هم زد. مسأله جنگ عراق علیه کویت و تحولات ناشی از آن، فرصت‌های مناسبی را پیش روی آمریکا قرار داد تا اقدامات برنامه‌ریزی شده خود را در خلیج فارس دنبال و اجرا کند و به علاوه، بهانه‌های حضورش در منطقه فراهم شود که برخی از آنها به شرح زیر است:

- ۱- علاقه‌مندی به حضور فعال و مستقیم نظامی در منطقه با امضای قراردادهای دفاعی با کشورهای منطقه خلیج فارس و استقرار پایگاه‌های نظامی دائمی؛
  - ۲- کنترل کامل بر ذخایر نفتی منطقه که ۶۵ درصد از کل ذخایر انرژی جهان را در بر می‌گیرد. با توجه به اینکه منطقه خلیج فارس ۷۰ درصد سوخت مورد نیاز ژاپن و بیش از ۵۰ درصد سوخت اروپا را تأمین می‌کند، از این نظر برای واشنگتن بسیار اهمیت دارد. کنترل ذخایر نفتی منطقه خلیج فارس تسلط بر درآمدهای نفتی کشورهای صاحب نفت خلیج فارس و سوق دادن درآمدها به سوی ایجاد تقاضا برای اقتصاد آمریکا را سبب می‌شود؛
  - ۳- افزایش فروش تسلیحات نظامی به منطقه، یعنی ایجاد فضایی تهدیدآمیز برای کشورهای منطقه و مجبور ساختن آنها به افزایش خریدهای نظامی؛
  - ۴- تدوین راهبرد میان‌مدت و بلندمدت برای حضور نیروهای آمریکایی و اسرائیلی در منطقه خلیج فارس و راهبرد «کنترل از راه دور» و حمایت همه‌جانبه از حکومت‌های همگرا با آمریکا (رائمل و دیگران، ۱۳۸۲: ۳۴).
- به طور کلی آمریکا در خلیج فارس دارای یکسری علایق ذاتی و ثانوی است. علایق و منافع ذاتی آمریکا در خلیج فارس و به خصوص خلیج فارس شامل نفت و اسرائیل است، اما منافع ثانوی این کشور با مرور زمان تعیین و دچار تحول می‌شود. به عنوان نمونه جنگ عراق و کویت منافع ثانوی آمریکا را در خلیج فارس دچار تحول کرد. اما حتی پایان جنگ سرد هم منافع ذاتی آن کشور را تغییر نداده است؛ بنابراین به طور کلی اهداف و منافع ذاتی آمریکا در خلیج فارس به شرح زیر است:

۱- نفت؛ اصلی‌ترین علاقه آمریکا در خلیج فارس؛ آمار و ارقام نفتی بیانگر این واقعیت است که حدود ۲/۳ ذخایر نفت و نیز ۱/۳ ذخایر گاز جهان در خلیج فارس قرار دارد. نفت منطقه مهم‌ترین عنصر حرکت صنایع مدرن غرب و آمریکا است و غرب به کمک همین ماده حیاتی توانسته است به این سطح از رشد و رفاه نائل آید. نفت خلیج فارس ارتباط مستقیمی با هژمونی آمریکا دارد. این کشور برای گسترش نفوذ سیاسی خود در جهان صنعتی و گروه ۷ نیازمند آن است که همچنان کنترل راه‌های انتقال نفت و تأمین امنیت آن را به عهده داشته باشد.

۲- مطلوبیت بازار خلیج فارس؛ اقتصاد کشورهای خلیج فارس بر صادرات نفت مبتنی است و درآمد حاصل از آن دوباره به کشورهای صنعتی غرب و آمریکا بازمی‌شود؛ بنابراین حتی اگر قیمت نفت افزایش یابد این افزایش در نهایت به نفع بازارهای مصرفی اروپایی و آمریکایی خواهد بود (اسدیان، ۱۳۸۱: ۳۸-۳۷).

۳- امکانات اقتصادی و تجاری منطقه؛ همه کشورهای منطقه، تولیدکننده نفت هستند و اقتصادشان بر درآمدهای نفتی قابل توجه استوار است؛ به ویژه در دوره‌های زمانی که قیمت نفت بنا به شرایطی افزایش داشته باشد آنها ثروت‌های بالایی را کسب می‌کنند. این امر زمینه و انگیزه بسیار خوبی را برای نزدیکی روابط آمریکا با کشورهای منطقه به منظور بهره‌برداری هرچه بیشتر از امکانات اقتصادی و تجاری آنها فراهم آورده است (اسدی، ۱۳۸۱: ۳۲۴).

۴- توسعه نفوذ سیاسی؛ آمریکا از جنگ جهانی دوم به بعد یک سیاست خارجی فعال را در همه نقاط دنیا به کار گرفت؛ چراکه به عنوان یک ابرقدرت در رقابت با شوروی نمی‌توانست راه دیگری داشته باشد. دیپلماسی آمریکا در دوران بعد از جنگ سرد در خلیج فارس نمونه بارز سیاست خارجی فعال و متحرک این کشور است. آمریکا به عنوان یک بازیگر فعال و توانا در صحنه سیاست بین‌الملل همواره بر آن بوده است که در رفتار سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نفوذ کند و آنها را در راستای هدف‌ها و علایق گوناگون خود هدایت کند (اسدیان، ۱۳۸۱: ۳۲۶).

علاوه بر موارد فوق، انگیزه راهبردی آمریکا در خلیج فارس عبارت است از تسلط بر نفت و منابع انرژی، پیش بردن جهانی تک قطبی و از بین بردن هرگونه رقیب بالقوه و بالفعل. به طور کلی در سیاست خارجی آمریکا اولویت در به کارگیری نیروی نظامی و مداخله مستقیم به منظور مقابله با هرگونه تهدید منافع و مصالح و یا نفوذ آمریکا در خلیج فارس است. در کل راهبرد سیاست ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس به گونه‌ای است که اهداف اصولی و سنتی این کشور همچنان دست‌نخورده باقی می‌ماند و عبارتند از:

۱. حفظ تداوم انرژی (نفت) برای آمریکا و به ویژه متحدان آن؛

۲. تأمین امنیت و موجودیت رژیم صهیونیستی؛

۳. تلاش در جهت ثبات سیاسی کشورهای عربی (خانی، ۱۳۸۴: ۳۸)

### ۳-۱- سیاست‌های روسای جمهور آمریکا از ۱۹۷۰ تا کنون

- ریچارد نیکسون:

دکترین امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری نیکسون عبارت بود از: تنش‌زدایی با شوروی و انتقال اختیارات نظامی به ژاندارم‌های منطقه‌ای. در راستای دکترین بومی کردن مشکلات منطقه‌ای، وظیفه حفظ ثبات و صلح منطقه‌های مختلف در جهان به ژاندارم‌ها و نایب‌های منطقه‌ای واکنش‌گن سپرده شد. این دکترین بیشتر از گذشته قایل به تغییر و تحول در ساختار قدرت جهانی و از جمله کاهش یافتن قدرت آمریکا بود (امامزاده‌فر، ۱۳۸۶: ۸۹). دو واقعه به طور همزمان در اوایل دهه ۱۹۷۰، سیاست بین‌الملل در منطقه خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داد:

۱. خروج بریتانیا از کشورهای تحت‌الحمایه خود در حاشیه جنوبی خلیج فارس (شرق سوئز)؛

۲. افزایش ناگهانی در قیمت جهانی نفت (امامزاده‌فر، ۱۳۸۶: ۹۰).

پس از سال ۱۹۷۱، سه قدرت عمده منطقه، یعنی ایران، عراق و عربستان سعودی به طور گسترده قدرت نظامی و اقتصادی خود را افزایش دادند. آنها نقش عمده‌ای در مسائل امنیتی برای خود قایل شدند و سیاست خارجی آنها ویژگی بلندپروازانه و

جاه‌طلبانه به خود گرفت و همین امر محدودیت‌های ناشی از حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه را از بین برده بود. با مطرح شدن مسأله خلأ قدرت در منطقه خلیج فارس بعد از خروج بریتانیا، با هماهنگی آمریکا، انگلیس و غالب کشورهای منطقه، با عنوان بومی کردن مسائل منطقه‌ای و براساس دکترین نیکسون و سیاست دوستونی، ایران و عربستان سعودی دو پایه اصلی بنای امنیت علائق آمریکا و غرب را در منطقه خلیج فارس تشکیل دادند. در سیاست دو ستونی، ایران ستون نظامی و عربستان سعودی ستون مالی و اقتصادی آن را تشکیل می‌دادند و از این رو سیل کمک‌های نظامی - تسلیحاتی آمریکا به سوی این دو کشور روانه شد. نقش ایران در این میان به عنوان ژاندارم منطقه به رهبری شاه بین سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۶۹ بسیار حائز اهمیت بود. سیاست دو ستونی در حدود ۱۰ سال در منطقه تداوم یافت، تا اینکه با سقوط رژیم پهلوی در سال ۱۹۷۹ این سیاست نیز برافتاد (اسدی، ۱۳۸۱: ۹۲-۹۱).

-جیمی کارتر:

دکترین امنیت ملی آمریکا در دوره ریاست جمهوری جیمی کارتر عبارت بود از: تنش‌زدایی با شوروی و متعهد نمودن مجدد آمریکا به دفاع مستقیم از مناطق. با ارائه دکترین کارتر، آمریکا برای اولین بار خود را به استفاده مستقیم از نیروهای خود برای حفظ ثبات در مناطق مختلف از جمله خلیج فارس متعهد می‌کرد. این امر نه تنها دکترین نیکسون و خط‌مشی‌های تنش‌زدایی دروان نیکسون - فورد را کنار می‌زد، بلکه حتی دکترین ترومن را که قائل به فعالیت فنی و اقتصادی صرف بود نادیده می‌گرفت (امامزاده‌فر، ۱۳۸۶: ۹۲-۹۷).

برنامه کارتر که در واقع راهبرد جدید آمریکا در خلیج فارس بود، در ژانویه ۱۹۸۰ از سوی کارتر اعلام شد. وی چنین اظهار داشت که «هرگونه تلاشی به وسیله هر قدرت خارجی به منظور تحت کنترل در آوردن منطقه خلیج فارس، به منزله حمله به منافع حیاتی ایالات متحده آمریکا محسوب شده و با استفاده از وسایل لازم، از جمله نیروی نظامی دفع خواهد شد».



بنابراین، نیروهای واکنش سریع در زمان حکومت کارتر (در مارس ۱۹۸۰) با هدف اجرای عملیات در منطقه خلیج فارس و به منظور تأمین جریان مطمئن نفت به سوی غرب و مقابله شدید با هرگونه تهدید احتمالی علیه آن، به شکل رسمی شکل گرفت و شروع به فعالیت کرد. همچنین کمک به تقویت بنیه نظامی عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی جنوب خلیج فارس، از جمله پاسخ‌های سری سیاست‌مداران ایالات متحده به تحولات منطقه‌ای بود.

- رونالد ریگان:

دکترین امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان عبارت بود از مهار شوروی از طریق اقتصاد و فناوری تسلیحاتی و برخورد مستقیم با حکومت‌های دست چپی در جهان سوم. این دکترین در اقدامی مهم که بیانگر برگشت راهبرد امنیت ملی این کشور به دوران قبل از ریاست جمهوری کارتر بود، مداخله و اجرای عملیات مخفی در کشورهای جهان سوم را مجدداً برقرار کرد. ریگان در آغاز ریاست جمهوری خود بسیار ایدئولوژیک عمل می‌کرد، اما به تدریج به واقع‌گرایی، ملایمت و عمل‌گرایی نزدیک شد (امامزاده‌فر، ۱۳۸۶: ۹۴).

با روی کار آمدن ریگان در ژانویه ۱۹۸۱، وی نیز سیاستی مشابه سلف خود - جیمی کارتر - در پیش گرفت و به خطرات آشکاری اشاره کرد که از ناحیه تهدیدهای داخلی متوجه کشورهای منطقه است. وی تأکید می‌کند که آمریکا اجازه نخواهد داد عربستان سعودی نیز مانند ایران شود و از اردوگاه غرب خارج شود و در نتیجه جریان انتقال نفت به غرب دچار آسیب شود. بدین ترتیب کارتر روی تهدیدهای خارجی و ریگان بر تهدیدهای داخلی تأکید داشتند (اسدی، ۱۳۸۱: ۹۸).

هدف آمریکا از اعلام سیاست‌های یادشده، حفظ علائق خود در خلیج فارس از جمله: جریان مطمئن و مداوم انتقال انرژی به غرب، گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا و اعمار آن با کشورهای منطقه و بالاخره جلوگیری از نفوذ و توسعه‌طلبی شوروی بود. در واقع تلاش اصلی ریگان معطوف به ثمر رساندن جبهه‌های راهبردی سیاست کارتر در خلیج فارس گردید و ریگان در این زمینه کوشید

تا کامل تر و مستقل تر عمل کند. با این زمینه بود که رونالد ریگان بر آن شد که در چارچوب افکار خود مبنی بر «تعادل راهبردی» به دکترین کارتر قوت بخشد (اسدی، ۱۳۸۱: ۹۱).

- دوران بوش (پدر):

در واقع پیروزی در جنگ خلیج فارس به عنوان رویدادی مهم در آغاز دهه ۱۹۹۰، آمریکا را به قدرت دیپلماتیک بلامنازع منطقه تبدیل کرد و در پی آن رویداد، ایالات متحده رهبری دو طرح مهم شامل صلح اعراب و اسرائیل و برقراری امنیت در خلیج فارس را به عهده گرفت. در گزارش سال ۱۹۹۱ دولت جورج بوش که پس از جنگ خلیج فارس به کنگره تقدیم شد، اهداف زیر به عنوان دغدغه‌های راهبردی ایالات متحده ذکر شده بود:

۱- حفظ ثبات منطقه‌ای؛

۲- حفظ امنیت اسرائیل و دیگر کشورهای دوست در منطقه؛

۳- تداوم دسترسی به منابع نفت و انرژی؛

۴- مبارزه با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های بالستیک؛

۵- مبارزه علیه تروریسم (حجار، ۱۳۸۱: ۱۸).

-کلیتون:

بر اساس گزارش سالانه، ایالات متحده آمریکا دارای منافع پایدار در خلیج فارس است که شامل موارد زیر می‌شود:

۱- جلوگیری از بروز جنگ و زمینه‌سازی برای صلحی عادلانه، پایدار و فراگیر میان

اعراب و رژیم صهیونیستی؛

۲- تأمین امنیت و حفظ موجودیت رژیم صهیونیستی؛

۳- پیش‌برد ثبات، امنیت، موقعیت و توسعه روابط ترکیه و کشورهای عرب میانه‌رو؛

۴- تداوم پیوستگی جریان آزاد نفت به نرخ‌های معقول.

- جورج بوش (پسر):

همزمان با انتخاب جورج بوش به‌عنوان چهل‌ویکمین رئیس‌جمهور آمریکا، مؤسسات مطالعاتی هوور، انجمن سیاست خارجی، شورای روابط خارجی و مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی واشنگتن در خصوص اهداف آمریکا در خلیج فارس، موارد زیر را مورد تأکید قرار دادند:

- ۱- تأمین دسترسی جهان صنعتی به نفت و ذخایر منطقه؛
  - ۲- ممانعت از کنترل و سلطه سیاسی و نظامی هر قدرت متخاصم با آمریکا؛
  - ۳- حفظ ثبات و استقلال کشورهای منطقه خلیج فارس؛
  - ۴- محدود کردن تهدیدهای بنیادگرایان اسلامی؛
  - ۵- حفظ روابط دوستانه با کشورهای میانه‌رو عرب؛
  - ۶- تأمین امنیت رژیم صهیونیستی؛
  - ۷- جلوگیری از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه (منصوری، ۱۳۸۵: ۴۵).
- از مجموع اظهارنظرهای فوق چنین نتیجه‌گیری می‌شود که هدف‌های عمده آمریکا در خلیج فارس اقتصادی، راهبردی و در نهایت سیاسی است. با توجه به اسناد و مدارک رسمی منتشرشده در دوره ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش مرتبط با منطقه خلیج فارس می‌توان گفت که واشنگتن مواردی چند از جمله موارد زیر را به‌عنوان منافع اصلی خود در منطقه تلقی می‌کند:
- ۱- حفظ دسترسی گسترده آمریکا به منافع عظیم انرژی در منطقه؛
  - ۲- حفظ شهروندان و مؤسسات اقتصادی، تجاری و نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس؛
  - ۳- تضمین آزادی کشتیرانی و هواپیمایی (اطاعت، ۱۳۷۶: ۴۳).
- در مقابل منافع و اهداف اصلی فوق، منافع و اهداف دیگری برای آمریکا در خلیج فارس مطرح هستند که اهمیت آنها در مقایسه با اهداف و منافع قبلی ثانوی است. شماری از این منافع عبارتند از:
- ۱- حفظ امنیت سیاسی و اقتصادی رژیم صهیونیستی؛

۲- حفظ وضع موجود سیاسی، اقتصادی و نظامی متحدان آمریکا در منطقه مثل عربستان و سایر کشورهای عربی خلیج فارس؛  
۳- ایجاد صلح مورد دلخواه واشنگتن در منطقه به خصوص میان اسرائیل و اعراب (امامزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

-بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱:

علاوه بر اهداف ذکرشده در سیاست خارجی بوش در منطقه خلیج فارس، می‌توان به اهداف ایالات متحده در منطقه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر اشاره کرد. اگرچه از زمان پایان جنگ جهانی دوم، مبارزه با تروریسم و اشاعه سلاح‌های کشتارجمعی جزئی از اهداف سیاست خارجی ایالات متحده بوده است، اما تحولات سیاسی بین‌المللی که در دو دهه گذشته رخ داده به مراتب بر اهمیت مبارزه با این دو پدیده افزوده است و آنها را به اهداف محوری در سیاست خارجی آمریکا در عرصه بین‌المللی تبدیل کرده است (طرمی، ۱۳۸۲: ۸۷). پایه‌های سیاست خارجی بوش بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر بر سه اصل استوار شد:

۱- جلوگیری از گسترش سلاح کشتارجمعی؛

۲- جنگ با تروریسم و خشکاندن ریشه‌های آن؛

۳- حمایت از حقوق بشر و گسترش دموکراسی (باقری دولت‌آبادی، ۱۳۸۳: ۲).

#### ۴-۱- حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و تأثیر آن بر کشورهای عربی منطقه

علت اصلی مداخله‌گری ایالات متحده در مناطق و حوزه‌های مختلف نظام بین‌الملل را باید ناشی از سلطه‌جویی و هژمونی‌طلبی آن کشور در برخورد با موضوعات سیاست بین‌الملل و بازیگران مؤثر در آن دانست. یکی از عمده‌ترین شاخصه‌های مداخله‌گری آمریکا را می‌توان به کارگیری نیروهای نظامی برای تأثیرگذاری در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی توسط ایالات متحده از دهه ۱۹۹۰ به بعد دانست. جنگ خلیج فارس چنین شرایطی را برای آمریکا به گونه‌ای فراهم آورد که در راستای آن واحدهای نظامی سایر کشورها نیز تحت نظارت و فرماندهی نیروهای آمریکایی عمل می‌کردند (متقی، ۱۳۷۶: ۱۹۶).

بعد از بحران خلیج فارس کشورهای عربی منطقه به این جمع‌بندی کلی و فراگیر رسیده‌اند که حضور کشوری مسلط و قوی در منطقه برای جلوگیری از بی‌ثباتی و بحران‌های منطقه‌ای اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا آسیب‌پذیری آنها از خلاء امنیتی در منطقه بیشتر است. این کشورها آمادگی لازم را برای همکاری امنیتی با ایالات متحده و نیز تأمین تسلیحات و هزینه‌های مؤثر برای تداوم حضور نظامی آمریکا دارند و با این کشور همکاری می‌کنند (اسدیان، ۱۳۸۱: ۷۹). از زمان اشغال کویت توسط عراق حضور نظامی آمریکا در منطقه وابستگی کشورهای عربی از لحاظ تسلیحاتی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و راهبردی به آمریکا و همچنین بحران مشروعیت در این کشورها را به دنبال داشته است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود؛

کارایی نداشتن بعضی از رهبران کشورهای عربی منطقه، دور بودن آنان از نخبگان و روشنفکران، حکومت‌های اقتدارگرایی فردی، سلطنتی و خانوادگی و حتی قبیله‌ای این نظام‌های سیاسی را دچار بحران مشروعیت ساخته است. این بحران سبب شکنندگی داخلی شده که بر اثر آن این کشورها به قدرت‌های بیگانه متکی می‌شوند و بدین ترتیب حضور بیگانگان در منطقه توجیه می‌شود.

در حال حاضر کشورهای منطقه هر یک به لحاظ اینکه از نظر مشروعیت حکومتی در نزد افکار عمومی مردم خود جایگاه و پایگاه مناسبی ندارند و حاکمان این کشورها با زور مسند قدرت قرار گرفته‌اند. تنها راه ادامه حیات سیاسی خود را وابستگی به غرب به خصوص آمریکا می‌دانند و به این دلیل هم سعی دارند در گسترش روابط با آمریکا از یکدیگر پیشی بگیرند و به جای تکیه بر اراده‌های ملی خود بر حمایت آمریکا تکیه داشته و دارند که این امر در بلندمدت موجب ایجاد قوای قهریه مبارزه با آمریکا و این دولت‌ها در منطقه شده است (مؤمنی، ۱۳۸۴: ۱۴۳).

حضور نیروهای نظامی خارجی در منطقه خلیج فارس به خصوص در حوزه خلیج فارس در سطح مردمی بر بنیانی متزلزل استوار است. جریان‌های سیاسی ملی، چپ و دینی غالب در منطقه این حضور نظامی را حضوری بیگانه می‌دانند که خطرات بسیاری برای امنیت منطقه و به خصوص امنیت کشورهای عربی به همراه دارد.

آمریکا از برخی رژیم‌های مستبد عرب که در میان مردم خود نامحسوب‌اند حمایت می‌کند.

ایالات متحده این رژیم‌ها را با کمک‌های اقتصادی و نظامی حمایت می‌کند که سبب بقای قدرت در آنها می‌شود. «هژیر تیموریان» استدلال می‌کند که احساسات ضد غربی در جهان عرب عمدتاً نارضایتی اعراب از حکومت‌هایشان را آشکار می‌سازد او اعتقاد دارد که اعراب دولت‌هایشان را بسیار فاسد و مستبد می‌بینند به دلیل آنکه آمریکا سالانه میلیون‌ها دلار به این رژیم‌های عرب کمک می‌کند و نظر جمعی این است که آنان را نوکر آمریکا می‌دانند (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۲۷).

طبق برنامه محاسبات و برآوردهای دقیق، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس ضروری است و از آن استقبال شده است. دخالت ایالات متحده در منطقه، با توجه به پایان دوران دوقطبی، اجتناب‌ناپذیر، تضمین ثبات سیاسی و حفظ رژیم‌های منطقه است. هر یک از کشورهای عربی منطقه به مسأله حضور نظامی آمریکا، به گونه‌ای متفاوت می‌نگرد و سطح روابط دوجانبه این کشورها با ایالات متحده نیز متفاوت است (حجار، ۱۳۸۱: ۷۱).

از میان کشورهای عرب منطقه، کویت، بیشترین حمایت را از حضور نظامی آمریکا در منطقه به عمل می‌آورد. کویت از شرایط موافقتنامه همکاری‌های دفاعی با آمریکا بسیار خرسند است و از زمان جنگ خلیج فارس در امور دفاعی خود بسیار جدی است و در طول دهه گذشته ایالات متحده بالغ بر شش میلیارد دلار تجهیزات نظامی به این کشور فروخته است. افزون بر این، کویت بخش عمده‌ای از هزینه‌های مالی ناشی از حضور نظامی آمریکا در این کشور را می‌پردازد (کریگ، ۱۳۸۶: ۶۷).

امارات متحده عربی، در سیاست‌های خود در قبال کاخ سفید و حضور نیروهای آمریکایی در خلیج فارس بسیار محتاطانه عمل می‌کند. البته از دیدگاه‌های احتیاط‌آمیز امارات در قبال آمریکا نباید چنین برداشت شود که روابط دوجانبه دارای مشکل است. زمینه‌های بسیاری برای همکاری، به ویژه در مسائل بازرگانی وجود دارد؛ زیرا امارات متحده عربی یکی از ۱۰ مرکز اصلی بازار کالاهای آمریکایی است. یکی دیگر از

عوامل بالقوه در روابط ایالات متحده با امارات متحده عربی موافقتنامه‌های همکاری‌های دفاعی بین دو کشور است (یافه، ۱۳۸۶: ۶۹).

عربستان سعودی بی‌تردید مهم‌ترین کشور خلیج فارس برای تأمین منافع سیاسی آمریکا است. هیأت آموزش‌های نظامی آمریکا با ارتش عربستان سعودی همکاری بسیار نزدیکی دارد و تقریباً به بخشی از وزارت دفاع و هوانوردی عربستان تبدیل شده است. عربستان برای آموزش نیروهای نظامی خود، از برنامه آموزشی نظامیان آمریکایی استفاده می‌کند.

سه کشور دیگر عرب یعنی عمان، قطر و بحرین به شدت از حضور نظامی آمریکا در کشورشان حمایت می‌کنند. براساس موافقتنامه‌ای که میان عمان و ایالات متحده به امضا رسیده و ناوگان نظامی آمریکا حق حضور و استفاده از امکانات این کشور را پیدا کرده است، سالانه مبلغ ۵۰ میلیون دلار نصیب عمان می‌شود. عمان از حضور نظامی ایالات متحده و برقراری روابط با این کشور به عنوان اقدامی آینده‌نگرانه برای قرار گرفتن زیر چتر امنیتی آمریکا و بهره بردن مالی و فناورانه (مدرن‌سازی ارتش) سود می‌جوید.

سیاست‌های بحرین و قطر درباره روابط با ایالات متحده شفاف‌تر است. بحرین به عنوان کشوری که تقریباً هیچ‌گونه منابع نفتی ندارد، کوشیده است به مرکز بانکداری در منطقه و پایگاه گردشگری تبدیل شود. بحرین در استمرار حضور نظامی آمریکا براساس موافقتنامه همکاری‌های دفاعی، منافع گسترده‌ای دارد، هرچند که ترجیح می‌دهد ارتباطاتش با ایالات متحده علنی نشود. به علاوه وابسته نظامی آمریکا در دوحه - پایتخت قطر - ابراز می‌دارد: موافقتنامه همکاری‌های دفاعی آمریکا و قطر بهترین نمونه‌ای است که تاکنون من درباره توافقات و روابط آمریکا با دیگر کشورها دیده‌ام. از دیدگاه امنیتی ایران مهم‌ترین عامل تهدیدکننده این کشور است به همین دلیل از حضور نظامی آمریکا بسیار استقبال می‌کند و حتی خواستار حضور و نمود بیشتر آنان است (همتی و اقارب‌پرست، ۱۳۸۷: ۵۶).

## ۲- حضور نظامی آمریکا در بحرین

### ۲-۱- اهمیت بحرین در راهبردهای منطقه‌ای و فرماندهی ایالات متحده

تحولات کشورهای عربی آن‌قدر در عین اشتراکات فراوان، متنوع‌اند که الگوی هیچ یک را نمی‌توان برای دیگر کشورها و برای پیش‌بینی تحولات آنها به کار بست. دیکتاتور تونس با چند روز راهپیمایی و تقریباً بدون مقاومت می‌گریزد. نامبارک مصر ۱۸ روز در مقابل متحصنین میدان «التحریر» با مصاحبه‌ها و وعده‌ها مقاومت می‌کند و در نهایت فرار می‌کند. حاکم سی و چند ساله یمن پس از عدم کارآیی وعده و وعیدهایش، دست به اقدام نظامی می‌زند و پس از شعله‌ور کردن آتش جنگ داخلی در کشور، به عربستان می‌گریزد. آل خلیفه بحرین نخست وعده هزار دیناری به مردم می‌دهد، سپس به صورت مسالمت‌آمیز مردم را به میدان لؤلؤ هدایت می‌کند و در ادامه برای سرکوب مردم دست به دامن کشورهای خارجی می‌شود و با همراهی نظامیان عربستانی و اماراتی در صدد سرکوب وحشیانه انقلابیون بر می‌آید.

صاحب‌نظران در اهمیت کشور کوچک بحرین دلایل مختلفی را برشمرده‌اند که از جمله آنها راهبردی بودن محل این کشور به دلیل همسایگی با مناطق نفت‌خیز شرق عربستان و قرار گرفتن در مسیر انتقال نفت از خلیج فارس است. بحرین در جنوب و شرق فاصله ناچیزی با دو کشور عربستان و قطر دارد و یک پل ۲۵ کیلومتری بحرین را به شرق عربستان متصل می‌کند. این منطقه عربستان به دلیل معادن عظیم نفت و همچنین حضور پرشمار شیعیان مناطق قطیف و قنوار برای ریاض و همچنین متحد سیاسی نظامی آن یعنی واشنگتن حایز اهمیت است. عربستان ۲۲ میلیون جمعیت دارد و با مشکلات فراوانی از جمله شکاف طبقاتی و تبعیض نسبت به شیعیان که بیش از دو میلیون نفر و نزدیک به ده درصد جامعه عربستان را در بر می‌گیرند، روبه‌روست؛ بنابراین دور از ذهن نیست که هر گونه تحول در بحرین به نگرانی‌های عربستان دامن بزند (انتظار، ۱۳۸۹: ۴۵).

همچنین در این منطقه، قطر با عربستان هم‌مرز است و به دلیل اختلاف‌هایی که اغلب این دو کشور با یکدیگر دارند، حفظ مناسبات با بحرین از اهمیت بالایی برای



عربستان و قطر برخوردار است. البته در این معادله سه‌جانبه باید عامل دیگری را نیز اضافه کرد و آن ایالات متحده آمریکا است. بعد از بروز مشکلات در عربستان، واشنگتن تصمیم گرفت سربازان خود را به کشور دیگری در منطقه خلیج فارس منتقل کند و در این بین برای ایجاد و برقراری پایگاه‌های نظامی، کشور بحرین برگزیده شد؛ چراکه فاصله کمی با شبه جزیره عربستان دارد و در مقایسه با امارات متحده عربی، کویت و حتی قطر از ثبات بیشتری برخوردار بوده است. فضای بسته سیاسی در بحرین در دو دهه پیش نیز سبب شد تا استقرار ناوگان پنجم آمریکا در این کشور بدون سر و صدا انجام گیرد.

این پایگاه که از حیث نیرو و امکانات بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پایگاه دریایی آمریکا حد فاصل قاره آفریقا تا شرق آسیا به شمار می‌رود به شدت اهمیت این کشور کوچک را برای آمریکایی‌ها بالا برد. در حقیقت وجود این پایگاه اهمیت بحرین را برای آمریکا دو چندان کرده است و به نوعی بین آمریکا و بحرین در این موضوع وابستگی متقابلی ایجاد شده است. آمریکا برای حفظ ناوگان خود در منطقه باید رژیم آل خلیفه را حفظ کند و بحرین نیز برای ادامه حیات به ائتلافی گسترده با قدرتی بزرگ نیاز دارد که در این زمینه آمریکا بهترین گزینه پیش رو است. در کنار این دلایل، ساختار جمعیتی و مذهبی این کشور نیز اهمیت خاصی دارد. ترکیب جمعیتی ۷۰ درصدی شیعیان در مقابل اقلیت سنی مذهب که حکومت را نیز از همان ابتدا به دست داشته‌اند، همواره درگیری‌های خاصی را به همراه داشته است. شیعیان همواره به همراهی با جمهوری اسلامی ایران و تبعیت از کشور ما محکوم بوده‌اند. حاکمان نیز به دلیل استبداد و تبعیض نسبت به شیعیان و حتی اعطای تابعیت‌های دروغین برای عوض کردن بافت جمعیتی مذهبی، مورد اعتراض بوده‌اند (انتظار، ۱۳۸۹: ۵۱).

اما شاید آنچه اوضاع بحرین را این‌گونه و حساس برای شیخ‌نشینان کرده است نوع حکومت این کشور باشد. غالب کشورهای عربی به یکی از این دو شکل اداره می‌شوند: این کشورها یا دارای نظام پادشاهی هستند نظیر کشورهای عربستان، امارات، قطر، کویت، بحرین و... یا دارای نظام‌های سکولار غیر پادشاهی هستند نظیر مصر،

تونس، اردن، الجزایر و... در هر دو نوع این حکومت‌ها تقریباً در عمل نظام استبدادی با شیوه انتقال قدرت وراثتی اجرایی می‌شود. اگر دقت کرده باشید تمامی انقلاب‌های عربی که به مراحل جدی وارد شده‌اند - نظیر تونس، مصر، لیبی و یمن - در کشورهای دارای نظام غیر پادشاهی صورت گرفته است و به دلایل مختلفی که از نظر جامعه‌شناختی قابل بررسی است، کشورهای پادشاهی به صورت سنگین با این قضیه درگیر نشده‌اند و اندک رخدادهای کشورهای نظیر عمان یا کویت نیز هیچ‌گاه در حد و اندازه‌های یک انقلاب نشان نداده است و تحركات عربستان سعودی هم هنوز در مرحله شکل‌گیری است و نتوانسته است به نتایج جدی دست یابد.

در این میان اما بحرین یک استثناست که در یک شیخ‌نشین پادشاهی قیام‌ها به مرحله کشتار و راهپیمایی‌های جدی رسیده است. جدا از اینکه چه عواملی موجبات این استثنا را به وجود آورده است توجه به این نکته ضروری است که امروز پیروزی انقلاب بحرین هم چون یمن یا لیبی فقط اخراج یک دیکتاتور دیگر نیست، بلکه در حال حاضر بحرین به عنوان کلید انقلاب‌های مردمی و اسلامی در عربستان سعودی، کویت، امارات عربی متحده و عمان همه آنها را به واکنش واداشته است تا به هر کاری دست زنند تا از باز شدن این قفل توسط شیعیان بحرینی و باز شدن پای دومینوی انقلاب‌ها به کشورشان جلوگیری کنند. به نظر می‌رسد جلوگیری از بروز چنین اتفاقی شیوخ حاشیه خلیج فارس را به فکر سرکوب نظامی انقلابیون بحرینی انداخته است. اگر چه همین واکنش‌های منفعلانه نیز ممکن است نقش کاتالیزور را در این قیام‌ها بازی کند و نتیجه‌ای دقیقاً عکس خواسته آنان را به بار آورد. از آنجا که بدیع بودن این انقلاب‌ها پیش‌بینی آنها را نیز بسیار دشوار کرده است باید منتظر نشست تا نتایج اعمال انقلابیون و پاسخ‌های حاکمانشان را نظاره کرد (مؤنی، ۱۳۸۴: ۳۴).

شاید به جرأت بتوان گفت بعد از انقلاب عظیم اسلامی ایران، مهم‌ترین مسأله قرن جاری در خلیج فارس، بحث بیداری اسلامی و قیام‌های مردمی است که یکی پس از دیگری در کشورهای اسلامی در حال وقوع است. گرچه این بیداری فقط در بعضی از کشورهای عربی رخ داده است، اما به طور قطع محدود به این کشورها یا منطقه

جغرافیایی خاص نخواهد شد و به زودی دامنه‌های آن تا کل خلیج فارس و یا حتی به قول رهبر معظم انقلاب تا قلب اروپا پیش خواهد رفت.

## ۲-۲- ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین

بحرین یکی از قدیمی‌ترین کشورهای عربی است که همکاری‌های نظامی را با آمریکا آغاز کرد. بحرین و آمریکا در سال ۱۹۷۱ توافقنامه نظامی مشترکی را امضا کردند که براساس آن زمینی به مساحت ۴۰ کیلومتر مربع در اختیار آمریکایی‌ها قرار گرفت. در ژوئیه ۱۹۷۳ توافقنامه اخیر دوباره در دستور کار دو کشور آمریکا و بحرین قرار گرفت و در ۳۰ ژوئن ۱۹۷۷ به توافقنامه دیگری تغییر کرد. براساس توافقنامه جدید، نیروی دریایی آمریکا از تسهیلات گسترده‌ای در بندر سلمان بحرین برخوردار می‌شد (همتی، ۱۳۸۷: ۴۸).

همچنین از سال ۱۹۹۳ نیز فرماندهی منطقه‌ای نیروی دریایی آمریکا در بحرین مستقر شد و در ژوئیه ۱۹۹۵ هم بحرین میزبان ناوگان پنجم دریایی آمریکا شد. با اینکه دولت بحرین استفاده از این پایگاه برای انجام هر اقدامی علیه ایران ممنوع کرده، اما جمهوری اسلامی ایران اعلام نموده است، در صورت تجاوز به ایران، ناوگان پنجم یکی از ۳۷ هدفی است که به شدت مورد حمله قرار خواهد گرفت (منصوری، ۱۳۸۵: ۱۳۹). شکل‌گیری ناوگان پنجم؛ بعد از پایان جنگ و شکست فضاخت بار صدام بحرین موقعیت راهبردی یافت و در دوره ریاست جمهوری "بیل کلینتون" در سال ۱۹۹۵ اسلحه اصلی نیروی دریایی بحرین با تغییر کاربری گسترده و هجوم مهندسان آمریکایی به سرعت تجهیز، بازسازی و قدرتمند شد و ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در غرب منامه پایتخت بحرین افتتاح گردید. این اسکله در بخش غربی شهر منامه پایتخت بحرین قرار دارد و به طور معمول پذیرای ۲ تا ۴ ناوشکن در آن واحد است و حدود ۱۰ ناوچه نیز در آن پهلو می‌گیرند. تعدادی شناور تندرو هم در آن حضور دارند. ناوشکن‌های موجود در آن از نظر ظاهری به ناوشکن جماران ایران شباهت نسبی دارند. بیشتر ناوها به گشتزنی در محدوده آب‌های بین‌المللی خلیج

فارس و غیر سرزمینی ایران می‌پردازند و بقیه به صورت رزرو در اسکله پنجم بحرین می‌مانند (طارمی، ۱۳۸۲: ۶۴).

این ناوگان وظیفه حفظ و حراست از منافع آمریکا در خلیج فارس، دریای عمان، خلیج عدن و بخشی از دریای سرخ را بر عهده دارد. بخش سی‌تی‌اف ۱۵۸ ناوگان پنجم به عملیات در بخش شمالی خلیج فارس می‌پردازد (انتظار، ۱۳۸۴: ۱۷). ناوگان پنجم مانند بسیاری از پایگاه‌های نیروی دریایی آمریکا شامل: ملوانان، تفنگداران، خلبانان، ستاد فرماندهی، موتورست‌ها و کارمندان بخش‌های مختلف.

برابر اعلامیه‌های رسمی، مأموریت این ناوگان حمایت از آمریکایی‌ها در خارج از کشور، تأمین تنگه هرمز، باب‌المندب، کنال سوئز، حفظ کشتیرانی آزاد و پشتیبانی از جنگ علیه تروریسم، واکنش در برابر بحران آنی و همکاری با هم‌پیمان آمریکا در جنگ است. محدودیت عملیات این ناوگان، حدود ۵/۲ میلیون مایل مربع مساحت دارد و شامل ۲۷ کشور و ۶ دریا و ۳ نقطه حیاتی تنگه هرمز، باب‌المندب و کانال سوئز است. تعداد کشتی‌های ناوگان پنجم بیش از ۴۰ فروند کشتی جنگی است. مأموریت جنوب و شمال خلیج فارس، دریای سرخ، خلیج عدن، دریای عمان و عرب و اقیانوس هند را به عهده دارد. ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا مستقر در خلیج فارس به همراه سایر نیروهای هم‌پیمان برای تأمین امنیت و کنترل دریایی، اقدام به تشکیل نیروهای ویژه‌ای موسوم به «نیروی ویژه ائتلاف» کرده‌اند. جدیدترین نیروی ائتلافی با نام سی‌تی‌اف ۱۵۱ تحت فرماندهی آمریکا شکل گرفته است و تاکنون فرماندهانی از نیروی دریایی کشورهای آمریکا، انگلیس، کانادا، آلمان، ایتالیا، هلند، پاکستان، بحرین و... به سمت فرماندهی رسیده‌اند (انتظار، ۱۳۸۴: ۲۴).

نیروی ویژه ترکیبی ۵۶ در حوزه ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا نقش به‌سزایی بر عهده دارد. این نیرو از ۹ گروه ویژه مختلف از جمله نیروهای رزمی اعزامی (واکنش سریع)، نیروهای خدمات پشتیبانی، خدمات رزمی و... پشتیبانی می‌کند. مأموریت اصلی این نیرو تعیین، مدیریت و هدایت نیروهای فرماندهی رزمی واکنش سریع

دریایی، ارائه آموزش دریایی و آموزش به نیروهای جذبی جدید در سطح ناوگان پنجم است (همتی، ۱۳۸۷: ۱۲۶).

این نیرو دارای کارگروه‌های تخصصی مختلفی است که عبارتند از: ساخت و ساز دریایی، نیروهای خنثی‌سازی مواد منفجره، نیروهای غواصی و ریکآوری، نیروهای تأمین امنیت واکنش سریع دریایی، تیم‌های ارائه‌کننده خدمات غیر نظامی دریایی. این نیرو در هفت کشور منطقه مستقر شده و در کنار اجرای عملیات‌های تأمین امنیت دریایی، در عملیات‌های آزادسازی عراق، اشغال‌گری و عملیات تحمیل آزادی نقش به‌سزایی دارد. در راستای بهبود عملیات‌ها در ناوگان پنجم، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات نظامی نیز می‌نماید (www.militari.com).

### ۳- تأثیر حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مسئله دیگر که ممکن است حریم امنیتی ایران را دچار مخاطره کند، افزایش بازیگران بین‌المللی در کنار مرزهای جنوبی و به‌ویژه در منطقه خلیج فارس و نیز مرزهای غربی ایران و نزدیکی رژیم صهیونیستی به مرزهای جغرافیایی ایران است. تشکیل دولتی با محور آمریکا و به‌ویژه نزدیک به آمریکا می‌تواند در چند حوزه امنیت ملی ایران را با چالش روبه‌رو کند. طرح مجدد ادعاهای مرزی و به تبع آن افزایش ناامنی مرزی و تهدید حریم سرزمین ایران، استقرار بی‌ثباتی در غرب ایران و در نهایت تشکیل یک دولت غیر قابل اعتماد از جمله این مشکلات است. به‌طور خلاصه عدم شکل‌گیری ترتیبات امنیتی پایدار و مورد توافق تمام کشورهای خلیج فارس و گسترش حضور آمریکا، اصلی‌ترین چالش‌های امنیتی ایران در حوزه جنوبی به‌شمار می‌رود (حجار، ۱۳۸۱: ۶۲).

#### ۳-۱- حضور نظامیان آمریکایی در نزدیکی مرزهای ایران

با توجه به چالش‌ها و مشکلات موجود در خلیج فارس و در راستای رویکرد امنیتی کلی در سطح منطقه، ایران افزایش همکاری‌ها و مشارکت کشورها در ایجاد نظام امنیتی منطقه‌ای پایدار و مورد توافق در نتیجه فرآیند اعتمادسازی و اطمینان‌بخشی

متقابل را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است. بر این اساس، ایران تلاش‌های متعددی را برای تنش‌زدایی و اعتمادزایی با کشورهای عربی خلیج فارس به انجام رسانده و مداخله و افزایش حضور آمریکا در منطقه را نه تنها به عنوان مانعی در راه تحکیم پیوندهای خود با کشورهای عربی برای ایجاد امنیت در خلیج فارس تلقی می‌کند، بلکه حتی روابط دوجانبه نظامی-امنیتی آمریکا، با این کشورها را به عنوان عاملی عمده در جهت پیشگیری از همکاری‌ها و تعاملات خود با این کشورها به شمار می‌آورد.

آمریکا از تمام نقاط ضعف و تهدیدهای داخلی و خارجی منطقه برای رویارویی با ایران بهره جسته و در همه محورهای امنیت ملی ایران تهدیدهایی را متوجه ایران کرده است. هم‌اکنون نیز آمریکا در رابطه با جایگاه ژئوپلتیک ایران از راه‌های: ممانعت از عقد قرارداد بین ایران و کشورهای منطقه، کشیدن لوله‌های نفت از غیر مسیر ایران، به هم زدن روابط ایران و اتحادیه اروپا و دیگر کشورهای جهان از جمله ژاپن، چین و اتهامات نقض حقوق بشر، نبودن آزادی، ممانعت از دستیابی به فناوری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، ممانعت از انتقال فناوری به ایران، مقابله با ایجاد توانمندی بالا و قدرت برتر منطقه‌ای ایران، به دنبال تخفیف جایگاه آن است (حجاز، ۱۳۸۱: ۵۶).

آمریکا برخی موارد را با تحریم‌های اقتصادی و برخی را با تحریم‌های تسلیحاتی و برخی را با جنگ و عملیات روانی در سطح جهان اعمال می‌نماید؛ بنابراین با فروپاشی شوروی و افزایش جایگاه ژئوپلتیکی آمریکا به علت بازی حاصل جمع جبری صفر بین آمریکا و ایران، راهبردهای ژئوپلتیکی آمریکا کارایی بیشتری در صحنه بین‌الملل داشته و هرچه این کارایی بالاتر رود، تهدیدی جدی در خصوص جایگاه ژئوپلتیک ایران است که این تحول به ضرر منافع ملی و امنیت ملی ایران است (عبدالله خانی، ۱۳۸۴: ۹۳).

### ۲-۳- عوامل تحریک‌آمیز آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

خصومت ایالات متحده با ایران ظرف سه دهه اخیر به امری عادی در سیاست خارجی ایران تبدیل شده است؛ با وجود اینکه این خصومت در مقاطعی افت و خیز داشته، اما

باید اذعان کرد هیچ‌گاه به اندازه سال‌های اخیر شدید نبوده است. عوامل تحریک‌آمیز آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران تهدیدهای بین‌المللی و منطقه‌ای محسوب می‌شود. با توجه به پیوستگی سیاست داخلی و خارجی، تهدیدهای خارجی و داخلی نیز باید در بسیاری از موارد هم‌پوشانی داشته باشند (اصفهانی، ۱۳۸۳: ۱۱۵). اگر بخواهیم تهدیدهای ایالات متحده علیه ایران که بسیاری از ناظران را به جمع‌بندی طرح حمله آمریکا به ایران رسانده است را برشمردیم، می‌توانیم موارد زیر را بیان کنیم:

- ۱- حاکمیت جناح افراطی و تندرو حزب جمهوری خواه در آمریکا؛
- ۲- نفوذ گسترده لابی صهیونیستی در حاکمیت آمریکا؛
- ۳- روابط نزدیک و پیوندهای عمیق آمریکا با رژیم صهیونیستی؛
- ۴- گنجاندن نام جمهوری اسلامی ایران در فهرست هفت کشور تهدیدشده به بمباران هسته‌ای؛
- ۵- گنجاندن نام جمهوری اسلامی ایران در فهرست کشورهای به اصطلاح محور شرارت (حامی تروریسم)؛
- ۶- حضور در دریای خزر از طریق آذربایجان و استقرار در منطقه قفقاز و آسیای میانه؛
- ۷- تکمیل حلقه محاصره ایران با اشغال عراق؛
- ۸- ایجاد ائتلاف با برخی کشورهای اروپایی و منطقه‌ای علیه ایران؛
- ۹- حضور گسترده در خلیج فارس و گسترش سلطه بر منطقه؛
- ۱۰- به کارگیری شورای امنیت در جهت اهداف و مقاصد سلطه‌جویانه؛
- ۱۱- ایجاد ژئوپلیتیکی در منطقه حساس خلیج فارس و تغییر نقشه سیاسی منطقه خلیج فارس؛
- ۱۲- ایجاد و تشدید اختلافات قومی و نژادی در جهت تجزیه کشور؛
- ۱۳- القای حاکمیت دوگانه و گسست میان مردم و حاکمیت؛
- ۱۴- ایجاد بدبینی و نارضایتی در میان مردم نسبت به حاکمیت؛
- ۱۵- اشغال جزایر سه‌گانه ایرانی خلیج فارس؛
- ۱۶- تقویت و پشتیبانی اشرار در منطقه شرق کشور؛

۱۷- محاصره دریایی ایران برای جلوگیری از صدور و ورود کالا. این تهدیدها با حمله آمریکا به عراق به عنوان یک کشور اشغالگر مطرح شد و اینکه به صورت یک کشور همسایه با جمهوری اسلامی ایران در آمد، جدی تر شده است (امامزاده فر، ۱۳۸۶: ۲۳۰).

### نتیجه گیری

مساحت ۷۱۲ کیلومتر مربعی و جمعیت بیش از یک و نیم میلیونی بحرین، این کشور را از دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس متمایز می نماید و به آن اهمیت دوچندان ژئوپلیتیکی می بخشد:

اولین ویژگی ترکیب مذهبی - طایفه ای است که بر خلاف دیگر کشورها، شیعیان در بحرین از اکثریت قابل توجهی برخوردارند، در حالی که در سایر کشورها، شیعیان اقلیت بزرگ آن را به خود اختصاص داده اند.

ویژگی دوم فعالیت های سیاسی و حضور مخالفان در بحرین است که یکی از قدیمی ترین تاریخچه مبارزاتی را در میان تمامی کشورهای این منطقه به خود اختصاص داده است.

ویژگی سوم هم حضور بحرین در میان دو کشور بزرگ جهان اسلام به این کشور جایگاهی ژئواستراتژیکی و مهم بخشیده، به نحوی که از یک سو با عربستان به عنوان کشور بزرگ اهل تسنن در جهان اسلام و از سوی دیگر با ایران به عنوان کشور بزرگ جهان تشیع در این جهان همسایه است و گرایش این کشور به سوی هر یک از این دو می تواند دامنه فعالیت گسترده ای را برای آن کشور در منطقه فراهم کند. همین جایگاه باعث شده است تا ایالات متحده به عنوان طرفی ثالث و یک قدرت فرامنطقه ای در بحرین مستقر شده تا به درخواست دولت بحرین نوعی توازن بین این دو قدرت به وجود آید. ایالات متحده از ایجاد فضای روان شناختی منفی نسبت به قدرت و نیت جمهوری اسلامی ایران برای مشروعیت بخشی به حضور خود در خلیج فارس استفاده نموده است و برپایه همین تهدید، همکاری های نظامی - امنیتی خود با کشورهای منطقه خلیج فارس به ویژه بحرین را تعمیق داده است.



در این پژوهش یک سؤال اصلی مطرح شد بدین مضمون که؛ حضور نظامی آمریکا در کشور بحرین تا چه اندازه‌ای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داده است؟ به طور مختصر و مفید پاسخ آن به شرح زیر است؛

۱- حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در بحرین قدرت و نفوذ راهبردی و ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران را در تنگنا قرار می‌دهد. حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در بحرین در تضاد و تعارض با سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. به این معنا که سیاست خارجی ایران در پی تقویت، حفظ و در نهایت تثبیت نیروهای شیعی در منطقه خاورمیانه است که نمونه‌های موفق آن را می‌توان در لبنان و عراق مشاهده نمود، اما حضور نظامی آمریکا در کشور بحرین از طریق تحت فشار قرار دادن حاکمان و دولت بحرین در راستای سیاست منطقه‌ای آمریکا که در تقابل با سیاست مذکور جمهوری اسلامی ایران است، مانع غیر مستقیمی در اجرای این سیاست جمهوری اسلامی ایران به وجود می‌آورد.

۲- حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در بحرین مانع روابط گسترده سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشور بحرین شده است. به عبارت دیگر موقعیت راهبردی و ژئوپولیتیکی بحرین در خلیج فارس و اعتراض شیعیان در این کشور علیه حاکمان سنی از جمله دلایل رقابت ایران و عربستان در این کشور محسوب می‌شود که دامنه آن راهبرد ایالات متحده را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در نهایت باید گفت حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در کشور بحرین باعث تحت تأثیر قرار گرفتن امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از جهت افزایش هزینه‌ها و تجهیزات نظامی و منابع اقتصادی شده است.

کتابنامه:

- ۱- اسدی، بیژن (۱۳۸۱)، خلیج فارس و مسائل آن، تهران: سمت.
- ۲- اسدیان، امیر (۱۳۸۱)، سیاست امنیتی آمریکا در خلیج فارس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳- اشرفی ریزی، حسن و کاظم پور، زهرا (۱۳۸۶)، ارتباط در جهان معاصر تحول اندیشه‌ها، تهران: نشر شهر.
- ۴- اصفهانی، احمد (۱۳۸۳)، اهمیت استراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز، نشریه تبیان، شماره ۵۸-۵۹.
- ۵- اطاعت، جواد (۱۳۷۶)، جاذبه‌های ژئوپلیتیک ایران در رفتار ایالات متحده آمریکا، فصلنامه ۱۵ خرداد، شماره ۲۶.
- ۶- امامزاده‌فر، پرویز (۱۳۸۲)، سیاست خلیج فارس‌ای آمریکا در دوره ریاست جمهوری جرج بوش، تهران: ابرار معاصر.
- ۷- انتظار، امیر (۱۳۸۴)، آمریکا میهمان ناخوانده، نشریه اعتماد ملی.
- ۸- باقری دولت‌آبادی، علی (۱۳۸۳)، راهبرد جدید امنیتی آمریکا و امنیت منطقه خلیج فارس، نشریه اطلاعات، شماره ۱۸.
- ۹- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۱)، ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۱۰- حجار، سامی (۱۳۸۱)، آمریکا در خلیج فارس، چالش‌ها و چشم‌اندازها، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، تهران: ابرار معاصر.
- ۱۱- راثمل، اندرو (۱۳۸۲)، سیستم امنیتی جدید خلیج فارس، ترجمه پریسا کریمی‌نیا، نشر نگاه، ج ۴، شماره ۳۷.
- ۱۲- سپهری راد، ابوالفضل (۱۳۷۹)، بیگانگان در خلیج فارس، نشریه صف، شماره ۱۸.
- ۱۳- طارمی، کامران، (۱۳۸۲)، تحلیلی بر اهداف و ابزار دکترین بوش در مبارزه با تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی، در کتاب (آمریکا ویژه دکترین امنیت ملی بوش در خلیج فارس)، تهران: ابرار معاصر.

- ۱۴- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۴)، امنیت بین‌الملل (۳) فرصت‌ها و تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت جمهوری اسلامی ایران، تهران: ابرار معاصر.
- ۱۵- کریگ، مایکل (۱۳۸۶)، بررسی چهارچوب‌های امنیتی جایگزین در خلیج فارس، ترجمه خدیجه حیدری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۶- گوهری مقدم، ابوذر (۱۳۸۴)، آمریکا و رژیم امنیتی خلیج فارس، نشریه همشهری دیپلماتیک، شماره ۴۱.
- ۱۷- متقی، ابراهیم (۱۳۷۶)، تحولات سیاست خارجی آمریکا، مداخله گری و گسترش، (۱۹۹۷-۱۹۴۵)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۸- منصوری، جواد (۱۳۸۵)، آمریکا و خلیج فارس، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۱۹- مؤمنی، میرقاسم (۱۳۷۸)، حضور آمریکا در خلیج فارس، اهداف و روندها، مربوط به کتاب خلیج فارس ویژه خلیج فارس، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۲۰- همتی گل سفیدی، حجت‌الله و اقارب پرست، محمدرضا (۱۳۸۷)، تهران: هجدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۲۱- یافه، جو دیس. اس (۱۳۸۶)، راهبردهای امنیتی خلیج فارس، ترجمه سیدمجتبی عزیزی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

#### وب‌گاه‌ها:

1- [www.militari.com](http://www.militari.com)